

دَارُ وُجْهِهِ



شماره عقرب ۱۳۴۷



باین

درست بسیمای این جوان مجاهد و این فرزند برومند اردوی شاهانه دقت فرمائید ، این هیکل مردانه و این چشمانی که بارقه وطن پرستی و روح جوانمردی از آن می تابد ، این نگه ژرف و عمیقی که برای هموطنان ما مظهر شادمانی و برای دشمنان ما تیر جانکاه و آتش خرمین زندگی شان است ، این صلابت و متانت و غرور ملی که نمودار مفاخر برجسته باستانی و پاسدار افتخارات سرمدی و جاودانی کشور ما است ، این چهره نجیب با وقار که با سر نیزه آهنین خویش در کوهپایه های سرزمین ما پاسبان تمثیلات ملت و حافظ استقلال مملکت و فرمانبردار شهریار عسکر پرور خویش است و بالا خره این تمثال فرخنده که ممثل افغانیت و ظنهر قدرت و عظمت اردوی قهرمان افغان است ، بازبان فصیح و آهنگی که طنین کلمات آن را تنها گوش مردان فداکار و وطن پرست واقعی میشود بیانگ رسا فریاد میزند که :

من عسکرم

نوشتهء

ما

توجه

تا روپود زندگی من وقف سعادت و سر بلندی ملت من است .
خون گرم و روح پاک من بآرزوی شهادت و قربانی در راه
وظیفه می تپد .

من مرگ ندارم زیرا مرگ برای آنهایی است که وطن خود
را فراموش می کنند و واجبات ملی خود را از یاد میبرند
اما من ، من ، زنده جاویدم ، زیرا مردانه وار بکام مرگ
فرو میروم و از بی ننگی و نامردی همیشه بیزارم !!!

فرمائید!!!

فہرست این شمارہ

.....

صفحہ

نویسنده

مضمون

		مسابقات بزم کشی در میدان بگرامی
		پیام جلا لتمام وزیر دفاع ملی
۱	جگرن فیض محمد «عاطفی»	خصه اول ملی
۳	برید جنرال عبدالقدیر «خلاق»	اناتومی
۱۰	عبدالرزاق «توخی»	سہم تاملیات تخنیکی در حرب
۱۶	علی احمد «جلالی»	مختصری از اساسات تشکیلات
۲۲	نور اللہ «تالقانی»	سیر انکشاف اردو
۲۶	عبدالعلیم	سرگذشت اتوم
۳۰	عبید اللہ «حیدری»	انجنیران جاپانی در جستجوی
۳۴	غلام سرور «شہباز»	دیوار چین
۳۸	انجنیر محمد اکبر «مقصودی»	قواعد و اشکال حربہا . . .
۴۳	دگروال ارکان حرب محمد اسمعیل	تعلیم و تربیہ تا کتیکہ . . .
۴۶	ن . ت	شعر و ادب
۴۸	احمد واغزی	مونت گویری اور وول . . .
۵۷	دوکتور قمر الدین «اکسیری»	تجربیات و معلومات مفید طبی
۶۳	جگرن محمد جان «فنا»	عدالت
۶۵	برید من عطا محمد «نظار»	توپچی در صحرا
۶۸	زلمی زہیر	نظری بہ المپیہا ہای باستانی
۷۱	ضیاء ہمایون	تعرض تولی پیادہ موتر دار
۷۵	فیض محمد «عاطفی»	اعلام لغات
۷۸	شا کرہ «عظیمی»	فہمیت در پیرامون زندگی
	سید اجان «چپہاری»	اقتصاد تر میلادہ د تاریخ
	آقا محمد «بیغرض»	زہہ ورتیا
۸۶	م حسام الدین «محتشمی»	شہابہا
۹۳	ظریف «صدیقی»	نگاہ عمومی بسازمان ملل
۹۷	محمد اسمعیل «اختیاری»	در جهان عسکری
۱۰۲		اخبار اردو
۱۰۶		مشغولیتہای فکری



ذات شاهانه و عليا حضرت ملكه معظمه مسابقات بزرگشني را

در ميدان بگرامي مشاهده فرمودند

تيم بزرگشني ولايت تخار قهرمان امسال شناخته شد



هيچان انگيزي از مسابقه بزرگشني روز ۲۲ ميزان را مشاهده ميشود.

اعليحضرت معظم همايوني و اعليحضرت ملكه معظمه حينئذ صحنه

گرددیده و هزاران نفر در اطراف ميدان و تپه های مجاور آن برای تماشاى اين مسابقه بزرگ بزرگشني اخذ موقع کرده بودند .

از شاه شهيدالى ميدان بگرامي در دو طرف مسير موکب اعليحضرتين هزارات نفر از شهريان کابل و نواحى آن ورود ذات شهريارى و اعليحضرت ملكه معظمه را با ابراز احساسات شاهد و مستى بدرقه کردند موقعيکه اعليحضرت معظم همايوني به کمپ شاعى تشریف فرما شدند سرده از دو جناح کمپ برای

اولمپيك سر حکم و دگرمن جنت خان منکل حکم ميدان در مقابل کمپ سلطنتى قرار گرفته رسم احترام را بجا آوردند و مسابقات بزرگشني بين تيم های بدخششان و کندز آغاز گردیدند . در مسابقات فوق تيم بدخششان در مقابل تيم کندز غالب تيم جوزجان در مقابل تيم فارياب غالب ، تيم بلخ و بغلان مساوى و تيم تخار در مقابل تيم سمنگان غالب گردید ، اطراف ميدان گلف واقع بگرامي بايبرف های ملي و شاعى افغانستان مزین

والاحضرت شهزادگان گرامي ، والاحضرت مارشال شاه وليخان غازي فاتح ، والاحضرت شاهدخت شمس پهلوي سميعان والاحضرت شهزاده احمد شاه و عمراهمان شان اعضاء شورا ، مامورين عالی رتبه عسکري و ملکی حضور بهم رسانیده بودند .

قبل از آغاز مسابقه رؤسای تيم های بزرگشني با چاپ اندازان تيم ها به همراهی والاحضرت سردار عبدالولي آمر عمومي ميدان و پناغلي نور محمد مدير عمومي فني

استقبال شدند .

ذات شهريارى در ختم مسابقات رؤسای تيم های بزرگشني و چاپ اندازان را مورد تفقد و نوازش قرار داده و از انکشاف مزید و تنظيم بهتر اين سپورت باستانی اظهار رضایت فرمودند رؤسای تيم های بزرگشني از طرف تيم های خود مراتب تبریکات شانرا به مناسبت اين روز فرخنده بحضور ملوکانه بعرض رسانیدند .

برای تماشاى مسابقات بزرگشني که تا حوالي ساعت چهار عصر دوام داشت والاحضرت شهزاده احمد شاه

در مدخل کمپ شاعى اعليحضرت معظم همايوني و اعليحضرت ملكه معظمه از طرف والاحضرت شهزاده احمد شاه ، والاحضرت مارشال شاه ولي خان غازي فاتح کابل ، بناغلي نور احمد اعتمادي صدر اعظم دكتور عبدالظاهر رئيس ولسي جرگه ، سناتور عبدالهادي داوى رئيس مشرانو جرگه ، پوهاند دكتور عبدالحکيم ضيائي قاضى القضاة ، معاونين صدارت ، اعضاء کابينه ، جنرالان اردوى شاهانه ، رؤسای کورديپلوماتيك باخانم های شان

اعليحضرت معظم همايوني و اعليحضرت ملكه معظمه ساعت دو بعد از ظهر ۲۲ ميزان مسابقات سهج و باستانی بزرگشني را که بمناسبت پنجاه و پنجمين سالگروه ميلاد مسعود ذات شهريارى توسط چاپ اندازان هشت ولايت شمالي کشور در ميدان بگرامي صورت گرفت مشاهده فرمودند . موکب ذات شاهانه و اعليحضرت ملكه معظمه ساعت يك و پنجاه و پنج دقيقه بعد از ظهر به ميدان گلف بگرامي مواصلت کرده و ذات شاهانه سلام گارد احترام راقبول فرمودند .



تیم بزکشی ولایت تخار که قهرمان بزکشی سال ۱۳۴۷ شناخته شده است در این فوتوبانگلی میر محمد متیم رئیس تیم های بزکشی صنجات شمال نیز دیده می شود

شانرا به سینه های شان تعلیق فرمودند .

روسا و اعضای تیم های بزکشی باو کلا و سناتوران ولایات مربوط در شوری نان چاشت را به حضور ملوکانه در سبزه سلطنتی صرف کردند .

را از بارگاه خداوند بزرگخواستار شدند و ترقیات مزید افغانستان عزیز را تحت قیادت ذات ملوکانه آرزو نمودند .

ذات شاهانه هر یک از اعضای تیم را مورد تهنیت قرار دادند و نشانهای پنجاه و پنجمین سالگرد میلاد شاهانه

ابر از احساسات از یکدیگر سبقت کردند ذات شهر یاری بتاریخ ۲۷ میزان ۴۷ بیرق های قهرمانی را به تیم بزکشی ولایت تخار کدهه مقابل دو نمبر که در مسابقات بزکشی میدان بگرامی بچیت قهرمان امسال شناخته شده بود بدست حق پرست شاهانه اعطا فرمودند شطارت های اعضای تیم بزکشی ولایت تخار واقعا قابل یادآوری میباشد مخصوصا هنر نمایی و دلیری های بناغلی پهلوان خوش محمد، پهلوان عبدالحفیظ پهلوان سید عمر و پهلوان همراه خیلی ها قابل تدر است .

اعلیحضرت معظم همایونی همچنان بیرق ها کپ های نقره ای را به روسای تیم های بزکشی ولایات جوزجان، بدخشان، بلخ، کندز و سنجان اعطا نمودند

روسای تیم های بزکشی از اینکه اینها موقع یافتند افتخار اشترک را در مسابقات بزکشی روز میلاد مسعود شمیریای حاصل دارند اظهار شکران نموده طول عمر، صحت و سلامتی اعلیحضرت معظم همایونی



پهلوان عبدالحفیظ
یکتن از بزکشی های
شهر ولایت تخار

پهلوان خوش محمد
که در میدان گلف
بگرامی دوبار بزرا
بدا یرده حلال رسا نید
و باینصورت قهرمان
امسال شناخته شد



همه ساله در ماه میزان یکم هفته بنام سره میاشت تجلیل می گردد و در سرتاسر کشور مراسمی درین باره برگزار شده و مردمان خیر اندیش و بشردوست کهکهای مادی و معنوی خود را باین کانون انسانیت و سازمان بشری عرضه میدارند - منسوبین اردوی شاهانه نیز بصفت بزرگترین همکاری و معاون سره میاشت در این مراسم فرخنده اشترک میورزند. بیانیه عالیقدر جلالتماب سترجنرال خان محمد وزیر دفاع ملی بنمایندگی از اردوی قهرمان شاهانه در پیرامون هفته سره میاشت شامل نکات برجسته و اندیشه های قیمتداریست که احساسات و عواطف خیر خواهانه اردو را بشکل مؤثری تمثیل میدارد. اینک مجله اردو متن خطابه جلالتماب ممدوح را که از رادیو افغانستان برود کاست گردید درینجا نشر میدارد تاخوانندگان عزیز ما با مطالعه آن وابستگی مزید خویش را باموسسه سره میاشت حفظ فرمایند.



جای مسرت و خوشی است که
 لحظاتی چند از رادیو افغانستان
 پیام سرشار از عواطف صمیمانه ام را
 با استقبال هفته سره میاشت
 بسمع هموطنان گرامی میرسانم .
 در جهان امروزی ما که آفات
 و مصایب گوناگون هر لحظه بنیان
 آرامش مردم را بر هم میزنند و
 روح انسان در تاریکی و فشار این
 حوادث نا مطلوب دچار
 اضطراب و تشویش است ،
 موجودیت سازمانهایی که بر پایه
 اخلاق عالی و کرامت بشری
 استوار بوده و رنجهای جسمی و
 روحی را تسکین می بخشد ،
 بزرگترین پناهگاه معنوی و منبع
 تسلی بخش آلام و بدبختی های
 نوع انسان بشمار میرود .
 هر قدر که مبانی این مؤسسات
 خیریه و بشری از صفا و صمیمیت
 سر چشمه بگیرد و هر چند که
 شالوده آن ها بر اساس مفهوم
 انسانی قرار داشته باشد ، بهمان
 پیمانہ اثرات ثمر بخش آن
 وسیعتر و عالیتر خواهد بود .
 امروز دنیای ما در پهلوی تمام
 پیشرفتهای مادی ، به جستجوی
 منابع معنویست تا خود را با اعتماد
 کامل باغوش آن رها ساخته و از
 تشوشات روحی خویش بکاهد .
 مؤسسات خیریه سره میاشت
 که نامهای مختلف و اید یال
 واحدی را دارا میباشند در تمام
 جهان ، منشأ و مرکز این
 آرزو های خیر پسندانه نوع بشر
 محسوب میگردد .
 در محیط سره میاشت ها از
 اختلافات ذات البینی ملت ها و
 تبعیض نژادی و مرامهای مختلف
 سیاسی ، اثری پدیدار نیست ،
 همه جهانیان از هر دین و از هر
 طبقه و هر گروه ، باشعار انسانیت
 زیر لوای سره میاشت اجتماع
 میکنند و همه یکدل و یک زبان
 به تقویت و حمایت آن میکوشند .

در صحرا های سوزان ، در کوه پایه های شامخ ، در اعماق دره ها ، در آسمان و زمین و در ابحار بی پایان ، همه جا پرچم سره میاشت در اهتزاز است و در هر سر زمین و هر گونه شرایط اقلیمی و جوی بکمک بیچارگان و مصیبت رسیدگان می شتابد . امروز در قبال محاربات جهنم آسا و تباه کننده ، با موجودیت انواع اسلحه مودرن و وحشت آور و شیوع امراض گوناگون ، زندگی انسان هارا همیشه خطرات مختلف تهدید میکند و هنگام بروز این فجایع است که تنها دست پر نوازش سره میاشت ، بکمک مجروحین زخمیان و مبتلایان امراض مختلف دراز میشود و آنهارا از خطر مرگ و نابودی نجات میدهد .

سره میاشت ها بمنظور پیشبرد اینگونه مرامهای خیر اندیشانه ، بکمک های مستقیم و دوامدار همه ما احتیاج دارد زیرا معاونت های ما است که بنیان اقتصادی سره میاشت را مستحکم ساخته و در مواقع ضروری و بحرانی این کمک ها از طرق مختلف ، مجدداً اعاده می دارد .

سره میاشت نزدیکترین همکار و معاون اردو است ، و هنگام سفر

بالخاصه در قسمت تداوی و تخلیه مریضان و زخمی های میدان محاربه ، به همکاری دامنه دار خویش اداءه میدهد .

اردو شاهانه افغان ، با سره میاشت پیوند عمیق و ناگسستنی داشته و در اوقات مختلف مادتهاً و معناً هر گونه معاونت های لازمه را برای تقویت این سازمان خیریه بعمل آورده است ، در حوادث سیلابهای چخا نسور پر سونل و وسایط مختلف اردو با سره - میاشت یکجا بکمک آسیب دیدگان استخدام گردیده و در موقع ضرورت داش های سیار نان پزی و مطبخ های سیار لوژستیک اردو بمنظور معاونت در مرکز ، خدمات مهمی را انجام داده ، در صفحات شمال کشور وسایط نقلیه اردو مصدر خدمات بزرگی گردیده و در حوادث اخیر زلزله کشور همسایه و دوست ما ایران ، قوای ترانسپورت هوایی و زمینی اردو بکمک مصیبت رسیدگان شتافت پا و صنف آن اردو در هر موقع با این مؤسسه عام المنفعه به همکاریهای روز افزون خویش ادامه خواهد داد .

علاقی نیک و پر حرارت ما با سره میاشت ، مولود تعلیمات

عالیه دین مقدس اسلام است که ما را همیشه بدستگیری بیچارگان و بینوایان و آسیب دیدگان توصیه میدارد .

سره میاشت افغانی با وصف آنکه از تاسیس آن زمان زیادی نمیگذرد ، بارهنمایی های حکیمانه ذات شهریاری سر قوماندانان اعلی اردو و فداکار افغان و تدابیر برجسته و پر ارزش والا حضرت شهزاده احمد شاه رئیس عالی جمعیت و دیگر همکاران آن مؤسسه روز بروز مراحل انکشافی خویش را پیموده و در وقوع حوادث غیر مترقبه داخلی و خارجی مصدر خدمات گرانبهائی گردیده است که ما را بآینده تابناک سره میاشت زیاده تر امینوار میسازد .

امیدواریم سره میاشت مادر قطار ، دیگر مؤسسات خیریه جهانی مقام عالی و موقوف بشری اش را بشکل آبرو مندانه تر و فداکارانه تر احراز نماید .

من بنمایندگی از اردو فداکار شاهانه ، آمادگی خود و تمام منسوبین اردو را بهر گونه کمک های مادی و معنوی ابراز داشته ، موفقیت و سرفرازی این سازمان شریف را از بارگاه خداوند متعال تمنا میکنم .

خصائل ملی



نویسنده: جگپن
فیض مجدعاظمی
مدیر مجله اردو

مردمانی اهل شعر و ادب میباشند، مردمان کشور های مختلف جهان، خصائل منی مختلفی دارند که ما از ذکر نام و خصائل اختصاصی شان نظر بمجال تنگ این مضمون صرف نظر میکنیم .

ملت ما هم در قطار این ملل ، دارای خصائل خاصی است که مجموعه مشترکی از زیبایی ها و بعضاً نارسائی ها در آن مضمیر است مادرینجا به خصائل انگشت میگذاریم که جزو مفاخر و موارث آبرو مندانه و نجیبانه مردم ما بشمار میرود .

ازینکه مابه این خصائل بعرو زمان عادت گرفته ایم و شاید عکس العمل مادر موقع بروز و ظهور آن بشکل غیر ارادی و اتومات صورت گیرد احتمال دارد خودمان بدرستی آنرا درك کرده نقوائیم وقتی بما هیت این خصائل ملی پی میبریم که بخارج از کشور

هرملت با توجه به سوابق تاریخی ، مذهبی ، عادات و سنن موروثی ، اوضاع جغرافیائی و ساختمان طبیعی خویش یکدسته خصائل و اخلاق خاصی دارند که با داشتن همین دستاویزهای مشخص ، از ملتهای دیگر ممتاز می باشند و ما همین مجموعه عرف و عادات و روش های اخلاقی و ارزش های اجتماعی ملت ها را بزعم خود درین مقالته «خصائل ملی» نام گذاشتیم شاید برای درك و استنباط کامل این مطالب، عنوان مذکور نارسا و ناقص باشد، اما باز هم تا حدودی میتوانم مفهوم لازمه را ادا کنم. ملتهای مختلف جهان، اعم از غربی و شرقی خصائل ملی خاصی دارند. هستند مردمان کشور هایی که بطور مثال، بعضی کینه توز بعضی با گذشت برخی عیاش و استراحت طلب، جمعی فعال و زحمتکش، کسانی دررشته های تکنیک استعداد دارند و

خویش مسافرت کنیم و یا از زبان
یک نفر اجنبی که بداخل مملکت
ما آمده باشد، حقایق را بشنویم.
نگارنده با رفتن سفر مختصری
بخارج و تماس با مردمی که از
کشور ما دیدن کرده بودند
دانستم که خصائل ملی ما بجدی
شرافتمندانه و عالی منشانه است
که نظیر آن را در جای دیگری
یافته نمیتوانیم.

مردم ما مظهر پیش آمد گرم
و عواطف صمیمانه بوده، در
مهمان نوازی خالصانه و گرمانه
هیچ ملتی را نمی توانیم
با ملت خود مقایسه کنیم.
افغانها در برابر یک نفر خارجی که
آن را مهمان خود می شمارند هر
گونه همکاری و رهنمائی و عمرائی
شرافتمندانه را حتی توأم با ایثار و
تحمل مصارف مادی انجام میدهند
و یک نفر خارجی احساس بیگانگی
در بین مردم ما نمی کند. اینها
حقایق و واقعیت عائی است که
نگارنده در خارج از کشور بدان
خوبتر آشنا شدم و دانستم که
اکثریت سیاحین و کسانی که به
مملکت عزیز ما آمده اند خاطرات
خوش و شیرینی را با خود پارمغان
برده اند.

وقتی ما بخارج سفر کنیم و با
مردم از نزدیک تماس برقرار نمائیم
آنوقت است که خصائل ملی مردم
ما بی اختیار در جلو چشمان ما
مجسم میشود و پی میبریم که این
خصائل، بزرگترین سند افتخار و

حمایل گئی است که زمینده گردن
قوم یا شهامت و شریف ما است.
شما در کشور خویش با دیدن
هر فرد افغان بهر مقام و موقعیتی
که باشد بخوبی میتوانید انتظار
همکاری و اعتماد داشته باشید این
خصیصه ایست که از هزاران سال
باید طرف در فطرت مردم ما بود یعنی
گذاشته شده است در حالیکه چنین
خصیلت برجسته و نجیبانه را شما
در مردم دیگر بسیار بدرت یافته
میتوانید زیرا روح مادیت و زندگی
ماشینی به نحوی مردم را فریفتد و
مجدوب ظواهر فاسد خویش ساخته
است نه کمتر کسی بکسی توجه
دارد و عمده مسائل در پهلوی پول
سنگش میشود.
این میراث های گرانبها که

ملت ما را از دیگران ممتاز ساخته
و در نظر جهان نیان ارزش معنوی
و اخلاقی مردم ما را بلند برده
است باید مورد تشویق و تقدیر
قرار گیرد تاریخهای عمیق آن
در نهاد مردم قویتر گردد و
تند باد حوادث نتواند در بنیان
این خصائل ملی رخنه وارد سازد
زیرا مهمان نوازی و سخاوت و
ایثار و کار کشائی کاری نیست
که بصورت تحمیلی و تقاضا بتوان
بدان انامه داد اینها مسائلی
هستند که با فطرت و روح یکقوم
مزج گردیده و در فرصت لازمه
بشکل غیر ارادی تبارزی نماید.
زنده باد ملت نجیب ما با روح
بزرگ منشانه و فطرت گرمانه
اش !!

افزایش نفوس جهان

در کشورهای جهان چه غنی و چه فقیر موضوع مهاجرت روستائینان
بشهرها بزمشکنی تغذیه و مسکن افزوده است در سال ۱۹۵۶ آنها (۶)
کشور جهان بیش از سه میلیون نفر جمعیت داشتند و این تعداد اکنون به ۱۶
رسیده است این شهرها عبارتند از توکیو - نیویورک - شانگهای - مسکو -
لندن - بمبئی - پکن - کاپ - ریودوژانیرو و نیقیته سن - لنینگراد - سائو پولو -
ازاکا - مکزیکو و کلکته این میلیونها جمعیت غذا - مسکن لباس -
بهداشت - تعلیم و تربیت و ... میخواهند و تامین اینها اگر غیر ممکن
نباشد بسیار سخت است (البرتو کامارگو) رئیس جمهور سابق کلمبیا
ضمن بحث در این مورد میگوید: مشکل بزرگ عصر ما اینستکه بشر توانسته
تاحدی مرگ را کنترل کند ولی هنوز از کنترل تولد و تناسل عاجز
است.

برای جلوگیری از افزایش بیقاعده جمعیت جهان و نظریه وجود دارد.
کنترل خانوادها - این امر در کشورهای آزاد و متمدن عملی نیست چون
نمیتوان آزادیهای اولیه بشر را نقض کرد ۲ - گسترش اقتصادی جهان
بمنظور تامین وسایل زندگی برای جمعیت اضافی. ولی چنین بنظر میرسد
که راه حل قطعی عبارت است از تلفیق این دو نظریه باهم.

انatomy یا ساختمان

لیدرشپ

طوریکه اکثری از خوانندگان گرامی میدانند لیدرشپ در دنیای کنونی اهمیت خاصی را کسب نموده و هر یک از نویسندگان از جمله بنوبه خویش در حوضه خواص و اوصاف معیزة لیدرها و آرت لیدر شپی قلم فرسائی های کرده و می کنند. این مبحث دلچسپ در حقیقت آرت و صنعت اداره جمعیتی از انسان هائی است که

به تحت اثریک لیدر فعالیت می نمایند اگر انسانی به فحوای مقوله (آنچه بر خود نمی پسندی بدیگران رومدار) رفتار می نماید، بدون شک و تردیدی می تواند تقریباً ۹۵ فیصد تکنیک لیدر شپی را در اجرا آت و اداره خود تطبیق و بدین وسیله قلب آن طبقه انسانی که عنان فعالیت او شان بدست او سپرده شده است میتواند تسخیر و استیلا نماید، و لیدر های مؤفق انهایی اند، که در پرتو عمیق شدن به خواص و عادات مادو نان خود، بتوانند انها را به سوی استقامت مطلوب طوری رهنمون نمایند که او شان بر حسب ارزو و مرام خویش، بدون تطبیق جزئی ترین قوه، بانطرف سوق گردند. گویا وقتی مادونی احساس می نماید که رهنمایش همواره برای خیر و بهبودی و صلاح اومی کوشد در آن حال طور اتوماتیکی در حلقه استیلای او درآمده و بیک اشاره آمر، ولو که قربانی جان و مال او هم در آن دخیل باشد، باز هم از هیچگونه همکاری و ایثار مضایقه نخواهد کرد.

چون آرت و تکنیک لیدر شپی یک استعداد عجیبی است که دست طبیعت در بدو خلقت آنرا در نهاد

هر لیدری بشکل مخصوص جاگزین گردانیده و هر کدام به رنگی آنرا از خود نشان می دهد بنا علیه هیچیک دو لیدری نیست که از هر نقطه نظر مانند یکدیگر یک سان و مشا بهه باشند. گرچه ممکن است که بسا نقاط و اوصاف مشترک کی را دارا باشند مگر ازینکه فی صد صد انها را مانند عمدیگر خواند دور از حقیقت خواهد بود.

یکی از اوصاف لیدر خوب این است که همواره رونق نوینی را از خود ایجاد و مجرای کار را به استقامتی که انکشاف و بهبودی را در کار بارمی آورد، تغییر میدهد. پس لیدران خوب صاحب ابتکار و برانگیزنده تجدیدات در کار و فعالیت های دستگاه می باشند. اگر در مقابل لیدر خوب کاری موجود می شود که می بانیست آنرا اجرا نموده، اولاً او آنرا تعریف نموده و سپس به شخصی که می داند از عهدۀ اجرای آن برآمده میتواند، تفویض میدارد. زمانیکه می باید لیدران خوب تصمیمی را اتخاذ نمایند، قرار خود را طور واضح و روشن و بصورت صریح اشکارا میدارند ولی این گفتار مفهوم آنرا ندارد که یک لیدر

می باید یک دیکتاتور مطلق باشد. در حقیقت اگر لیدر تا وقتی که بسیار خوب نباشد بی جا خواهد بود او را بنام لیدری نام نهاده مگر لیدر خود همواره کاری را آغاز نموده و بعد درقبال آن رهنمونی نموده و راه را امتدادیاً در مجرای کار نشان داده می رود. گویا تعیین استقامت و هدف مطلوب یکی از وظایف مهم هر لیدر محسوب شده و شاید بعضاً تصرفات را به دیگران بگذارند تا انها هم در پیشبرد مرام های عالی لیدر سهمی را دارا گردند.

یک لیدر خوب همواره اوامری میدهد که قابل تطبیق و اجرا باشد و باید دانست که دائماً تمامی حرکات به واسطه اوامر آغاز نیافته بلکه بسیاری آنها توسط پیشنهادات و سوالات اجرا خواهد شد. مگر اگر موقع و فرصت های مساعد پیدا می شود که ایجاب اصدار امر را می نماید، در انحال لیدر خوب یک امر واضح و روشنی را می دهد که در امر مذکور شخص عامل و زمان انجام کار تعریف گردیده می باشد. علاوه بران یکی از علائم لیدر شپی خوب اینست که اجرای کار در حوزۀ قدرت شخص که با اجرای آن

مامور می گردد باشد. زیرا دادن یک امر غیر قابل تطبیق جز اینکه حیثیت لیدر را در نظر مادیان فرو آورد کاری را انجام داده نخواهد توانست.

لیدران خوب همواره کانالهای تشکیلاتی را به مقصد اصدار اوامر خود استعمال می نمایند زیرا اوامری که از کانال و مجرای تشکیلاتی و قانونی خود مواصلت نماید باز هم بر حیثیت لیدران لطمه را وارد ساخته و بر روش آنها تنقیدی را بار می آورد چنانچه اگر پرسونل های اجراییه قدمه های مادیان بیکسو گذاشته شده و اوامر طور مستقیم از قدمه بالاترین به قدمه تطبیق و اجرا می رسد در آن حال قدمه های ذیعلاقه اتوریته (Authority) خویش را در محضر قرار گاه خود از دست می دهد که در آن حال ممکن است ایشان نیز از خود عکس العمل را نشان داده و برای برانگیختن تشکیلات اداری و استحصال اتوریته از دست رفته خویش داخل یک سلسله فعالیت های ضدی گردند. پس لیدر شوی خوب آنست

که انسان نه تنها کانال و مجرای های رسمی را استعمال نماید بلکه می باید از کانال های غیر رسمی هم به مقصد بهبود کار و تسرع عمل استفاده کنند.

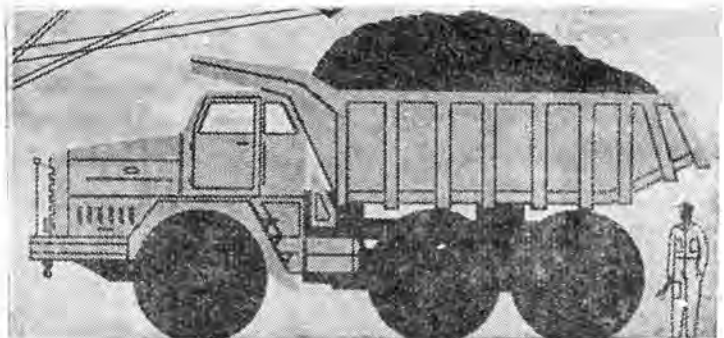
یک لیدر خوب باید همواره قوانین مقررات دستگاه تشکیلاتی را فهمیده و آن را محترم بشمارد. به عبارتی دیگر مقررات وضع شده را اولاً خودش در حین دادن اوامر مدنظر خویش قرار دهد زیرا اگر مقررات وضع شده از طرف خود او تطبیق نمی شود یقین کامل داشته باشد که دیگران نیز بآن ترتیب اثر را نخواهند داد. گویا برای یک لیدر لازم نیست و هم زیب ندارد که قانون شکن باشد بلکه قوانین را همواره مدنظر خود قرار داده و در دادن اوامر خود آنها را رعایت نماید.

لیدری نه آرزو دارد و متوقع است که گفتار های او از طرف مردم عملی گردد و ولی اعمال و کردار خودش هر آنچه باشد یعنی گفتار او با کردارش مطابقت نداشته باشد

یقین کامل داشته باشد که توقع او با پس و نا امیدی مبدل خواهد شد. زیرا هیچ یک قوم و طبقه نخواهد بود که گفتار های عاری از عمل لیدران خود را تعقیب نمایند زیرا عمل لیدر در موضوع رهنمونی و موفقیت او در کارش رول بس آرزنده را دارا می باشد و هم طوریکه به همگان معلوم است قوانین و مقررات همواره به آرزوها و توقعات مردم شکلی را می دهد ولی اگر لیدری در پیروی اطاعت از آن یعنی اطاعت از مقررات و قوانین موضوعه ناکام می شود در آن حال طبقه مادیان به هر قدمه و درجه که باشند، ازین امتنکاف لیدر، متعجب گردیده و اعتماد آنها نسبت به او متزلزل و بی اعتمادی مردم جبهه خود را به سوی او دور می داند.

لیدران خوب همواره صاحب یک دسپلین و ضبط و ربط منطقی بوده و همچنان او ضاعی را خلق می نماید که مردم خود شان در ناامین و تأسیس یک فضای دسپلین کمک و همکاری نموده و انضباط لازم را بطور اتوماتیکی بدون تحمیل زور و قوه جا برانه تأسیس گردد زیرا در تحت چنین شرایط هر واحد اجتماع میداند و پوره متیقن میگردد که صلاح و سعادت هر فرد بالخاصه مملو حوزة اجتماع در سایه یک دسپلین مملو با صمیمیت و خلوص است تأمین شده می تواند. عدم موجودیت دسپلین و هرج و مرج جز تخریب کاخ سعادت و رفاه بشری دیگر کاری را انجام داده نخواهد توانست بشر امروز که طی قرون متمادی ایام پیشین را در سجاده ها و اشغالگری ها سپری نموده امروز می داند که صلح و آرامش، همزیستی مسالمت آمیز یاب به عبارتی دیگر دسپلین قوی یگانه عاملی است که انسان را از غرق

کلاترین موتور باربر دار دنیا



آسانی کسر می کند. دارای ۵۲۰ اسب قدرت قوه بوده و تنها سفت آن فعالیت و تحریر یک موتورهای نیز رفتار کفایت .
رسم موتور موصوف را در صفحه مشاهده کرده می توانید.

قویترین موتور باربر دار دنیا ماز MAZ-530 میباشد این موتور به اندازه چهار واگون قطار آهن یعنی 40 تن بار را انتقال میدهد. موتور قوی آن ۵۰ تن وزن را به همراهی خود موتور بخوبی و

رول الماس در تخنيك امروز

الماس های صاف و زیبا از قدیم بجملة قیمت بهاترین و مقبولترین زیورات بشمار رفته اند اما امروز الماس ها وظائف و رول عالی تری را نسبت بزبور بودن در تخنيك بازی میکنند چندی قبل ثابت شد که الماس ها بر علاوه زیبایی فوق العاده سخت نیز میباشد و به شرح فوق سخت ترین سنگ طبیعت بشمار رفته و انسان ها استفاده از این خاصیت آن توسط آن بقطع نمودن شیشه ها آغاز نمودند .

توسط الماس میتوان واحداث فوق العاده کوچک را بسطح در حدت طول خط کشی نمود .

امادین اواخر الماس اضافه تر در سر کسازي معدن کشی و حفر کانالها استعمال میشود توسط پل های الماس سخت ترین سنگهای کوهی را سوراخ نموده می توانیم .

البته جهت سوراخ نمودن سنگ ها در راه سازی تمام جسم پل دورانی از الماس نبوده پل در قسمت آخری پل دمه الماسی نصب میشود که آن هم نسبت قیمت بودن آن از یکپارچه الماس نبوده بلکه از ذرات خورد الماس ساخته شده اند که در بعضی پل ها تعداد این ذرات به ۱۰۰ عدد می رسند .

توسط يك دمه الماسی که در انجام پل نصب میشود میتوانیم تا ۲ کیلو متر سنگ نرم و از ۱۲۰ الی ۱۵۰ متر سنگ های سخت را سوراخ نمائیم و بعداً دمه از کار افتاده دمه دیگر در پل نصب میشود .

چیز واضح است که در اثنای برمه کاری حرارت فوق العاده ایجاد میشود و برای برطرف ساختن این حرارت در محیط قلمه توسط نل آب سرد را جریان میدهند که جریان آب از یکطرف پل را سرد کاری می نماید و از طرف دیگر خاکه سنگ برمه شده را با خود شسته و جریان داده در سطح و قسمت اولی بیرون می کشد .

بترتیب فوق سنگ های قیمتی برای بشر نه تنها از نقطه نظر زیبایی بلکه از نقطه نظر نجات و محکمی خود نیز مصادر استفاده های شایانی میشوند که این حاجت و امکان استفاده از آن ها از همه مهتر است .

ارزنده را بازی نماید همانا موضوع اهمیت دادن کار و وظیفه هر فرد در داخل آن دستگاه می باشد ، زیرا وقتی انسانی به اهمیت حیاتی مشغولیت خود در دستگاه ملتفت می شود ؛ در آنحال ممکن است که دسپلین و مقررات تحکیم شیرازه آن راتا درجه اخیر رعایت نماید که بدین صورت هر عضو دستگاه طور اتوماتیکی در بر قراری و تحکیم دسپلین کاری را انجام خواهد داد .

در آنحال دیگران از در مخالفت پیش آمده و او را از انحراف نمودن از نورم ها و مقررات منحرف می سازد گویا بدین صورت شیرازه دسپلین خود بخود در بین مردم تأسیس گردیده و احدی نمی تواند از چوکات قانون و نظام اجتماع پای خود را بیرون گذارد و هم ناگفته نماند که بهترین عاملی که میتواند در تحکیم شیرازه دسپلین در بین یک دستگاه تشکیلاتی، رول

شدن به يك پرتگاه نیستی نجات داده و رفاه و سعادت بشر را تضمین می نماید ، و بدانید که اگر رشته دسپلین توام با محبت و صمیمیت وجود نمی داشت ، دور از حقیقت می بود که میلیونها انسان روی گیتی در زیر پرچم ملل گیتی گرد آمده و از همکاری های یکدیگر مستفید و مستفیض می گردیدند . پس بدانید که یگانه قوه شیرازه بندی اجتماع را دسپلین واقعی تشکیل می دهد .

لیدران خوب همواره از حقایق دوری ننموده و حقایق زندگی را در روش و خط مش خویش تطبیق می نماید و هم طوریکه بهر کس پوشیده نیست حقایق را نمیتوان کسی پوشانید زیرا هر قدریکه پوشانیده شود به همان اندازه خود را اشکار تر می سازد و پوشانیدن حقایق زندگی مشابه به آن است که کسی بخواهد آفتاب جهانتاب و مرکز انرجی نظام شمسی را که تمامی فعالیت های حیوانی و نباتی نظام شمسی بآن رابطه مستقیمی دارد با دو عدد انگشت کوچک خود بپوشاند .

بنابراین لیدران خبیر و مدبر تمامی پلان های خود را بر روی حقایق زندگی طرح و مردم را با اساسات آن به استقامتی که انکشاف و بهبودی اجتماعی در آن متصور است رهبری رهنمونی می نماید ، باید خاطر نشان کرد که چون همچو رهنمونی هادر میجرای حقایق زندگی جریان می نماید سرعت آن را دست قدرت چندین مرتبه بلند برده و در یک زمان بس کوتاهی آن توده بشریت کاروان مدلیت را تعقیب کنان به سر منزل مقصود خواهد رسید . علاوه بر آن وقتا که دسپلین تأسیس و قانون حکمفرمای فعالیت های بشری گردید در آنحال اگر فردی از افراد از نورمهای اجتماعی استنکاف می ورزد

برای تامین این مرام بسا طرق و راهای موجود است که میتوان بان تشبث کرد که از جمله آنها ، یکی که آنها اکثر آدرساحه تجارت تطبیق و استعمال می گردد، این است که لیدر به شکل یک دیموکرات از گروپ معیت خود هدف اوشان را که چه است استفسار نماید، به عباره دیگر از آنها بیک شکل بسیار خوب و حکیمانانه تعریف هدف مطلوب آنها را بپرسد. وهم طوریکه مبرهن است، اجرای این کار مستلزم یک سلسله باز دید ها و ملاقاتهای متوالی می گردد که در نتیجه آن بر ایلیم های وظیفوی برای یافتن طرز حلی از طرف لیدر به گروپ مجتمعی

سرک های شب بین

مؤسسه سرک سازی مملکت دنمارک شروع ساختن سرکهای شب بین نموده اند و آن بترتیبیکه اولاً ساده را بنام سینوپل (Siuopal) کشف و خاصیت آنرا مطالعه نموده .

سینوپل بصورت عموم روغنیات و مواد چربی دیگر را بخود جذب و جان داده همیشه بصورت سفید و شفاف موجودیت آنرا نشان میدهد .

از همین لحاظ ماده موصوف را در اسفالت مخلوط نموده و در سرک سازی بکار می برند. بر علاوه انعکاس روشن سرک در نظر در یوران به اثنای شب این نوع خطوط دارای اصطحکاک اضافه تری باعرا به های وسایط نیز میباشد .

که از یکطرف وسایط را از لغزش های موسم بارانی نجات داده و از طرف دیگر در اثنای شب و روزهای غبار آلود بقوه دید در یور و روشنائی چراغهای عرادجات کمک نموده تلفات را فوق العاده کم میسازد .

ارایه می گردد. گرچه اجرای این کار متضمن صرف فرصت های زیادی خواهد شد ولی بانهم خیلی ها مؤثر ثابت می شود. طریقه دومی این است که ساختمان و تشکیل رسمی گروپ را تغییر داد تا اینکه نورمه ها (Norms) به صورت اتوماتیکی حسن طلب کار را تقویه نماید .

یکی از اوصاف خوب لیدر اینست که به گفتار مادون نان خود گوش داده کلمات و گفتارهای معقول آنها را قبول و صدا های بيمورد آنها را به دلایل قوی خود می شکناند. و باید گفت که امتناع کلمات مادون نظر به سه دلیل خوب می باشد. اول اینکه هیچ کسی کاری را به اندازه که شخص کننده آن می داند نمی فهمد. ثانیاً یک لیدر و یا خود یک امر صرف وقتی تکالیف و مشکلات آینده را که در حال انکشاف میباشد درک و تعیین کرده می تواند که به گفتار مادونان خود گوش بدهد. ثالثاً وقتاً لیدر خوب به ندای مادونان خود گوش می دهد، گروپ مادونان هم احساس می نمایند که لیدر اوشان در آنها علاقه و دلچسپی خاصی داشته و به نظریات و پیشنهادات اوشان ترتیب اثر را میدهد. پس به همان اندازه که مادونان علاقه آمران و لیدران خود را در قسمت اوشان قلباً و روحاً احساس می نمایند، به همان پیمانانه باعث دلگرمی و دلچسپی آنها در کار و فعالیت دستگاه گردیده و البته این امر به پیشرفت و انکشاف امور تشکیلاتی دستگاه مذکور کمک و معاونت قابل ملاحظه را انجام داده و باعث نام نیکی و موفقیت لیدر می گردد .

در اینجا بيمورد نخواهد بود اگر گفته شود که در یک دستگاه کار و فعالیت که تیم و رک (Temwork) یعنی همکاری عناصر و گروپ های

مختلف برای انجام یک هدف معین متصور می باشد، تأسیس يك شیرازه محبت و مودت که فضای شیرین و دیسپلین احترام متقابل را بین اعضا تیم تولید می نماید یک امر حتمی و ضروری و یکی از راه های پیشرفت کار محسوب می شود .

ما این حقیقت غیر قابل انکار را به وضع اقتصادی یک مملکت بخوبی تشبیه نموده می توانیم. مثلاً اگر اعضای مختلف یک مملکت در سایه اقتصاد و فعالیت های اقتصادی مملکت برای تأسیس دستگاه های صنعتی و تولید پول با همدیگر همکاری نموده و مملکت منجیث تولیدات و منابع سرشار صنعتی و اقتصادی به اصطلاح انگلیس ها «سلف سوپرت» Self support یعنی بپای خود ایستاده بوده و محتاج به منابع غیر نمی باشد در آن حال مملکت مذکور گوهی، از نگاه اقتصادی، به پای خویش ایستاده است، ولی در عکس صورت هر یک عاملی می تواند بنیان و کاخ اقتصادی آنرا از پا در آورد. به همین شکل اگر لیدری مقتدر می شود که در سایه نبوغ و اوصاف خوب لیدر شپی خویش شیرازه دیسپلین را در بین مادونان خود استوار سازد در آنحال دیسپلین از خود اعضا شروع شده و هر کس به نوبه خویش برای تحکیم شیرازه دیسپلین کوشش مینماید. مگر اگر دیسپلین بر روی اساسات سرد و خشونت آمیز بی ریزی می گردد در آنحال هر آینه احتمال سقوط این کاخ می رود که خاصاً موجودیت همچو یک دیسپلین در ساحه عسکری و بالانحص در او ان بحران رونتازک بحار به مؤلفد فجاج و فلاکت ها گردیده باعث تشط و پراگندگی جمعیت قوای مسلح و ناکامی آنها می شود. فلانها برای لیدران اردو

و قوت‌های مسلح لازم است تا همچو باریکی‌های تاسیس يك دیسپلین متین و محکم را مدنظر گرفته و حتی امکان تمامی اوصاف لیدرشیپی را در اداره و غیره مسایل مربوط با امور فعالیت های تشکیلاتی خود تطبیق نماید تا کاخ دیسپلین تاسیس یافته دست‌او از هر گونه خرابی مصئون مانده و خودش متیقن گردد که مادون هایش در برآن و خاصاً در او ان بحرانی برای تطبیق او امر و آرزو و مای او حاضر و آماده بوده و خواهند کوشید که همه آنها به یکبارگی خویش را در رویا های لیدر شان بدون وقفه تأثیر انداخته و در استحصالی مرام‌های او احساس غرور می‌نمایند. طوریکه در فوق تذکار گردید استماع و شنیدن گفتارهای مادونان علاوه بر مفادهای که تامین میدارد، لیدران را فرصتی هم میدهد تا از درد ها و خواهشات مادونان شان واقف شده و برای حل پرابلم های شان، که همه و همه برای بهبودی کار خواهد بود، چاره‌های ممکنه را بسنجد. نشان دادن عکس العمل های خوب لیدران و احضار جواب و لبیک به گفتارهای آنها یکی از علائم لیدران خوب بشمار میرود زیرا در یکی از اوقات هر يك را در وی فرا میرسد و یگانه شخصی که میتوان آن را درمان نمود لیدر خوب می باشد. پس یگانه رشته حقیقی که فی مابین لیدر و پیروان او می باید تاسیس گردد همانا رشته است که در بین پدران یا بهتر است گفته شود بین والدین و اولادها وجود دارد. زیرا درین محوطه اولاد دائماً از عطفوت های والدین و والدین از خدمتگذاری های اولادان خود بهره مند می گردند. گرچه این رشته فی مابین والدین و اولادها را غریزه ذاتی و فطری بشریت تشکیل می دهد مگر نا گفته نماند که اگر لیدری پرنسیب‌های لیدرشیپ را که شالوده و فشرده

تجارب قرون ماضی بشریت می باشد تطبیق و از آن پیروی می‌نماید شکمی نیست که مقام او در مقابل مادونانش نسبت به منزلت والدین در برابر اطفال، کمتر نخواهد بود. و حتی ممکن محبوبیت و تخم محبت او در مزارع قلوب مادونانش بحدی جاگزین و ریشه اش تا اندازه نفوذ خواهد کرد که در مقابل او امر او هر گونه امتحان ایثار و نواکاری از طرف اعضاء معیتش داده شود. چیز مهم دیگری که در پرتو تطبیق پرنسیب‌ها و اوصاف لیدرشیپی بدست می‌آید همانا موضوعی است که باید هر لیدر ملتفت باشد که مادونانش اعم از خورد و بزرگ، متماد یا آرزو دارند تا آنها شناخته شوند و بدانند که ترحم و عاطفه، تعریف‌های خاموشانه، علاقه و دلچسپی و خلاصتاً تمامی آن عناصریکه در توحید و اتحاد مودت فی مابین دو ذیروح رولی را بازی می‌نماید در قسمت ایجاد حسن نیت، حسن تفاهم، صمیمیت و غیره در بین لیدران و لیدر شدگان خدمت قابل ملاحظه را انجام داده می‌تواند. و از همین نقطه نظر است که مادونان لیدر خوب را از جهت دوست داشته می باشند که وی با عاطفه و رحیم بوده و به امورات شان علاقه و دلچسپی خاصی می‌گیرد و باید دانست که این امریکه چیز تصنعی و بهانه وی شده نمی تواند زیرا مردم آن را بزودی احساس و درك کرده و دیده می‌تواند.

مفهوم جواب دادن و لبیک گفتن به صدای مایحتاج و آرزوهای اعضاء اورگان کار مفهوم این را دارد که انسان در وقت ضرورت، خواه به داخل وظیفه و یا خود خارج آن باشد، دست معاونت را به سوی مادونان خویش دراز نموده و از فیض و برکت اقتدار خود آنها را مستفید و مستفیض گرداند. وقتاً معاونت کسی مورد ضرورت بوده و در وقت و زمانش فرا می‌رسد این نوع معاونت دادن ها خیالی جا

از طرف کمک شونده و تقدیر گردیده وهم اثرات آن نقش غیر قابل حک شدن را بر دماغ انسان ها برای همیشه می‌گذارد و باید گفت که همین معاونت فی الوقت و زمان مادون را در برابر او امر لیدران مانند شخص فوق العاده صاحب انرجی حاضر و آماده کار ساخته و در پرتو آنست که مادون در حلقه گردیدگی آمران و لیدرانش داخل می‌گردد. و باید هم دانست که بهترین معاونت و کمک همان معاونت ایست که از طرف خود مادون آرزو کرده می‌شود نه اینکه لیدر آنرا احساس نماید کمک مذکور برای مادونش لازمی و بهترین معاونت است. امر ولیدری که برای هیئت ارکانش فکری کند مفهوم این را دارد که

راکت بصد ژاله

برای جلوگیری از اینکه ژاله های موسمی حاصلات و سردختی‌ها را خساره مند نساخته باشد. علمای یونسکی را کتی را اختراع نموده‌اند که ۱۰۵ سانتیمتر طول داشته و ۴۰۰ متر ارتفاع را در ۱۰ ثانیه طی می‌کند.

ابرها نیکه از آن‌ها احتمال ریزش ژاله می‌رود تحت هدف راکت فوق الذکر قرار گرفته در اثنای تصادم با ابر انفلاق وساحه وسیعی را احتوا می‌کند.

در اثر این تصادم و انفلاق کتله‌های بزرگ جامد ژاله بصورت کریستل‌های کوچک تبدیل و بریزش آغاز می‌نمایند که تا اثنای رسیدن بسطح زمین شکل باران را بخود گرفته بدینصورت ژاله به باران تبدیل گردیده و از خسارات ژاله‌های موسمی از نباتات و میوجات جلوگیری بعمل آمده است.

علمای موصوف بعین صورت و اساس به ایجاد باران در موقع ضرورت نیز قادر شده‌اند.

آنها را مقهور اقتدار خویش میسازد در حالیکه همین نوع فکر نمودن به مقصد تحت الحمایه ساختن مادون بوده و از طرف آنها به نظر نفرت دیده می شود مگر از طرف دیگر اگر آمد در باره مادونان خود فکری می نماید ، معنی آنرا دارد که آنها را بسوی هدفی رهنمونی نموده و نسبت به اینکار همچو امر را از ضمیم قلب دوست داشته می باشند .

بصورت مختصر يك لیدر خوب شخصی ایست که از استعداد کار و زحمت کشی مادون خود بر حسب آرزوی او ، استفاده اعظمی نموده و هم آنها را محبوب خود میسازد . پس بهتر است هر آمر اساسات فوق الذکر را مدنظر داشته تندی خود را به شیرینی ، ترشی اش را به پیشانی بازی ، و کدورتش را بالبان متبسم تبدیل نموده و مفهوم این فرموده شاعر را که گفته است : « خلق نیک خلق را شکار کنند . » عملی گردانیده و مرام خود را بر بالای مادونانش بر آورد .

طرز آموختن و چگونگی بحث نمودن بالیدر و آمر : اشخاصیکه همراه آمران خود همکاری نموده و نبض و مزاج آنها را درک می کنند وهم در فضای هم آهنگی با آنها پیش می روند ، مفهوم این را ندارد که این طبقه مردم (آقای آنها میباشند انسان به حیث يك شخصیت بزرگ دستگاه اجرائیه می تواند که بزرگ ترین خدمتی را به لیدران و آمران خود وقتی انجام دهد که در مقابل گفتارها و اوامر لیدران عدم موافقه خویش را در وقتی ابراز نماید ، که این ابراز نظر عدم موافقه را ، حتمی و ضروری بدانند و برای آموختن این کار ، مشاورین تجارتي اضلاع متحده امریکا آقای گتالی ارنالدوری

جوسف *Stauley Arnold and Rey Josephs* يك سلسله مشوره های خوبی درینمورد میدهند :

اولا هر آمر ، يك فابریکه و یا خود دستگاه کار ، در تجسس و کشف اینست تا راهها و چاره های را برای بهبود و انکشاف فابریکه خود پیدا نماید که این انکشاف و بهبودی در ساحه مفاد ، برتری و تزئید کفایت و راندمان فردی و گروهی و چانس و فرصت دادن کارگر در دستگاه کار و تشویق و ترغیب نمودن آن در راه بهبودی و انکشاف فابریکه می باشد پس نباید آمري قلب مادون خود را به سنگ مایوسی شکستانده و او را از کار دلسر و دلدگیر بسازد بلکه بهتر است برعکس آن تمامی موانع طبیعی و تصنعی را از مجرای پیشرفت او دور ساخته و بگذارد که با کمال سرشاری و اشتیاق مزید در وظیفه خود پیش رفته و انکشاف را نصیب دستگاه کار گرداند تا خود او و دستگاه از استعداد ، هوس و آرزوی کار او استفاده خوبی نموده بتواند . درینجا آمران و لیدران نیز می توانند از افتخارات این انکشاف بهره مند گردند زیرا در زیر قیادت و رهنمونی آنها بوده که مادونی توانسته است بالهای خود را در کار آزادانه باز نموده و مانند مرغی منزل مقصود را بسرعت تیز تری طی نماید . زیرا اگر اوصاف لیدر شیبی آنها نباشد و چانس پرش برای مادونان داده نشود در آنحال امکان نخواهد داشت که آنها صاحب قدرت پرواز گردیده و یا خود در میدان مجادله فعالیت ها گوی سبقت را بر بایند .

يك مادون همواره فورس *(Force)* و قوه خود را از آمو لیدر خویش می گیرد . چنانچه

می گویند « گوساله بزور میخ می برد » و اگر میخی وجود نمی داشت پریدن گوساله از ناممکنات محسوب می شد پس آمو لیدری که به فکر پیشرفت کار می باشد هرگز نمیتواند از نظریات بیهی خواهانه مادونان شان استنکاف ورزد زیرا همین نظریات است که آنها را بسر منزل مقصود نزدیکتر و نزدیکتر میسازد . پس آنها مجبور میشود که با نظریات شما ولو هر قدریکه نظریات آنها را مختل گرداند گوش دهند اینک من پنج طریقه را که توسط آن شما میتوانید نظریات و یا خود آرزو های خویش را به آن خود پیشنهاد نمائید ذیلا تذکار میدهم :

۱- اولایك مادون بانئست مفکوره و نظریات آمر خود را درک و از آن پیشروی نموده و عم مفکوره های خود را ولو که مغایر و مخالف نظریات آمرش باشد از نقطه نظر او برایش تقدیم و پیشنهاد کند و نیز در حین ارائه و تقدیم نمودن نظریات ، مادونان را لازم است که به این نقطه مهم و جاندار ملتفت گردند که آمران نباید تصور نمایند که شما بر قضاوت او شان تمقید میکنید زیرا موضوع تمقید نمودن احساس بدبینی را خلق نموده و شاید مادون در استحصال مرام و آرزوی که دارد تا کام مانده و به هدف مطلوب خود اصلا مواصلت کرده نتواند .

۲- پیشنهادات باید عمومی بوده و جنبه شخصی را دارا نباشد زیرا طوریکه به همه گان معلوم است ، هیچ کس آرزوی شنیدن چنین تمقیدی را که به شخصیت ، عادت ، و کریکتر او برخورد نداشته و البته از شنیدن آن متأثر می گردد . پس مادونان را لازم است تا به نقاط حساس آمران

ولیدران خود تماس ننموده و درین حصه خیلیها دقت نمایند و رتبه ممکن است در مباحثه ناکام گردیده و از درآغوش ششیدن شاهد مقصود ناکام بمانند و هم نباید فراموش کرد که قبل از تقدیم پیشنهادات و مرام های خود می باید که نظریات خود را از هر نگاه و هر زاویه ممکنه مطالعه، تجزیه و تحلیل نموده و سپس بعد از اینکه در مقابل هر گوله سوالات احتمالی امر جواب منطقی و قناعت بخشی را دریافت نمودید، آنرا در چوکات احترام به کلمات و الفاظی که شائسته آمران میباشد، به سمع آنها برسانید، تا به اصطلاح مردم (هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد).

۳- پیشنهادات باید در وقت و زمان مساعد آن تقدیم گردد، سومین صفت و آرتیکه مادونان به اساس آن پیشنهادات و نظریات خود را می یابد به آمران خویش تقدیم بدارند این است که آنها بایست بکوشند تا فرصت مساعدتری را برای اجرای این کار پیدا نمایند، زیرا اگر مادونی نظریات و تقدیم آن را در وقت و زمان آن عیار نمی سازد در آنحال ولو نظریات آنها بهترین هم باشد باز هم نتیجه را که آرزو می گردد بدست آورده شده نمی تواند، زیرا تایمنک (*Timing*) یعنی عیار گردانیدن یک چیز در زمان و مکان آن یکی از تا کتیک های خوب اداری بوده و باید سخن در وقتی زده شود که تماماً ماهیت و مفهوم حقیقی آن به شکل حقیقی اش دیده شده بتواند، و اگر احياناً درست عیار شده نباشد، ممکن است مفکوره ولو خیلیها عالی هم باشد، باز هم در نظر آمران به شکل دیگری جلوه نموده و مورد پسند واقع نگردد.

۴- در تقدیم نظریات و پیشنهادات

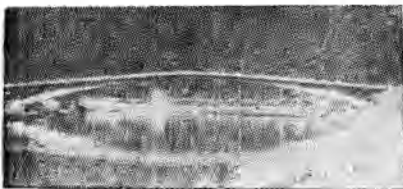
می باید از کانال صحیح آن استفاده نموده بعضاً اشخاصیکه نمی خواهند کانال صحیح را استعمال نموده و از یک راه کوتاه تری آرزوی سبقت تقدیم نظریات خویش را می نمایند فی الحقیقت در اجرای این کار موفق نگردیده و بر عکس پیشرفت به عقب می مانند، پس بایست همواره کوشید که مراجعات و پیشنهادات خود را به شخص صحیح آن تقدیم نمود تا به همان اندازه در استحصال مرام تقدم بدست آید، فرضاً اگر رسیدن به شخصی که به شما کمک بیشترین را داده می تواند، نا ممکن و یا خود مشکل می باشد در آن حال بهتر است از دیگران طالب مشوره گردیده و بدانید که مشوره کردن در هر یک از امور زندگی، خواه شخصی و یا خواه رسمی باشد، باز هم خالی از فایده نبوده و بسا عقده ها توسط آن باز می گردد.

۵- امین و وفا شعار باشید.
هر شخص آرزوی قانع بودن در کار راداشته و همواره در جستجوی آن می باشد، به عبارته دیگر هر انسانی در زندگی آرزو دارد به وظیفه اشتغال داشته باشد که مطابق به میل و مرام او بوده و از صرف مساعی خویش لذت روحی بردارد، مگر طوریکه به همگان معلوم است دائماً این چانس بهمه کس میسر نمی شود که انسان به وظیفه حسب دلخواه خویش تعیین و مؤظف گردد؛ بنأ انسان وقتی می خواهد از وظیفه خویش شکایتی داشته باشد، اولاً در زمینه کار خویش خوب عمیق شده و بسببند کدام عامل و دلیل می موجود است که مایه این شکایت او گردیده است فلهمذا بانیست انسان مزایه و علایم ناراحتی و وظیفه وی را دال بر اسباب و موجه ناراحتی و ناراضی نماید زیرا وقتاً موضوع عدم رضایت شما در کار مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته و در اطراف آن مناقشه بعمل

می آید، در آن وقت فوراً علت اصلی آن به میان می آید، و بسا اوقات ممکن است که یک مباحثه و مناقشه ذهنی ما را به یک طرز حل بکلی مغایر آنچه قبل فکر کرده می باشیم رهنمونی نماید، وقتی شما حقائق را کشف و درک نمودید، بانیست به همان حقائق اتکا نموده و از ترجمانی ها و تبصره های بی مورد، در قسمت این حقایق، خود داری نموده و همواره حقایق را محور تفکر اعمال و نظریات خویش قرار دهید.

همواره به خاطر داشته و هیچگاه این حقیقت غیر قابل انکار را فراموش ننمائید که آمران شما همواره یک مراجعه معقول و متکی بالذات را از همکارانش آرزو نموده و تعجب خواهید کرد که نادراً به آنها همچو مراجعات و پیشنهادات بر خورد می نمایند.

اگر آمران و مادونان اساسات متذکره فوق را، مبرا از هر گونه تعصبات و بدبینی ها، راه و روش زندگی خود قرار می دهند، در آنحال یقین کامل است که هر دو گروه در یک فضای صمیمیت و سعادت امرار حیات نموده و هر ابله لاینحلی فی ما بین آنها باقی نمی ماند. «ختم»



گلاب تهرین پل قرصنی دنیا

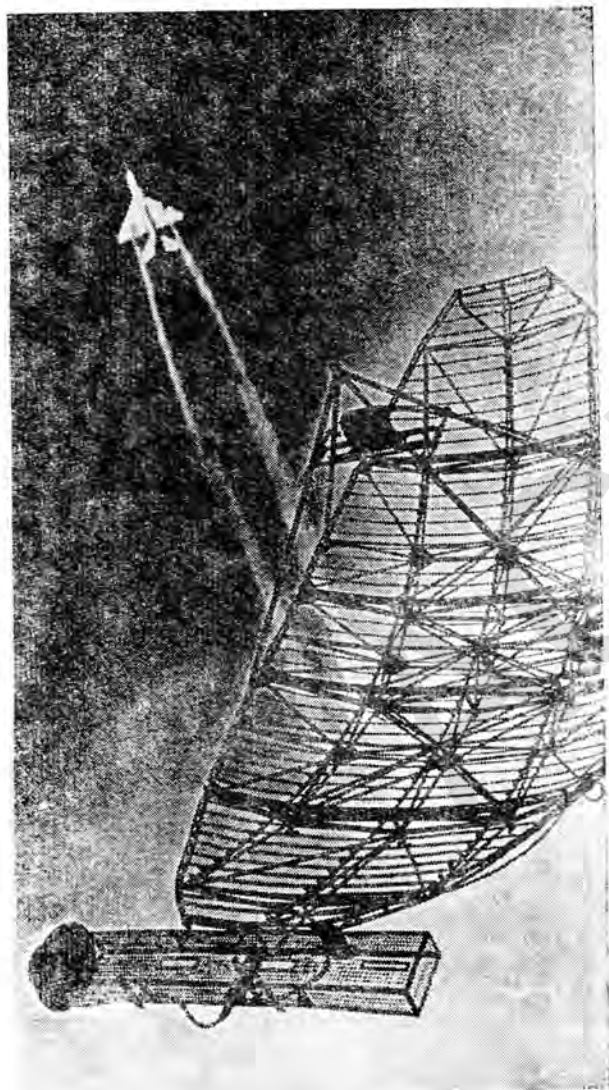
بین شهر ریوین *Revi* و قریه اوزی *Orsy* در فرانسه بالای دریای ماسی از سمنت و گادر تعمیر گردیده و کلا تهرین پل قوسی تا حال در دنیا می باشد. فاصله بین دو انجام پل ۲۲۰ متر بوده دارای ۱۲ متر عرض و ۲۰ تن قوه برداشت وزن میباشد.

سهم تأمینات تخریکی در حرب

چگونه كندك تانك در حال تعرض بوسیله

نیروهای تخریکی حمایه میگردند ؟

ترجمه :
عبدالرزاق توخی



بهمگان میرهن است که در دوران کمونی اسلحه و تجهیزات حربی در امور دفاعیه يك مملکت نقش فعال و برجسته را بعهده دارد. در زمره اسلحه که امر و زنجیرین اهمیت فراوان دارد یکی هم تانک است که بعد از فعالیت های وسیع عالمی بصورت يك ضرورت جنگی باعرضه وجود گذاشت خاصه قدرت تخریکی سلاحی که در طول محاربات جهانی از آن بظهور رسید بحیث موثرترین سلاح قندهاء گردید از اینجاست که تعرض برای تانک ها يك شکل واقعی مبارزه بشمار میرود. تانک بعد از آنکه باچهره واقعیش قد علم نمود مورد توجه خاصی اردوهای جهان قرار گرفت و ماسعقدیم که تانکها زمانی وظایف محوله خویش را انجام داده میتوانند که از مواعب تخریکی و فنی برخوردار باشند. اصل مطلب نیز درین نکته مستتر است که چگونه و تحت کدام شرایط تانکها باید ترمیم شوند و یا به آنها امداد های تخریکی بموقع صورت گیرد. این عمل بایست طور منظم و مرتب طبق پلان پیش بینی شده اجراء شود. پلان ترمیم و تخلیه و رسیدن خدمات تخریکی به قطعات زره دار از طرف قوماندانان قطعه طرح میگردد. روی این اساس باید بوظیفه اشخاصیکه تشکیل خدمات تخریکی را بعهده دارند التفات و توجه خاصی معطوف گردد قوماندان قبل از

دستگاه رهنمای آیمائی .

امور خدمات تخریکی بوده عمرمان با قوماندانان قطعات اجراء و طبقه بینمایند. درینجا سوالی در ذم خاطر میکنند که خدمات تخریکی چگونه و روی کدام اسلوهها بنیان گذاری میشود ؟

طبق آن معاینات تخریکی وسایط را انجام میدهد. برای این منظور واحدهای نظامی از قبیل تولی، کندک وغند که در رأس آنها قوماندانان کارشناس و آگاه قرار دارند معاونین تخریکی ایشان نیز مستقیماً مسؤول

سوق تجهیزات حربی فی المثل تانکها باید محس مناسب را برای ترمیم و معاینات تخریکی انتخاب نماید علاوه تانک وسایل و سامان اصلاح و ترمیم با در نظر گرفتن تعداد ساعت بر اساس يك سنجش درست داخل پلان ساخته



پرتاب عملی مغرب در اثنای
تطبیقات .

در صورت تیکه و سایط بعضی ترمیمات و امدادهای تخنیکي و فنی را در محل اجتماع ایجاب نماید باید سرنیشان آنها از طرف افراد کتدک و حتی از جانب قوت های غند و پرسونل تخنیکي حمایه شوند در ینجاست که باید اعتراف کرد که پرسونل ورکشاپ های ترمیم حقیقتاً در چنین مواقع و لحظات حساس و مخاطره آمیز خاصاً اگر سر نیشان و سایط تجارب کافی را در خصوص روش و طرق استخدام تانکها بوجه احسن کسب نکرده باشند ، وظائف سنگین و دشواری را انجام میدهند و این را هم باید تذکر داد که استخدام پرسونل ترمیم تانکها کیفیت وظائف خود را بخوبی در ینگونه موارد به اثبات رسانیده میتوانند . هر گاه تجارب حاصله از امدادهای تخنیکي را بدیده عبرت بنگریم خیلی ها آموزنده است . موقعیکه احضارات لازمه برای تعرض پیش بینی میگردد معاون امور تخنیکي قوماندان با دقت تام نقشه کار گروپ های ترمیم را طرح نموده

تحتی و تدارک تجهیزات در محل اجتماع قابل غور و تعمق است قطع نظر از مواد سوخت و اساس موتور ساعت بعضی مهابتات تخنیکي متداول بصورت عادی بالای تمام تانکها اجرا میگردد این سلسله معاینات قبل از وقت مراعات میشوند و در کن وجه معقول و پسندیده آن اینست که در جریان پیشرفت طور متناوب بالای تانکها عملی شوند نسبت به اینکه در خلال معاربات بوفته ها صورت گیرد .

بر علاوه تانکها از سامان قاتلو و وسایل تأمین قدرت جهت حصول مناطق صعب العبور و غیره نیز برخوردار میباشند .

در چنین موارد که تانکها و وظائف سنگین را بدوش دارند و وظائف خدمات تخنیکي بس خطیر و پر اهمیت شده و قبل از همه در ردیف اول قرار میگیرند .

طور مثال قبل از سرق تانکها بصوب مناطق کوهستانی بایست تمام ترتیبات کنترول، انجن و سرعت و سایر قسمت های مهم آنها تدقیق و معاینه شوند . تا میادا به نظرات جبران ناپذیری مواجه شهیم .

آنچه که ماعدتاً معمول است احضارات لازمه برای تعلیم گاه تانکهاچه از نگاه وسایط و چه از لحاظ پرسونل اتخاذ میگردد. در میدان های تعلیمی مراعات وقت و تشخیص و تثبیت محلات برای تطبیقات از وظائف پراهمیت بشمار میرود . مثلاً کتدک تانک غرض اجرای یک سلسله عملیات نظامی در مناطق کوهستانی نامور میگردد . برای این مقصد کتدک مذکور باید قبلاً با اراضی ریگزار و مناطقی صعب العبور و دریا های بایستر سنگزار آشنا شده باشد در غیر آن کتدک تانک به اجرای وظائف خود موفق شده نمیتواند. در صورتیکه مواضع تعلیمی دارای همچو شرایط نباشد قوماندان قطعه به تشریح مختصر اکتفا نموده مقررات و پرنسپ های تطبیقات را برای منسوبین قطعه واقع میسازد .

رهمنونی و اداره تطبیقات بشمول اشخاص مسؤول خدمات تخنیکي یک امر ضروریست چه اشترک افسران تخنیکي در ینگونه تطبیقات نهایت مفید بوده و تجارب حاصله را میتوانند در مواقع لزوم به معرض اجراء بگذارند .



مساعی مشترکه قوای موتوریزه و هوایی .



مؤقتین امور فنیکی برای رهنمایی تانک ها
از اشارات مخصوص استفاده می نمایند .

بسا اوقات چنین
اتفاق افتاده که
کندک تانک جهت
رسیدن به خط
جبهه پایداری
غیره بل عبور را
بیمایند و ای
اینکار برای آنها
امکان ناپذیر
میباشد بدین منظور
پرسونل بشعول
تراکتور ها
(وسایط جرثقیل)

و بدسترس گروپ های تهنیکی
میگذارد . پرسونل گروپ های
مذکور طبق پلان مرتبه مکلف اند
در اسرع وقت نقایص و عوارض که
در جریان عملیات از وسایط بظهور
میرصد رفع کرده و معاینات و وسایل
مخصوص ، آلات مخابره و اسلحه
و تعدیل و تنظیم سایر سامان و وسایل
را انجام میدهند همچنین اگر در
فلتر های وسایط گردو کثافات داخل
شده باشد به اصول تهنیکی پاک
گردیده و این عمل قدرت و سایط
زرهدار در زمان تطبیقات بخوبی
تامین نموده میتواند .

ترمیم و تخلیه وسایط غیر قابل
استفاده در جریان احضارات و
تدارک غرض تعرض بواسطه سامان
و وسایل ممکنه که قطعات بدسترس
دارد اجرا میگردد .

کندک به انضمام وسایل ترمیم
و پرسونل خویش حین پیشرفت بسوی
خط جبهه در قطار آخر حرکت
میکنند زیرا ایشان ماهیت و وظیفه
خویش را درک کرده اند و وظیفه
دارند که در جریان پیشرفت اگر
وسایط با عدم موافقت مواجه میگرددند
بلافاصله آنها را تخلیه کرده و به
سرنیشتان آنها امداد های لازمه
بعمل میآورند در صورتیکه وسایط
مستلزم معاینات جزئی باشند فی الفور
به رفع نواقص آنها در محل مذکور
اقدام می ورزند .

و سایر وسایل بعقب قطعه براه افتاده
و در صورت احساس ضرورت
فی الساعه داخل اقدامات میگردد
و یا اینکه ورکشاپ های ترمیم کندک
تانک با تمام وسایل دست - اشته خویش
بهمرانی ورکشاپ غند از راه های
که برای وسایط ثقیل مشکلات تولید
مینمایند قطعه مربوطه خویش را دنبال
میکنند .

حرکت واحدهای ترمیم و پرسونل
خدمات تهنیکی در قطار آخر جبهه
این مفهوم را بخوبی میسرساند که ایشان
بشوند و وظائف محوله را بخوبی
انجام دهند زیرا اکثرأ بملاحظه
رسیده واحدهای مذکور مأمور
به اجراء وظائف گردیده اند که
هیچگونه ارتباطی به ایشان نداشته
و این امر سبب پسمانی آنها از قطعات
گردیده است برای اثبات این مطلب

خویش بعهود دهمی بینم یک اتفاق را
که در جریان تطبیقات بوجود پیوسته
برایتان حکایت کنم . کندگی در حال
پیشرفت بطرف خط جبهه بود
و تراکتور هائیز آنرا تعقیب میکردند
ناگهان دو عدد تانک از حرکت باز
ماندند درینوقت پرسونل تخلیه
بدون اینکه وظیفه اساسی خویش را
که عبارت از تخلیه تانکها بود
اجراء نمایند به کش کردن آنها
شروع کرد اینکار تقریباً هشت الی
نه ساعت وقت را دربر گرفت و نتیجه
بر آن شد که قطعه مذکور بعد از ختم
تطبیقات به محل اجتماع مواصالت
تمودند .

ذخایر مواد نفت در اثناء مارش
قطعات اهمیت بسزائی دارد زیرا
قطعات اغلباً به مناطق دور دست
موقداده میشوند که تدارک همچو
مواد در مناطق موصوف امکان
ناپذیر می باشد . روی همین اساس
چون وسایط موثر دار برای طی
مسافتات طویل مقدار قابل ملاحظه ای
مواد سوخت را بمصرف میسرسانند
برای اینکه در طول راه به مشکلات
مبتلا نشوند لاقلاً موجودیت دو عدد
بیرل دو صد لیتره علاوه بر مقدار
موجوده تانکی ها با وسایط یک امر
حتمی و ضروریست .



قطعه تانک موقع تعرض

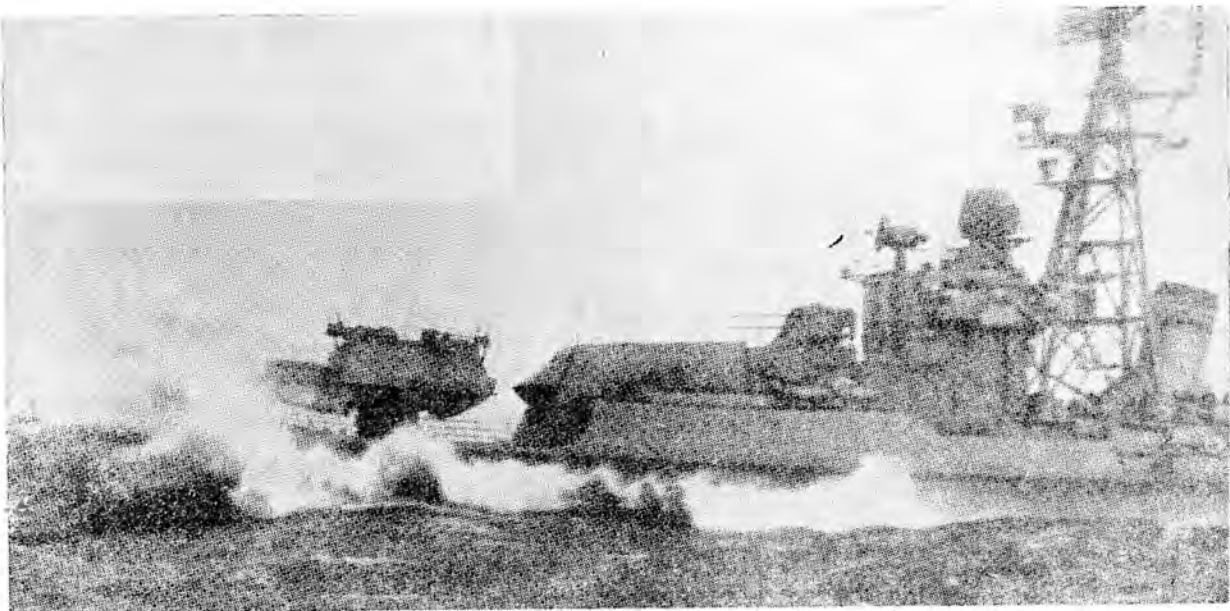


تجهیزات تکنیکی

معمولا كندك تانك از طرف گروه ترميم و تخلیه تحت رهتائين معاون امور تخنيكي قوماندان حمايه ميشود وظيفه اين گروه بطور كلى مشخص است بطوريكه اگر در اثنای تطبيقات وسايط از استفاده و فعاليت باز ميمائند بوسيله اعضای گروه متذکره اولاً وسايط تخلیه شده بعداً از محل که تحت هدف و گلوله باری مستقيم دشمن واقع شده محل مناسب انتقال داده ميشوند و در آنجا در قسمت ترميمات آنها اقدامات لازمه بعمل مي آيد. البته اعضای موصوف از اجرای جنان ترميمات که باعث انقضای وقت ميگردد و عم وسايط بوعقد و زمان تثبيت شده آن به محل معينه مواصالت نمي ورزند چرا خود داری نمايند. تعيين وقت برای اعضای گروه ترميم و تخلیه از همه مهتر است فرض کنيم امور ترميم مدت دو الی سه ساعت را دربر ميگيرد و گروه مذکور در چنين شرايط به انجام آن قادر نيست در صورتيکه اسكانات ترميم آن در محل ديکری حدس زده ميشود پس بهتر است قطعه به زرفار خويشي ادامه دهد و امور ترميم وسايط تا زمان رسيدن بموضع مناسب به تعويق انداخته شود. كندك تانك مكلف است تا موضع مناسبی را برای معاينات تخنيكي انتخاب نمايد همچنان برای اينكه مأموريت خويش را انجام داده بتواند وهم از قطار عقب نمايد بايد تشكيل محاربه قطعات را تا فاصله که رؤيت آن محال باشد بپوشته تعقيب کند زیرا طور يکه گفتم معاون امور تخنيكي قوماندان تولى بالذات از معاينات تانك های خويش مسؤول است.

واقع گردد پس چگونه ميتوان تشكيل محاربه قطعه را در اثنای رفتار تعقيب كرد باالفرص اگر ترا بپوشه می مذکور غرض تخلیه تانك های غير قابل استفاده گماشته شوند در اينصورت پرسونل مرکز معاينات تخنيكي نمیتواند بدون وساييل حمل و نقل و آلات اخباروی ووظايف خود را بدرستی انجام دهد راه معقول است تا قوماندان آن كندك

قوماندان كندك ميتواند در حدود صلاحيت خويش يك گروه زرهپوش را غرض استفاده معاون امور تخنيكي بگمارد. بعضیها عقیده دارند که مرکز معاينات تخنيكي ميتواند ترا کتور- های تانك ويا ورکشاپ های سيار مربوط گروه ترميم و تخلیه را برای مقاصد حمل و نقل استعمال نمايد اگر اين عقیده مورد قبول



کشتی های مخرب انداز در حال

پرزه های ناقص آنها صادر میگردد و يك يادو نفر غرض ایجاد فضای همکاری و معاونت باسر نشینان و سايط متروك مامور میشوند بعضی اوقات بمنظور تسهیل امور ترمیم ، وسايط به نزدیکترین سرك برده شده و در آنجا انتظار وركشاپ سیار تانك را میکنند .

تانك هائیکه به اثر مساعی گروپ ترمیم و تخیله تانك، اصلاح یا تجدید ویا ترمیم نمیشود بعبارة دیگر در صورتیکه اعضای گروپ مزبور قادر به رفع نواقص تولید شده نباشند ذریعه وسايط متروكدار اخفا میشوند و یا به سرك تخیله منتقل میگرددند تا در آنجا از وسایل و آلات مخصوص ترمیم استفاده بعمل آید .

غالباً چنین واقع شده که یکی از تولى های مربوط کندك تانك و یا تانكهای آن طور جداگانه با قطعات دشمن داخل جنگ شده اند درینحالت سركز معاینات تخنیکى قسمت عمده کندك را که امید فتح و ظفر از آن متصور باشد تعقیب نموده حین لزوم همکاری های

در آنصورت متصدی سركز معاینات تخنیکى ضمن بیامی از معاون امور تخنیکى قوماندان تولى تقاضای فرستادن تراكتور را نموده تا تانكهای غافل را كش کند و به نزدیکترین پشتوانه یا سركز امداد تخنیکى برساند .

هر گاه اسلحه تانك فاقد هر گونه عارضه باشد میتوان از آنها جهت تعرضات متقابل بالای قوای دشمن البته به امر قوماندانان کندك استفاده کرد و با آن سركز خونین قطعات متهاجم را با شکست جبران ناپذیری مواجه ساخت .

بعد از آنکه وسايط عارضه دار به محل ترمیم منتقل میگردد اولاً معاون امور تخنیکى قوماندان کندك بدقت آنها را تدقیق و واریسی نموده بعداً اندازه اصلاحات و امور ترمیم وسايط مذکور را تعیین میکند . درینگونه مورد معمولاً وركشاپ ترمیم تانك احضار میگردد . اگر وسايط قابل ترمیم محتاج وسایل و سامان مخصوص ترمیم نباشند در آنصورت امر تعویض بعضی

از صلاحیت خویش استفاده نموده و برای اجرای چنین مقاصد يك گروپ زرهپوش را مؤظف سازد .

سركز معاینات تخنیکى مجبور است با تانكهای از كار افتاده و یا انهایکه در باطلاق ها توقف نموده و اخراج شان دشوار باشد تماس برقرار نماید . زیرا تأخیر در كلك حکم از دست دادن وسیله زرهپوش جنگی را دارد . یگانه وسیله که در عموماً مواقع ما را از خطر و مصائب نجات میدهد آلات مخابراتی رادیوئی میباشد چه وسایل رادیوئی بهترین واسطه ایجاد تماس بین تانكها و معاینات تخنیکى محسوب میگردد .

همچنان از وسایل مخابره بعدی نیز نباید چشم پوشی کرد . اگر وسایل رادیوئی در اختیار نباشند میتوان در هنگام روز از بیرق های اشاره و موج شب از چراغ های اشاره استفاده کرد . مسووبین کندك باید قبل از آغاز مخابره با رموز اشارات و علائم آشنا باشند . در صورتیکه سر نشینان تانك های تروك و از كار افتاده از استعمال هر گونه وسایل و آلات ، مخابره عاجز شوند



حرکت بصوب محل تطبیقات

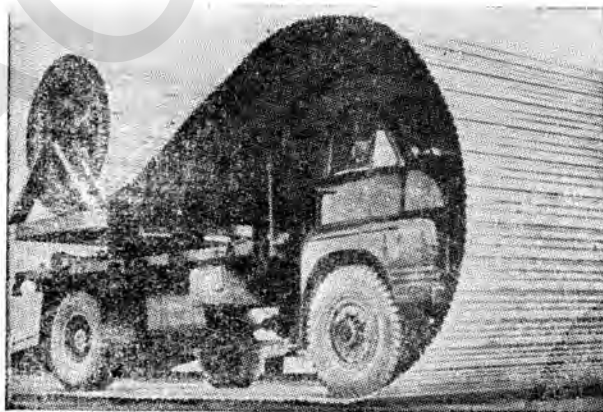
وسایط، تمام آلات و سامان که
خطر مرگ از آنها متوجه باشد
دقیقاً تحت معاینه قرار گیرند.

در اخیر باید اعتراف کرد که
وظایف و ساموریت‌های گروپ تخلیه
و ترمیم در جریان محاربات نهایت
دشواری و بی‌مسئولیت است کارکنان
و اعضای چنین گروپ‌ها باید با اصول
کشف ساحات که بواسطه ذرات
رادیو اکتیف مسموم شده معرفت
و شناسائی کفی داشته باشند معمولاً
برای اینگونه مشا صند پرسونل
و رکشاپ کندک تحت تعلیم و تربیه
گرفته میشود.

برای اینکه معاون امور تخنیک
قوماندان کندک وقتاً فوقتاً با
مقامات ذیصلاح و آمرین خویش
خاصتاً قوماندان کندک تماس داشته
باشد بهتر است دو دستگاه بیسیم
یکی رابه شبکه مخابراتی کندک و دیگری
آنها به شبکه مخابراتی خدمات
تخنیکی غند ارتباط دهد تا اخبار
لازمه و مهم را در موقعش به سمع
آمرین و مافوقان برساند و هم از
ایشان عندالضرورت خواهان هدایت
و رهنمونی شود. (پایان)

سامور میسازد.
در محاربات معاصر امکان دارد
نانکهای معیوب در اراضی با
ذرات رادیو اکتیف یا غازات مسموم
کننده و یا وسایل بکتریا لوژی
آغشته شده باشند لهذا قبل از تخلیه

لازمه را بعمل می آورد. در چنین
مواقع معادن امور تخنیک قومانندان
بصورت منفرد یکداسته از افراد
مرکز از معاینات تخنیک و یا یک
جمعیت با کفایت تخنیک را برای
بررسی اینگونه اوضاع و حوادث



تیز رفتار
تخنیکری

تیز رفتار مخصوص محصول فابریکه موثر سازی انگلستان صفحه
فلزی ۴×۱۱ متر را در ۱۱ ثانیه هموار و در ۲۲ ثانیه جمع می کند.
از این نوع تیز رفتار برای عبور دادن وسایط از اراضی ریگزار
جبه زار و برف دار کار می گیرند.
بنا بر داشتن خواص فوق فارم تولید یکتعداد زیاد این وسایط را
به اردوی انگلستان اهدا نموده است

این تیز رفتار بر علاوه در یور بدونفر معاونین در یور نیز ضرورت
دارد تا در اثنای هموار ساختن و جمع نمودن صفحه فلزی کمک نمایند

مختصری از اساسات تشکیلات در اردو

مطالب این مقاله کدام سیستم خاص نظامی را تعقیب نکرده
بدون اتکا به مآخذی نظریات نویسنده است

بقلم : تورن ارکانجرب
علی احمد جلالی

مقدمه :

همه مادر زندگی روز مره فرق های فاحشی را که در بین محصول کار منظم و تقسیم شده و فعالیت های غیر منظم و بدون هدف موجود است تا اندازه ای شرکت نموده و عقیده داریم بهر اندازه ای که برای انجام یک عمل پیش بین بوده و جهت اجرای آن وظایفی را که انجام آن لازم می باشد بالای و سایل اعم از

انسان و مالز مه طور منظم تقسیم کرده و بایک قیادت عالی آنرا بکار بریم ، به همان پیمانته محصول این عملیه بیشتر بوده از زمان و صرفیات مختلف صرفه جوئی قابل ملاحظه ای بعمل آورده می توانیم .
در اثنای وقوع حریق در یکی از منازل شهر همیشه متوجه شده خواهید بود که بین مساعی مردم دور و پیش جهت اطفای حریق با وسایلی که در همان ساعت بدست می آید و فعالیت اطفائی که طور منظم به فعالیت می پردازد فرق بارزی وجود داشته است . دلیل اصلی آنهم اینست که در شکل مساعی اولی فقدان تقسیم وظایف ، عدم موجودیت قیادت یا لیدر شپ معین ، تسلیت ، تعلیم و تربیه ، مکلفیت قانونی (دارای سویده یا Sanction) و غیره مطالبی که از ایجابات یک تشکیل می باشد

بظن می خورند اما در مورد فعالیت دوم این ایجابات پیش از پیش مدنظر گرفته شده است و از همین نگاه حصول کار آن نیز بیشتر و در عین زمان اقتصادی تر می باشد . به همین ترتیب در زندگی اجتماعی به مثال های زیادی بر میخوریم که نکات قابل توجه و مثبت یک تشکیل را به وجه خوبی تبارز میدهد .
بنابر آن در ذهن همه ما چنین خطوط می کند که یک تشکیل عبارت از تخصیص وسایل (قوا ، وسایط و تجهیزات) به وظایف و سوق و اداره آن جهت توصل به اهداف مورد نظر می باشد . یا بعبارة دیگر تشکیل عبارت از تعیین قوا و وسایط معین جهت اجرای وظایف مورد نظر و کنترل آن است . پس به اینصورت از جمله شرایط اساسی در بوجود آمدن یک تشکیل در مرحله اول

اردو که برای انجام وظایف بس سنگین و خطیر مدافعه مقدسات ملی دولتها بوجود آورده می شود بیش از همه بیک نوع تشکیلات منظم و پاکفایتی نیازمند است تا به اینصورت در احوال بحرانی هم وظایف مورد نظر را در زمان کم و با صرفیات اصغری زمان ، مالزمه و انسان انجام دهد. از همین رو تشکیل مناسب یک منبع قدرت و ایجادات غیر مرئی برای قوتهای عسکری قرار میگیرد و در اثنای قیمت دادن و ارزیابی پوتانسیل آن یکی از عواملی که حتماً باید مدنظر گرفته شود عبارت از درجه موثر بودن و منظم بودن تشکیل آن می باشد .

در این مقاله طور مختصر اساسات لازمه ای که باید در تشکیل مدنظر گرفته شود توضیح گردیده از فکتور های برجسته ای که بالای تشکیلات تاثیر بخصوصی وارد می آورد ذکر می نماید .

تاریخچه مختصر تشکیلات عسکری .

تشکیلات در هر موردی که باشد محصول فعالیت های دسته جمعی و یا اجتماعی انسانها می باشد . ازین رو بیک عبارت میتوان تاریخ آنرا از زمان تشکیل جوامع انسانی به اینطرف مطالعه نمائیم ، زیرا ضرورتی که انسانها را از حیات انفرادی و بدوی مجبور به تشکیل اجتماع نمود وسیله بوجود آمدن تشکیلات مختلفی قرار گرفت . پس از آن با پیشرفت اجتماعات تشکیلات متنوعی مانند تشکیلات دولت و تشکیلات خصوصی آن مانند صنایع ، تجارت ، فرهنگ ، عسکری و غیره نیز بعین آمد .

تاریخ تشکیلات نسبت به تاریخ اجتماعات بشری کمی جدیدتر است زیرا در شرایط زندگی قبیلوی تمام

قبیله را میتوان قوه عسکری آن قبول کرد ولی از زمانیکه اجتماعات انسانی يك قوه جداگانه را برای انجام وظایف دفاعی یا تعرضی تشکیل دادند (یعنی از عصر یکه تاریخ عسکری اجتماعات شروع گردید) تشکیلات عسکری نیز بشکل ابتدائی خود آغاز یافت .

مدنیت مصری های قدیم در شش هزار سال قبل تشکیلات عسکری

عصر فضا

روزانه بیش از یکصد نوع وسیله سفر فضائی بیازار عرضه میگردد. از جالب ترین وسایلی که تا کنون عرضه شده يك اسلحه کوچک است که از آن اشعه قوی «راديو اکتیو» بیرون میزند . این اسلحه را کمپنی مارتین بلاک و دکر ساخته است وزن این اسلحه جالب از هشت پوند کمتر است . وسیله جالب دیگر از همین

کمپنی :

يك هسته جالب الکترونی است بوسیله آن فضا نورد می تواند متوجه خطر ریزش زمین و خطرات دیگری که در زیر و روی خاک وجود دارد میشود .

داشت و به تعقیب آن مدنیت های بزرگ دیگری که بوجود آمدند نیز دارای تشکیلات نظامی بودند و با ظاهر شدن شخصیت های بزرگ در صحنه حرب و سیاست در انکشاف آن قدم هایی به پیش برداشته شد (مانند هنیپال ، ژول سزار ، سکندر مقدونی و غیره) مدنیت های یونان قدیم آریانا بنین الهین ، روم و کارتاژ

همه دارای تشکیلات منظم عسکری بودند که باتکامل انواع مختلف اسلحه سرد از آلات و ابزار فلزی مانند شمشیر تیرو کمان نیزه و غیره تا منجنیق عراده های جنگی تانک های چوبی و سایر ماشین های محاروبی در آنها انکشافاتی صورت گرفت .

در افغانستان تشکیلات عسکری که به تعقیب مدنیت های باستانی آریانا بوجود آمد عبارت از تشکیلات نظامی دوره یونان و باختری ، کوشانی و یفتلی تشکیلات عسکری دوره اسلامی تشکیلات نظامی که پس از استیلای چنگیز و تیمور رویکار شد و بالاخره تشکیلات ملی افغانستان بعد از قرن ۱۸ مانند تشکیلات عسکری دوره سدوزائی و محمدزائی می باشند .

در اینجا باید اظهار نظر نمود که تا قرون معاصر انکشاف تشکیلات عسکری آنقدر سریع نبود ولی با رویکار آمدن اسلحه آتشدار و بالاخره اسلحه ذروی و انکشاف این انواع اسلحه در انکشاف و تحول تشکیلات نظامی سرعت زیادی احساس میگردد و یکی از موثرات مهم آن تصرف زیاد از قوه انسانی می باشد یعنی مصرف مواد زیاد شده و مصرف انسان در اکثر موارد نسبت به سابق در تشکیل تقلیل یافت معیناً این موضوع در مورد تلفات انسانی در احوال جنگ ارتباطی ندارد .

عواملی که بالای تشکیلات عسکری موثراند

بالای تشکیلات عسکری تمامی عواملی که ندر گانی اجتماعی انسانها را تحت تاثیر قرار میدهد موثر می باشند زیرا تشکیلات عسکری ذاتاً پدیده اجتماع است و بنابر مقتضیات زندگی سوسیو پولتیکی اشکال مختلفی را بخود میگیرد . در اینجا عوامل مهمی که بالای تشکیلات

عسکری تأثیری وارد می نمایند
مختصراً توضیح میگردند :

وضعیت اجتماعی

وضعیت اجتماعی بحیث یک عامل بس مهم در تشکیلات عسکری موثر می باشد از همین جهت تشکیلات عسکری که در طول تاریخ در جوامع مختلف بشری روی کار آمده اند فرق های زیادی داشته اند بعضاً در طول تاریخ مقتضیات اجتماعی سبب میشود که خدمت عسکری بیک طبقه خاصی مربوط باشد از همین رهگذر تحت چنین شرایط خدمت عسکری میراثی بود و صاحب منصبان و افراد در صورتی شامل خدمت نظامی میشدند که درین زمینه حقوق میراثی می داشتند در بسا موارد چنین تشکیلات خطرانی در پی خود داشت زیرا اکثرآ منسوبین اردو از اشخاصی بوجود می آمد که از حیث لیاقت نه بلکه از روی یک امتیاز داخل خدمت عسکری میشدند. و یاد برخی احوال اردو شکل یک قدرت شخصی را بخود میگرفت و آن در شرایطی بود که برخی از فرمانروایان غلامان زر خریدی را بحیث افراد نظامی برمیگزیدند و بالای آن اسکا و اعتماد خاصی داشتند .
اجتماعات امروز نسبت به گذشته

فرق زیادی کرده است در شرایط فعلی هر فرد اجتماع مسئول دفاع از منافع ملی می باشد ازینرو اردوها شکل ملی را بخود گرفته اند که در تشکیلات آن خصوصیات ملیت های مختلف نقش بارزی دارد گذشته از آن خدمت نظامی در مفهوم امروزه یک خدمت و مکلفیت ملی تلقی میگردد در حالیکه در سابق آنرا بحیث یک حرفه می شناختند . سربازان غرض تأمین معیشت و یابدست آوردن مقام و موقعیت شامل خدمت نظامی میشدند بنابراین علت در اجتماعات آنوقت نظامیان بعضاً در قشریک طبقه مخصوصی تبارز نموده در طبقه بندی اجتماعی موقعیت جدا گانه ای را از دیگران داشتند . تشکیلات عسکری در آن احوال تابع امکانات و شرایط همین طبقه نظامی بوده است و اگر در احوال استثنائی از داوطلبان و یا یله جاری هم استفاده بعمل می آمد گروه اخیر الذکر در خدمات عقب بکار می افتاد و یا اتلاً وظایف ثانوی نظامی را اجرا میکرد . ولی هر قدر اجتماعات از نگاه مادی و معنوی به انکشافات مزید تر نایل آمد و تحولات فکری چهره او ضاع اجتماعی ملت ها را تغییر داد آنوقت منافع مشترک ملل بوجه بارز تری تبارز

نمود و این عقیده بعیان آمد که بیک مدافعه مکمل از منافع ملی در صورتی تأمین شده میتواند که از تمامی امکانات فردی و اجتماعی استفاده شده و طور مرکزی بکار آفند . این مسأله گذشته از پونا نسیل نظامی تمامی قوای مجموعی دولت ها را مسئول تأمین منافع ملی ساخت بتأثیر آن در تشکیلات نظامی نیز تحول بزرگی وارد نمود . مطالعه تاریخ حرب نشان میدهد حتی در شرایطیکه اردو ها مغلوب شده اند مردم بمقابل متجاوزین قدا علم کرده و طبقه قوای عسکری را دنبال نموده اهداف ملی خود را بدست آورده اند . در حالیکه در قدیم اکثرآ زنده شده همینکه اردوی یک کشور مغلوب قوای عسکری طرف مقابل شده است آن کشور دوماً تحت استیلای اردوی فاتح در آمد است . این موضوع در شرایط امروزه قابل تطبیق نیست زیرا استیلای یک کشور معنی اینرا میدهد که تمامی مقاومت های ملی در آنجا از بین برده شده عزم جنگجویی آن شکست خورده شده و بهمان شکل محالقه گردد .

از روی مطالب فوق بخوبی واضح میگردد که شرایط اجتماعی تا کدام اندازه بالای تشکیلات عسکری تأثیر دارد . گذشته ازین طبقه بندی اجتماعی و مشاغل مردم بالای تکنیک های تشکیلات نظامی نیز تأثیر قابل ملاحظه ای وارد آورده میتواند ، ازینرو تشکیلات اردو در کشور های مختلف از هم فرق دارد .

وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی یکی از فکتور های برجسته ایست که بالای تشکیلات عسکری تأثیر بارزی دارد . در شرایط امروزه که موازی با پیشرفت ها و انکشافات علمی و تکنیکی اردو ها با اسلحه و وسایط و تجهیزات متنوعی

تشنه خنجر بوی مویله اشعه گاما

اخیرآ عده ای از عواشناسان جهان باین نکته پی برده اند که منبعی از اشعه گاما میتواند تا ارتفاع صد متری هوا را (ایونیزه) کند هوائی که باین ترتیب ایونیزه میشود در صفحه رادار قابل رویت است و در نتیجه میتوان با استفاده از این شیوه حرکت طیاره ها را در آسمان تعقیب کرد با دقت کامل میسر حرکت گرد باد و توفانها را تعیین و نموده طیاره ها را از خطر مصئون داشت برای اینکار شمکد (ایونیزه) را به قسمت جلو طیاره متوجه میسازند و از دستگاه رادار حرکت آنرا زیر نظر میگیرند . پیلوت طیاره با اطلاعاتی که از زمین دریافت میکند خط سیر آنرا عوض میکند تا دچار خطر اتی از قبیل توفان زدگی و غیره نشود .

تسلیح و تجهیز میگردد فعالیت موثر آن مربوط به اینست که ماشینری حرب را طور دوامدار بشکل خود کار محافظه نمایند. در زمان های سابق که از یکطرف تجهیزات و اسلحه اردو بسیط بوده مصرف علاوگی نسبتاً کمی داشت و از جانب دیگر مدت دوام حرب کمتر مدنظر گرفته میشد نقش وضعیت اقتصادی بالای تشکیلات عسکری آنقدر هم بسوی امروزه پراهمیت تبارز نمیگردد است که در آن احوال اقتصاد ملی نیز طور سیستماتیک انکشاف نیافته بود معیناً مخارج محافظه اردو در شرایط حرب هزینه های بزرگی نمی خواست. وقتی یک شمشیر به سربازی داده میشد او تا آخر بدون کدام مصرف علاوگی از آن استفاده میکرد و بایک نفر تیر انداز جبهه خانه خود را که عبارت از (تیر) بود به آسانی تهیه کرده می توانست. کم دوام بودن حرب نیز باعث میشد که مقدار احتیاجات اردو ها نسبتاً کمتر باشد. ولی در شرایط فعلی که وسایط حربی بدون اکمال دوامدار و رعینات حرکت کرده نمی توانند و اسلحه بدون اکمال اتوماتیک جبهه خانه از فعالیت باز میماند و به همین شکل اکمال پرزه جات، تامین خدمات مختلفه و غیره اهمیت زیادی دارد و ضمناً مدت دوام حرب بیشتر شده است و بالاخره تاثیرات دشمن بالای منابع اکمال از جبهه تا عمق مملکت موجود می باشد فکتور اقتصادی اهمیت قابل ملاحظه ای را در تشکیلات عسکری حاصل داشته است.

تشکیلات عسکری در عصر حاضر مستند به سویه حمایت اقتصاد ملی طرح میگردد و درین منجش تنها وضعیت موجود نه بلکه وضعیت متعاقب نیز مدنظر گرفته می شود مثلاً برای تشکیل یک فرقه نباید تنها امکانات

اکمال پرسونل، تخنیک حربی و ذخایر مادی را مدنظر گرفت که نظر به تشکیل و لوازم های ستوک بران یک وقت لازم می باشد بلکه احتیاجات آنرا چندین مرتبه در نظر گرفت. یک فرقه پیاده در شرایط حرب در طول یکسال نظر به رول و موقعیت آن چندین مرتبه به اکمال و تبدیلی ضرورت دارد در آنصورت اگر در تشکیل خود بطور مثال پنجمزار عراده واسطه موثر دار داشته باشد لازم است در دیوها اقلاً موجودیت سه یا چهار چند آن وسایط لازمه ضرور است و با اقلاً باید منابع تولیدی قدرت و ظرفیت تولید را به همین پیمانته داشته باشند در مورد سایر احتیاجات نیز این موضوع را باید مدنظر داشت در شرایط حرب های ذروی که اندازه تلفات قوق العاده بلند رفته و وضعیت

بسرعت تغییر میکنند جهت تامین گروه بندی و تشکیل مجدد پس از ضربات نخستین ذروی لازم خواهد بود اعتبار از زمان حضر سویه مواد پخته بلند برده شده کاملاً مواد خام و قدرت تولیدی فابریکات اتکا نشود. از همین جهت پس از حرب دوم جهان تحولی در شکل تامین دوام حرب از نظر اقتصاد بوجود آمده که مطلب فوق را دربر میگیرد.

بنابر توضیحات بالا واضح میگردد که تشکیلات عسکری تا اندازه زیادی بالای اقتصاد ملی اتکالی نماید و تمامی تشکیلات زمان حضر و سفر اردوها نظر به اسکانات آن سنجش میگردد در غیر آن تشکیلات نظامی به مفهوم حقیقی آن بوجود آمده نتوانسته در برخی موارد شکل سرایی را بخود میگیرد.

ارتباط با کرات سرد شده

دانشمند ریاضی دان و فیزیکدان انگلیسی دکتر (دایسون) اخیراً موفق بکشف سیاره جدیدی شده و توانسته است علائمی از کرات سرد شده بدست بیاورد. علایمی که دکتر دایسون از کرات سرد شده بدست آورده توجه دانشمندان را بخود جلب کرده است زیرا علایمی تلگرافی از میان بخار هیدروژن ارسال میشود زیرا علم ثابت کرده است که علایم تلگرافی از میان بخار هیدروژن خیلی سریع تر و قوی تر مخایره میشود.

بر طبق فرضیه داکتر دایسون بیش از هزار کره سرد شده تا بحال بوسیله دوربین های نجومی کشف شده اند. این کرات عالم سماوی دارای تمدن های پیش رفته میباشند و بعید نیست که بشقابهای پرنده که در سطح کره زمین دیده میشوند از کره های عالم بالا آمده باشند.

علایم تلگرافی از طرف کره هائی مخایره شده که هنوز نتوانسته اند از فضای خود خارج شوند یا بعلت بعد مسافت سفر آنها بکره زمین مقدور نیست.

بهر حال نظریات داکتر دایسون انگلیسی چنان مورد توجه قرار گرفته است که بودجه ای برای او در نظر گرفته اند تا با مخایره متقابل سعی کند با مردم دیگری که در کرات عالم بالا زندگی میکنند تماس حاصل کند.

وضعیت ایده لوژیکی .

مفکوره ، نصب العین و آیده معین از ایجابات اصلی محافظه و نگاه داشت کلیه ها و تمامیت های سیاسی شمرده می شود . قوه محرکه ای که سربازان را تحت شرایط حرب های ذروی بطرف اهداف ملی سوق میکند بدون موجودیت آیده لوژی معین و ملی تکمیل شده نمی تواند . این خصوص در تشکیلات عسکری عصر حاضر اهمیت قابل ملاحظه ایراکسب کرده است . تقویه این عنصر مهم مستلزم تشکیلات و فعالیت های ممتد و دوامدار است که نظر به ایجابات هر کشور در اردو های آن تبارز میکند . در سیستم های عسکری که به اشکال نسبتاً مختلف در جهان موجود است این مطلب به انواع مختلف دیده می شود .

وضعیت سیاسی .

وضعیت سیاسی نیز از جمله عواملی است که بالای تشکیلات عسکری تاثیر قابل ملاحظه ای دارد زیرا قوه سیاسی و عسکری در شرایط فعلی مناسبت های ذات الیمنی بسیار نزدیکی باهم پیدا کرده اند . البته مشکل است ادعا کنیم که کدام قوه واسطه اجرای کدام آن می باشد زیرا هر کدام آن در قسمت اجرای وظایف خود از دیگر آن معاونت میگیرد قوه سیاسی حین فعالیت قوه عسکری را استناد خود قرار میدهد و مطالبات خود را مطابق به سویه قدرت آن تنظیم میکند در غیر آن فعالیت افراطی قوه سیاسی بدون مدنظر گرفتن پوتانسبل حقیقی قوای مسلح خطرات بزرگی را بوجود آورده و جزء اعمال تحریک آمیزی شمرده می شود که ممکن است موجب مصیبت های ملی واقع گردد . به همین شکل قوه عسکری حین فعالیت بالای قوه سیاسی اتکا میکند و همین قوه سیاسی است که

از طرق فعالیت های خود زمینه موفقیت را برای اردو بیشتر مساعد می سازد .

بنابر آن چون قوای سیاسی و عسکری باهم روابط نزدیکی دارند لازم می افتد تا تشکیلات عسکری در پهلوی سایر ملاحظات به مقاصد سیاسی نیز مطابقت داشته باشد .

وضعیت جغرافی و جیوپولیتیک .

وضعیت جغرافی و جیوپولیتیک نیز در فکتور های موثر بر تشکیلات عسکری مقام و موقعیتی را کسب می نمایند . اوضاع جغرافی تثبیت میکند که در مناطق مختلف چه قوتی از چه جنس و بکدام تشکیل بوجود آورده شود و وضعیت جیوپولیتیک که نوع سیاست خارجی دول را تثبیت می نماید بالای اهمیت کیفیت تشکیلات عسکری تاثیر مینماید .

در کشورهایی که اراضی آن هموار بوده استعمال وسایط میکا نیزه و زره دار در آن بسمولت صورت

قلب ترانزیستوری

در دنیای که امروز ما زندگی میکنیم بیش از چهل هزار نفر از مرض های قلبی رنج میبرند . ولی با بازار آمدن قلب مصنوعی جدید که توسط دو کتوران و متخصصین فنی امریکا در حال تکمیل و آماده شدن است آنها فقط احتیاج بیک عمل جراحی کوچک دارند و معین بیماران قلبی می توانند مثل جوانان بجست و خیز به درازند و بکارهای مشکل دست بزنند این قلب ترانزیستوری بوسه کمپنی معظم (جنرال الکتریک) تهیه شده است .

گرفته بتواند در تشکیلات قوتها نقش قوا و وسایط سریع الحركه فوق اهمیت دارد و سویه قدمه های تکتیکی و اوپراتیوی در حالیکه مغایر ایجابات سایر فکتور ها واقع نگردد تسطر به استعاب استقامت های اوپراتیوی بزرگتر تشکیل شده می تواند مانند قول اردو وارد و ولی در محالکی که ساحه آن دارای مناطق ممتد کوهستانی بوده استقامت های اوپراتیوی را از هم جدا کند تشکیلات عسکری شکل دیگری را بخود میگیرد . سویه بزرگی قوتها نظر به استعاب استقامت های مساعد ممکن است کوچکتر شود . مثلاً در برخی از محالکی که دارای چنین شرایطی می باشد تشکیلات سفری قوتها تا درجه لوا و نادراً فرقه مدنظر گرفته میشود .

وضعیت های مختلف جیوپولیتیک ممکن است تشکیلات مختلف عسکری را ایجاب کند مانند قوای منظم و دایمی عسکری ، قوای محدود منظم و تشکیلات وسیع غیر منظم و یا کدام شکل دیگر . به همه حال نقش وضعیت جغرافی و جیوپولیتیک در تشکیلات نظامی خصوصاً در شرایط امروزه اهمیت قابل ملاحظه ای را کسب نموده و لازم است در موارد تشکیل از نظر ها دور نگردد .

ملاحظات ستراتژیکی :

در تشکیلات عسکری رول و اهمیت ملاحظات ستراتژیکی قابل انکار نیست . در ملاحظات ستراتژیکی مدنظر گرفتن دشمن احتمالی با تشکیلات عسکری ، تعلیم و تربیه ، قدرت اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی آن شامل میباشد و لازم است تشکیلات نظامی نظریه ایجاباتیکه از مطالعه عمیق این فکتور بدست می آید تنظیم گردد بطور مثال بمقابل دشمنیکه دارای تعداد زیاد طیارات بمباران می باشد تقویه

سیستم مدافع هوایی و بمقابل دشمنیکه دارای قوای زره دار قوی باشد در تشکیلات قوتها نظر به سویی که لازم است داخل نمودن جزو تام های تانک و دفاع تانک، لازم میباشد و شبیه این در سوارد زیادی لازم خواهد افتاد به ملاحظات ستراتیژیکی اعمیت مناسبی داده شود .

ملاحظات اوپراتیوی و تکتیکی
نظر به شرایط جغرافیائی مناطق اجرای وظایف احتمالی تشکیلات قوتها در ساحه اوپرا تیف و تکتیک تنظیم میگردد. کشورهاییکه قوتهای خود را تحت شرایط مختلفی به وظیفه سوق مینماید ممکن است چندین نوع کنندک پیاده داشته باشند و هر کدام آن نظر به محیطی که در آن اجرای وظیفه مینماید دارای تشکیلات مخصوص به خودش باشد. بوجود آمدن بکت های نظامی در تشکیلات جزو تام های بزرگ اوپراتیوی نیز یک تنوع را بوجود آورده است مثلاً یک اردوئیکه از چند قول اردو که هر کدام مربوط بیک ملیت خاص باشد بوجود می آید با اردوئیکه از قول اردو های عین کشور بوجود می آید فرق دارد و به همین ترتیب اردوهای مناطق صحرا با اردوهای اراضی نورمال اختلافی در قسمت تشکیلات خود دارند .

پرنسب های تشکیل قوتها:

برای اینکه در تشکیل یک قوت از صرفیات بیجا جلوگیری شده و در حالیکه قدرت فعالیت آن تحت شرایط مختلف مدنظر گرفته شود تخصیصات لازمه کفایت را تامین کرده میتواند نظر به تجارب یک سلسله اساساتی بدست می آید که میتوان تا حدی بر آن نام پرنسب های تشکیلات را گذاشت اساسات مذکور قرار آتی خلاصه می شوند .

۱- وظیفه: برای تشکیل یک قوت

مورد نظر مطالعه وظیفه شرط نخستین می باشد، زیرا همین وظیفه است که ایجابات و قابلیت های لازمی را از یک تشکیل می خواهد؛ بطور مثال اردوی شوروی در حرب های داخلی تعداد زیاد قطعات سواری داشت ولی در حرب دوم جهان بایک تشکیل دیگر که قوای زره دار در آن به اندازه زیادی دیده میشد اشترک ورزید، شبیه این مثال های زیادی رجود دارد که وظیفه چگونه خصوصیت یک تشکل را تعیین نموده است.

۲- موازنه: برای تامین موازنه در تشکیل هر عنصر یک تشکیل باید وظیفه معین را اجرا کرده از دادن عین وظیفه به دو عنصر جلوگیری شود تا در جریان وظیفه دوپلکیشن (*Duplication*) که بعضاً بسیار خطرناک ثابت می شود بوجود نیاید .

۳- استیکیت: برای تامین این اساس لازم است عناصر یک تشکیل طوری با هم آمنگ ساخته شوند که تحت هر نوع شرایط وظیفه بطور منظم اجرا شده بتواند و تنها بکثوع شرایط مخصوص مدنظر نباشد، از نیرو و بخوبی معلوم میشود که دادن تانکهای سنگینی به جزو تاسهای کشف بی مورد است و یا قطعاً حیوان دار چندان بدرد قوتهای یکا نیزه نمی خورد .

۴- اقتصاد: غرض جلوگیری از صرفیات بیجا در یک تشکیل باید حتی الممكن از قدرت پرسونل، اسلحه و سایر و تجهیزات استفاده اعظمی بعمل آید، و از هر وسیله با قدرت مکمل آن استفاده شود.

۵- کفایت: تامین موازنه بین کفایت و اقتصاد لازم است، قوای تخصیص شده بیک تشکیل نباید آنقدر کم باشد که برای انجام وظیفه کفایت نگندونه آنقدر زیاد گرفته شود که بجهت یک عنصر عاطل در جزو تام جلب توجه نماید .

۶- امکانات سوق و اداره: در تشکیلاتی که بوجود آورده می شود باید پیوسته مدنظر داشت که آیا سوق و اداره آن بطور صحیح صورت گرفته می تواند یاخیر، امکانات سوق و اداره باید با قوتهای داخل یک تشکیل مناسبت معقولی داشته باشد .

۷- امکانات تشکیلات مافوق: چون فعالیت یک تشکیل به طرز عمل تشکیل مافوقتر آن مربوط می باشد بنا بر آن لازم است در تشکیل فندک امکانات فرقه و در تشکیل کندک امکانات غنبدیکه به آن مربوط است مدنظر گرفته شود، این موضوع ازین رهگذر هم اهمیت دارد که تشکیل مورد نظر از حیث حمایه معاریبی و اداری تا کدام اندازه از طرف جزو تام یا قطعاً مافوق تقویه شده میتواند .

موتورهای الکتریکی

موتورهای الکتریکی که اخیراً بی بازار آمده است تحول زیادی در امر موتور سازی ایجاد کرده و ازین پس بجای دکان های فروش بطرول دکان های فروش برق ایجاد خواهد شد. و موتورها درین دکانها ده دقیقه توقف خواهند کرد. تا باطری های آنها پر شود بعد می توانند صدها کیلو متر راه بروند و محضی اینکه باطریهای آنها خالی شد در نخستین ایستگاه فروش الکتریسه توقف خواهند کرد پس از ده دقیقه باطریهای آنها پر خواهد شد و دوباره میتوانند ب حرکت خود ادامه بدهند درین موتورها مقدار الکتریسه از مقدار مصرف بطرول ارزان تر تمام میشود .

سیر انگشاف اردو و در مسیر تاریخ



روحیه و پندوستی و عشق سربازی در وجود آنان مشتمل گردیده بود. قوماندانان مزبور مجال تحقیق در تکنیک های عسکری و پیروی از پرنسپ های قدیم حربی و رعایت احتیاط و تدابیر امنیتی که از لوثی چهاردهم در هر مجاربه ضروری بود نداشتند، اکثر آنان جوان بودند، اما در بین اینان بعضی از آنها چون ناپلیون بنا پارت نبوغ و استعداد زیاد در خصوص سوق و اداره قطعات داشت، ناپلیون و دوستانش با شور

سربازان را شجاع و بادسپین بار آورده بودند این سربازان در لحظاتی که بطرف دشمن حمله میبردند سرراخم کرده سرنیزه را پیشرو گرفته با سرود ملی مارسیز بصف دشمن رو نهاده و مثل تیری قلب اردوی دشمن را درهم میزدند. چون در آن زمان منزل اعظمی انداخت تفنگ های پیاده بیش از ۲۵۰ متر نبود و قدرت آتش آنها فوق العاده ضعیف بود و برای پر کردن تفنگ بیش از یک دقیقه لازم بود، بنا برین شخص مهاجم چون میدید وقت ضایع میشود بدون معطلی حمله میکرد و در طرف یک و یا دو دقیقه باو میرسانید از همین سبب در میدان های جنگ عده مقتولین زیاد بود چنانچه از سال ۱۷۹۲ تا سال ۱۸۰۰ که هشت سال میشود اردوی فرانسه از دو میلیون عسکر خود هفت صد هزار نفر را از دست داد.

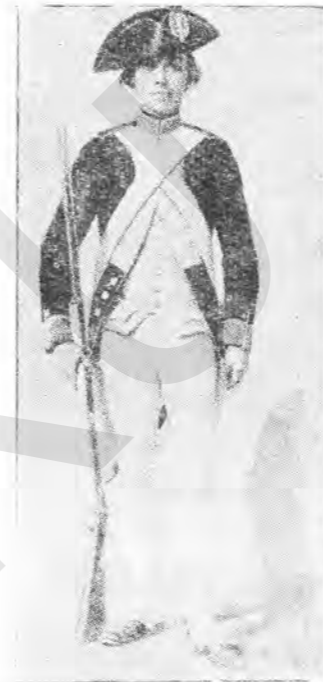
لیکن این اردوی جدید که تمهیدات گذاری آنرا انقلاب فرانسه بوجود آورده بود خیلی هایی تجربه و جوان بوده، صاحبمنصبان و قوماندانان آن نیز تازه کار و تجارب حربی نداشتند، در حقیقت این صاحبمنصبان از جمله کسانی بودند که ناگهان



یک عسکر داوطلب از صنف سواری قرن ۱۹ فرانسه

مساعی بخرج بدعند تا از هم متفرق نشوند و احتمالاً یکن اینها از بین میرفت میبایستی از صف دوم جای آن برگردد.

اما قوماندانان دوره انقلاب فرانسه این وضع را تغیر دادند و بجای این نوع تکنیک صنوف سواری پیاده و توپچی را با هم یکجای ساختند و برای اولین بار مساعی مشترک را در بین صنوف مختلف تمهیدات گذاری نمودند، چون این قوماندانان در جنبش های دیموکراتیکی فرانسه عملاً اشتراك داشتند در حقیقت مساوی یک روحیه وطن دوستی و ملیت خواهی بودند که تماماً



عسکر پیاده فرانسه سال ۱۸۰۸

تکنیک های جنگی اردو در قرن هیجدهم:

شرایط سفر بری عمومی و تاثیر تکنیک حربی در تکنیک تاثیرات زیادی در پلانهای اوپراتیوی و سوق الجیشی پدید آورد، در جنگ های قبلی صنوف پیاده و سواری بدو صنف متوازی در برابر دشمن جابجا میشدند، افراد پیاده در خط اول تعرض بمنزله دیواری از انسان بود که به صف متفاوت ایستاده و عساکر یکدیگر چسبیده بودند زمانیکه حمله شروع میشد اینها مجبور بودند رعایت صف را مراعات نموده و

اردوی ناپلیون در قرن هیجدهم

عساکر فرانسوی بدون اندک شکایتی بمشکل ترین اوامر اطاعت میکردند، و کسانی که کمترین بی انضباطی را متحمل میشدند در نهایت سختی و وحشت جزا میدادند چنانچه بریکار مینویسد: دیشب ساعت هشت در غند مایکی از عساکر صنف سواری را تیر باران کردند بچرم اینکه کلاه چرکین خود را بزور با کلاه یکی از دهقانها عوض کرده است. و هم هرسربازی را که بی اجازه قشله را ترك کرده باشد نیز اعدام میکردند و هر صاحبمنصبی که در موقع جنگ نمیتوانست عساکر خود را سوق و اداره درست نماید تیر بارانش میکردند اما با وصف این عمه دسپلین

جامد و جزای وحشتناک اکثری از سربازان ازین وضع رضایت داشتند، یکی ازین سربازان مینویسد: همه، از این مجازاتها شاد مانیم زیرا که بی غیرتی و بی انضباطی آن موجب شکست اردو و از دست رفتن پیروزی های است که شجاعت سربازان حقیقی آنرا مهیا کرده است. یکی از قوماندانانی که این عساکر فداکار را در میدان جنگ سوق و اداره میکرد مارشال «مارمون» بود که بعد از خاتمه جنگ نوشته است: «هیچ اردوی در جهان با این فرمان برداری و باین حرارت و شوق نبوده، در هیچ دوره تاریخ مردان جنگی دارای اینقدر اخلاق حمیده و صفات پسندیده نبوده اند.»



یک عسکر ژاندارم دوره انقلاب فرانسه



عسکر ژاندارم فرانسه سال ۱۷۴۲

و عشق سرشار غالباً به تعرض مایل بودند، کمتر به محاصره قلاع و تعطیل در مقابل حصار دشمن اعتقاد داشتند میگفتند چه شود ضیاع وقت و قوای جنگی برای کسب چند دیوار خراب و چند وجب زمین! عشق آنها در حمله بدشمن بود، با جزو تام کوچک و بزرگ خود را بقوای دشمن رسانیده بقلع و قلع قوای او مسیر داختند. و قتیکه هوش در ۱۷۹۳ بقوماندانی اردوی موزل نایل آمد و اطریشی ها را در پنج هفته ۲۸ بار مورد حمله قرار داد چنین نوشته است: قلاعی را که نمیتوانیم محافظت کنیم باید با خاک یکسان کرد، شجاعانه خود را بقلب جبهه دشمن برسانیم و چون قوای متمرکز ما از قوای پراکنده دشمن قوی تر خواهند بود باید هر کدام اینها را جدا جدا مغلوب کرد و بطرف قوای دیگر پیش برویم.

نبوغ عسکری ناپلیون:

اساسی ترین امتیاز و پیروزی ناپلیون - رمیدان های جنگ که دائم نصیب اردوی وی میگردد جرئت و جسارتش بود و این انگیزه در وجود



عسکر داوطلب ملیشا ۱۸۱۵



عسکر ملیشای بوربون ۱۸۱۵

ناپلیون بشکل مخصوصی دیده میشود ناپلیون در اوایل زندگی و در آخرین جنگ هایش آنقدر شهامت و دلیری از خود نشان داده که در تاریخ تا حال نظیر آن کمتر دیده شده است.

برای شناختن روح ناپلیون و تکنیک هائی که دائم در جنگ ها بکار میبرد ستراتیژیست های عسکری مساعی زیادی بخرچ داده اند و هر کدام نظریات مختلفی ارائه نموده است زیرا وی گاهی هم نوشته است که «به ندرت شمشیر از غلاف کشیده ام پیروزی من در جنگها بیشتر با چشم بودنه با سلاحه» گاهی نیز در جریان پیروزی به شمشیر اهمیت زیادی قایل بود. جنگ بعقده ناپلیون هنر است و او میگفت «بزرگترین هنر آنست که تمام هنرها در درون آن جای داده شود» ناپلیون در اینخصوص اعلام میدارد «که در حقیقت این هنر را نمیتوان بکسی آموخت فکر میکنی چون کتاب ژنی را خوانده ای شایستگی قوماندانی جنگ را پیدا کرده ای من در شصت جنگ شرفکت

کرده ام و بشما اطمینان میدهم که ازین همه هیچ نیاموخته ام سزار در آخرین جنگ همان نیرنگ او این جنگ را بکار برده بود» ناپلیون به مهمترین نکات جنگ تماس گرفته می نویسد «... در جنگ آنچه عساکر احتیاج دارد اختصار، جدی بودن و سادگی است»

ناپلیون در سفر دائمی با افراد خود در کنار آتش نشسته و از آنها می پرسید که خوراکشان خوب پخته می شود یا نه و پیاسخ آنها قهقهه می خندید در حقیقت را بطئه اساسی درین ناپلیون و عساکرش يك احساسات پدرانه بود غالباً پس از جنگ مجاسی تشکیل میداد با صاحب منصبان و افراد خود صحبت می نمود و از آنها می پرسید که شجاع ترین افراد چه کسانی بودند و آنوقت به آنان مکافات میداد و نشان های افتخار را بادست خود به سینه آنها می آویخت چنانچه یکی از حاضرین می نویسد: درین جریان «صاحب منصبان اسم می بردند» عساکر تائید میکردند ناپلیون تصویب میکرد»



عسکر سواری ملیشا ۱۸۱۵



عسکر پیاده بوربون

دفاع ملی بشمار کمیرفت بلکه اینها مخصوص در مقابل مخالفین حکومت و شاه بود و بهمین جهت سعی داشتند درین اردو از طبقه پائین اجتماع و مخصوصاً کارگران را که تصور میشد به حکومت آن زمان دلبستگی زیادی ندارند از دخول در گارد دور نمایند و برای نیل باین مقصود تهیه لباس و تجهیزات عسکری را بخود نفقات گارد تحمیل کردند بدین ترتیب گارد فقط از متوسطین مستطاع و قشر عالی بالا تجار و مستخدمین رسمی و ارباب عایدی تشکیل شد. این فسون بخاطر محافظه موقعیت طبقاتی خود داریم به توده های مردم در جنگ بودند و زمانی هم کارهای شخصی خود را پیش می بردند اما همین که طبل احضار زده میشد هر یک از نفقات دست

(بقیه در صفحه ۸۹)

تشکیل شده بود، گارد ملی طبق تشکیل بسایر قطعات عسکری بقدیمه های خورد و بزرگ تشکیل شده بود صاحب منصبان این گارد را خود افراد انتخاب می نمود البته این صاحب منصبان نظر به اهلیت، شجاعت و سابقه داری و داشتن یک تجربه کافی مجار بوی انتخاب میشدند مگر قوماندانان عمومی را که صلاحیت نام در جریان سوق و اداره قطعه داشتند شاه از میان ده نفر نامزد های پیشنهادی اردو شخصاً انتخاب می نمود، البته این قوماندانان نیز میتوانست در جریان دوپیل و یا در یکی از محاربات فوق العاده از خود دلچیری نشان داد گارد ملی هم به صنوف متعددی جدا می شد در آن هنگام صنف سواری و توپچی نسبت بسایر صنوف محارب دیگر اهمیت بیشتری داشت و مجموع افراد این گارد به بیست و چهار هزار نفر میرسید اما این عده اردوی



عسکر پیاده بوربون مجهز با سلاح



عسکر بوربون ۱۸۱۵

و نیز از زخمی ها یکا یک خبر گیری میکرد و آنها را دايم تسلی میداد و هر نوع مشکلات شان را رفع میساخت در حقیقت اساس پیروزی ناپلئون در تمام جنگها موجودیت همین لیدر شپه وی میباشد که سر بازان خود را جسور، شجاع و وطن دوست تربیه می نمود.

تشکیل اردوی شمارد ملی

فرانسه در قرن نوزدهم:

بموجب قانون عسکری اردوی فرانسه و حسب الاسر مقاسات ذیصلاح آن وقت در ابتدای سال ۱۸۳۱ اردوی گارد ملی تشکیل گردید. در این قانون ۲۵۱ مارس (۱۸۳۱) مصرح بود که گارد ملی «برای دفاع سلطنت مشروطه و فرمان اساسی و الزام اطاعت نسبت بقوانین آن زمان و حفظ یا استقرار نظم در مقابل جنبش های انقلابی مردم»

سرگذشت اتموم

تمتع و تلخیص

عبدالعلیم محصل فاکولته سیانس

می بینیم که تمام مردمان جهان با کلمه اتموم و انرژی اتمومی و یا دستگاه های اتمومی آشنائی دارند . کلمه ساده و کوچک اتموم به گوش میلیون ها نفر از افراد بشر رسیده و اکثر ترقیات امروزی سرهون و پیشرفت و ترقی اتموم میباشد . اما جای تأسف و تالم اینکه تمام عالم بشریت از این کلمه (اتموم) نفرت دارند زیرا در پهلوی انرژی اتمومی و دستگاه های اتمومی بم اتموم شنیده شده و مرادف کلمه ایف و توب های رادیواکتیف که در علم طب برای معالجه امراض گوناگون استعمال میشود نقطه مرض تشعشعی تکرار شده و همین طور بمثال باران اتمومی می توانیم .

درین بین چند سوال مطرح میگردد که آیا اتموم برای بهبودی وضع بشریت بکار میرود ؟ آیا اتموم دوست و یار دشمن انسانهاست ؟ اگر بتاریخ جهان نظر به اندازیم می بینیم که چندین اختراعات بوجود آمده اکثر این اختراعات برای رفع نیازمندی های بشریت بوجود آمده اما بر علاوه حس خود خواهی و انتقام جوئی بشریت نیز وادار به این شده که اتموم را برای برپادی و فلاکت باری بکار برده و الهام بدی را به جهانیان عرضه کند اگر در پهلوی اتموم اکثری مواد انفلاقیه را در نظر میگیریم که آن خدمت بزرگ برای بشر نموده و مینماید .

مثلا باروت را اولین مرتبه مردمان چین اختراع نموده و به جهانیان عرضه نموده اند اما از ازعواقب وخیم و ناهنجار آن همانا بر بادی و سپردن انسانها بدست هیولای مدعش مرگ باخبر نبودند . واضح است که اگر این مواد انفلاقیه بدسترس دشمن بشریت باشد بجز بر بادی و فلاکت باری چیزی را بار نمی آورد . میدانیم که موجودیت

جهان دیدیم که بشر برای از بین بردن هم نوع خود تا چه حد مساعی بخرچ داده است . از مدت قلیلی میشود که اتموم کشف شده اگر در عالم بشریت نظر انداخته شود دیده میشود که گام های وسیع و مهمی در راه انکشاف انرژی اتمومی برداشته شده .

امروز علم کیمیا ، بیالوژی و طب و صنعت و صدها شعب مختلفه دیگر از انرژی اتمومی مستفید گردیده است امروز کشتی های اتمومی راه های خیلی طویل ابچار را کوتاه ساخته و میسازد و همچنان انرژی اتمومی اقلیم قطب ها را که خیلی سرد و کشنده است برای بود و باش

وراه را برای بشر باز نموده و مینماید تاریخ پیدایش اتموم خیلی ها سابقه دارد و نمی توان آنرا در صفحه چند به اتمام رسانید اما یک اندازه از نظریات علمای جهان را درباره اتموم بصورت خیلی مختصر توضیح میدهم در قرن ۱۲ یک نفر بنام (موح سی و نسی) در خانواده فنیقی ها زندگی میکرد . اولین نظریه را درباره خوردترین ذره اجسام ارائه نمود و همچنان در مکاتب هندوستان درباره اینکه اجسام از ذرات خورد و کوچک ساخته شده اند نظریات ابراز میکردند اما اصلا فلسفه که اجسام از ذرات خورد تشکیل گردیده در یونان در قرن چهارم



اتمومی را انتقال می دیم

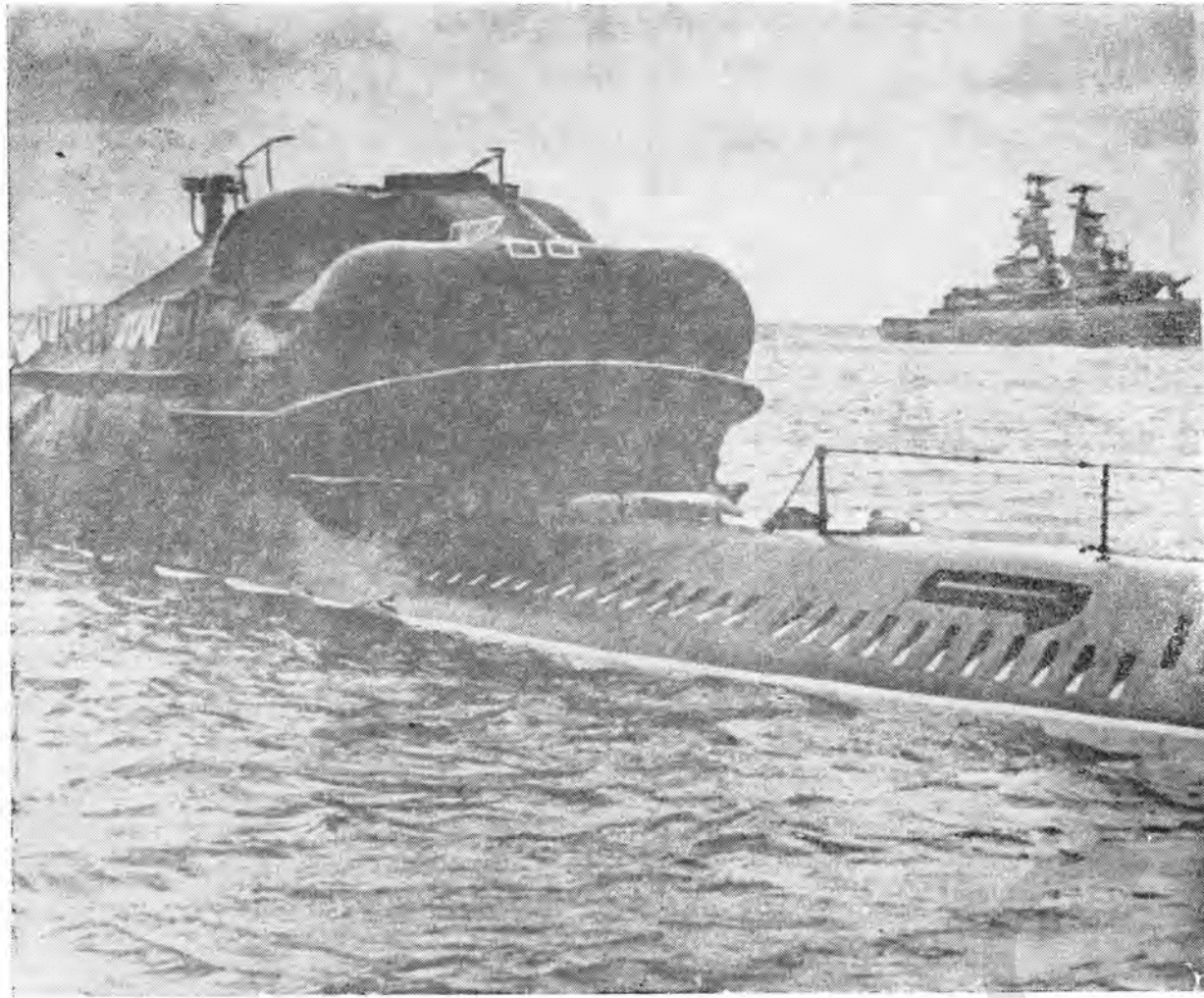
و پنجم قبل از میلاد بوجود آمده بود . اما میدانیم که تخنیک و علم آنروز آنقدر انکشاف نکرده بود این مساله را واضح ساخته

و سکونت مهیا میسازد . بالاخره باتمام کوایف خیلی زیاد می توانیم بگوئیم که آن اتموم است که فضای کیهانی را مسخر ساخته

نمی توانستند . و نیز میگفتند که اتموم جز لایتجزا بوده به اجزا تقسیم شده نمیتواند . برای اولین مرتبه توسط سقراط لفظ یا کلمه اتموم بنام اتموم موس نام گذاشته شد . به همین ترتیب خوردترین ذره جسم بنام اتموم مسمی گردید .

در قرن ۸ با وجود آمدن کوپرنیک عالم بزرگ علم نجوم در اروپا یک سلسله تغییرات و تبدلات درباره علم بوجود آمده و پهلوی سر او ده تجارتنی علم نیز از یک محل به محل دیگر انتقال نمود درین وقت افکار الشیمستی پیدا شد . اشیمت ها را عقیده بر آن بود که سنگی را کشف نموده و توسط آن طلا و دیگر ذیورات را بوجود آورد و نیز بعضی نظریات دیگر که هر کس با داشتن این سنگ جوان مانده میتواند چنانچه معلوم است که نظریات الشیمت ها خیلی ابتدائی و ساده بوده است . بعد از آن دوره میخانیک اتموم بوجود میآید چطور این دوره بوجود میآید؟ اینست علما فلسفه سقراط را تحت مطالعه قرار داده و نظریات جدید خویش را توسط نظریات خیلی ساده و ابتدائی به اثبات رسانیدند .

اولین عالمیکه نظریه اتمومی را مورد قبول خویش قرار داد یک نفر انگلیسی بنام رابرت بویل بود وی نیز مانند علمای یونان میگفت که اجسام از ذرات خورد و کوچک تشکیل شده که بنام اتموم یاد میشود و نیز نظر میخانیک اتموم را ارائه نموده و چنین اظهار نمود اجسام بحالت مایع ، جامد ، گاز موجود بوده میتواند و در هر حالت ذرات بصورت میخانیک با هم وصل اند . یک نفر در آلمان بنام زنست شتال که در آخر قرن ۱۷ زیست میکرد و نظریه را ابراز نمود که باید ماده عاری رنگ ، با وزن و موجود باشد .



تحت البحری، ائومی

آنرا بنام فله گیتون مسمی نموده بود که همین ماده واسطه رابطه ائوم ها بوده و در تعاملات کیمیاوی حصه میکرد. وشتال چنین اظهار میکرد که در صورت تبدیل شدن مواد این فله گیتون ها از ماده اول بماده دیگری داخل شده و ماده آخری را تشکیل میدهد و عالم روسی بنام لومانوف نظریه فله گیتون ها را تردید نموده و نظریه ائومی اجسام را بار دیگر روی کار آورد (دالتون) اولین تحقیقات علمی را در رشته شناخت مواد آغاز نمود یعنی تجارب را اجرا مینمود. در ۱۸۶۹ در پوهنتون پترزبورگ روسیه مندلیف کیمیا دان مشهور بریودیک ۶۳ عنصر آن عصر را تعریف نمود و جدولی را که بنام او تا حال یاد میگردد تحریر نموده است. وی نظریه داشت که ائوم خوردترین ذره یک عنصر بوده و قابل تجزیه نمیباشد.

در ۲۸ دسمبر ۱۸۹۵ وایلم کوانر - دورنتگن بنامده شهر ویورتسبورگ آلمان راجع بیک اشعه جدید که بنام اشعه ایکس یاد مینمود کار علمی به جهان عرضه و جایزه نوبل را نصیب شد.

در سال ۱۸۹۶ عالم فزیک فرانسوی (هانری انتوان بکرل) زمانیکه میخواست جستجو نماید که آیا مواد فاسفور یک اشعه ایکس میدهد یاخیر؟ خاصیت را در نمک های او را نیوم کشف نمود که نمک های اورانیوم یک اشعه مخصوص را از خود نشان میدهند. که هیچ شباهتی به اشعه ایکس ندارد. حتی برای علمای آن عصر مجهول بود که این اشعه چطور بوده است وی نیز جایزه نوبل را نصیب شد.

رسانید، در سال ۱۹۰۵ این عالم بزرگ وشاهکار فزیک نظریه نسبی را در حصه حرکت ذرات خورد که سرعت آنها قابل مقایسه با سرعت نور باشد بعالم عرضه داشت وبانی ومؤسس فزیک جدید گردید و می بینیم که ترقیات جهان امروز ازین وقت سرچشمه میگردد. در سال ۱۹۰۵ انشتاین دومفهوم فزیک را که عبارت از کتله وانرژی باشد باهم ربط داد وبه اثبات رسانید که انرژی یک ذره مساوی به حاصل ضرب کتله اش در مربع سرعت نور میباشد یعنی به مفهوم این انرژی عظیم زمانی را پیدا خواهیم کرد که از سرعت (بقیه در صفحه ۳۵)

انرژی داخلی ائوم خیلی ها عظیم میباشد. درین وقت در انگلستان (رادرفورد) بالاستاد خود تاسمین مشغول مطالعات درباره اشعه بکرل ویا اشعه رادیوم بود. و پس از تدقیقات آنها چنین نتیجه ابراز شده که این اشعه مرکب ازدو اشعه الفا، بیتا میباشد. اما از اشعه سوم آن خبر نداشتند تا زمانیکه در سال ۱۸۹۹ عالم انگلیسی بنام (ویلارد) اشعه سوم را بنام گاما کشف نمود. باین صورت علما اسرار اشعه بکرل را کشف نمود. و چنین فیصله بعمل آمد که این اشعه مرکب از سه اشعه الفا

که عین خاصیت را دارند. او این اشعه را بنام اشعه رادیو اکتیف وعناصر مربوط را بنام عناصر رادیو اکتیفی یاد نمود و یک اصطلاح جدید فزیک را در عالم بعوض اشعه بکرل تقدیم گردید. ماری جهت اینکه اورا نیوم خالص را از نمک هایش بدست آورد دو قسم عنصر دیگر را در سال ۱۸۹۸ کشف نمود که یکی را بنام رادیوم و دیگری را بنام پولونیوم یاد نمود وی باشوهر خویش در اثر زحمات ۵ ساله توانست که صرف دعم حصه یک گرم رادیوم را بدست آورد. پاکشف رادیوم فهمیده شد که

حالا در پاریس می بینیم که در انستیتوت فزیک آن یک نفر عالم فزیک بنام بیری کورسا مشغول تحقیقات کرسنل ها بود در سال ۱۸۹۲ دختر پولندی بنام (ماری سکلروسکایا) جهت تحصیلات عالی وارد پاریس شده و یابیری کوری در یکی از مجالس آشنا شده بالاخره بعد از چندی باهم عروسی نمودند. وی تجارب ونظریات زیادی را ابراز نموده است و چنین فیصله نمود که این تشعشع مربوط به خاصیت ائوم اورا نیوم میباشد وبه فکر افتاد که آیا دیگر عناصر نیز موجوداند که این خاصیت را دارا باشند و در نتیجه مطلع شد که چندین عنصر موجوداند

بعد از کشفیات رونتگن وبکرل در اثر تجارب زیاد توضیح شد که ائوم دارای ساختمان مغلق بوده و طوریکه تصور میشود که ائوم یک ذره ساده مواد بوده و غیر قابل تجزیه میباشد. یک بیوگرافی ائوم در سال ۱۸۹۷ توسط ژولف جون تاسمین عالم بزرگ انگلیسی با همکاری بعضی از شاگردان وی بصورت واضح نوشته شد زیرا اولین ذره ابتدائی کشف گردید که در ساختمان ائومی مهم بارزی دارد بنابراین وی در سال ۱۹۵۶ جایزه نوبل را اخذ نمود.

انجنیران جاپانی در

جستجوی دوران عالی انجن

مترجم عبیدالله «حیدری» از آکادمی تخنیک

طوری که! بهمگان معلوم است انجن‌های موتور سیکل‌های «هوندا» به اساس قوه اسب «H.P.» متناسب به مصرف يك لیتر مواد سوخت «208 H.P/l» با 208 «23000 r/min» درجهان مقام اول را احراز نموده است. بنائکامل انجن‌های مطلوب بادر نظر داشتن زحمات و تجارب اورگان‌های موظفی که درین راه مستقبل گردیده و سرانجنیر گروپ موتورهای «هوندا» آقای کارنسوناکاگاوا و *Karno Nakagawa* آن را توضیحات میدهد جالب توجه است (آقای انجنیر کارنوناکاگاوا) در مجله «اتوموبیل اند ستری»

Automobil - industrie

می نویسد.

در مراحل ابتدای موتور سیکل‌های سپورتنی، با ظرفیت حجمی محدود یعنی کوچک موفقیت‌های درخشانی کمائی نمود. درین اواخر به تولید وسایط سپورتنی به ظرفیت 150 و بعداً با تحول ساختمان به ظرفیت 300 (شکل ۱) اقدام شد.

بخاطر باید داشت که فابریکه هوندا تیوری تولید وسایط را به پیمانۀ وسیع بادر نظر گرفتن فورم و اوصاف عالی بررسی مینماید. انجنیران موظف با تمام قدرت و نیرو نه تنها تحلیل پرابلم کسب قدرت اعظمی را مطالعه می نمایند، بلکه

حرکات منظم انتقال، و منت دورانی دوام، خاموش بودن صدای انجن و تقلیل مواد سوخت تا حد ممکنه در نظر گرفته حتی می‌گوشند تا در وسایط سپورتنی نیز سهولت بسته کاری میخانیکت اگر یگات‌ها، مسأله اقتصادی بودن وسایط از نگاه تولید تا حد لازمه بهبود بعمل آید.

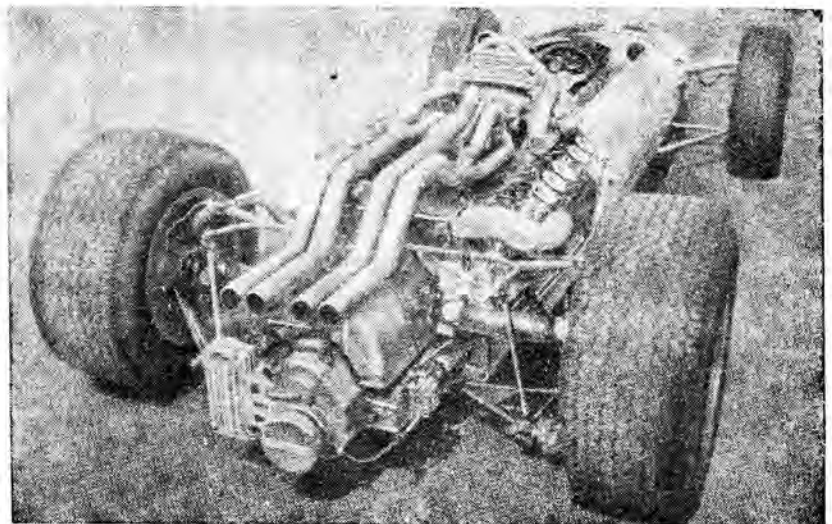
کسب قوه اعظمی انجن

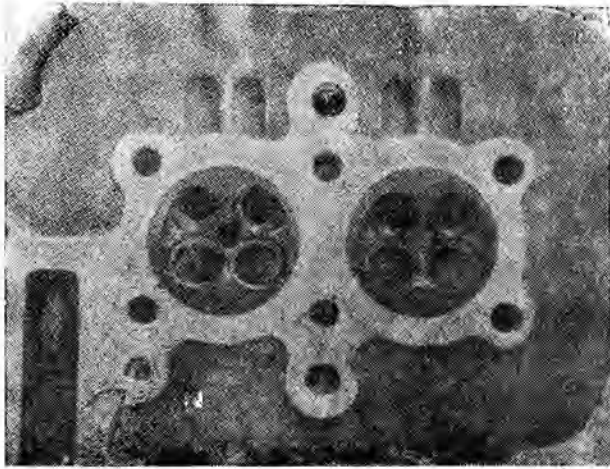
متناسب به ظرفیت حجمی سلندر به اساس پروبلم‌های ذیل بررسی می نمایند:

- ۱ - بلند بردن ظرفیت حجمی
- ۲ - تکامل عملیه اشتعال
- ۳ - کسب دوران عالی استفاده اعظمی از انرژی تولید شده و تکامل سیستم میخانیکی.

۱ - بلند بردن ظرفیت حجمی:

برای بلند بردن ظرفیت حجمی تجارت ستاتیکی جریان را به استفاده از مدل‌های المونیمی نل‌های دخول و خروج، اشکال تخت وال‌ها و امتداد کانال‌ها در جوار وال‌ها با مقایسه نمودن مقدار هوائی که از وال‌ها به اندازه و پیمانۀ ثابت تحت فشار معین میگذرد در مرحله اجرا می‌گذارند. باید متذکر شد که با تغییر جسامت وال‌ها همیشه نتیجه مطلوب کمائی شده نمی‌تواند زیرا به هر اندازه ای که جسامت وال بزرگ باشد بهمان اندازه بالای ساحه





یکی از پرزه جات هوندا

کمپریشن تأثیر می نماید و هم حرکات آن در دوران های عالی انجن مشکلات را بار می آورد. و تفاوت زاویه موقعیت کانالها در جوار وال های دخولی که به ساحه کمپریشن می انجامد اهمیت دارند بنا بر آن چندین بار در حالات مختلفه تجربه گردیده تا بالاخره به این نتیجه رسیدند که موقعیت افقی محور فرضی کانال موثر واقع می شود. البته کانال های خروج نیز مورد تجربه قرار گرفته و بهترین موقعیت هر دو کانال «کانال دخول و کانال خروج» را دریافت نمودند.

تجارب ستاتیکی دیگری که به منظور اكمال سلندرها از مخلوط هوا و بنزین به پیمانته مطلوب مورد اجرا قرار گرفته تعدد (افزایش) والها می باشد. که برای يك سلندر از چاروال استفاده بعمل می آید همچنان مواد سلندر هید که از المونیم تهیه می گردد به آهن مخصوص «الیاژ» مبدل گردد. زیرا در این صورت به تحت والها که از مواد مخصوص تهیه و بداخل سلندر هید پرس می گردید ضرورت احساس نمی شود.

انجن موثر سیکل هوندا که ظرفیت حجمی آن 125 cm^3 می باشد دارای چار عدد وال است که البته به ساحه اشتعال سلندر تا حد زیاد تأثیر منفی دارد. و شاید در دسری را برای متخصصین ساختمان هوندا ایجاد نموده باشد. (شکل ۲)

این هم قابل به تذکر است که تنها تجارب ستاتیکی جریان درین خصوص کفایت نمی کند و لازم است تا امواج فشار غیر ثابت مخلوط بداخل کانالها در نظر گرفته شود تعیین طریقته تثبیت فشار مخلوط بداخل کانالها توسط متخصصین فابریکه هوندا تحلیل گردیده است که به تحولات ساختمانی و تغییرات مختصری ضرورت می افتد.

تغییراتی که فابریکه هوندا در ساختمان کانال های دخول و خروج به منظور فوق وارد می کند استعمال «دیفوزورها» مثال برجسته آن شده می تواند. فشار داخل کانالها تأثیر زیادی در ظرفیت حجمی انجن وارد می کند. که از دید آن در انجن های هوندا بادوران عالی الی ۱۲٪ تخمین شده است. در صورتی که انجن ثابت باشد نسبت به انجن سیار ظرفیت حجمی بلند را داراست به این معنی که کانال خروج بالای ظرفیت حجمی تأثیر وارد می کند.

۲- تکامل عملیه اشتعال:

عملیه اشتعال مخلوط مواد سوخت و هوانه تنها بالای قدرت انجن مؤثر است بلکه مسأله تقرر *Stabilization* در اثنای اختلافات فشار داخل سلندر در موقع زمان های چار گانه انجن متناسب به زاویه کرنک شافت و سرعت انتشار شعله ارتباط دارد.

در انجن های که ظرفیت حجمی آن ها کوچک باشد لازم است به ساختمان سطح پشتون که فشار ساحه اشتعال توأم با آن تغییر می نماید توجه کرده شود.

متخصصین را عقیده بدینست که نه تنها از نگاه صدای تابیت ها و مسأله او و انس (دیتونیشن *Detonation*) بلکه از نقطه نظر عملی اشتعال تناسب کمپریشن کوچك *Compression* نسبت به تناسب کمپریشن بزرگ تر مفید ثابت می گردد.

اکمال عملی اشتعال به مخلوط مواد سوخت و هوا و خواص آن در ساحه پلک ها، تناسب ترکیبی، ضرورت، کمیت شراره الکتریکی زمان اشتعال، حرارت سلندر، دخول آیل از مسیر والها و نفوذ آن از رنک های پشتون و غیره مربوط می باشد.

در مراحل ابتدائی تولید انجن ها فابریکه هوندا به کسب نتایج مطلوب موفق نگردید و بدان شدند که سرعت عملیه اشتعال اضافه تر به تحول ساحه کمپریشن تغییر نکرده و تجارب آن ها نقش بر آب می شود بنابراین بدریافت طرق تعیین سرعت عملیه اشتعال به داخل ساحه کمپریشن کوشیدند. با پیمایش نمودن دقیق سرعت عملیه اشتعال در انجن های هوندا واضح شد که سرعت عملیه اشتعال در نیمه اول مسیر خود متناسب به دوران انجن بلند میرود و در نیمه دوم مسیر به اساس معادله

اکسپوننشل (Exponential) کسب سرعت می نماید .

اگر چه مانع دوران عالی انجن صرف سرعت عملیه اشتعال نبوده و علل بیشمار دیگر نیز باعث آن شده می توانند با انهم فابریکه هوندا به این نقطه توجه جدی مبذول داشته و مسایل دیگر آن نیز بالترتیب تحلیل نموده اند که امروز انجن هوندا mc ۲۳۰۰۰/۳ می چرخد .

۳- کسب دوران عالی، استفاده اعظمی از انرژی تولید شده :

پروپلم دیگری که در انجن های وسایط سپورتی هوندا مورد مطالعه قرار می گیرد جلو گیری از ضایعات انرژی توسط اصطکاک پرزه جاتی که توأم با فعالیت انجن به تماس همدیگر حرکت می کنند میباشد . چون در دوران های عالی فعالیت پرزه جات تقریباً دو مرتبه بلند می رود محاسبه مقاومت آن قابل توجه است زیرا میخانیکت کشفیات ، سیستم توزیع و کلچ فعالیت اعظمی می نماید که برای مناقشه آن تعیین سرعت پشتون حتمی و ضروری است . بناء با تحول ظرفیت حجمی لازم می افتد تا قدرت اعظمی انجن توسط دوران عالی ، تعداد سلندر ها ، مسیر پشتون در سرعت متوسط و موجودیت فشار مؤثره متناسب و محاسبه شده کسب گردد .

انجینرهای فابریکه هوندا سرعت متوسط موتور سیکل های سپورتی را $20 m/sec$ میلی می سنجند .

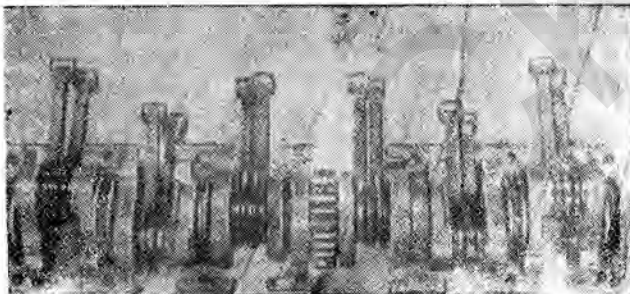
(باید بخاطر داشت که انجن ها با سرعت متوسط پشتون بلند تر نیز وجود دارد) . محصور بودن سرعت متوسط پشتون انجن ها با سرعت هوندا به نوعیت مواد و خواص روغنیات چرب کننده مربوط میگردد .

که البته با دریافت مواد مطلوب و روغنیات طرف نیاز سرحد متذکره دوران رابعبور خواهد کرد .

فابریکه هوندا تعداد سلندر ها را هدف قرار داده و در سال ۱۹۵۸ به صورت مسلسل تولید انجن های دوسلندره $125 Cm$ و $250 Cm$ را به مرام کسب قدرت اعظمی ، جلو گیری از اصطکاک پرزه جات و دوام انجن آغاز نمود . وحتى در انجن های سپورتی $50 Cm$ از استعمال دوسلندر استفاده می نمود بعداً تعداد سلندر های انجن های $125 Cm$ به چهار صد و پنجاه و دوسی سی به شش سلندر افزایش یافت .

نظریه قبلی درین خصوص چنین بود که هر گاه تعداد سلندر ها زیاد می شود اصطکاک پرزه جات باعث

های انجن حل نگردیده بلکه مسایل عمده ای چون اصطکاک ، نوعیت مواد ، نظم نوبت اشتعال ، تایمینگ وال هاو غیره رول بسزائی دارد . میخانیکت کشفیات بسیار مهم و باارزش است چه برای جلو گیری از اصطکاک لازم می افتد تا از قطر بن های آن الی حد ممکنه کاسته شود اما از نگاه اهتزازات کشفیات مشکلات را بار می آورد لذا میکوشند تا در وسایط سپورتی قوه انجن از حصه وسط کسب کشفیات اخذ گردد . تا طول آن بدو حصه مساوی تقسیم گردیده از لغزش های نامطلوب جلو گیری بعمل آید . ولی درین جا استعمال یک کشفیات دومی و فلای ویل جسمیم که با کشفیات ارتباط مستقیم ندارد ضرورت می افتد . (شکل ۳)



پرزه دیگر ز هوندا

استعمال بال بیرنگ ها برای کسب کشفیات از ننگاه دوام انجن که متناسب به توان ثقلت بارتغییر می نماید تاثیر زیاد دارد . از ینروست که فابریکه هوندا به کشفیات مستقیم ارزش قابل است با اینکه به حساسیت چال ، تولدانس و هوسنگ بیرنگ اهمیت میدهد . در صورت استعمال تبدل بیرنگ ها لازم است پارچه های کشفیات باهم پرس کاری شوند که توأم با آن مشکلات دیگری عرض اندام خواهد کرد چه خطری جدا شدن پارچه های پرس شده موجود بوده وهم به حساست آن می افزاید .

نزول انرژی تولید گردیده وهم وزن انجن را بلند میبرد . از طرف دیگر سیستم اتکای انجن بالای شاسی موتور سیکل مشکلات را بار می آورد . حالانکه امروز عملاً به ثبوت رسید که قدرت انجن بلند رفته و وزن انجن $125 Cm$ چار سلندره هفت کیلو گرام نسبت به انجن دوسلندره بدون تفاوت ظرفیت حجمی و انجن شش سلندره $250 Cm$ چار کیلو گرام نسبت به انجن چار سلندره دوسلندره تقلیل یافته است .

جای شک نیست که تنها با تعداد سلندر ها پروپلم بلند بردن دوران

دماغهای الکترونی

البته بازیچه‌های مقبول اطفال راهمگی می‌شناسیم و این‌ها اکثراً دارای حرکتی می‌باشند که از وجود خودشان منشاء می‌گیرند: گدی‌هائیکه می‌رقصند چشمک می‌زند و یاراه می‌روند خرسکه‌ها و سگ‌کهاائیکه می‌دوند و می‌جفند این اعمال حیرت‌آور را می‌بخانیزم هائی انجام می‌دهند که در اجسام شان بصورت محفوظ وجود داشته و محصول تفکرات انسانی میباشند.

انسان‌ها از قدیم می‌کوشیدند تا ماشین را رویکار آورده و مثل انسان از آن استفاده نمایند و این ماشین‌ها را بنام روبات *Robot* (انسان مصنوعی) نام گذاشتن اما بزودترین وقت به این نتیجه رسیدند و فهمیدند که روبات جزیک بازیچه بزرگ چیز دیگری نیست.

و بعدها کوشیدند تا ماشین‌ها را درس تفکر آموزش دهند و به این منظور دماغهای الکترونیکی را بمیان آوردند. اگرچه این ماشین‌ها بازم به انسان رسیدگی کرده نتوانستند اما به اندازه قناعت بخش هستند بعضی آن‌ها می‌توانند مبحث روسی را به انگلیسی ترجمه، گروپ دیگری می‌توانند مثالهای الجبری را حل و بعضی از آن‌ها می‌توانند بازی شطرنج را با انسان انجام داده و هم نبالزند.

زود فکر می‌کنند و غلطی از آن‌ها سر نمی‌زنند و برتری این ماشین‌ها نسبت به انسانها اینست که خستگی را حس نکرده و هم نمی‌میرند.

این نوع ماشین‌هایی می‌توانند طرز فعالیت آلات مختلف و مغلق را اداره کرد از قبیل اداره و کنترل راکت‌های قاره پیما و اعمار مصنوعی.

این ماشین‌ها دقیق‌تر از انسان کار کرده اما یک غلطی اصلاح ناپذیر آن فنتازی *Fantazie* انسانی میباشند. ماوشما اکثراً تابلوهای ریاضات و خط کش‌های لوگارتیم را می‌شناسیم همین ماشین‌ها هستند که امروز محاسبات دور و دراز را در آن واحد جواب تهیه نموده و تکالیف ما را فوق‌العاده کم ساخته‌اند. اگر دقیقانه فکر شود تمام آلات و میخانیزم‌های ساده قبلی اساسی دماغهای الکترونیکی و مغلق امروزی را تشکیل داده‌اند.

خوانندگان محترم اگر همین طور دقیقانه به اطراف هر موضوع و مبحث بسیط بفسکر سالم و استفاده از شرائط ضروریه بانندیشه و تعمق خاص فکر نمائیم در نتیجه مبتکر ابتکارات عالی شناخته شده خود و هموعان خود را بزنگی مرف و شرائط آسانتر حیاتی مواجه خواهیم نمود.

فابریکه هوندا درین خصوص تجارب پیهم به استفاده از مواد قلم‌های شفاف در معرض شعاعات مؤثر آفتاب اجرا نمود که به خاصیت انبساط مواد اهمیت داده می‌شود.

این تجارب به تحلیل دو مطلب منتج گردید:

اول آنکه اصطکاک میان دو پارچه را باید توسط مواد مخصوص (مثلاً آس) تقویه کرد تا بدون تقویه عملیه پرس کاری اصطکاک مطلوب بدست آمده بتواند. تجارب فوق بدون تغییر سطوح پارچه‌های پرس شده اجرا گردیده و مومنت مطلوب متناسب به مواد ارتباط مستقیم داشته است.

دوم اینکه پارچه‌های پرس شده دارای دندانهای غایبی رخ‌ها باشد و فاصله میان رخ‌ها خیلی نزدیک محاسبه می‌گردد شکاف‌های که پارچه‌ها بداخل آن قرار می‌گیرد میتواند دارای جری‌ها باشد. اما ضرورت فوق‌العاده با آن احساس نمی‌شود. که درینصورت مومنت به تعداد دندانها متناسب است. روی این اساس برای بیرنگ‌های قوی اوزان تعادل ناچیز کفایت کرده و کرنکشافتی که دارای بیرنگ‌های متعدد است اوصاف عالی را حاصل نمود از قابلیت انحنای آن که رول منفی دارد تا حد زیاد کاسته می‌شود.

جای شک نیست که برای بلند بردن دوران انجن در کشور‌های مختلف پیوسته کوشش بعمل می‌آید و به اثر تجارب متعدد به نتایج مثبت نایل شده‌اند ولی برتری انجن‌های هوندا توأم با افزایش سلندر‌ها در وزن انجن و مصرف انرژی کسب شده توسط اصطکاک پارچه‌ها تقلیل بعمل می‌آید توجه ماهران مسلکی را بخود جلب می‌نماید. «ختم»

دیوار چین

طویل ترین قبرستان جهان

عجیب ترین و عظیم ترین کاریکه بدست بشر انجام شده است
امپراطوری ظالم چین يك نسل را برای اعمار این سد عظیم فدا کرد.

تبع و نگارش: غ ، سرور «شهباز»

دیوار چین حیرت انگیز ترین کاریست که تا اکنون بدون کمک ماشین بدست بشر انجام گرفته است
اکثر از منجمین و ستاره شماران را عقیده برین است که میتوان آثار فرزندان بشر را در روی زمین
(این دیوار بزرگ و عظیم) تنها چیزی است که از کره ماه میتوان بدون دور بین به چشم سر مشاهده
کرد. از تمام مصالح که برای اعمار این دیوار عظیم بکار رفته است میتوان توسط آن دورا دور کره زمین بروی
خط استوا کمر بندی به ارتفاع دو متر و چهل سانتی و عرض (۹۰) سانتی بنا کرد .

از آغاز دوره پادشاهی خیال بزرگی
در سر خود می پرورانید و بعد از (۷)
سال سلطنت با همکاری و معاونت
جنسرا لان لایق و وزرای
مدبر خویش به دولت های چینی
اطراف که بصورت تجزیه از
امپراطور بزرگ جدا شده بودند
غلبه حاصل کرده یکی بعد دیگری
را بکشور خویش ضم و حدود مملکت
خویش را از سرحدات شمالی چین
امروزه تا دریای (یانگسی کی یانگ)
واز بحیره زرد تا ولایت (سه چون)
امروزی وسعت داد .

بعد از بدست آوردن این کشور پهن
آور برای اینکه دشمنان قدیمی
و سرسخت است امپراطور با هم متفق
نشده و در صد دیر انداختن او نگردند
یکصد و بیست هزار (نفر از
تیر و مندترین و سالمترین سرکردگان

بانی و موسس این دیوار بزرگ
امپرا طور چین (شی هوانگ) میباشد
امپراطور مذکور در سال ۲۴۶ قبل
از میلاد در ولایت مستقل چین که
امروز آنر (چنگسی) میگویند به
اریکه سلطنت جلوس نمود امپراطور
مذکور در این وقت (سیزده سال
داشت) هم درین زمان سلسله معروف
امپراطوران (چو) که (هشت صد)
سال بر کشور پهناور چین سلطنت
میکرد خاندان مذکور از هم پاشیده
و سلطنت (هشت صد) ساله شان در
کشور آسمانی چین منقرض گردیده
گرفتار تجزیه و انقلابات جنگ های
داخلی شدند .

(چین شی هوانگ) با اینکه از جانب
مادر اصل و نصاب نداشت و مادرش
رقاصه پیش نبود (چین شی هوانگ) در
خود خواهی و جاطلبی بی نظیر بود

در سال ۱۷۹۰ یکی از مورخین
انگلیسی را عقیده برین بود که از
تمام خشت سنگی که در اعمار این
دیوار عظیم بکار رفته میتوان خانه
های موجوده انگلستان سکاتلند
و ولیز را اعمار نمود .

دیوار چین از یک نقطه که از
سطح بحر پائین تر است آغاز شده
و بصورت تدریجی در کوه های بلند
و شامخ چین تا زیادتر از (۴۰۰۰ متر)
ارتفاع ادامه پیدا میکند و بسرحدات
تبت انجام می پذیرد .

طول عمومی دیوار به خط مستقیم
از آغازالی انجام (یکهزار هشت صد)
کیلو متر تخمین میشود طول حقیقی
دیوار با تمام کج و پیچی های بلند
و پست آن نزدیک به (چهار هزار)
کیلو متر میرسد .

شان را به پایتخت خود شهر (هسین یانگ) انتقال داد این اشخاص نیز مانند سایر رجال کشور در نهایت جاه و جلال زندگی راحتی و مسعودی داشتند ولی هیچ گونه ارتباطی

با سایر قسمت های چین با لخاصه بارعایا و طرفداران خویش نداشتند و از تاسیس هر گونه ارتباط و مراد و با دوستان خویش منع ساخته شده بودند قرار یکه در تاریخ چین

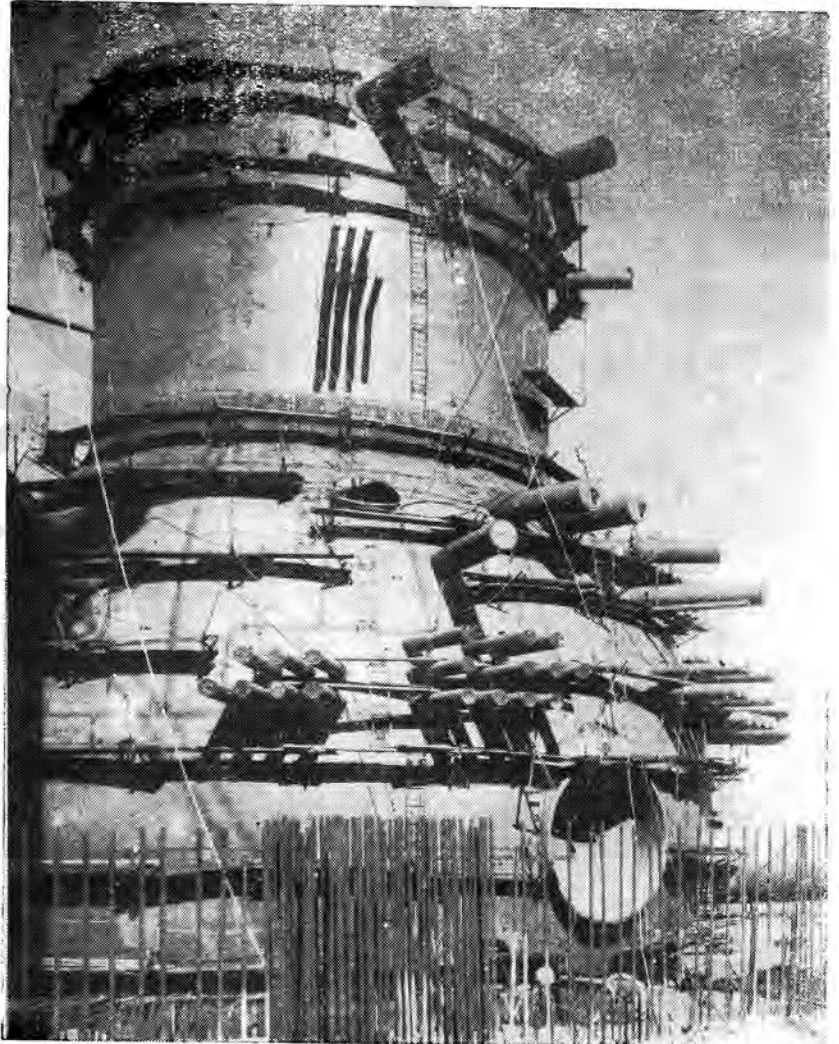
شهر گانگ شت اترم

(بقیه صفحه ۲۹)

نور که ۳۰۰ هزار متر فنی ثانیه است سخنی بمیان آید .

در سال ۱۹۴۵ جنگ دوم جهانی آغاز گردید و انشتاین و بعضی علمای بزرگ فزیک فرمی، لیزر امیتیز، نیلسن بوهر، به آمریکا رفتند و آنها در دوم دسمبر ۱۹۴۲ به اذ تسکالیف زیاد در شهر

تیبیکاگو اولین کوره اتمومی را بنیان نهادند و در ۶ اگست ۱۹۴۵ اولین بمب اتمومی امریکا به هیروشیما و در ۹ - اگست همان سال بمب دوم در شهر ناگاساکی جاپان انفجار داده شد و اثرات ناخنجار آن تا امروز باقی مانده است.



نوشته اند (چین شیوانگ) برای سرداران اقوا میکه بصورت یرغمل در پایتخت امپراطوری حمراسر می گردیدند قصرهای مجملی مانند قصور شخصی ایشان اعمار نموده و تقریباً (سه صد بیست) کیلو متر مربع زمین را در اطراف پایتخت جهت سکونت آنها اختصاص داده بود. خود امپراطور نیز در کمال

شکوه و جلال سلطنت می کرد قصرشاهی او در پایتخت امپراطوری از طرف نیم میلیون افراد زحمت کش و کارگر ماهر چین ساخته شده بود قصر مذکور بر علاوه داشتن هزاران اتاق، سالون عظیمی که گجایش (ده هزار) نفر را داشت و در آنجا بکمال آسوده گی نشسه می توانستند اعمار گردیده بود فرش این سالون عظیم را زربفها قالیهای ابریشمین تشکیل میداد در اطراف و اکناف این قصر عظیم الشان قصور کوچکی برای زنان امپراطور که از میان زیباترین زنان چینی انتخاب شده بود ساخته شده بود .

میگویند تعداد زنان او بقدری بود که اگر امپراطور هر شب را بایکی از آنها سپری می کرد بعد از (سی و شش) سال نوبت دوباره به زن اول میرسید. از همین جاشکوه و جلال این امپراطور را حدس زده میتوانی پس . از آنکه (چین شیوانگ) به تاسیس و تشکیل امپراطوری عظیم چین موفق گردید منجمان و غیب گویان به او اطلاع دادند که این پادشاهی عظیمش تنها بدست اقوام (هی یونک نو) یا (هون) منقرض و از هم پاشیده خواهد شد . مقصود در مالان و منجمان مذکور طوائف قبایل وحشی تاتار و مغل اقوام شمالی بوده که از مدت (پنجصد سال) با اینطرف برخاک چین تاخت و تاز و چپاول میزدند دختنان چینی همواره از هجوم ناگهانی آنها در

بیم و هراس بودند تا هنوز هم در چین ضرب المثلی است معروف می گویند (از بهر جنوبی نترس ولی از خروس شمالی مراقب باش) (چین شیموانگ) چون در خود قدرت مقاومت با اقوامی وحشی شمال را نمی دیدند خود قرار داد تا در مقابل تهاجم این اقوام سد عظیم و طولی را بنا نماید تا عبور و یا دور خورد از آن برای هیچ سواری ممکن نباشد بنا برای اعمار چنین سد عظیم تمام مردمان تندرست و سالم داخل قلمرو خویش را برای سفر برنموده اجرای این کار بزرگ بهترین نویسندگان و هنرمندان که انگشتان لطیف شان تا آبروز بجز قلم و موپیک به چیزی دیگری مانوس نبود بکوه کئی و سنگ تراشی جبری مجبور ساخته شدند، جنایتکاران دزدان و مجوسین نیز از زندان ها آزاد ساخته شده و برای اعمار این سد بزرگ وظیفه دار گردیدند .

بطور خلاصه باید گفت که تمام ملت چین با اعمال شایسته محکوم شدند یعنی از سه نفر چینائی یک نفر شان در ساختمان این دیوار عظیم سهم بردند هزاران نفر نگرانان با قهر و غضب بسیار با ضرب و چپین مردم غریب و بی نوا را بکار و اعمال شاقه و امیداشتند هر کسی را که در مقابل این نگرانان مقاومت میکرد و یا در ضمن اجرای کار در اثر بیماری گرسنه گی و دیگر عوامل می مردند زنده و یا مرده در همان دیوار گذاشته میشد که باین صورت میتوان این دیوار بزرگ را دراز ترین قبرستان های جهان محسوب کرد .

این دیوار عجیب و حیرت آور در منطقه از (چان هائی کوان) آغاز میشود از همین جا کارگران بدبخت سیار روز دو دیواری موازی هم بقاصله (هشت) متر با سنگ و خشت به بلندی (شش) متر بنا کردند و بین این دو

دیوار را از خاک پوشانیدند و بروی آن به ارتفاع یک و نیم متر دیوار دیگری ساختند با آن میتوان گفت که دیوار چین (هفت و نیم) متر ارتفاع دارد عرض دیوار مذکور به اندازه است که (شش) نفر اسپ سوار آزادانه پهلوی همدیگر از بالای آن عبور کرده می توانند .

(پنجصد) متر طول ابتدائی دیوار تماماً (در مناطق کوهستانی اعمار گردیده است درین قسمت کارگران بیچاره سنگ های بزرگی را بردوش حمل نموده و بر خط بالای کوه

آزمایش قدرت فلزات

اخیراً برای اینکه قدرت فلزات را در برابر اصوات معین کنند در انگلستان انانهای مخصوصی ساخته شده که صداها توسط میکروفونهای بلندی را پخش میکنند و بعد فلز را از آن اتاق خارج میسازند بوسیله سکر سکویهای قوی صفحات فلز را با زرسی میکنند تا اثر صدا را روی فلزات مشخص کنند زیرا این آن می رود که صدا سبب شکافهای در سطح ورقه های فلز شود .

میرسانند در حالیکه پشت کارگران از اثر زخم قهچین، و شلاق نکرانهای بی رحم خون آلود بود هزاران نفر از جمله این زحمتکشانش که از قلت غذا و بی لباسی می مردند، غذا و لباسیکه برای این کارگران مظلوم از طرف اقوام و وابسته گان شان فرستاده میشد کم تر به ایشان می رسید زیرا اکثر اقوام واقارب کارگران از

ترس اینکه مبادا آنها نیز بکار مجبور ساخته شوند از نزدیک شدن بدیوار هراس داشتند یکی از مؤرخان چینی می نویسد که از جمله دو صد بوجی پرنج که برای کارگران فرستاده می شد تنها یک بوجی برای آنها می رسید ، تا غنای زمین خوانندگان چین ترانه های غم انگیز در وصف کارگران بیچاره تیکه درین گونه مصائب و الام جان های شیرین خویش را از دست داده و به کمال بی رحمی جان سپرده اند سروده میشود .

زمانیکه یک قسمت از دیوار مذکور به انجام رسید (سنگ تی بن) سپاهسالار امپراتور افرادی را در برج های تراسه که بعد از فاصله (یکهزار و ششصد) متر ساخته شده بود برای مراقبت و ترصد و موظف می شد در آن برج (۹) نفر افراد جهت ترصد و محاربه در میان هر دو برج موظف می شد و همیشه این افراد برای اجرای هر نوع پیش آمد غیر مترقبه اعضاات مکمل داشت و زمانیکه وظیفه ترصد ترصد در داخل برج ختم می شد به تمرینات حربی و یا کارهای زراعتی در داخل مزرعه های که قرب جوار برج های ترصد موقعیت داشتند مشغول میشدند ، تعداد افرادی که به محافظه و ترصد این دیوار عظیم موظف شده بودند به (نهمصد هزار) نفر می رسید باین صورت کار ساختمان دیوار ماه به ماه و سال بسال پیشرفت میکرد دیوار از فراز کوه ها و دشت ها، مناطق گوناگون گاهی به عمق (یکهزار و ششصد) متر به تنان دره فرو می آمد و زمانی از بالای دریای خروشان عبور میکرد و بعد از یماچ های کوه ها بالا رفته سیر مارپیچی خود را در گردنه های کوه پیش می پیمود بصورت صحیح معلوم نیست که ساختمان این دیوار عظیم چند سال طول کشیده است یکی از مؤرخین قدیم چین می نویسد که امپراتور

(چین شیوانگ) دیوار مذکور را در مدت هجده سال به پایان رسانید، لاکن مؤرخین دیگر گفته اند که بنا دیوار پس از (چین شیوانگ) از طرف سایر امپراتوران چین نیز ادامه داده شده است امپراتور (چین شیوانگ) در سال ۲۱۰ پیش از میلاد مرده ولی مرگ او مانند زنده گانی آن باشکوه و جلال بوده طوریکه بزرگ ترین مورخ چین (شیه چی) می نویسد امپراتور مذکور آرام گاه‌های در زمان حیات برای خود اعمار نموده که دو دیوار داشت یکی از سنگ و دیگری از مفرغ و یک خندق زیر زمینی پراز سبقت نیز آنرا احاطه کرده بود گنبد آرامگاه مذکور آسمان و ستاره گان را نشان میداد و بر صحن آرامگاه نقشه امپراتوری چین را رسم کرده بود در اطراف آرامگاه کمان های نصب شده بود که اگر کسی بداخل مقبره میرفت بصورت اتوماتیک تیر باران می گردید بعد از انجام اعمار این

مقبره کبار گرانیکه در اعمار آن سهم بودنه تماماً کشته شدند کسی در آینده از اسرار این بناه مخفی مطلع نشود. تمام زنان امپراطور را هلاک ساختند تا ارواح او در جهان دیگر تنها نباشد. دیوار چین یا حیرت آورترین کار بشر و ظیفه خویش را برخلاف سد ها (سازینو) و (ژیک فرید) بحسن صورت انجام داد و زیاده از چهارده قرن کشور چین آور چین را از تاخت و تاز وحشیان شمال حمایه کرد ولی در اوایل قرن سیزدهم میلادی مطابق (قرن هفتم هجری) چنگیز خان مغل اولاد و اغناد او از این دیوار عظیم عبور نمودند و چین را به تصرف خود در آوردند در سال ۱۶۴۴ نیز سر بازان (منچو) پس از سی سال جنگ از دیوار بلا تسخیر چین عبور نمودند. پس میتوان گفت که این ضرب المثل چینی که میگویند (دیوار چین اگر یک نسل را کشت صد نسل

را از مرگ نجات بخشید) آنقدر دور از حقیقت نخواهد بود. دیواریکه امروز در چین دیده میشود همان دیواری نیست که امپراطور (چین شیوانگ) آنرا بنا کرده زیرا دیوار مذکور در اثر حوادث جوی در بعضی قسمت‌ها از بین رفته و بصورت مسلسل از امپراطوران چین مجدد آتر مهم و اعمار گردیده چنانچه یک قسمت از دیوار کنونی چین کار سلاطین سلسله (مینگ) میباشد که از ۱۳۷۰ الی ۱۶۴۴ میلادی سلطنت کرده بعضی قسمت‌های این دیوار تا هنوز هم سالم و پا برجاست اما اکثر قسمت‌های آن از بین رفته و به توده‌های خاك و تپه‌های خاکی مبدل شده است. این بنا معظم تاریخ برای ابنای بشر همواره خاطره جاویدانی از اراده و قدرت یک پادشاه و تحمل و اطاعت ملت مثال بارز وارزنده بحساب میرود.

از چندی قبل یکی از کمپنی هائی که در امر پروژه‌های فضائی کوشش میکنند یک نمونه کمر بند را کتی را در دست تهیه دارد.

هر کس این کمر بند را بکمر بندد میتواند بمدت ده دقیقه با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت پرواز کند.

کمپنی مزبور برای تحقیق در زمینه کمر بند را کتی ۱۶۰ مایون افغانی از وزارت دفاع یکی از کشور های بزرگ کمک گرفته است.

ساخت این راکت آب اکسیژن میباشد و نوع قبلی آن بیست ثانیه پرواز میکرده است.

راکت

جدید

قواعد و اشکال حربهای مسلحانه و مربوطیت آن به سلاح و تخنیک حربی

تاریخ حرب شهادت میدهد که حرب ها نظر به نوعیت و کیفیت سلاحهای که در اردو بوده اشکال مختلف و گونا گونی داشته اند . بعضی قوماندانان با تجربه اشکال حرب را به دو عامل می دانند :

از یک طرف مربوط به کشف و اختراع سلاح جدید و از طرف دیگر به درجه شعور سیاسی و تخصص

و حاکمیت داشتن جز و تام ها بالای اسلحه و وسایط تخنیک و حربی . البته قابلیت و لیاقت قوماندان نیز در انکشاف و تکامل قوای مادی و معنوی اردو رول مهمی بازی میکند . زیرا قوماندانی که به سلاح جدید آشنائی نداشته باشد چطور قدرت و تعرض اردو را پیش بینی خواهد کرد .

اما کشف سلاح جدید و طرز استعمال آن از طرف جز و تام ها بدون مربوطیت به اراده و شعور مردم تاثیر فوق العاده مترانسپرتیوی و تکنیکی را داشته میباشد .

کمیت و کیفیت سلاح و تخنیک حربی یک مملکت میزان پیشرفت قوای تولیدی و علوم تخنیکی همان مملکت را در خود مجسم می سازد یعنی به اندازه که اردوی یک مملکت یا سلاحهای عصری و قوای منظم مجهز باشد به همان اندازه تمدن و مترقی حساب میشود .

بنابر آن امروز مردم و خصوصاً آنانی که سکه تمدن را بنام خود زده اند کوشش میکنند تا زیادتر و خوبتر خود را به سلاح حربی و تخنیک آشنا ساخته و به ترتیب بهتری از آن استفاده کنند .

یکی از خصوصیت حربهای گذشته این بود که محاربه بین دسته های محدود به شکل هجوم و حملات

بالمقابل در یک ساحه کوچک صورت میگرفت و عساکر ذریعه لباسها و سپر های مخصوص خود را از صدمه سلاح چاره محفوظ داشته و از مرگ نجات می دادند (برای از دیاد معلومات درین موضوع میتوانید از مجله های گذشته سال جاری تحت عنوان : سیر و انکشاف اردو در سیر تاریخ نگارش بناغلی

تا امانی استفاده کنید) .

با اختراع و تکامل سلاح ناریه و توسعه آن بین مردم حرب شکل دیگری را بخود گرفت که مطابق آن تشکیلات اردو نیز تغییر کرد . اما باز هم کوشش میکردند تا عملیات حربی خود را قبل از نزدیک شدن دشمن اجرا کرده و هر چه زیادتر و به وقت کمتر برای دشمن صدمه

برسانند . عملیات جنگی عموماً بشکل یک صف کج شده (نیم دائروی) را به محاصره شباعت داشت اجرا میکردند درین محاربات فتح نصیب دولتی میشد که تعداد جز و تام ها و مواد مادی شان زیاد بوده مینارت جنگ کردن را می داشتند . کشف ماشین دار و توپ های

اتومات سریع اسیر و غیره آتش اردو را زیاد کرده برای محافظه قوای انسانی و تخنیک از چقوری ها و سترو اخفا و سنگر های مصنوعی کار می گرفتند .

تبا اینکه استعمال تانک ها و طیارات تاثیرات مانور و فعالیت جنگی را زیادتر نموده قوانین و تشکیلات محاربه را وسیع تر ساخت .

درین وقت فتح نصیب آنانی بود که قدرت آتش و انداخت شان زیاد می بود . به این ترتیب بین کمیت و کیفیت سلاح و تخنیک حربی از یک طرف و بین اشکال و قواعد حرب از طرف دیگر ارتباط متقابل زیاد گردید که تا آنرا بشکل یکی از قوانین حربی (یعنی قانون مربوطیت خواص عمومی حرب و قواعد و اشکال تابعیت آن به خواص سلاح و تخنیک حربی) مشاهده میکنیم . چنانچه دانشمندان فن حرب گفته اند : تکنیک حربی مربوط به اندازه تخنیک حربی است .

اکنون قانون فوق را برای پیش بینی خواص ، اشکال و قواعد حرب در شرایط امروزی با استعمال راکت و سلاح ذروی تحت مطالعه قرار می دهیم .

تا جایی که معلوم است درین چند سال اخیر قوای مسلح ممالک بزرگ به اندازه تغییر و تکامل نموده که حتی نزدیک است بشر بواسطه سلاحی که ساخته دست خودش میباشد



بعد از تطبیقات



افراد تانک

تلف و نا بود گردیده
قرار گفتار جان کنیدی
فقید سر نوشت کره زمین
را شبیه به سیارات
دیگر سازند (کندی
در کتاب ستر اتری
صالح خود مینویسد :
جواب سوالی که در
کرات دیگر چرا حیات
وجود ندارد ؟

اینست که دانشمندان
شان نسبت به دانشمندان
ما جلوتر بوده و قبل
از ما سلاح ذروی
را کشف و استعمال
کرده اند .
ذخایر سلاح ذروی
با وسایط انتقال آن
از قبیل انواع مختلف
راکت ها ، طیارات ،
توپ های اتومی
و تحت البحری های
اتومی سال بسال زیاد
شده می رود .



مساعی مشترک تانک و قوای هوایی یکی از پرابلمهای مهم موفقیت حربهای امروزی را تمثیل میکند

حربی ضروریست .
بنابرین اردو های
عصری باید بدون در
نظر گرفتن زمان و مکان
همیشه آماده مجادله
بوده و اراضی دشمن را
تسخیر کرده بتوانند .
مگر باز هم شروع و
انجام حرب های امروزی
بین ممالک بزرگ
بدون استعمال سلاح
ذروی غیر ممکن است
از اینکه دارندگان
سلاح مذکور از یک
طرف بالای یکدیگر
اطمینان ندارند و از
طرف دیگر وقت اینکه
جنبه های متخاصم
انتظار استعمال سلاح
اتومی را از جانب
یکدیگر داشته باشند
موجود نخواهد بود .
یعنی ممکن در شروع
جنگ از قدرت اعظمی
خود کار بگیرند .

امروز قدرت بمب های
هائیدروجنی به ۲۰ میلیون تن یعنی
هزار مرتبه بزرگتر از بمبی است که
در سال ۱۹۴۵ بالای هیروشیما انداخته
شده بود . ناگفته نماند برای اینکه
در حرب دوم بمب اندازه بمب
فوق الذکر بالای هدف پرتاب میشد
دو میلیون طیارات به بار لازم بود
تا هر یکی از آنها ۱۰ میلیون تن بمب
را انتقال می دادند . انفجار چنین
بمب بزرگترین شهر های دنیا را

ویران ساخته میتواند . نظر به
سنجش علما و دانشمندان امروزی
برای از بین بردن انگلستان ۱۲
و برای از بین بردن فرانسه ۲۰ و
برای از بین بردن امریکا ۲۵ بمب
هایدروجنی (با قدرت ۲۰ میلیون
تن) کافی است تا ممالک مذکور را
به صحرا و بیابان تبدیل کند .
علاوه از خطرات سدهش
و عواقب وخیم جانی یک مقدار پول
هنگفتی همه ساله مصارف قوای نظامی

و وسایط حربی میشود . چنانچه ۲۰۰
سال قبل منتسکیو گفته بود (فرانسه
بزودی از دست سپاهیان منهدم
خواهد شد زیرا که توسل سلاطین
به از دیاد قوای نظامی باعث میشود
تا سایر سلاطین نیز ازین کار تعبت
کرده و در نتیجه خرابی به همه جا
سایه خواهد افگند) دیده میشود که
گفتار این شخص بزرگ تا امروز
حقیقت دارد . مثلاً در نیمه اول
قرن بیست مردم بیش از ۴۰۰۰

میلیارد دلار را مصرف جنگ نمودند
که با همین پول امکان داشت در طی
۵۰ سال مذکور تمام نفوس دنیا را
(سه میلیارد و چهارصد میلیون نفر)
مجانای و رایگان غذا می دادند .
خلاصه اینکه خطرات جنگ اتومی
هر لحظه بشر را تهدید کرده و ما را
بطرف گرسنگی ، فقر نیکاری و پهریشانی
می کشاند .
بنابرین مابکسی امتیاز قایل
خواهیم شد که با منطق قوی و دلایل

معقول عقاید خود را برای دیگران
ثبوت کرده دنیای ما را به طرف
حقیقت و عدالت سوق دهند .
ناگفته نماند قوای دری ، بحری
و عوایی ممالک بزرگ علاوه از
سلاح اتومی با سلاح معمولی نیز
مجهز بوده و روز بروز تقویه میشوند .
زیرا که برای مغلوب ساختن دشمن
و کمائی کردن فتن در شرایط متخاصم
انهدام مراکز صنعتی و سیاسی .
تخریب موسسات و قطعات بزرگ

ازین سبب درین مدت ده سال
مجالسیکه راجع به خلع سلاح دائر
میشود بدون رسیدن بکدام نتیجه
مثبت به ناکامی منجر میگردد .
استعمال سلاح راکت - ذروی
باعث تغییر شکل عمومی حرب گردیده
است . از همه مهم تر اینکه در حرب
های سابق تاثیرات و تلفات ابتدائی
بسیار جزئی می بود ولی بعد از قرن
۱۹ که سلاح و وسایط انداخت بسرعت
پیشرفت کرد تاثیرات و رول مراحل



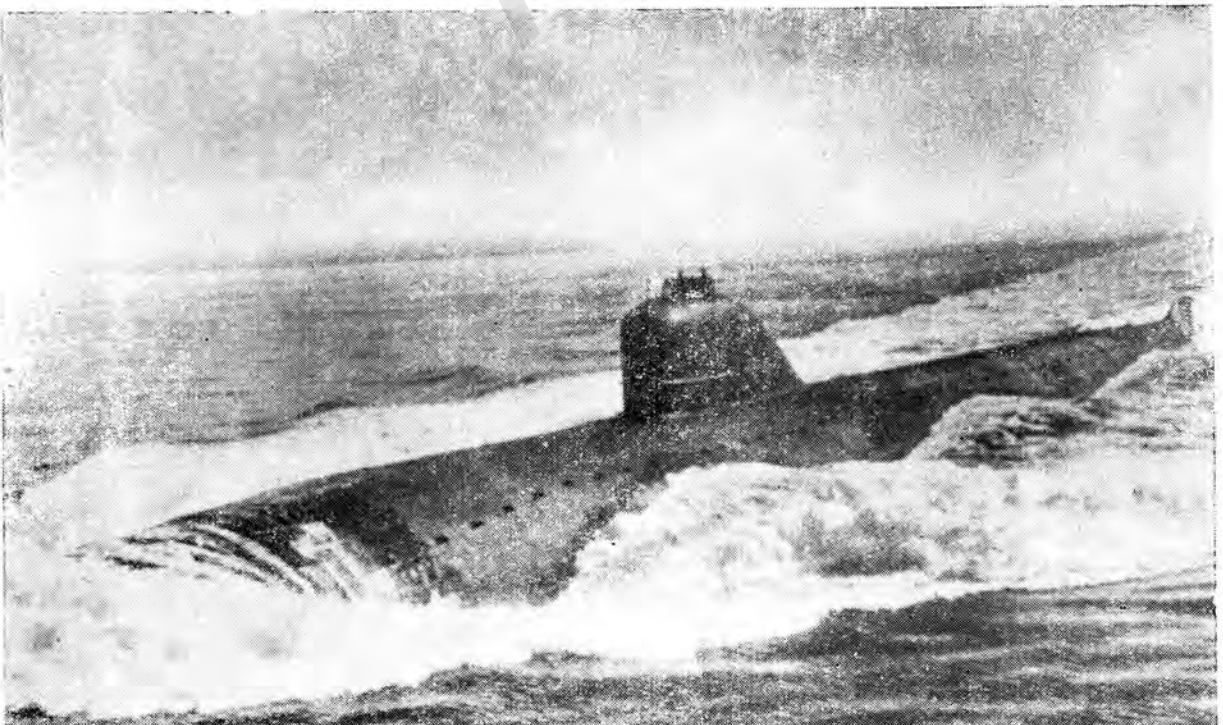
تعلیم و تربیه
افراد
راکت

می شود تا در ساعات و دقائق شروع جنگ ضربه های شدید خود را به پایگاههای نظامی، ایستگاه راکت ها میدانهای هوایی بسا در صنعتی و تجاری، دوائر نظامی و سیاسی و مراکز صنعتی دشمن وارد سازند.

که به کمترین وقت و ضایعات مهم عمایات تکنیکی و ستراژیکی خود را انجام داده اکثر سمانک اروپائی را تسخیر کنند.

مراحل ابتدائی در حرب پهلوها
اتومی فوق العاده مهم بوده سعی

ابتدائی حرب های مسلحانه نیز زیاد شده رفت. چنانچه پلان حملات ناپلئون بصورت عموم طوری ترتیب شده بود که باید در مراحل ابتدائی فتح را نصیب می شد. هم چنان در حرب اول و دوم قوای متحدین توانستند



گوشه ای
از فعالیت
تحت البحری
های
امروزی

تعلیم و تربیه

تاکتیکی افراد عسکری!

تتبع: دگروال ارکان حرب
محمد اسمعیل قوماندان دورو
ضابطانو شوونگی

قانون اساسی مملکت مدافعه خاك وطن را وظیفه هر فرد تعیین نموده و خدمت زیر بیرق را سکلقت عمومی افراد ذکور ساخته است نظریه این قانون سالانه هزارها جوان بخدمت زیر بیرق حاضر شده و کادر پرسونل جزو تمام های اردو شاهی را اشغال میدارند. افراد جدید الورد به قطعات شامل شده و بحیث پرسونل فعال داخل کادر

میشود. افراد مذکور در ماه اول ورود از عساکر یکساله بصورت جدا گانه تحت تعلیم و تربیه منفرد قرار داده میشوند. درین مدت آنها به قوانین و نظامات آشنا ساخته شده و طرز استفاده و استعمال اسلحه آتشدار و مبارزه با سلاح و بدون سلاح به آنها آموخته اند. شده از نقطه نظر فیزیکی مقاومت شان افزود گردیده و جهت عملیات در میدان محاربه تحت شرایط مختلف وضعیت رسانیده شده و استقامت داده میشوند امور انجنیری تحفظ کمیای و تعلیم و تربیه صحی به اوشان یاد داده میشود.

از نتایج آتش توپچی و هاوان بدرستی استفاده نموده. حین حرکت آتش کرده طور مصمم هجوم نموده و مراکز مقاومت دشمن را تخریب نموده بتوانند داشتن ملکه در حرکات فوق درائثای هجوم و همچنین حین پیشرفت در عمق موضع دشمن ضروری میباشد در دوره تعلیمات انفرادی افراد برای اجرای رفتار ها نیز رسانیده میشود.

در انشا و عبور از موانع انداخت بمهای دستی و غیره لازم است تدریس نمائیم.

در تعلیم و تربیه تاکتیکی افراد جوان به تعلیم و تربیه حرکات تعرضی اهمیت زیادی داده شود و این یک طرز حرکت موافق است چه اجرای محاربه تعرضی مخصوصاً در عمق موضع مدافعه دشمن فوق العاده مغلق میباشد زیرا وضعیت در هر آن تغییر نموده و تشریک مساعی دوامدار بدون انقطاع مانور جدی و سیال و ترتیب و تنظیم مجدد نظام های محاربوی را ایجاب مینماید.

تعلیمات تاکتیکی از غایبه های اساسی تعلیم و تربیه عمومی عساکر محسوب شده و هدف آن امتزاج دادن معلومات و مهارت لازمه عساکر در اثنای تعلیم انداخت در تمرین های رفتار در سپورت وادمان و سایر موضوعات عسکری میباشد. پس ممکن نیست تعلیم و تربیه تاکتیکی را قبل از فرا گرفتن معلومات ابتدائی که برای اجرای عملیات در میدان محاربه در حین انداخت ،

فعالیت های جدی عکس العمل های سریع و منطقی در قبال تحولات وضعیت. بیداری تستر و عیار نمودن زمان هجوم. مجموع عناصری اند که مخصوص این نوع عملیات میباشد افراد طوری تربیه میشوند که هدف را به زودی کشف نموده از بین ببرند و از اراضی بطور اعظمی استفاده بدارند. مانور موثرانه اجرا نمایند و با وسایط تقویه طور دوامدار تشریک مساعی اجرا ، در عقب تانگ حرکت کرده توانسته

هر فصل تعلیمات تاکتیکی باید علاوه تا موضوعات ذیل را نیز احتوا بدارد:

طرز حرکت فرد بین جزو تمام در حین انفلاق ذروی. عبور از مناطق آلوده شده تظہیر سلاح و وسایط

مجازی بوی، نجات دادن پرسونل
و غیره.

هدف اساسی، تعلیمات انفرادی
اینست تا یک عسکر جسور مصمم
با تعلیم و از نقطه نظر فیزیکی دارای
قابلیت عالی تربیه شود تا بطور مستقل
و بصفت یک جزو جز تام خود در هر
وضعیت مجاربه کرده بتواند.

در بیان که برای نصف اول
دوره تعلیمات تاکتیکی حاضر میشود
باید در نظر داشت تا به افراد تعلیمات
لازمه تاکتیکی استعمال صحیح اراضی
آتش و حرکت در میدان مجاربه،
حرکت در بالای زره پوش و بحال
پیماده سهارت در بوجود آوردن
و عبور از موانع مختلفه، سرعت
در تحکیم موضع و ستر و اخفای آن،
ترصد دشمن و اشارات قوماندانان
ما فوق بخوبی آموختانده شود،
صرف بعد از تأمین این موضوعات
ممکن شده میتواند که به تعلیم
و تربیه صحنه دیگر که عبارت از
طرز حرکت در اشکال مختلف مجاربه
بگذاریم.

تعلیمات تاکتیکی در بالای
اراضی در سال اول خدمت بعد از نصف
دوره تعلیمی شروع شده و تمام
موضوعات پروگرام تعلیمات
تاکتیکی انفرادی را در بر میگیرد به
تعقیب آن تعلیمات تاکتیکی به سویه
دلگی ترتیب میشود و از طرف
پرکمشران و قوماندانان دلگی
بداخل وضعیت های بسیط تاکتیکی
اداره میشود، برای تمثیل نمودن
دشمن از اهداف علامات و اشارات
روشنی و غیره استفاده میشود.

تمرینات اراضی در صورتی
را که افسران اعظمی را تأمین مینماید که
از سه الی چهار ساعت کمتر دوام
نگردند و اضافه از سه الی چهار
موضوعات تعلیمی را احتوا نکنند.

در هواخای بسیار سرد و بسیار

گرم بهتر است که مدت دوام آن
کمتر باشد.

احصارات برای تعلیم عبارت
از حاضر ساختن قوماندانان، تعلیم
کننده گان، مالزومه معاونت تعلیمی
و سایر تحصیلات جهت اجرای فعالیتها
میشود.

قسمتهای لازمه از تعلیمنامهها
و تعلیمات نامه برای افراد قبلا
قرائت گردیده و کتبی که از آن
معلومات نظری لازمه استخراج شده
میتواند برای معلمین توصیه میگردد،
انتخاب و حاضر ساختن پرکمشران
جهت تعلیم دادن به افراد باید قبلا
بصورت صحیح اجرا شود، درین
موضوع باید همیشه از طرف
قوماندانان تولی و بلوک بحیث
مسئولیت اولین شان در نظر گرفته
شود.

بهترین مشکل حاضر ساختن معلمین
افراد توسط تعلیمات متودیک
که از طرف قوماندانان تولی و بلوک
اداره شود ممکن شده میتواند و همان
تعلیمات متودیک باید در عین
موضوعاتی که به افراد تدریس
میشود و بالای عین اراضی که

پرکمشران مذکور مادونان خود
را تعلیم خواهند داد اجرا گردد.

در تعلیم و تربیه افراد اهمیت
زیاد باید به ترتیب و تنظیم تمرینات
و تعلیمات انتخاب اراضی و تدابیر
جهت تأمین لوژستیک میوان درسی
داده شود باید جهت هر فعالیت
تعلیمی یک منطقه جدا گانه ترتیب
و برای تعلیم و تربیه مؤثر افراد
با تمام اهداف و مالزومه تعلیمی
ساخته شود.

منطقه نظریات باید تسهیلات لازم
از قبیل خندق های موانع و اهداف را
موافق به موضوع و وضعیت تاکتیکی
دارا باشد.

تمرینات در صورتی قابل استفاده
نمیشود که به اندازه ممکن وضعیت
مجاربه حقیقی نزدیک باشند.

متود اساسی در تعلیم و تربیه افراد
جوان تمثیل حرکات از طرف خود
قوماندانان و به تعقیب آن تمرین
متحدادی افراد میباشد، تمثیل در ابتدا
بصورت مکمل و بعد بحال پارچه پارچه
دادن ایضاحات مختصر راجع به
تکنیک و اهمیت حقیقی آن در مجاربه
اجرا میشود، زیرا اگر هر جزء تکنیک

از طرف افراد بخوبی دیده شود
در نتیجه تمام متود سریع تر و خویتر
هضم شده خواهد توانست.

در اخیر فعالیت تمثیل شده یکبار
دیگر بصورت مکمل تکرار میگردد
تعلیم و تربیه باید جاندار و قناعت
دهنده و جالب باشد.

(طوری که من اجرا میکنم اجرا کن)
این بهترین برتیب رساندن افراد
در اجرای تعلیمات عملی و تکنیک
مجاربه میباشد بنا باید تمام ضابطان
جوان و پرکمشران هر حرکت را
خودشان بخوبی اجرا کرده و آنرا
تا افراد بدانها اعتماد کرده و آنرا
به درستی و آسانی بیاموزند.

طور مثال یک تعلیم تکنیکی به این
طرز اداره شده میتواند.

۱- ایضاحات راجع به غایه تعلیمی،
۲- مراجعه به موادات تعلیم
تعلیماتنامهها.

۳- تمثیل بعضی از تکنیکها،
۴- تعلیمات مستقل توسط افراد
بخت نظارت قوماندانان.

۵- تمرین بدخل دلگی،
۶- و بالاخره تنقید.
در شروع هر تعلیم معلم باید قیافه

ظاهر افراد خود را معاینه نموده
وضع اسلحه و تجهیزات آنها را
کنترول بدارد این موضوع دشمنین
افراد را بلند میبرد.

بعد از معاینه لازم است که عنوان
موضوعات، هدف تعلیمی و نقاط اساسی
آنها گفته شود، معلومات داشتن
افراد در خصوص موضوعات تعلیمی
و هدف آنها و چیزیکه قوماندانان از
آنها انتظار دارند مهم است بعداً
معلم کنترول مینماید آیا افراد معنی
اصولی موادات تعلیمنامه را فهمیده اند
و یا نه؟ و هر گاه لازم باشد خودش
تکرار برای آنها تشریح میکند بعد
از مطالعه نقاط تعلیمی افراد با وضعیت
تکنیکی که برای پیشبرد تدریس
موضوعات مورد نظر تعیین شده است
ساخته میشوند، و به تعقیب آن بعضی
تکنیک های خصوصی به آنها بصورت
تمثیلی ارائه میگردد.

تعلیمات بالای نفر توسط متود
تمثیلی بصورت پارچه پارچه بصورت
کم اجرا گردیده و بتدریج ملکه
و سمارته اوشان تقویه میگردد، در
حین تعلیم باید قوماندانان در نظر
داشته باشند تا افراد رایگان یگان

کنترول نمایند زیرا بعضی از آن
دروس را بصورت فرا گرفته و برخی
به مشکلات مواجه میگردد، طبیاً
معلم باید دقت زیاد خود را به
اشخاصیکه استعداد ضعیف دارند
معطوف بدارد زیرا اینک افراد ملکه
و مهارت لازم را بصورت کسب
نموده بتوانند لازم است تا یک ترتیب
صحیح برای گذشتن از معلومات
موجوده بسوی معلومات ساده و از
معلومات بسیط بسوی معلومات
مترکب اتخاذ نماید.

قسمت بزرگ زمان باید برای
صرف مساعی جهت اتوماتیک ساختن
افراد حرکات لازمه را آنها بحال
ممارت و مهارت در آورده صرف
گردند.

در تعلیم از قدرت و استعداد اعظمی
افراد استفاده میشود زمانیکه قناعت
حاصل گردد که تمام افراد وظیفه
خواسته شده را بدرستی انجام میدهند
در آنصورت به موضوع متعاقب
گذشته شده میتواند.

۵ الی ۱۰ دقیقه قبل از ختم
تعلیمات تنقید اجرا میشود و معلم
واضح میسازد که آیا غایه تعلیمی
بدست آمده است یا نه، طرز حرکت
هر فرد را تنقید نموده و خطاهای
اساسی شان را یادشانی مینماید.

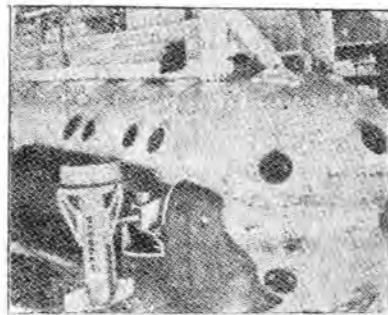
علاوتاً معلم تکرار موادات
تعلیم نامه و تعلیمات نامه را یاد آوری
نموده و بعضی مثالهای لازمه از
تجارب مجاری بوی ذکر مینماید.

در ابتدای تعلیم و تربیه افراد
عموماً تمرکز غلطیها میشوند و آنهم
اضافه تر ناشی از این است که موضوع
را بدرستی ندانسته و یا تویت آنها را
غلط اجرا مینماید، بهترین طرز
اصلاح غلطیها عبارت از تکرار
نمودن تمثیل تکنیک های لازمه
توسط قوماندانان و به تعقیب آن
تمرین دوامدار متعلمین میباشد.

(بقیه در صفحه ۵۰)

تحت البحر

ی عصر فضا



در این تحت البحری
نوع و اقسام وسائل
الکترونیکی و دستگاه
گیرنده و فرستنده
۱۲ نلویز یون نصب شده
است ...

و هنگامیکه به عمق مناسب رسید، دستگاه های گیرنده
و فرستنده تلویزیون شروع بکار میکنند و از عمیق ترین نقاط
اقیانوس قلمهای مستندی تهیه میکنند. با این تحت البحری
میتوانند بهترین نقشه های تحت البحری را تهیه کنند.
اکنون جهان در انتظار عملیات نقشه برداری این تحت البحری
است و همانطور که عکس های مردان فضا پیمای از کره زمین
و کشف اشعه های کیهانی بر علم بشر افزود عکسها
و اطلاعاتی که این تحت البحری از عمقهای زیاد تهیه خواهد
کرد تجوی در عالم اقیانوس شناسی بوجود خواهد آورد.

شانسند معروف سویسی پروفیسور (اگوست پیکارد)
یا گوی فلا دین خود توانست به عمق اقیانوس آرام برسد، با بودجه ای
که در اختیار داشت تحت البحری معروف (باتیس کاف) را
ساخت و بوسیله آن تحت البحری ۶/۶ میل عمق اقیانوس آرام
فرورفت و با این ترتیب بزرگترین ریکارد عمق دریا را شکست.
پروفیسور اگوست پیکارد - عمرش کفاف نداد تا تحقیقات
بعدی را بوسیله (باتیس کاف) انجام دهد و پسرش دکتر
(ژاک پیکارد) چهل و سه ساله تحقیقات عمق یابی را دنبال
کرد و زیر دریائی جدیدی را اختراع کرد که قدرت آن
چند برابر از (باتیس کاف) پدرش بیشتر بود - ژاک این
تحت البحری را (نروز کاف) لقب داده است.

این تحت البحری روی هم رفته ۱۲۰ تن وزن دارد که ۲۶
تن از وزن تحت البحری را بطریقه های آن تشکیل میدهد همه
وسایل تحت البحری حتی آشپزخانه آن بوسیله داکتر سیسمه
کار میکند.

زمان ما

گفتم نشوم ز خواب بیدار
 درس بچه گان نمیگذارد
 گفتم نخورم دوچاشت دیدم
 این عادت نان نمیگذارد
 گفتم کسه بکهنه بسازم
 دیدم تن و جان نمیگذارد
 گفتم نروم به صحبت خلق
 لطف دگران نمیگذارد
 شد فاش بمن که گر نشینم
 قانون جهان نمیگذارد
 از نرگس یارا گر شوی تیر
 ابروی کمان نمیگذارد
 لقمه بد هان نکرده راحت
 چون کام و زبان نمیگذارد
 امروز که عصر انکشاف است
 کس لعل به کان نمیگذارد
 از قافله پس نمان که این دشت
 بهر تو نشان نمیگذارد
 تا کش کندت زمان تو خودرو
 کو خواب گران نمیگذارد
 دیروز زمان گر آنچنان بود
 امروز زمان نمیگذارد
 در قلب تلاشها روان باش
 گوریگ روان نمیگذارد



محمد اشرف مفتون

زلمی ټکه

یا پتنگ شه محان قربان کړه ، یا چراغ غوندي روپشان شه
 یادرد مند دقام په درد شه، یاد دوك اودرد درمان شه
 یا به تخت یا به تخته شی ، یا به تاج یا به تاراج شی
 یا خونوم دغازی راوړه ، یا شهید په منځ میدان شه .
 سپین کفن په سر تړلی ، توره لاس کښی زغره تن کښی
 ننگ غیرت همت پیدا کړه ، رعداو لحول برق او طوفان شه
 یا رهبر د قافلی شه ، تر مقصوده رهبری کړه
 یا جرس شه بیداری کړه ، یا کاروان غوندي روان شه
 یا پلی سیلی او تندر ، وران د غیر باغ و بوستان کړه
 یا شیرازه خپل چمن کړه ، در حمت ابرو باران شه
 د وطن کشتی په بحر ، مداو جزر رباد کښی گیره
 یا مانگی چپی ته لاس کړه ، یا پری خورلکه باد بان شه
 لوی کشش محان کښی پیدا کړه ، کهر باشه مقناطیس ته
 تل چه بل لمان ته را کاپی ، هسی زوراوهسی توان شه
 یا یوسف د کنعان جوړ شه ، زلیخا په عشق بندی کړه
 یا چه قیس پری نسکور پروت وی ، هغه در هغه آستان شه
 د دنیا هغه فاتح شه چه ، تاریخ کښی مثال نه وی
 د مفتون فخر د یوان شه ، د افغان در دران شه

شاهکار افکار پرزگان در باره وطن

کسانیکه در طریق خدمت به وطن و در راه این عقیده پاک - خواب و خوراک را بر خود حرام
 نمایند در بهشت جاودانی مکانی عالی و مقامی رفیع دارند . (حضرت محمد (ص))
 کسانیکه در راه وطن جان میدهند جادارد که عموم ملت بر جنازه شان نماز گزارند . (ویکتور هوگو)
 من هر وقت کلمه وطن را بر زبان میرانم بی اختیار روحم تکان میخورد و در قلبم ار تعاش عشق
 هویدا میگردد . (مترلینک)
 من سجاده محراب را پاره میکنم چون میخواهم کسی را که در راه وطن آسیب دیده
 زخمش را بآن بیندم . (هوگو)
 بزرگترین فضایل - فداکاری در راه وطن است . (ناپلیون)
 هر چه در دنیا آفریده شده زیبا است و زیباتر از همه مرگ و کشته شدن در راه خدمت به وطن است .
 (ابومسلم خراسانی)

فصلنامه

مادر

میان گریه کنندگان گریه مادر
پیداست . دختر را بین ، مادر را بشناس .
« عربی »
« ایتالیائی »
خانه بی مادر تاریک است .
« انگلیسی »
مادر که نیست یازن پدر باید
ساخت . « ایرانی »
علت اینکه غالباً مادر زیادتر
بچه اش را دوست دارد برای اینستکه
یقین دارد بچه مال اوست ولی پدر
فقط خیال میکند که بچه از آن
اوست . « بابلی »
تاک را از خاک خوب و دختر را
از مادر خوب انتخاب کن . « چینی »

عجله

عجله پدر عدم موفقیت است .
« انگلیسی »
عجله کردن بازی کردن با آتش
است . « فرانسوی »

فخر و بخت

دو خانم باهم دیگر گفتگو میکردند
و در ضمن صحبت هم از بچه های خود
تعریف میکردند .
یکی از آنها گفت :
— پسر من در موسیقی نابغه است
هر وقت ویلون خود را بدست میگیرد
و می نوازد همه با اشتیاق فراوان
بدست او نگاه میکنند .
خانم دومی گفت :
— اینکه چیز نیست .
پسر من وقتی می زند صدها کارگر
و ماسور کار خود را تعطیل میکنند
و نفس راحتی میکشند .
خانم اولی پرسید :
— مگر پسر شما چه چیزی می زند
و خانم جواب داد .
— سوت فابریکه !

در عجله آدم احمق سرعت وجود
ندارد . « انگلیسی »
آدم عجول جای را با چنگال
می خورد . « چینی »
بزرگترین اشتباه عجله در عروسی
است . « فرانسوی »

عجله سبب ضرر و ضرر سبب
بدبختی است . « انگلیسی »
آدم عجول دشمن خود است .
« ایتالیائی »
عجله کار شیطان است « فارسی »
آدم مؤمن عجله نمی کند .
« عبری »
عجله کاریکه احتیاط قدغن کرده
انجام میدهد . « چینی »
عجله و عقل باهم جور در
نمی آید . « انگلیسی »
سگی که در زائیدن عجله کند
توله اش کور بدنیا می آید . « عبری »

قضاوت

هر گز در باره هیچکس قضاوت
نکنید مگر آنکه خود را بجای او
بگذارید . « یونانی قدیم »
کسیکه راجع بدیگران قضاوت
میکند خویشتن را محکوم کرده
است . « ایتالیائی »
قضاوت صحیح آرامش خاطر
میاورد . « انگلیسی »
قضاوت صحیح هنر است .

« یونانی »
علم ثروت است ولی قضاوت
خزانه دار مرد عاقل میباشد .
« انگلیسی »

انسان ممکن است بکلیه خطایای
خود اذعان نماید ، جز بقضاوت
غلط خویش . « یونانی »
من از آنچه از دهانت خارج شود
راجع بتو قضاوت خواهم کرد .
« چینی »
آن داوری که باظهارات يك
طرف گوش دهد ، بهیچ چیز صحیحی
گوش فرانداده . « انگلیسی »
کلیه قضاوت های عمومی لغو و
ناصحیح است . « فرانسوی »

سقراط را که از حکمای یونان
اتفاقاً زنی بد اخلاق نصیب گشت
روزی آن زن در مقابل شوهرنشسته
و مشغول رختشویی گردید و بدگویی
و سقط گفتن بسقراط آغاز و هتاکی
و بی شرمی از حد گذرانید . حکیم از
طریق حکمت و مروت و برد باری
نفس نکشید سکوت سقراط سلیقه
را بجزسارت بالاتری واداشت ،
و طشتی که مملو از آب صابون در
پیش بود با کمال بی آبرویی آورد
و بر سروریش حکیم ریخت حاضرین
بحکیم تعرض نمودند که این مقدار
تحمل بيمو قع و صرف نظر بیجا از
مانند شما حکیم دانا پسندیده و زیبا
نیست جواب داد چنین است اما اثر
غریدن رعد و جهیدن برق آخرش
آمدن برف و باران است .

روزی یکی از سرکردگان فوج
ژرمن بناپلیون بناپارت پادشاه
فرانسه از روی فخریه و مباهات اظهار
داشت که عسا کر ما برای کسب
شرف و بزرگی جنگ میکنند و عسا کر
فرانسه فقط برای تحصیل مال بناپلیون
جواب داد همین طور است که ملتفت
شده ای البته هر کس مایل است
آنچه را که دارا نیست و لو بجننگ
باشد تحصیل نماید (یعنی ژرمنها
شرف و بزرگی ندارند از این سبب
جویای اویند برعکس فرانسویها
برای مال و دولت) ژرمن از این
جواب بناپلیون خجل و شرمند شد .

فضیلت

غوك چه خپله فضیلت و نلری -
دنورو فضیلت هم نشی لیدلی .
په بشر کښی ښه ښایست اوښه
روزنه فضیلت دی .
له علماوو سره په ناسته ولاړه -
سری فضیلت زیاتیری .

مونټ گومری رومل

خپل یووړ دسپنې بولی

دفیلم مارشال مونټ گومری په قلم

مترجم : احمد واغزی

پدی مقاله کښی چی مخصوصه دلایف دمجلی دپاره لیکل شویده مونټ گومری
په تاریخ کښی پنځه ویشته کاله پخوا نظر اچوی او خپل قضاوت او انتباه دخپل
مشهور رقیب رومل - دصحرا گیدر ، په باره کښی څر گندوی .

کړم مونټر باید دده (رومل) شخصیت
کړ کتر او ابتدائی ژوند مطالعه
کړو . دی څرنگه سړی ؤ ؟ دامسمه
ده . ځکه په عسکریت کښی شخصیت
په ډیرو موضوع گانو اغیزه کوی .

دا دیادونی او تامل وړدی چی
مونټر دواړو ترکومی اندازی پوری
په یوه لاره تللی وو . دی (رومل)
څلور کاله ترما کشر ؤ ، مگر مونټر

دواړه دنومبر په میاشتی کښی
زیږیدلی ؤ ، دی د ۱۸۹۱ کال دنومبر
په پنځلسمه اوزه د ۱۸۸۷ کال دنومبر
په اولسمه . دده کورنی په عسکری
کښی سابقه نه درلوده او نه مادامی

تقدیر او عاقبت سره اړه پیدا کړه او
یو ځان شوه او پښتو وروسته بیا
دیوی شخصی مجادلی په شکل سره
زمونږ په منځ کښی ، تحول وکړ
چی په ۱۹۴۲ کال کښی په افریقا

کښی شروع شوه او په ۱۹۴۴ کال
کی په نور مانندی کښی پای ته
ورسیده . ما اکثرأ دا آرزو کوله
چی ددی امکان پیدا شوی وای چی

له خپل مشهور حریف سره می لیدلی
وای ، خوزه پدی کار بریالی نشوم .
زه غواړم چی زمونږ د مجادلی او
مسابقی کیسه وایم مگر مخکښی
لدی چی زه پدی کار لاس پوری

کله چی دالمان مسلحو قو اوو
په لویدیزی اروپا بانندی د ۱۹۴۰
کال دمی میاشتی په لسمه نیټه
تجاوز وکړ ، رومل دالمان داوومی
پانزر فرقی قوماندان ؤ او ماددریمی

بریتانوی پیاده فرقی قوماندانی در
لوده . ماهیڅ دده په باره کښی څه
نه ؤ اوریدلی او دا محفته ده چی
ده هم زما په باره کښی څه نه ؤ

اوریدلی . اگر که مونټر دواړه
هغه وخت تورن جنرالان وو . خو
هر کله چی دهتلر جگړو وده وکړه
او دیوی جهانی مجادلی شکل ئی
مخانته غوره کړ ، ددوورتورن جنرالانو



فیلد مارشال مونت گمری

سابقه در لوده، دی تنیل و او دمکنب په دوران کښی ئی په لوستونو کښی پیشرفت نه و کړی، زه هم همداسی وم. ده په یو ویشتم کلنی کښی په یوه پیاده غنډ کښی دضابطی رتبه اخیستی وه او ما هم همداسی. مونږ دواړه د ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ په جهانی جگړه کښی جنگیدلی و او دواړه هغه وخت کښی تپی شوی وو. مونږ دواړو واده کړی و او یویو زوی مودرلودچی دواړه په ۱۹۲۸ کال کښی زیږیدلی وو. لکه ماغونډی ده لږ غښل، نه ئی څکول او دپوډی په هکله ئی کوم خاص انتخاب یادلچسپی نه در لوده. دی په ۱۹۳۷ کښی دگروال او په ۱۹۳۹ کال کښی تورن جنرال و. زه هم همداسی وم. ده په ۱۹۳۱ کال کښی دپیاده دتکتیک په موضوع کښی یوستاندار دنوټ (چی د عسکری تعلیماتو په استاد سره لیکل کیری «مترجم») دالمان داردو دپاره لیکلی و او ما په ۱۹۳۱ کال کښی د (پیاد، تعلیم او تربیه) کتاب دبریتانیی داردو (حکمکنی فوا) دپاره لیکلی و. بد پای کښی مونږ دواړه وقف شوی عسکران وو. جنرال سپیدل «Spiedel» په نور مانندی کښی درومل درستیزوال، چی وروسته

ماښه وپیژاند او ډیر می خویش شو هغه وخت چی مونږ دواړو په ناتو کښی خدمت کاوه، را ته ووول چی دی شک لری که رومل پخپل ژوند کښی داسی کوم کتاب لوستی وی چی دحرب په باره کښی نه وی لیکل شوی. زه پخپله په ډیر مشکل سره دا ادعا کولای شم. برین جنرال د سموند ینگ «Desmond young» په ۱۹۵۰ کال کښی یو لمړی درجه کتاب د (رومل) په نامه ولیکه. ده له رومل سره په صحرا کښی هغه وخت کتلی وو چی په ۱۹۴۲ کال کښی دجرمنیانو له خوا اسیر کړی شوی و. له جگړی څخه وروسته هغه درومل له کورنی او ډیرو هغو منصبدارانو سره وپیژندل چی درومل تر لاس لاندی ئی کار کړی و او درومل د کرکتر په باره کښی ئی ډیر معلومات لاس ته را وړل. داسی ښکاری چی ده (رومل) دیوه لخوان صاحب منصب پخپل په اجتماعی ژوند کښی برخه نه اخیسته او دشمرت په هکله ئی لږه توجه درلوده؛ مگر داسی ویل شوی دی چی دی مصر، ماجرا لتوونکی، محتاط او دیوه ټینگ عزم خاوند و. برید جنرال ینگ دده په باره کښی د جنگ په وخت

کمی لیکي: له هماغه لحظی چی دی دللمړی غل دپاره تر اور لاندی راغی نو دیوه مکمل جگړه مار موجود به حیث، خونسرده، چل باز، بی رحم نه ستومانه کېد ونکی، د قرار په ور کولو کښی چټک او په غیر قابل باور توگه زړه ورو درید. زه په کلکه سره دینگ د کتاب لوستنه تپواو هغو کسانو ته توصیه کوم چی غواړی رومل زیاتره وخیزی. دا کتاب په لندن کښی دکولین دموسی له خوا خپور شوی دی. مخکښی لدی چی زه دخپلی لمړی ورځنی په هکله چی په جگړه کښی له رومل سره مخامخ شوم غه ووايم یو وروستی ټکی څر گندوم. کله چی ده (رومل) اومه پانزر فرقه دبریتانیی داردو په مقابل کښی د ۱۹۴۰ کال دمی په میاشت کښی سوق کړه نو دیاد داشت دیوی کتابچی په لیکلونی پیل و کړ چی هره ورځ ئی آخرنی شیان پکښی لیکل. دیاد داشت کتابچه درومل دکورنی له خوا وساتله شوه، چی البته ساتل ئی وروسته له هغه چه هلتر دده داعدام حکم په ۱۹۴۴ کال کښی ورکړ غه گران و، دا کتابچه په یوه کتاب کښی چه (درومل کاغذو نه) نومیزی او په ډیره ښه وجه دسر لیدل هارت له خوا ترتیب شوی دی په ۱۹۵۳ کال کښی دلندن دکولین دموسی له خوا خپره شوه. ما هم یوه دیاد داشت کتابچه له ۱۹۴۰ تر ۱۹۵۸ کاله پوری ساتله چی په وروستی کال کښی زه له فعال خدمت نه له ناتواو بریتانوی اردو څخه وروسته له پنخوسو کلونو پرله پسې خدمت څخه ووتم. زما کاغذو نه (یاد داشتونه) به هیڅکله خپاره نشی ځکه که داسی وشی نواختمال لری چی یوه نوی جگړه منځ ته راشی.

* * *

ماد ۱۹۴۲ کال د آگست دمباشتی په ۱۳ نیټه د (العلمین) پاجبسه کښی

داتمی اردو قومانده په لاس واخیسته. دانگلیسانو د ماتی غځه وروسته چې په دو نکرک کښې په ۱۹۰۰ کال کښې واقع شوه ما په انگلستان کښې خدمت کدو، او له ۱۹۰۱ کال څخه راپدې خوا مالدیوه المانی جنرال په هکله چې صحرا کښې فعالیت کوی او رومل نو سیري څه ناڅه اوریدل. هیڅ یو انگلیسی جنرال دده په مقابل کښې دریدلای نشو، دده ساحه باندي حاکمیت درلود. کله چې زه صحرا ته ورسیدم دی (رومل) داتمی اردو افرادو ته یو پارونکی موجود گرځیدلی و، مگر هغوی دی دیو انسان اویوه عسکر په حیث تحسین کاوه، قسماً دده د عملیاتو د قابلیت په وجه او قسماً دده د ښی او انسانیت آمیزه رویی له کبله چې له اسیرانو سره ښی کوله چې ډیر ښی لیدلی و. زما لمړنی ابتداء دا وه چې له ده سره باید په احترام سره رویه شی، مگر ما فیصله وکړه چې سمدهستی د ښه روښانه کاندېم چې زه ترې نه بیرېرم او زما در سیدلو په مابینام می ټولی قرار گاه او مادونو قوماندانانو ته وویل چې مونږ به په گډه سره په یقیني ډول رومل کاملاً له افریقا څخه و باسو.

اوس مونږ باید د جنرالی ځینې اړخونه سره وڅېړو ځکه په حرب کښې قوماندانیت یا په لوړ رُعم لیدر شب (زعات) ډیره اغیزه لری او په نظر کښې نیول کیږی.

زه مجبوروم چې رومل د جنرالی له نظره مطالعه کړم. واضحاً دی د افرانو یو زیږیدلی لیدر و، په انسانی فکتور (د طبیعت له نظر) پوه شوی و، دده ځان و خپلو عسکرانو ته ورپېژندلی و او هغوی هم دده دپاره هر څه کول، ده هغوی ته فتح او بریالیتوب ورپه برخه کاوه. دی یو ښه تکتیک پوه غیر سختگیر او جدی ستراتژیست او په هره برخه کښې د لوړی سولی یو مسلکي عسکر و. ناپلئون ویلی دی

«تر ټولو لوی جنرال هغه دی چې تر ټولو اړی غلطی کوی» ممکنه ده داتمی صحیح وي مگر لیدل عارت (۱) د موضوع ښه څرگنده کړیده چې وائی «تر ټولو لوی جنرال هغه دی چې خپل رقیب هغی خوا ته راوکاروی چې زیاتنی غلطی و کاندی» تر هغه وخته پوری رومل په صحرا کښې بریتانوی جنرالان داسی سوق کړی و چې هره د فیم وړ غلطی و کړی، ما فیصله وکړه چې داتمی باید پای ته ورسیري. دی اکثراً مجبور شوی و چې یوه مجاربه پریږدی او شاته ولاړشی مگر تل دا کار دده پخپله آرزو شوی و او په عمومي ډول سره لوژستیکي دلایلو دې کار ته مجبور اوه، دی هیڅ وخت دیوی مطلقی ماتی په اثر په شاتللو ته مجبور کړی

تعلیم و تربیه
(بقیه صفحه ۴۵)

دربیشبرد تعلیم و تربیه ایجاب مینماید که مورال و خصوصیات جنگ آوری مانند جسارت و قدرت مقاومت، انکا و اعتماد به قوت و نفس خود، قدرت اراده و دادن قرار، حاضر بودن برای ایفای اوامر قوماندانان در هرگونه شرایط انکشاف داده شود.

بهبترین ستانداردهای تعلیم و تربیه که به مورال و خصوصیات جنگ آوری توأم باشد به افراد اجازه میدهد که در میدان مجاربات جسورانه و باعزم راسخ محاربه نموده در مقابل خطیرترین وضعیت محاربه چاره حل پیدا کرده بتواند.

بتعلیم تا کتیکي انفرادی افراد تازمانیکه پروگرام تعلیم و تربیه دوام کند باید ادامه داده شود و قوماندانان دلگی باید در حین تعلیم و تربیه دلگی، بلوک و ټولی آنرا ذریعه افراد یکساله تأمین بدارد.

شوی ندو. زما وظیفه اوس دا وه چې له ده سره د مجاربی بداسی شکل سره مخامخ شم چې دی ورسره بلد او عادی نه وی، خو خپله اراده پری تحمیله کړم او دی دې ته مجبور کړم چې غلطی و کړی یعنی په حقیقت کښې هر کله چې زه حاضر شوم، دی په مجاربه کښې مات کړم. کله چې می موضوع عمیقاً مطالعه کړه نو دا هغه قرار و چې ما وکړم. دی شی بیرته وه چه ممکنه ده رومل مخکښی لدی چې زه حاضر شم خپله اردو شاته بوزی او بدی ډول سره زما اردو بی موازنه کاندی، ځکه بیتر هیڅ وخت دی نه پریښود چې داسی کار وکړی. مازمونږ دواړو د مجادلی د لومړنی مرحلی دپاره ځان چمتو کړ. دافرت ډیر ژر راوړسید. ټولو معلوماتو نو چې له استخبارانو، اسیرانو او د بی سیم د فعالیت له نتیجی څخه لاس ته راغلی و داپدول چې رومل غواړی یوه آخری ضر به قاهری اودنیل دلته نه در سیدلو دپاره ووهی ډیر احتمالنی درلود چې دی د صحرا نورمال تکتیک استعمال کاندی یعنی یو تعرض له جبهی یاد صحرا له اړخ څخه وکړی او بیا دشمال په لور دبحیرې په خوا ورتاوشی. په پخوانی حرب کاتو کښې کله چې به رومل له خپلو زغره ورو قواو ورسره تعرض وکړ او دبریتانیی دقواو و موضع گانی به ښی شقی کړی نو بریتانوی زغره ورو قواو به سمدهستی متقابل تعرض وکا او ژر به له یوی قوی ټانک ویشتونکی جبهی سره مخامخ شوو او ډیر تلفات به ښی وکړل نو ساحه به درومل زغره ورو قواو ته خلاصه شوه چې دبریتانویانو دجبهی په شا کښې به ښی لوی تاوانونه ورسول. ما فیصله

(۱) انگلیسی پوه کپتان سر لیدل هارت یولوی معاصر عسکری فیلسوف دی چې دستر الاثری کتاب ښی ډیر شهرت لری

اتمه اردو لاپه کافی ډول سره د « دشمن دننهائی تپاه کولو » د پاره تعلیم او تربیه شوی نده ما دا کار په لاس کښی ونیو او تیاری دهغه شی د پاره شروع شوه چه بیا دالعلمین دجگړی په نامه یاده شوه .

یوتکی چه باید ما په فکر کښی نیولی وای داؤ چه رومل له جگړی سره دمتقابل قوماندان په طرز العمل کښی د غلطی په پیدا کولو کښی استادؤ . داسی ښکاریده چه ده مخکښی له مخکښی تصور کولای شی چه کله تکتیکی تفوق دده پخوارا گرخی . ده به د جگړی ساحه سروی کوله او خپل فرصت ئی پکښی لټاوه کوم چه پخوا ده په عمومی ډول پیدا کاوه . فرانسویان به داشئی « یونظر اچول » *Coup d'oeil* وبولی چه یوه ډیره واضح اصطلاح ده . واضحاً ښکاریده چه باید زه په بل تصادم کښی غلطی ونکړم دا باید یوه مسابقه ، لویه اوزماله وضعیت سره مطابقه وی ، زه دا ادعا کولای شم چه ما اقلأً ښه شروع وکړه . په یوه کتاب کښی چه د « پانزر دجگړو » په نامه یادیری اوفون میلیتین ، هغه منصبدار چه د رومل په قرار گاه کښی د حر کاتو په څانگه کښی موظف و ، لیکلی دی مولف علم الحلفا د صحر ا د جگړی د گرنجیدلو ټکی او داوردی سلسلی شکستو نو لهری ماتی بللی ده چی په هره جبهه کښی منځ ته راغلل او دالمان د سقوط سیوری ئی مخکښی له مخکښی څر گند کړ .

زما پرابلم پدی جگړه کښی گران او مشکل ؤ . اتمه اردو د رومل له اردو سره مخامخ په شمال کښی د بحیری او په جنوب کښی د قطره دلوثی کندي په منځ کښی پرته وه او دا جبهه ۵۰ میله اوږده وه . خلاص اړخونه موجود نه وو ، دده تدافعی تاسیسات ډیر ښه تنظیم شوی او ښه عمق ئی درلود .



مارشال رومل (د کښی خوا سړی)

نوی قوماندان جنرال مونت گومری غځه واخیسته داوه چه دی ډیر محتاط سړی دی اودی ته چمتو ندی چه هیڅ راز خطر و منلی شی . غوورنځی وروسته له جگړی کله چه ده (رومل) د تفکر او تعمق - پاره زیاتره وخت پیدا کړی ؤ نو په خپل کتابچه کښی ئی ولیکل تردید نشته چه ډیر ښانوی قوماندان معامه لدی حر کت سره کاملاً صحیح وه اوله وضعیت سره ئی ډیر ښه مطابقت درلود لکه دی کارده ته توان ورکړ چه پرمونیر باندي دخپلو ضایعاتو په تناسب ډیر درانه تلفات وارد کړی او دخپلو قوتونو ضربوی قدرت پخپل لاس کښی وساتی .

ماداسی تخمین وکړ چه زمونیر په لومړی تصادم (مخامخ کیدو) د علم الحلفا په جگړه کښی ، رومل خپل وار تیر کړی ؤ . د تینس دلوبی په اصطلاح دا دده سرویس (دتوپ وهل) ؤ او کله چه جگړه پای ته ورسیده دده نمره صفر د پنځلسو په مقابل کښی وه بل وار به زما سرویس ؤ او په نتیجه کښی به دی په جگړه کښی ماتیده . مگر زه لا حاضر نه وم . علم الحلفا ماته راچودلی ؤ چه

کړی وه چی زه به داسی غه ونکړم . رومل ۱۹۴۲ کال د اگست د میاشتی په ۳۱ له خپلی پانزر اردو سره تعرض وکړ . زما جنوبی اړخ له خوائی زما جبهه شق کړه او دشمال په خوا د علم الحلفا د صرت (ژی) په لور راتاو شو داځای زما د ټانکونو او یوی پیاده فرقی له خوا په قوی ډول سره اشغال شوی ؤ . دی ځای د (العلمین) د کرښی د پاره د کلید حیثیت درلود زما او امر ډیر جدی او مطلق ؤ و : بریتانوی زغره وری قواوی بدله ځایه غځه حر کت نه کوی مونیر به درانه پخپل ځای کښی اوسو او درومل ټانکونه به پر ږیر دوچه پرمونیر باندي په تحکیم شوی موضوع گانو کښی چی د ټانک ویشتونکو توپونو په شا کښی واقع دی تعرض وکړی .

همدارنگه واقع شو . رومل چی له یوه نوی تکتیک سره مخامخ شو چه دی ورسره عادی او آشنانه ؤ نو شاته لار زه دروند پخپل ځای کښی ناستم او د تعقیب هڅه می ونکړه دجگړی په موده کښی رومل د خپل یادداشت په کتابچه کښی ولیکل هغه انتباه چی مونیر دانگریزانو له

رادار با اندازه يك

۲۵ بولی



اخيراً دانشمندان تگزاس در آزمایشگاه هوآئی (دالاس) موفق بساختن یک دستگاه رادار شده اند که میتوان آنرا در کف دست نگه داشت و این دستگاه رادار که میتوان آنرا «میناتور رادار» گفت مثل یک دستگاه بزرگ کار میکند و با قرار دادن يك سکه که با اندازه يك ۲۵ بولی است مقایسه آن در یکس بر عمل آمده است .

با این دستگاه کوچک سی توان مثل يك را از ازار بزرگ عمه شیارا از دور مشاهده کرد. حتی طیاره ها در فاصله زیادی مثل رادار بزرگ بر روی عمه آن نقش میندند .

نیولی دی په شمال کبئی دده جبهه شق کرم . داسی به غغه دی ته از کبری چی خپل المانی قطعات په شمال کبئی متمرکز کاندی - ماداسی هیله درلوده . په غغه وخت کبئی که مونږ د جرستیانو او ایتالویانو فاصل خط پیدا کړی وای سایوه نهائی شدیدې ضربه پر ایتالویانو باندی زهله او ورسته له شق غخه آزادی عجزا ته ورتن . داپه دهنگامی پای وی - بیاهم ماددی شی هیله درلوده .

دا واقعاً یو ساده پلان و چی غایه ئی د باصقین او غولوو غخه عبارت و - اودواړه زما په عسکری فلسفه کبئی له اصلی اجزا ووغخه دی . دحرب اساسات په اصل کبئی ډیر ساده دی . مخینی خلک به ووائی

د لقب ساحی په جنوب کبئی ۵۰۰۰ یاردو په عمق او په شمال کبئی د ۹۰۰۰ یاردو په عمق حاضر کړی شوی وو واضحاً رومل هیله مندو چی مادی ته اړ کړی غو خپل اصلی تعرض (اصلی ضربه) د جنوب له خوا غخه اجرا کړم . که ماداسی کړی وای نو تعرض یوازی دشمال خواته دبحیری په لور راتاو کیدای شوای دادصحرا عنعنوی تکنیک و او عمومی قرار گاه په قاهره کبئی ماته توصیه وکړه چی تکنیک استعمال کړم . ماداسی ونسکړه . مافرارور کړ چی اصلی هجوم په کوم لځای کبئی چی د مرکز په شمال کی پروت وی اجرا کړم . کله چی ماشق کړی وای نوزما تعرض هم دشمال په خوا او هم د جنوب په لور په هر استقامت چی ډیر مساعد و لیدل شی را تا و کیدای شوای او رومل مخکبئی له مخکبئی زما د تعرض په استقامت نه پوهیده . دا لازمه وه چی دوه شریده ددینمن په تدافعی تاسیساتو او د لقب په موانعو کبئی په یوه وخت کبئی چی هر یو پنځه هیله عمق ولری خلاصی کړی شی پداسی حال کبئی چی شمالی شرید مستقیماً د لویدیزی خواته ستوجه وی او جنوبی شرید لږ غه د جنوب په لور مایل وی . زما قرار گاه دا پلان تائید کړ او په ډیره علاقمندی سره ئی پدی پلان باندی په کار کولو پیل وکړ .

متعاقباً زما داسنخباراتو قرار گاه را ته وویل ، رومل چی پخپلو ایتالیا ئی فرقو باندی ډیر اعتماد نلری خپل ایتالیا ئی قطعات ئی له خپلو جرمنی قطعاتو سره دتولی جبهی په اوږدو کبئی سره گله کړی دی . دلله چی مونږ دوه شریده درومل په جبهه کبئی خلاص کړی وای نو مونږ باید داسی جنگیدلی وای چی زه ئی دجگړو نغری بولم (۱) «عسکران دا اصطلاح خوښوی» او رومل به داسی انتباه واخلی چی ما تعمیم

دا یوازی عام (معمول) ذهنیت دی چی هر څوک پری پوهیږی ، مگر تردی غخه یو غه زیات ښکاری او په حقیقت کبئی روزل شوی عام ذهنیت بلل کبیری . دا کار همیشه مانه نه ښکاری چی ټول غغه تفرعات چی دیوه پرابلم په شا او خوا کبئی واقع دی حل شی او داساساتو په استناد ټول اقدامات بناشی . بلکه دا کار تمایم او تریبه اودحرب دعلم په هکله معرفت او پوهه غواړی . زه دانه تمم چی هر منصبدار بیله دی چی پوهه زده کړی دحرب دصنعت یوعالی تطبیق کوونکی و گرنخیدلای شی .

یوبل ټکی ، ما عزم وکړ چی داتمی اردو هر منصبدار او عسکر باید دمحاربی په پلان او په غغه کبئی پخپلی برخی پاندی پوه شی . دا کار دیوم محتاط پلان په اساس اجرا کړی شو ، اول قدمدار منصبداران او وروسته بیا د پکتکه رتبې خلک تر افراد و پوری پدی موضوع پوه کړی شول . افرادو ته غغه وخت ددی پلان په هکله معلومات ور کړل شول چی سباته ئی محاربه شروع کیده او وروسته له هغه هیڅ یو دکشف قطار وانه استول شووځکه مادا خطر پدی مرحله کبئی نشوای ستلای چی حتی یونفر اسپر هم دینمن ته ورکړم . زه داسی تخمین کوم چی داتمی اردو افرادو د هغی جگړی دپلان په باره کبئی چی دوی اجرا کوله په دومره ډیرو معلوماتو پوهیدل چی پخوا په تاریخ کبئی میخ یوه ډله عسکر چی په لویو جگړو کبئی ئی برخه اخیستی ده نه و تری خبر لری شوی .

په پای کبئی مایو ډیر با جرته کار و کړ : ما دحر کاتو یو امر

(۱) دا تعبیر دانگلیسانو په عسکری اصطلاح کبئی دامعنی ورکوی چی په هر برخه کبئی منفردی اوسریع محاربی اجرا کړی شی لکه دالوتکو محاربه .

دجگړې دپاره تبليغ کړ او په هغه کښې مې وويل: دغه جگړه به چې اوس نژدې ده شروع شي دتاريخ د جگړو په فاصله کوونکو اوقاطو جگړو کښې وشعيرله شي. او دابه د حرب د راگرځيدلو ټکي وي (د دوهم جهاني حرب).

مايخېل بحان باندي ډير باور درلود زه فکرنه کوم چې حتی ناپليون به هم کوم وخت دا ادعا کړې وي چې نژدې نژدې دی دتاريخ يوه قاطع او فيصله کوونکی محاربه اجرا کاندې! مگر ماخپلو قوتونو ته اخطار ورکړ چې دوولس ورځې دوا مداره جگړه ددوی په مخ کښې ده.

سره لدې هم زول شيان دهغه پلان په مطابق جريان و کړ چې ما طرح کړې و. رومل دعلم الحلفا دجگړې نه وروسته جرمني ته په رخصتي تللی و او قوماندانې جنرال جارج فون ستوم ته پرې ايښې وه. فون ستوم خپلې زغره وری قواوی په سو و برخو جلا کړې يو برخه نسي په شمال او بله برخه يې په جنوب کښې متمرکز کړه. وروسته بيا هغه دجگړې د شروع کيدو په سباد زړه دحملې په اثر مړشو. بيوزلی سړی! زه هغه نه ملاستم. رومل بيرته راغی او په پای کښې يې خپل الماني قطعات په شمال کښې متمرکز کړل هماغسی چې مونږ غوښتل؛ زما آخری ضربې داینالویانو جبهه داسې یریکړه لکه چاقوچې د کو چو یوه ټوټه غوغوی. مونږ آزادی صحرا ته وو تلو او موافق تعقيب د نومبر دمیاشتی په پنځمه باندي شروع شو. هغه برخه چې د انگلستان شاهن هوایی قوا په جگړه کښې واخيسته ډیره بڼه وه اوله تحسین څخه هم لوړه وه په تیره بیا صحرا د هوایی قوا فعالیت او بريالیتوبونه چه تر پایه پوری ئی

دوام وکړ. رومل په ډیر مهارت سره تونس ته رجعت په ډیر پداسی حال کښې چې په ټوله لار کښې اتمه اردو ورپسې وه. ده مخکښې لدی چې خاتمه راشی صحنه پرېښوده. ده په کافی اندازه سره څه لیرلی و. مگر که دامریکائی قوتونو پیاده کیدل په فرانسوی شمالي افریقه کښې دجنرال آیزنهاور تر قوماندې لاندې اجرا شوی نه وای نو دمخو دعبود ونو وروستی ماتې په افریقا کښې دومره ژر نه واقع کیدنه، امریکائی عسکرانو ژردا ویدو چې دوی په جگړه کښې ستر جگړه مازان دی.

زه له رومل سره دسیسې په فتح او یاد متحدینو د عملیاتو په وخت کښې په ایطالیه کښې مخامخ شوم

جنرال آیزنهاور د متحدینو دقواو و سر قوماندان ماته امر را کړ چې دمحکمې اردو گانو قوماندانده د تعرض او متعاقبوجار بو دپاره په لاس کښې ونیسیم. زه له دی امر څخه داسې وپوهیدم چه دغلور و اردو گانو یوازی او پراتیفی رهبري او کنترول په لاس کښې واخلم او هغوی له یوی بریتانوی، یوه کانادائی او دوه امریکائی اردو گانو څخه تشکیل شوی وی، ماته جنرال او مریبرادلی سره دامریکائی اردو گانو په هکله په همدی توگه موافقه وکړه. دجرمنیاو قوماندانې په فرانسې، ایتالیې او بلجیم کښې فیلمد مارشال گردفون روښته و. دده تر لاس لاندې دوه گروپ اردو گان (د اردو گروپونه) موجود و. یوئې

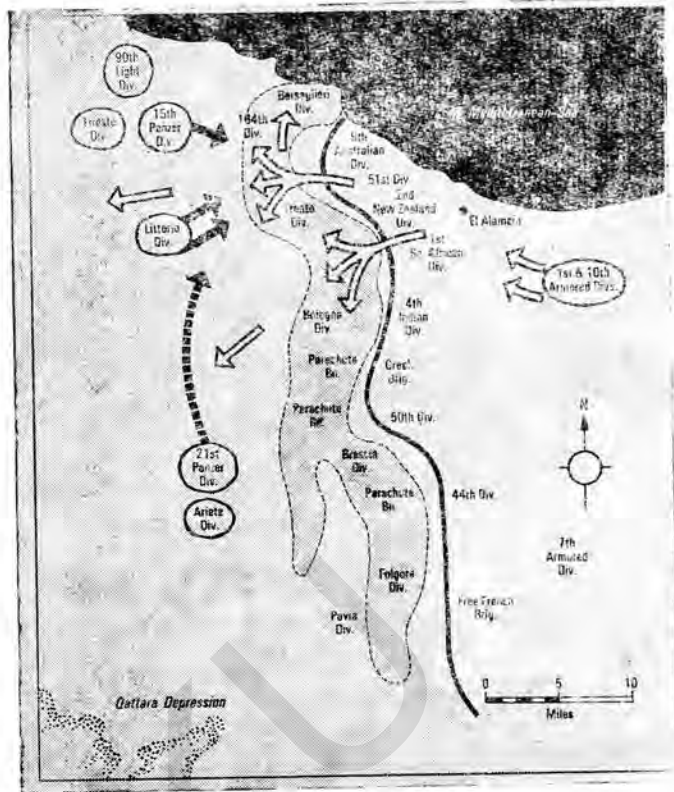


دانگلیسی او المانی قواو دصحرا دجگړو دجریان نقشه دافریقا په شمال کښې

(B) گروپ اردو) دفیلمد مارشال رومل تر مشرې لاندې واقع و چې دهغه اومه لمبر اردو په نور ماندي اود بریتانی په ټاپو وړسې کښې پرته وه اود هغه پنځلسمه لمبر اردو دکلیلی په تنگه او فلاندر کښې موقعیت درلود. پدی ډول بیا هم زه له رومل سره مخامخ وم؛ دټیر کال نه راپدېخوا چې دی له تونس څخه راغلی وودا دده (رومل) لمړی او پراتیفی قوماندانې وه؛ دی تر ما په ترفیع کښې مخکښې و، زه لاهم ستر جنرال وم مگر وروسته لدی چې په جگړه کښې بریالی شوم نو د فیلمد مارشال رتبه مې واخيسته.

په هغو ورځو کښې ده په شمالي ایطالیه او جرمني کښې خدمت کاوه. د ۱۹۴۳ کال د دسمبر دمیاشتی په ۳۱ ما د اتمې اردو د قوماندې وظیفه پرېښوده او انگلستان ته ولاړم خود لمبر یوویشتم گروپ اردو (د اردو گروپ) قوماندان د نورماندی د تعرض اوراتونیکو عملیاتو دپاره په شمال لویدیزی اروپا کښې واخلم. پدغه وخت کښې رومل ته د متحدینو د تعرض په مقابل کښې د مدافعې د ترتیب او تنظیم وظیفه ورکړه شوی وه او هتر عقیده درلوده چې د متحدینو تعرض به ډیر و نه مخنیوی کړی او ژر به اجرا شی اوده کاملاً صحیح فکر کاوه.

که‌ئی په ساده تو‌گه ووایم‌زما ستراتژی داوه چه‌لمکنی جگړه په نورماندی کښی پدی ډول سره اجرا شی چی دجرمنیانو اصلی قوت اوپه تیره بیا دهغوی زغره‌وری فرقی‌ختیز اړخ (بریتانوی‌خوا) تهراکش کړی شی انگلیسان به‌هله ور سره جگړه وکړی او هورپه‌ئی وساتی-اوپدی ډول سره به پېشرفت په لویدیز اړخ کښی (د امریکا نیانوله‌خوا) په آسانی سره ممکن وگرځی او امریکائی اردو گانی به بیا پدی صورت سره په لویدیز اړخ کښی شق اجرا کاندی . دا ستراتژی په تدریج او په بی پروا ډول سره تعقیب‌شوه . دا پیره سادوه، لمخنی نورو وغوښتل چی مغلقتیام منځ ته راوړی (مغلقتی پلانو نه طرح کړی) مگر ما دهغو په مقابل کښی په بریالیتوب سره مقاومت وکړ-



دالعلمین دجگړی دجریان نقشه

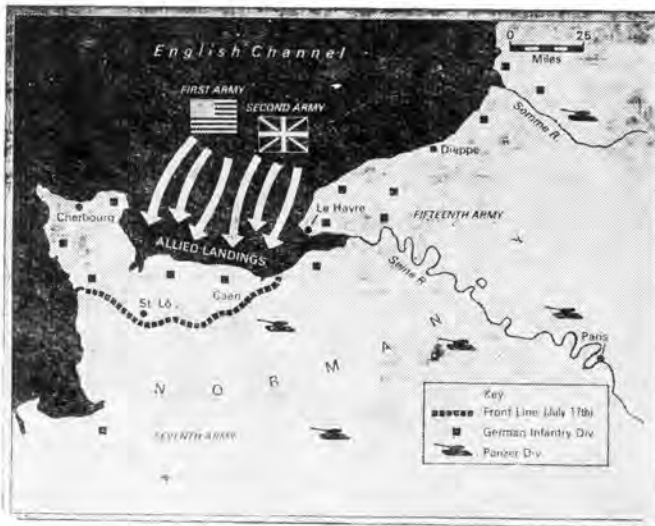
غولولو اوسادگی پر بنسټ باندی بنا کړم لکه چی زمونږ په لمړی تصادم علم‌الحلفا او بیا په العالمن کښی می همداسی وکړو. لکه یو جنگی آس مازمونږ په منځ کښی راتلونکی تصادم درک کړ.

دنورماندی تعرض ۱۹۴۴ کال دجون دمیاشتی په شپږمه د متحدینو یو لوی مشترک عملیات ؤ چی پکښی لمکنی، هوائی او بحری قوتونو برخه اخیستله خولدی کبله چی په جگړه کښی بریالیتوب تر ټولو لومړی د لمکنیو اردوگانو په عمل پوری اړه لری نو هر کله چه پیاده کیدل پر سواحلو باندی پای ته ورسید ستراتژیکی عملیات زما په قرار گاه کښی تنظیم شول- البته پداسی حال کښی چی دبحری او هوائی قواوو دسر قوماندانا نوپوره مشوره واخیستله شوه. آیز نه‌اور زمونږ منل شوی ستراتژی منظوره کړه.

✽ ✽ ✽

جنوری دمیاشتی پدوهمه انگلستان ته ورسیدم ژر پدی پوه شوم چی زما رقیب به په لمکنی جگړی کښی بیا رومل‌وی، نورو غو میاشتو کښی ما اکثرآ دا فکر کاوه چی له‌ده‌سره غرنکه معامله وکړم . زه له هغه وخته چی دی می له افریقا څخه یومخ وایست پرله پسې جنگید لم مگر دی داسی نه‌ؤ. آیا دې موضوع زه پرده باندی لیر شاته برکولم؟ آیا ممکنه وه چی دی تر بوی اندازی پوری زنگ وهلی (عاطل) شوی وی؟ ما واوریدل چی دی لږ نا روغه شوی ؤ مگر زه ناروغه شوی نه‌وم. ما همیشه تخمین کاوه چی که یونفرسه احساس ونکړی (روغ نه‌وی) محاربه نشی کولای. په صحرا کښی دی امرؤ او زه عم مشروم زه پوهیدم رومل ددی پرواندر لوده چی دبل سړی تر لاس لاندی کار وکړی اوزه هم همداسی وم. په هر صورت ما قرار ورکړ چی خپل پلانو نه دباصتین،

لسکه غرنکه چی ما له جنرال سپايدل څخه هغه وخت واوریدل چی غربی المان د ۱۹۵۴ کال د می په میاشت کې له ناتو سره شریک‌شو؛ رومل غوښتل چه زما اردوگانى په سواحلو کښی مغلوبی کړی او دهغو له ننوتلو څخه دوچی په عمق کښی مخ نیوی وکاندی. په همدی مقصد هغه خپله یوازنی یو ویشتمه لمبر زره‌داره فرقه د کان د ښار په ساحه کښی په ختیز اړخ کې، واچوله خو د یوه متقابل تعرض دپاره زما په کښی اړخ کښی، هر کله چه مو تر هله کمزوری شو، استعمال کړی شی- البته ددی



په نورمانډي کښې د متحدينو دېلي کيدلو نقشه

داسې تحريک کولای شوای چې تر پخواني ممکنه کارونو څخه یوڅه زیاتره فعالیت اجرا کاندې او پدې ډول سره ئې د واړه ظرفیتونو د ناوړو نندارو تخمینات او حسابونه مختل کولای شوای. مگر که یو سړی داسې لکه زه چې فکر کوم عقیده ولری چې دیوه لوی قوماندان شمرت باید پر لایقو رقیبانو باندې دده د بریالیتوبولو پر بنسټ باندې بناشی؛ نو یو څه تر دید پیدا کیږی. په صحرا کښې دده (رومل) دعروج په وخت کښې هغه له کوم لوی جنرال سره مخامخ شوی له و، ده کاملاً پراساحه باندې حاکمیت درلود، هغه انګلیسی جنرالان چې دده په مقابل کښې و، تر خپل عسکری کفایت زیات پورته کړی شوی و او یو په بل پسې تبدیل هم کړی شول. یو دقت وړ استثنا جنرال ریچارد او کانور بلل کیدای شی چې په ۱۹۴۱ کال کښې کله چې رومل پر تبروک باندې دانګل او داکار برتانوی اردو ته لوی شکست شمیرل کیده، د جرمنیانو له خوا اسیر کړی شو.

کښې تیری کړی. دا پښتې خو ورځې وروسته دجنرالانو له توطیې څخه دهتر دوژلو دپاره اودجولای دمیاشتي دشمې نېټې له پېښو څخه منځ ته راغله. رومل له توطیې څخه خبر و؛ په حقیقت کښې سپايدل پخپله یو فعال توطیه کوونکی و او زیارنی وایست چې رومل هم پکښې شریک کړی مگر هغه لدی کار څخه استناع وکړه. هتر له توطیه کوونکو څخه په شدت سره انتقام واخیست. سپايدل و نیول شو، شکنجه شو، او په جیل کښې ولوید مگر له مرګ څخه وتښتید. رومل د ۱۹۴۴ کال د اکتوبر دمیاشتي په غوار لسمه دزهر په وسیله سره مړ کړی شو. زمونږ مجادله پای ته ورسیده، کاشکی چې دی ژوندی وای، موږ به ډیر شیان درلودل چې بری بحث و کړو.

آیا په عسکری تاریخ کښې د رومل موقعیت چیرته دی؟ آیادی دستر قوماندانانو څخه دیوتن و؟ زه فکر کوم دی داسې کیدای شوای. دی یو واقعي حرفه وی عسکر و او داسې یو سړی و چې خپل قطعات ئې

کار اجرا کیدل دجون په شپږمه لږ شاته له وخته مخکښی و. هتر د رومل مکرری غوښتنې دنورو زغره ورو احتیاطونو دپاره تر دیدی کړی او یواځې هغه وخت ئې ده ته ورکول چې کار تر کاره تیر شوی و او هغه دجون په اتمه نیټه و، هغه وخت مونږ څو میله په وچه کښې ننوتی و. رومل پخپله هم وغوښتل چې له خپلې پنځلسمې اردو څخه یو څو فرقی د جنوب خواته دسین دسیند د پاسه راپوری یاسی او دنور ماندی جبهې ته یو څه قطعات دبریتانی له ټاپووزمې او دمانش د بحیرې له څو ټاپوگانو څخه راوولی مگر فون رونسټدلدی کار سره موافقه ونکړه. رومل ته اجازه ورنکړه شوه چې جگړه په هغه ډول چې زړه ئې غواړی اجرا کاندې. دې کار ماته ډیر گټه راوړسوله. زه نه غواړم چې په تفرعاتو کښې داخل شم او ووايم چې په نور ماندی کښې څه واقع شول پښې داسې یو په بل پسې راغلی لکه چه ما په پلان کښې نیولی و، جگړه پای ته ورسیده او داگست دمیاشتي په ۱۹ نیټه زمونږ په گټه یو وړل شوه. ډیر څه د جگړې په باره کښې لیکل شوی او لانور به هم ولیکل شی او داساحه به دمورخینو دپاره د ډیر ورا تلو نکو کسلونو دپاره د ښکار یوه ډیره بڼه صحنه وی او ماته لازمه نده چې اوس څه نور هدی باره کښې ووايم. دا کیسه درومل په باره کښې ده. د ۱۹۴۴ کال دجولای دمیاشتي په وروستيو برخو کښې برتانوی «شکاری بمبارد» الوتکو د رومل پر موټر باندې اوروکړ، پداسې حال کښې چې دی پکښې سپور و او پخپله عقبی ساحه کښې دورځ په رڼا کې په یوه سرک روان و. رومل شدیداً ټپې شو او غوهفتي ئې په روغتون

اوس لبر غه بخوانی لوی قوماندانان په فکر کښی ونیسو . مثلا دهنیپال په باره کښی ، دی دحرب یو قهرمان ؤ مگر هر کله چی له یوه واقعی لوی قوماندان سره په « سپیو » کښی میخامخ شو یعنی له (افریکانوس) سره دمیلاد نه بخوا په ۲۰۲ کال کښی په « زاما » کښی مقابل شو نو مصیبت یری راغی ناپلیون او ویلینگتن واقماً لوی قوماندانان ؤ و . دوی هیڅکله بخوا له و اتر بویوبل سره مخامخ شوی نه ؤ و . ترهغه وخته پوری ناپلیون یوازی کله کله د بل قوماندان تر اغیزی لاندی راغلی ؤ هغه هم د هغه سرطان مرض له کبله ؤ چه په پای کښی سرهم په هماغه وجه شوه . ناپلیون په و اترلو کښی دویلینگتن له خوا مغلوب شو مگر دوی سره نژدی ؤ و . گوستاف ادولف نسویدن پاچا هم لوی قوماندان ؤ . دی له ډیر ولایتو رقیبانوسره وچنگید چی والنستین پکښی ددقت وړدی او ۱۶۳۳ کال د نومبر په میاشت کښی په لوتزن کی دگوستاف ادولف له خوا مغلوب شو مگر ده هم په جگړه کښی خپل ژوند له لاسه ورکړ . د امریکائیانو په منځ کښی زه دوگلاس مکارتر د لویو قوماندانانو

په ډله کښی شمیرم دده په مقابل کښی جاپانیا قوی او لایق حریفان بلل کیدای شی . غږښی خلک په وواښی چه ما جنرال لی غیر کړیدی . مگر نه ! ما غیر کړی ندی . دی هم له کوم لوی قوماندان سره مخامخ شوی ندی لکن کوم ښه جنرال پیدا کولای شوای تر غوچه ده په ۱۸۶۴ کال کښی اولیسس گراتت ته ترقیع ورکړه . جنرال لی دایالتونو دجگړی په لومړنیو مرحلو کښی ښه ؤ مگر دی هیڅکله دستون وال جکسن دله لاسه ور کولو غځه وروسته چه په چانسلو زویل کښی ووژل شو هماغسی پاتی نشو ، اوده اجرا آت دگیشپورگ په جگړه تر ښکاره انتقاد لاندی راغی . رومل چیرته موقعیت لری ؟ دی تر ډیری اندازی ناسی قوماندان ؤ چی زه ئی د شهمزاده روپرت دتیپ جنرال په حیث بولم یعنی یو چالاک سیور (جنگی قهرمان) چی تل د جگړی په اول خط کښی دریری چی البته همیشه دسرقوماندان دپاره مساعدلخای ندی . دی اکشراً پدی وجه چی لوژستیکی قدسی په شا کښی هغه تاملینات چی د غوښتل دغو په واسطه خپل مقاصد په جبهه کښی دجگړی په واسطه لاس ته راوولی نشوای ترسره کولای یو مرغه ؤ

او دلیل ئی هم دادی چی دستجدینو دالوتکو بمباردان دغو ډیریو دډو بیدو موجب گرځیده چی دمدرترانی دبحیری له لاری ئی مادی ذخایر اوروغنیات راوړل . دمدارنگه رولیر باید داهم پد فکر کښی ونیسو چی رومل دیوه ډیر سخنگیری او غیر مطبوع سیاسی لیبر تر لاس لاندی کار کاوچی په عین وخت کښی ئی داعلی سر قوماندانی عهدده هم درلوده . زه فکر کوم هتله ډیر متعصب ؤ او په پای کښی هم تر خپلی حرص اوجاه طلبی قربان شو ، دی یو ناسی سیاستمدار ؤ چی ځان ئی د الهان عمومی عسکری مشر هم گرځولی ؤ زه دا احساس لرم چه رومل ډیر د سیاستمدارانو پروانه درلوده اوفکر ئی کاوه هغه چه چی کوی هماغه سیاست دی او نه ئی د قدرت د لاس ته راوستلو دپاره دحریصو خلکو په مجادله کښی گهوڼ کاوه . دی یو ډیر مستقیم کړی ؤ چی ډیر سیاستمداران ناسی نه وه گپل کیدل دلته باید مونږ خپله کیسه پای ته ورسوو . دا به ډیره دلچسپه وی چی مورخین رومل ته کوم موقعیت ورکوی . دی بیله شهسپی یولوی سړی اوله هر حیثه یو ډیر لایق اووړ حریف تیرشوی دی .

وجیزه ها

ناراحتی های کوچک ، سازمان وجود انسانرا بیشتر خراش واذیت میکند . این واقعیت درست مانند این است که در هنگام مطالعه ، حروف کوچک چشمان انسانرا بیشتر اذیت میکند .
 «آنانیکه خیر دیگران را میخواهند درحقیقت آسایش خویش را تضمین کرده اند (کامفوسیوس)
 طور عمومی میتوان گفت که در جهان تعداد اشخاص زرنگک بیش از تعداد اشخاص لایق و با استعداد میباشد .
 اجتماع بدور مردم زرنگی جمع میشوند که نبوغ و لیاقتش کمتر است ، (دیروارول)

تجربیات و معلومات مفید طبی



در حدود دو قرن پیش یک طبیب جوان انگلیسی بنام ویلیام ویتزینگ *Dr. William-Withering* برای اولین بیماری شروع به جمع آوری گیاهان وحشی نمود گرچه این صرف یک موضوع خیالی از نظر طبیب جوان نبود. زیرا بیمار خانمی بود که هنگامیکه دوره نقاهتش را میگذراند علاقه مفرطی به نقاشی

در زمان آستیت هنوز از نظر طب موضوعی پوشیده و مدفون بود نسخه‌های فامیلی دست بدست از فامیلی بفامیل دیگر می‌گشت و در این موارد بود که ویتزینگ کشف کرد. نسخه که توجه ویتزینگ را جلب کرد مربوط به خانم پیری بود که آستیت او با این طریق درمان شده بود از میان ۲۰ نوع گیاه مختلف بافارمول های پیچیده او سرعت *Foxglove* را انتخاب کرد که قبلاً بعضی تجربیاتش در باره آن بود و او تصمیم گرفت که قدرت امکان مصرف این دارو را ثابت کند. قبل از اینکه موضوع تمام شود او از بر گهای خشک شده این گیاه که در مراحل مختلف بودند داروئی بنام *Digitl* دیزیتال ساخت و این دارو را با مقادیر مختلف روی حیوانات مورد تجربه قرار داد و در گزارشی که از خواص *Foxglove* تهیه و چاپ کرد ۱۶۳ مورد از مشاهدات کلینیکی خودش را در باره این داروی جدید ذکر نمود. درین هنگام گیاه دیزیتال در دسترس عموم قرار

فوق العاده ای بود که سبب پیشرفت کار او در تجربیاتش میگردد و حتی وقتیکه در سال ۱۷۷۵ بطرف مرکز صنعتی بیرمنگام حرکت کرد در آنجا فرصت کافی داشت که در رشته های مورد علاقه اش گیاه شناسی و معدن شناسی پیشرفت کند و کتابهایی که ویتزینگ چاپ کرد برجسته و مشهور شد. مطالعات وی در باره گیاهان انگلستان و مکان رشد طبی آنها و مورد استعمال گلهای از نظر غذایی و داروئی وسیع بود در همان زمان او در بیرمنگام تمرین های خصوصی خود را ادامه میداد در حالیکه بیماران مطب او در بیمارستان *General Hosp* به تنهایی به ۲-۳ هزار در یک سال میرسیدند و حتی احتیاجات بیشتری بوجود او پیدا شد با شیوع اپیدمی مخملک که در سال ۱۷۷۸ در شهر شایع شد. مقاله ای که ویتزینگ چاپ کرده بود برای درمان خود بیماری و آسیبی که پس از آن بیماران بان دچار میشدند بهترین مقاله بود.

و رسم گلهای داشت موضوع قابل تعجب این بود که سرگذشت عاشقانه بین آنها بوجود آمد بطوریکه روزی این دل‌باختگی بصورت از دواج در آمد *Withering* به گیاه شناسی علاقمند بود و او آنقدر این رشته را تکمیل کرد تا توانست برای اولین بار فهرست تمام گلهایی که در جزایر بریتانیا بودند بنویسد و یکی از مشهور ترین گلهای وحشی و زیبا حومه شهر بنام *Foxglove* (گل پنجه علی) را از آن حالت رمانتیک با معرفی کردن قدرت در مانی اش نمونه تعریفین طبی قرار دهد.

ویتزینگ در ۱۷۷۶ از دانشگاه *Edinburgh* در اسکاتلند دیپلوم طبی گرفت و بعد به خانواده اش در مشرق انگلستان مراجعه کرد. تا در آموزشگاه جدیدی که نزدیک شهر *Stafford* بود شروع به تعریفین و کار کردن نماید. پدر و تمام فامیل مادرش از اطباء متخصص بودند و ویتزینگ با تسلیم برشته طبی بزرگ شده بود. او دارای هوش خداداد و ذکاوت

میگرفت و پیرینگ در نوشته های طبی کلاسیک خودش اینطور نوشت بهتر است از بعضی اطلاعات مربوط به تجربیات من گرچه ناقص است بجای اینکه زندگی بشر در معرض مخاطره قرار گیرد از دارویی که فوق العاده موثر است بجای این که بعنوان یک داروی خطرناک محکوم بشود استفاده کنید. بعدها معلومات ناقصی که در باره این داروی جدید که و پیرینگ در اثر کوشش و تحقیقات خستگی نا پذیر خودش جمع آوری کرده بود ساده ای بدست آمد که بعنوان یک داروی مدرن و محرک قلب بدون تغییر تا امروز باقی مانده اکنون در اثر تحقیقات لابراتواری اخیر داروهای دیگری برای جدا کردن آب از بدن تهیه کرده اند از قبیل دیورتیک های جدید مثل *Fovane* که اغلب توأم با دیژیتال در بیماریهای قلبی هنگامیکه کنترسیون و خستگی عضله قلب موجود است مصرف میشود که شاید از نقطه نظر اهمیت در ردیف داروئی است که ویلیام و پیرینگ معرفی کرده است نتیجه مشاهدات علمی داروی جدیدی است که بعنوان یک دیورتیک معرفی میشود و بر اساس یک سری تجسس های لابراتواری شرکت داروئی *Pfizer* فایزر بدست آمد در روی حیوانات آزمایش شده و در صدها مورد کلینیکی مورد مطالعه قرار گرفته این دوا *Fovane* است شبیه تمام دوا های جدید دیگر برای رشته طبی با معلوما تیکه بموازات اثرات دارو (از نظر اثر - قواعد - احتیاط و وضع مزاجی بیماران و نتیجه) در ردیف دیژیتال قرار میگیرد تهیه شده است. این دارو نه فقط از نظر قدرت کشت واهدائی که و پیرینگ بجامعه کرده است بلکه از نظر فداکاری که بر

اساس روش علمی که مبنای تمام پیشرفت های جدید علم طبی است بعنوان شاهد باقی میماند.

موفقیت *Diabinese* دیابنیز

بایکدوز منحصراً به فرد:

دوزاژ نگاهدارنده دیا بنیز بمقادیر کم ۵۲ مورد از ۶۰ بیمار دیابتیک مورد مطالعه را بخوبی کنترل کرده است و این موضوع را دکتر *Dr. M. I. Drury* (Mater - Posp - Dublin) گزارش داده است. سن متوسط

يك و اثبات عجيب

تا بحال همه دوكتوران راعقیده بر این بود که صدای گوشخراش جت ها گاهی اوقات ضایعاتی در گوش بوجود میآورد. اما چندی قبل در شهری نزدیک شدن يك پیر مرد ۷۴ ساله که سالها کر بود در اثر صدای شدید يك جت ناگهان شنوایی خود را باز یافت.

این واقعه در حال حاضر این سوال را برای دوكتوران پیش آورده که اصوات بزرگ میتواند گاهی اوقات ضایعات گوش را درمان کند یا این پیش آمد کاملاً نادیده است

بیماران در حدود ۶۲/۵ سال بود و اکثر بیماران برای مدت کمتر از ۵ سال سابقه دیابت داشتند. کنترل هیپو گلیسمی در ۳۸ مورد توسط دیابنیز مشاهده شده در ۱۴ بیمار اضافی تنظیم وضع بیماران بطور قانع کننده ای انجام گرفت بطوریکه در نمونه های ادراری قند نبود و قند خون از ۲۰۰ ملیگرام درصد تجاوز نمی کرد. ۵۲ مورد که بطور موفقیت آمیزی درمان میشدند دیابنیز

روزانه در ۲۴ مورد - ۱۰۰ ملیگرام و در ۲۷ مورد ۲۰۰ تا ۲۵۰ ملیگرام و در یک مورد ۳۰۰ ملیگرام بود. تغییر کامل تجویز دوا از انسولین به دیابنیز در ۷ مورد و نزد بعضی بیماران که نسبت به تولیو تاسید بطور قانع کننده حساسیت نشان نداده بودند ممکن گردید. نتایج نامساعد مربوط به ۷ بیمار بود و دو بیمار دیگر مورد تجربه هیپو گلیسمی در جریان درمان مبتلا شدند که با تخفیف مقدار دوزاژ دوا از بین رفت و یک بیمار دیگر خانمی بود که به لکوپنی مبتلا شد.

عوارض دیگری مشاهده نشد. دیابنیز با موفقیت نزد این مریضان مبتلا به دیابت مشاهده شد باضافه *Drury* مشاهده کرد که بهترین دوز مناسب این دارو بصورت تجویز یک دوز واحد و منحصراً بقره در روز است.

دلالتا کور تریل استقرایهای حاملگی را تخفیف میدهد:

حالت تهوع و استقرایهای زمان حاملگی را دوكتور *Di. K. Tietze* توسط دلالتا کور تریل *Deltacortril* با موفقیت درمان کرده است که اینها بیشتر مربوط بعدم تعادل هورمونهای بدن است. بیش از ۵۰ خانم مورد مطالعه بودند دلالتا کور تریل روزانه بمقدار ۱۰ تا ۲۵ ملیگرام با تقسیمات جداگانه تجویز میشد. مدت درمان بین ۱۰ روز تا ۳ ماه بود. بیماران باهیپریمی شدید آبستنی با کورتیزون و آدرنو کورترو فیک هورمونی با موفقیت درمان شدند. ناراحتی اغلب مریضان بزودی پس از درمان با دلالتا کور تریل تسکین یافت در بین بیماران آنها تیکه با دلالتا کور تریل درمان شده بودند.

از بیمارانیکه دلالتا کور تریل مصرف نکرده بودند بعراتب احساس آرامش بیشتری میکردند. تحمل

بیمار آن نسبت به دو اسیار عالی بود. گرچه کورتیکو استروئیدها درین مورد بطور فراوان استعمال نشده بود ولی علاج با دلتا کورتریل در جلوگیری و کنترل حالت تهوع و استفراغ در بین خانمهای حامله بطور قابل ملاحظه ای موثر است. مطابق عقاید *Tetize* درمان با دلتا کورتریل نباید محدود به موارد شدید و مسمومیت های ابتدائی حاملگی باشد بلکه در موارد متوسط نیز تجویز میشود. این تجارب کلینیکی قابل توجه شایسته تجارب بیشتری است.

ترامایسین در آماس حاد غدد بناگوشی مفید است:

اثر مفید *Terramycin* در ۱۲ بیمار بالغ که پس از عمل جراحی مبتلا به آماس غدد بناگوشی شده بودند توسط دو کتور *Dr. E. Sander* گزارش شده تقریباً ۳ روز پس از عمل جراحی بیماران که مربوط به مجاری گوارشی ادراری و یا عمل فتق بود در مریضان آماس غدد بناگوشی ظاهر شد. سیگما مایسین روزانه بمقدار یک گرم خوراکی یا ۰/۴ گرم از راه تزریق داخل عضلاتی تجویز میشد. درمانهای موضعی نیز بطور سمپتوماتیک نواماً انجام میگرفت. در مدت ۵ روز درمان با ترامایسین پروسوس انفلاماتوار مرتفع شد و در نتیجه تب - تورم و درد مریضان مصاب کاملاً از بین رفت. در بیمارانیکه بیماری به شکل آبسی *Absee* ظاهر شده بود تغییر شکل یافت و همچنین در مریضانیکه معمولاً آنتی بیوتیک مصرف نکرده بودند این حالت اتفاق افتاد که احتیاج به دریناز پیدا کردند.

مدت بیماری به ۵/۴ روز تخفیف یافت و این بادوره معمولی بیماری که ۱۰ تا ۱۱ روز طول میکشید و توأم

با عوارض فراوان بود مغایرت داشت. تحمل مریضان نسبت به ترامایسین بسیار عالی بود. ازین اسپرواسیونها دو کتور *Sander* نتیجه گرفت که ترامایسین در آماس غدد بناگوشی پس از عمل جراحی یک دواى فوق العاده موثری است بخصوص که ترامایسین دوره بیماری را کوتاه کرده و از شدت وحدت آن میکاهد.

معالجه

پادئز الکترونیکی

مخترعی جوان در امریکا «مغز الکترونیکی» جدیدی اختراع کرده که می تواند جانشین د کترهای معمولی بشود. وقتی که انسان بیمار میشود این مغز باو جواب میدهد که چگونه و با چه نوع دواهایی خود را معالجه کند.

برای نخستین بار این «مغز الکترونیکی» را در پوهنتون گلاسکو بمعرض نمایش گذاشتند در همان هنگام که عده ای از علاقمندان بسراغ «مغز الکترونیکی» در پوهنتون گلاسگو رفته مغز مزبور آنان را معالجه کرد.

یک موسسه احصائیه در امریکا اعلام کرد که چهار میلیون نفر در امریکا بسختی میتوانند چیزی را بشنوند یکنیم ملیون نفر دیگر نیز وضع شنوائی یکی از گوشهایشان مختل و خراب است.

در حدود پنج درصد که از این میان تعداد مردان پیش از خانمها است نیز بطور کلی با اشکال میتوانند بشنوند این موسسه در ضمن اعلام کرد که خرابی گوشهای مردان تقصیر پر حرفی خانمهاست! ..

موفقیت سیگما مایسین در عفونت های شدید:

استعمال مفید سیگما مایسین *Sigmamycin* برای در میان جلوگیری عفونت ها توسط دو کتور *Dr. R. Fantino* گزارش شده. از ۷۰ مورد ۴۱ نفر برای عفونت های شدید و فعال و ۲۹ نفر بعنوان پروفیلاکتیک درمان شدند. گروه اول (۱۶ بیمار) با عفونت های حاد و مزمن مجاری تنفس (۴ مورد) با عفونت های دستگاه ادراری تناسلی (۲ مورد) با تب مالت (۲ مورد) با سپتی سمی (۲ مورد) با عفونت های وریدی (۲ نفر) با آمیبیاز (۲ نفر) با عفونت های مجاری صفراوی (۳ نفر) با تب های بعثت نا معلوم یک نفر با سلولیت و ۷ نفر بیماریهای مختلفی که در مراحل آخر بودند (از قبیل هپاتو نفریت - اینمی آپلاستیک - نوتروپنی مالین کوما د یا بتهک) درمان پروفیلاکتیک نزد بیماران بود که دچار آگرانولوسیتوز بعثت عفونت های مالین بودند و یا برای مدت طولانی کورتیکو تراپی شده بودند و یا دوا های *Karyolyrics* دریافت کرده بودند، عده زیادی که با درمان سایر آنتی بیوتیکهای موفق شده بودند. سیگما مایسین روزانه بطور متوسط از ۱ تا ۲ گرم با تقسیمات جداگانه تجویز میشد.

بعضی مریضان برای مدت بیشتری بمقدار بیشتری ۳ گرم دوا دریافت میکردند مدت درمان برای بیمار انیکه دچار عفونت های حاد دستگاه تنفس بودند بین ۲ تا ۵ روز بود و در بعضی موارد در حدود ۲ ماه بود. درمانهای ضمیمه شامل ویتامینها در هنگام درمان تا ۱۲ روز انجام میگرفت سایر درمانهای ضمیمه شامل آمپن - دلتا کورتریل

دوای آنتی کوا گولان و سایر آنتی بیوتیکها بودند. نتایج بسیار عالی از درمان مریضان مبتلا به عفونت‌های مجاری تنفس و دستگاه ادراری تناسلی، تب‌مالت - سلولیت سیتی سیمی‌های، پس از سقط باسیگما مایسین حاصل شد. همچنین در یک مریض که د چار تب با سنگ در مجرای صفراوی خارج کبدی بود و یک مریض دیگر که به آمیبیاز کبدی مصاب بود بهبودی حاصل شد اثر درمان برای دو بیمار که دچار ترو مبولیسسم و ترو مبولیت بودند و ۳ نفر که د چار تب های بعلت نامعلوم بودند یک نفر با سیتی سیمی در اثر با سیل پیوسیانیک و ۷ مریض که سرعت در اثر بیماری اولیه که داشتند از پا در آمدند تعبیر این موضوع مشکل بود. یک مریض که دچار اسهال آمیبین، ستافیلو کوکسی مقاوم بود نسبت به درمان جواب نداد ۲۳ مورد از ۲۹ مریض که بطور پرو فلاکتیک در مان میشدند سیگما مایسین اثر محافظت کننده خودش را بر علیه عفونت‌ها نشان داد. از ۶ بیماری که بهبود نیافتند ۵ نفر بیک بیماری و خیم پیشرفته دچار شدند، و یک نفر به سیروز کبد و برانیش مزمین مبتلا بود. سیگما مایسین حتی نزد مریضانیکه با دوزاژ بالاتر و برای مدت طولانی دوا مصرف میکردند خیلی عالی تحمل شد. سیگما مایسین ثابت کرد که درمان عفونت‌های فوق العاده شدید و سرسخت بی نهایت مفید است اثر غیر قابل بحث و تحمل خیلی خوب سیگما مایسین آنرا یک آنتی بیوتیک بسیار عالی از نقطه نظر پرو فیلاکسی معرفی میکند.

حساسیت کامل بیماری‌های چشم نسبت به تیرا کورتریل:
 دو کتور *Dr. G. Fiorini* نتایج بسیار مفید که از درمان ۵۰

بیمار مصاب به بیماری‌های مختلف چشم با مرهم چشمی *Terra - Cortril* ترا کورتریل حاصل شده گزارش میدهد. بعضی از مریضان قبلاً با درمانهای قلبی موفق نشده بودند. مرهم چشمی ترا کورتریل را که ضمناً حاوی *Polymyxin - B* است مریضان هر ۳ ساعت یکبار به چشم میمالیدند در ۱۶ مورد که بیماری در هر دو چشم بود یک چشم با ترا کورتریل درمان شد در حالیکه دیگری با آنتی بیوتیک توام با هورمونی نوع دیگری معالجه شد. در مواردیکه دواهای توسع دهنده پویی (*Mydriatics*) اند یکاسیون داشت تجویز میشد با ضافه در بعضی موارد سرسخت بیماری ترا مایسین نیز توصیه میشد. در اغلب موارد حساسیت سریع نسبت به ترا کورتریل مشاهده شد.

قریب تمام مریضانیکه دچار بلفادیت - کنژنکتیویت و بلفادو

اندیشه های بزرگان

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند تر باشد: (حضرت محمدص)

لسان و زبان چیز عجیب و شگفت انگیزی است.

زیرا با زبان طوریکه می توان افکار و مطالب خویش را افاده نمایم همچنان با زبان میتوانیم افکار و مافی الضمیر خویش را پنهان کرده از ابراز حقیقت انحراف نماییم. «جولی مارتن»

استعداد و لیاقت چیز کمیابی است. ولی از آنهم نادر داشتن اهلیت و لیاقت و استعداد های دیگر افراد میباشد. البرت هیارد

کنژنکتیویت بودند علاج در مدت ۴ تا ۵ روز انجام گرفت. مریضانیکه دچار اوئیت *Uveitis* - کوایتیت ایرید و سیکلیت و اپی اسکلریت بود گرچه کاملاً درمان نشد ولی تورم بطور قابل ملاحظه ای کاهش یافت. در بیمارانیکه ناراحتی در هر دو چشم داشتند چشمیکه نسبت به ترا کورتریل حساسیت نشان داد بزودی درمان شد وضع تحمل مریضان نسبت به دوا بسیار خوب بود. درین مطالعات دقیق مرهم چشمی ترا کورتریل که حاوی *Polmyxiu - B* است اثر فوری و قطعی خودش را در مورد ۵۰ بیمار که دچار بیماریهای چشمی از نوع عفونی - التهابی - الرژی و ضربه در چشم بودند نشان داد.

سیگما مایسین در درمان تراخم:

دو کتور *Di. S. Bellomio* و همکارانش شرح نتایج فوق العاده ای که از درمان کودکانی که بنازگی دچار تراخم شده بودند و با سیگما مایسین درمان شدند گزارش داده است. پس از امتحانات کلینیکی در ۶۷ کودک ۷ تا ۱۱ ساله قبلاً درمان نشده بودند سیگما مایسین توصیه شد بطوریکه برای مدت یکماه روزانه یک گرام سیگما مایسین بطور خوراکی دریافت میکردند. در مدت اولین هفته درمان با سیگما مایسین در کنژنکتیو مریضان با کتری دیده نشد و پرخونی و ترشحات نسج ملتحمه از بین رفت روز ششم درمان اجسام انکلوزیون ناپدید شدند و پس از آن پیشرفت و نمو هیپر تروفی پاپیلر کاهش یافت و فولیکولها شروع به جذب شدن کردند. در ۷ مریض درمان کامل مشاهده شد در حالیکه بقیه مریضان (۲۰ کودک) وضعشان بطور قابل ملاحظه بهتر شد. مثلاً نشانه هیپوتروفی پاپیلو و ندویهائی که هنوز جذب نشده بودند باقی

بود. سیگما مایسین بخوبی نزد تمام بیماران تحمل شد. نتایج درمانی درین سری مریشان از ۱۰ کودک که روزانه ۰/۷۵ گرم سیگما مایسین بمدت ۲۰ روز دریافت کرده بودند بطور قابل ملاحظه بهتر بود. مؤلفین معتقدند که اگر درمان با سیگما مایسین بطور سیستمیک انجام گیرد مدت درمان از ۳ ماه به یکماه تخفیف خواهد یافت.

در تجارب آنها درمانهای موضعی لازم نبود آنها اینطور نتیجه گرفتند که سیگما مایسین بعلت وسعت میدان ضد میکروبی فعالیت شدید از سایر داروهای تراخم مفیدتر است.

سند رومیهای حاصل از پرتو درمانی نسبت به دلتا کورتریل حساسیت نشان میدهند:

مطابق گزارش دکاتور *Dr. H. Scholz* مریشانیکه بعلت پرتو درمانی دچار حالت تهوع و لوکوپنی شده بودند با مصرف دلتا کورتریل وضع آرام تری پیدا کردند. در مدت دوره پرتو درمانی برای سرطان رحم یا سپتان شمارش گلوبولهای سفید در مورد ۳۰ بیمار به کمتر از ۳۰۰۰ در ملی متر مکعب خون تقلیل یافت در حالیکه ۱۳ بیمار دیگر دچار حالت تهوع بعلت پرتو درمانی شده بودند برای بیماران که به لوکوپنی دچار شده بودند دلتا کورتریل (پردنیز و لون) روزانه بطور خوراکی ۱۵ تا ۲۰ میلیگرام تا زمانیکه شمارش گلوبولهای سفید تعداد ۵۰۰۰ را در ملی متر مکعب نشان میداد توصیه میشد. دلتا کورتریل معمولاً برای دوره های شش روزه در مدت پرتو درمانی ۲ تا ۳ دوره تیمویز میشد ماکزیمم دوره استروئید و تراپی ۲۳ روز بود. دوزاز کامل دلتا کورتریل

بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیگرام بود. مریشانیکه بعلت پرتو درمانی دچار حالت تهوع شده بودند روزانه ۵ تا ۱۰ میلیگرام دلتا کورتریل برای دوره های مختلفی دریافت میکردند ۳ تا ۴ روز پس از شروع درمان با دلتا کورتریل تمام بیماران مبتلا به لوکوپنی افزایش قابل ملاحظه در وضع گلوبولهای سفید دادند. در بیمارانیکه حالت تهوع داشتند یکساعت پس از تجویز دلتا کورتریل علائم بیماری تسکین یافت. عوارض دار و فقط بصورت تحریکات بسی شیک یا روحی و افوری یا خوشی کاذب بود و سرعت

اندیکشنهای بزرگان

صرفه جوئی خود یکی از منابع ثروت است.

(برتر اندرسل)

یکانه راهیکه در مورد متوجه ساختن مردم به خوشبینی و خوب گفتن راجع بایشان موجود میباشد اینست که ما نخست خود ما راجع به آنها خوشبین و نیکو سخن باشیم. (ولتر)
ما انسانها پیرو سالخورده میشویم ولی آموزش و دانستی های جدید و عشق همیشه جوان اند و به پیکر فرسوده ما حال تازه و نیرو میدهند (اسچولوس)

مریشان قادر بحرکت کردن بودند مریشان مبتلا به لوکوپنی و حالت تهوع بعلت پرتو درمانی که بنظر میرسید این تظاهرات مربوط به اختلال عمل غدد فوق کلیوی باشد دلتا کورتریل را خیلی خوب تحمل کردند. در نتیجه اینطور میتوان گفت که نتایجی از دلتا کورتریل

حاصل شده بعراتب از نتایجی است که از درمانهای قبلی بدست آمده است.

تیرا مایسین در عفونت های مجاری صفراوی:-

در مطالعات وسیعی که درباره غلظت آنتی بیوتیک در صفراوی ۴۶ مریشان که برای بیماریهای مجاری صفراوی تحت عمل جراحی قرار گرفته شد بعمل آمد *Dr. S. Heinemanns Carlson* مشاهده کردند که تیرا مایسین اثر فوق العاده دارد در تمام بیماران خذف کیسه صفرا و در نیاژ مجرای صفراوی انجام گرفت.

بیماران پس از عمل جراحی بمدت ۵ روز بطور داخل عضلی یا داخل وریدی آنتی بیوتیک دریافت کردند نزد ۲۲ بیمار روزانه ۵۰۰ میلیگرام تیرا مایسین و به ۱۲ بیمار ۴۰۰ میلیگرام تتراسکلین و به ۱۲ مریشان یک گرم سترپتومایسین و ۴۰۰۰۰ واحد پنسلین توصیه شد غلظت آنتی بیوتیک که مرتباً از صفراوی جمع آوری شده تهیه تقریباً ۳ تا ۶ ساعت پس از تجویز آنتی بیوتیک اندازه گیری میشد در هر موردی با استثنای آنها نیکه دچار نقص کبدی و انسداد مزمن مجاری صفراوی بودند غلظت تیرا مایسین بقدر کافی بود برای کنترل تمام علل پتوجینی که سبب التهاب مجاری صفراوی شده بودند تتراسکلین نیز غلظت درمانی مناسب بوجود آورد در مریشانیکه دچار ضایعه شدید کبدی بودند بطور قابل ملاحظه غلظت آنتی بیوتیک کمتر بود هر چند مریشانیکه دچار عوارض شدید بیماری بودند غلظت تیرا مایسین از مخنوط پنسلین و سترپتومایسین بعراتب بالاتر بود. مؤلفین اینطور نتیجه گرفتند که در بیمارانیکه مصاب امراض صفراوی

عدالت

اعدلوا هو اقرب للتقوى

بقلم: جگرن محمدجان (فنا) صافی

عدل، عادل و عدالت کلمات و مفاهیمی استند که چه از نگاه لفظ و معنی و چه از نقطه نظر تطبیق عمل و حقیقت از شروع آدمیت و بشریت تا ایندم و بعد از این بالعموم مورد توجه و علاقه همه افراد خانوادۀ بزرگ بشری و بالخصوص مورد نظر حکماء، فلاسفه و پیشروان علم و اخلاق در طی سالیان متمادی بوده بچگونگی زندگی فردی و مناسبات حیات بین افراد، به ثبات و استحکام حیات فامیلی قبیله‌ای، اجتماعی و ملی و گذشته از آن برای تشدید تحکیم و تأسیس مناسبات بین الدول رول مهم و حیاتی بازی کرده و میکند.

این مفهوم قیمتدار و معنی مقدس بمنزله مشعل فروزا نیست که بنام وضع قوانین و مقررات بیطرفانه فردی و اجتماعی و پیروی و تطبیق منصفانه آن زوایای تاریک زندگی فردی و اجتماعی را روشن میسازد. هر قدر شعاع تأثیر انفاذ و اعمال آن بزرگتر باشد بهمان تناسب زندگی فرد و جامعه قرین سعادت و خوشبختی واقعی میشود.

از نگاه لفظ و لغت عدل یعنی داد، ضد ظلم و جور و ستم، انصاف، برابر کردن چیزی بچیزی، نظیر و برابر؛ و عدالت بمعنی روش عملی آن یعنی دادگر بودن، انصاف داشتن عادل بودن و البته عادل هم کسی است که این روش عملی و اخلاقی را بکار می بندد.

فضیلت اخلاقی و یا ارزش عدالت بالاتر از آن است که صرف بمعنی لفظی آن اکتفا شود لهذا قبل از آنکه بجزئیات موضوع بپردازم عدالت را بدو نوع عدالت خداوندی (ج) و عدالت انسانی قرار ذیل دسته بندی میکنم:

عدالت:

۱- عدالت خداوندی (ج)

۲- عدالت انسانی:

الف: عدالت فردی:

— عدالت فرد باشخص خودش

— عدالت در بین فرد با فرد دیگر

(عدالت اصلاحی)

ب: عدالت اجتماعی:

— عدالت بین اجتماع و فرد

یا در بین فرد و اجتماع

— عدالت اجتماعی بین اعضای

یک جامعه (عدالت توزیعی)

— عدالت اجتماعی بسوی

بین الدول و ملل (عدالت توزیعی)

از اینکه خداوند (ج) عادل است،

عدالت خداوندی (ج) عدالت مطلق

میباشد و این عدالت مطلق در ماهیت

و تطبیق از عدالت انسانی فرق کلی

دارد زیرا عدالت انسانی اکثراً

بشرایط محیطی وضع زندگی و طرح

فسخ یا تعدیل قوانین و تعاملات

اجتماعی مربوط بوده بهمان تناسب

قابل تحول و تغییر میباشد.

ماباذکر اینکه دین مقدس اسلام

و قرآن کریم برای همه ساکنین

کره زمین است بحیث مثال برجسته

عدالت خداوندی (ج) اکتفاء میکنیم همانطو ریکه عدالت خداوندی (ج) سبب برقراری نظم آفرینش نسق، آهنگ و انسجام کائنات شیرازه خلقت و هستی و حفظ دسپلین عمومی در تحکیم میانگی کهکشانشا و جهان است عدالت انسانی نیز بزرگترین وسیله در تنظیم زندگی و مناسبات حیاتی بین افراد و جوامع بشری محسوب شده سابق انسان و انسانیت بسوی سعادت و خوشبختی تکامل و ترقی میباشد.

خداوند بزرگ (ج) طی قرون متمادی جماعات مختلف انسانی و بشری را با ارسال ارشادات سماوی و تعیین پیغمبران علیهم السلام در سلسله سایر اوامر و نوعی در موضوع عدالت نیز رهنمایی و هدایت فرموده اند؛ از آنجمله در قرآن پاک میفرمایند:

ان الله ياء هر کم ان توء
دوا الامانات الی اهلها و
اذا حکمتم بین الناس ان حکمو
بالعدل «خداوند امر میکند شما را باینکه هرامانتی را باهل آن بسپارید و چون بین مردم حکمیت میکنید بر قانون عدالت و انصاف حکم کنید».

در آیه کریمه دیگر میفرماید:

لا یجرمنکم شان قوم علی
ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب
للتقوی

«بدی و دشمنی قومی نباید شما را بجرم بی عدالتی مرتسکب سازد

عدالت کنید و بدانید که عدالت به پرهیزگاری نزدیکتر است»
 آیه کریمه دیگر چنین ارشاد مینماید: «خداوند شما را بعدل و احسان امر میکند.» از آیات مبارکه فوق عدالت فردی و اجتماعی یا عدالت اصلاحی و توزیعی بوضاحت مفهوم میشود.
 ارسطو فیلسوف یونانی عدل را بدون نوع اصلاحی و توزیعی تقسیم میکند:

اول عدل اصلاحی که بین يك انسان و انسان دیگر در معاملات شان اصلاح میکند که معاملات هم بدون نوع ۱- ارادی (مثل خرید، فروش

عاریت، اجاره و غیره)
 ۲- غیر ارادی که آنهم بدو نوع است:

الف: نهانی که بدون علم ما واقع میشود (دزدی، زنا، شهادت دروغ، تسمم، قتل و غیره)
 ب: آشکارا (تاراج، فضیحت کردن و دشنام دادن در بند نمودن کشتن و غیره).

دوم عدل توزیعی: چنانچه ثروت، منصب و امثال آن که بین اعضای جامعه بحیث نصیبها قسمت شده است.

فرد و یا جمعی که (خیر اکثر) و (شر اقل) را برای خود انتخاب کنند (سود) مینمایند کس و یا گروهی که (خیر اقل) و (شر اکثر) برایشان داده شود و یا برسد (زیان) مینمایند. مساوی در تقسیم و انتخاب دو موضوع فوق عبارت از حد وسط است که این حد وسط عبارت از عدالت میباشد.

عدالت بهر شکل و از هر نوعی که باشد از عدالت يك فرد با شخص خودش شروع میشود و بعد از آن بمرحله عدالت در روابط با فرد دیگر و رویهمرفته به مناسبات بین اعضای قایل خانواده و قبیله داخل

و بسویه عدالت اجتماعی تکامل و ارتقاء نموده از مبداء يك فضیلت شخصی به دائره و محیط عدالت انسانی و عدالت برای همه و در بین همه داخل می شود.

انسان مخلوقیست که در بین قوه های متضاد عقلانی، شهوانی و غضبی زندگی میکند، هر يك از این سه قوه در ارتکاب اعمال خیر و شر و یا خوبی و بدی تأثیر جداگانه دارد، اگر يك انسان میدانند که این شر است و آن خیر یا این خوب است و آنندگر به و با آنهم مرتکب عملی میشود که

اندیشه های بزرگان

انسان باید يك اندازه تجامل عارفانه و مسامحه را بیاموزد تا در زندگی بجایی برسد. «چاریس کترنگ» همانطور ریکه قطره قطره دریا میشود از ریختن و پیراستن اندک اندک الفاظ نیز میتوان بالاخره کتاب نوشت.

مقوله فرانسوی
 صرف مردان بزرگ و شخصیت های ممتاز میتوانند کارهای بزرگ را انجام بدهند
 جان روتسکین
 از مسایل و قضایای روزگار طور کامل واقف بودن راه کمال نعمت و شهادت است
 رالی تیش

از آن شر نشئت میکند و یا به نتیجه بدی میرسد که دائره تأثیر و نتیجه این عمل از شخص خود او به کس و یا دستگاه دیگری تجاوز نمیکند گویا این شخص در معامله با شخص خود عادل نیست و با خود ظلم میکند. همچنان اگر شخص و یا مرجع ثالثی در موضوع متنازع فیه بین دو نفر حکم فیصله میکند این فیصله باید خالی از تأثیر محبت، دوستی

خویشاوندی، منفعت شخصی، غرض خوف و ترس و غیره مظاهر خوش صورتی، خوش زبانی و غیره باشد که البته اگر چنین شود عدالت تطبیق و تأمین شده شخص ثالثی که فیصله مینماید عادل است و طرفین موضوع بحق خود میرسند. در غیر آن البته عدالت تطبیق و تأمین نخواهد شد.

چون انسان مخلوق اجتماعیست و از طرف دیگر تأثیر اکثر اعمال افراد از خود افراد تجاوز کرده بدیگران میرسد و از طرف دیگر بعضاً منافع گروه های مردم و جمعیت ها باهم تصادم میکند اینجاست که موضوع عدالت اجتماعی، روی ضرورت احتیاجات و ارتباط افراد باهم دیگر بعبان می آید.

چون انسانها از ابتدای خلقت شان از شروع بدویت تا مدنیت، نسبت اعمال زور زور آوران، نفوذ منفی صاحبان قدرت و خطر تجاوز بمال، حق اولاد، ملک و جان شان اندیشه داشته اند و یا نتوانسته اند همه امور و ایجابات زندگی شان را به تنهایی و بدون کمک دیگران اجرا نمایند لهذا همیشه کوشیده اند با وضع و تعمیم دستاویز و قوانین عادلانه بسویه اجتماعی در سایه و آغوش عدالت اجتماعی بصلح و صفا قرین سعادت و خوشبختی زندگی کنند. وقتی ماسخن از عدالت اجتماعی میزنیم منظور ما از تطبیق و تأمین عدالت اجتماعی ذریعه جامعه عادلانه است که در پرتو وضع قوانین و مهیا کردن محیط و زمینه مساعد برای تطبیق آن، بمنظور بوجود آوردن شرایط عادلانه، زندگی وسایل تدقی، انکشاف و تسهیلات لازمه را برای همه افراد و طبقات جامعه فراهم نماید تا هر کس با اندازه ضرورت و احتیاج، استعداد و شرایط محیطی از آن مساویانه مستفید شود. (بقیه در صفحه ۶۷)

توپچی در صحرا

Artillery In The Desert

صحرا با داشتن شرایط نامساعد از قبیل اراضی وسیع و همشکل بیابان‌های بی آب و علف، آفتاب سوزان اختلاف زیاد درجه حرارت شبانه‌روزی و بالاخره محدودیت منابع آب و غیره احضارات و فعالیت‌های مجاری بوی را مشکل میسازد. فعالیت‌های مجاری بوی جزو تاسمات صحرا خصوصیات مختلفی را دارا است که اینک میباید به شرح بعضی از خصوصیات فعالیت‌های مجاری بوی جزو تاسمات توپچی در صحرا :-

رفتار :-

در زمان ترتیب و تنظیم رفتار در بالای سرک‌های ریگزار، سنگزار و قومانان جزو تاسمات توپچی شرایط مختلف و مشکل چون رفتار در اراضی خارج سرک سنگزار بودن راه، درجه حرارت زیاد و قلت آب را مدنظر گرفته مطالعه مفصل در زمینه راه رفتار شرایط و قابلیت عبور راه و موقعیت منابع آب می‌نماید. پرسونل باید دقیقاً به استقامت و راه رفتار آشنا ساخته شوند چه تشخیص راه و استقامت رفتار در صحرا توسط اشیاء محلی و عوارض اراضی مشکل و حتی غیر ممکن است. در حصه مصرف آب توجه جدی لازم است تا همیشه یکمقدار آب که برای یکروز رفتار کفایت نماید بصورت ذخیره Reserve موجود باشد. قومانان توپچی باید بصورت نورمال و وسایط حمل و نقل را که قابلیت عبور عالی و ظرفیت کافی برای حمل پرسونل و مالز مه دارا باشد بداخل قطار رفتار شامل

مجلات درصد محلات مقاومت و مواضع آتش در تمام عمق مدافعه حاضر ساخته و اجرا نمایند و نیز لازم است تا آتش‌های دیرکت از طرف توپچی، تانک‌ها و ذات‌الحرکه‌ها به پیمان‌ه وسیع جهت تخریب و امحاء وسایط دفاع تانک مواضع آتش، محلات درصد و اهداف منفرد دشمن اجرا گردد که بدین ترتیب همه این وظائف آتشی باید در زمان کوتاه و بامصرف کم مهمات انجام داده شود.

هر زمانیکه تعرض انکشاف می‌نماید جزو تاسمات توپچی آتش‌های خود را بالای محلات مقاومت دشمن جهت از بین بردن پرسونل و وسایط و هم چنان بالای مواضع آتش بطری‌های توپچی و هواوان آن انتقال داده و برای این منظور لازم است تا پیش از پیش آتش‌های تنظیم توسط راه‌ها و کوپتر و طیارات تنظیم آتش توپچی اجرا گردد. در زمان اجرای مانور به جناح

سازد و نیز برای سهولت و آسانی اجرای رفتار لازم است تا وسایط با مالز مه و سامان مختلفه چون آلات تخنیک، تخته چوب‌ها، گوتکه، بوری و غیره مجهز گردیده و فشار هوای تایرها آن کنترل شود تا با برخورد و تماس به سنگ‌ها بزودی از بین نرود.

در اثنای طوفان‌های ریگ حرکات متوقف گردیده و وسایط به فاصله‌های کم از همدیگر قرار میگیرند. با فرا رسیدن شب توجه جدی را در حصه حاضر نگهداشتن توپ‌ها و افراد غیر جهت مقابله با حملات ناگهانی تانک‌ها و زره پوش‌های دشمن باید معطوف داشت.

تعرض :-

فعالیت‌های تعرضی در صحرا معمولاً به استقامت‌ها و مسافتات طولانی اجرا میشود و بنابراین جزو تاسمات توپچی موظف اند تا آتش‌های مختلفه را جهت امحاء و از بین بردن دشمن در محلات قومانده

و عقب دشمن به توجیح صحرا وظیفه داده میشود تا امنیت جناحی را تامین نموده و دشمن را که مانع اجرای مانور قوت‌های دوست میگردد از بین ببرد و نیز در صورت لزوم جهت محدود ساختن تصرف دشمن به تاسیس پرده دود بپردازد. در اثنای شب در صحرا تماماً جزو تمام‌های توجیحی باید برای اجرای وظائف آتش حاضر باشد چه موفقیت در تعرض خاصاً در هنگام شب مربوط است به آتش‌های موثر توجیحی و اکتیف بودن فعالیت‌های محاربه‌ی سایر جزو تمام‌ها.

پرسونل و افراد لمبر بایست موقعیت و محل‌شان را توسط قطب‌نما و یا ستاره قطب تعیین نموده توانسته و نیز در اثنای تبدیلی موضع، راه و استقامت رفتار تعیین شده را بخوبی تعقیب و تشخیص کرده بتوانند.

قوماندانان جزو تمام‌های توجیحی در اثنای انکشاف تعرض مادونان‌شان را در هر زمان به جهت آشنا ساختن و راجع به نظام محاربه‌ی قطعات پیاده و تانک و موقعیت موجوده آنها به ایشان معلومات داده و همچنان نقاط بارز طبیعی و ساختمانی را با موقعیت هر کدام برای‌شان می‌دانانند.

در اثنای ترتیب و تنظیم کشف در صحرا مد نظر باید داشت که نسبت عدم موجودیت موانع امواج مخابراتی تا مسافتی بعیدی اخذ شده میتواند که در اینصورت استعمال کود و شفره مخابراتی اهمیت قابل ملاحظه را دارا بوده و همچنان این موضوع در حصد تقاطع و کشف اهداف به هر دو طرف متخاصم نیز بدرجه اول حایز اهمیت است. برای دریافت کوردینات‌های مواضع آتش، محلات تردد و اهداف از راه خریطه و آلات تخنیکی به پیمانده وسیعتر استفاده بعمل آمده و استقامت‌های مهم توسط آلات و یا توسط اجسام سماوی معین

بزرگی يك حالت و توانائی روحی است که میتواند عشق، دلچسپی و احساس واه‌واه‌گویی دیگران را به شور و هیجان بیاورد.
(مانیوار فولد)

علم و فضیلت شما شبیه یکساعت جیبی است. تراکه ضرورت نباشد آنرا هر آن بغرض نمایش از جیب خویش بیرون نکشید.

(لارد چستر فیلد)

و تثبیت می‌گردد.

امور ستر و اخفا که وفلاژ در صحرا فوق العاده مهم بوده و باید مواضع آتش با استفاده از عوارض اراضی چون بستر دریا‌های خشک و تپه‌های ریگی و هم با استفاده از وسایط و وسایل انجیرری در محل مناسب انتخاب شده و در ستر و اخفا و تحکیم آن از تورهای ستر و اخفا، رنگ کردن وسایط استعمال یکنوع کرباس‌های رنگه، تخته چوب‌ها و بوریا استفاده بعمل آید. فاصله بین توپ زیاد بوده و با وجود مشکلات که در حصد انتخاب محل تردد موجود است با آنها هم کوشش گردد تا محلات تردد بسیار جهت کنترل آتش و کشف دشمن و اراضی تعیین و انتخاب گردد. برای وسایط جر محل پارك ریگی و بادری سایه دار تپه‌های ریگی و بادری بستر دریا‌های خشک جهت پارك آنها که شرایط ستر و اخفا در آن بکلی مراعات گردد انتخاب میشود.

در اثنای ترتیب و تنظیم امور انجیرری یمایچ‌های ریگی باید توسط تخته چوب‌ها و یا وسایل دیگر تحکیم شده و بدین ترتیب از حرکت و لغزش ریگ جلوگیری بعمل آید اثر تیرهای موثر و وسایط و هم چنان اثر پهای پرسونل در بالای اراضی و خاصاً در بالای سرك‌های که بمواضع آتش می‌انجامد هر آن اولتر از بین برداشته شود چه این موضوع در کشف شدن مواضع از طرف طیارات دشمن کمک فوق العاده می‌نماید و برای این منظور اگر ممکن باشد از تخته چوب‌ها و بوریا استفاده نموده و با فرش نمودن آن نگذاریم اثر تیرها در روی ریگ و یا اراضی باقی بماند.

مدافعه :

مواضع مدافعه بایست در محلی تاسیس گردد تا نیز دیکر منابع آب، واحدها، و آبادی‌های محلی باشد احضار آتش توجیحی و اجرای آن اساس سیستم آتش و مدافعه را تشکیل نموده و برای استحکام و مقاومت مدافعه کمک غیر قابل تخمین را انجام می‌دهد.

موجودیت ساحه وسیع انداخت و امکان حرکات در اراضی خارج سرك زمینه مساعدی را برای اجرای مانور آتش و حرکت در ستر و سرجبه و در عمق فراهم میسازد.

در اثنای پلان گذاری آتش توجیحی ضرور است تا در مرحله اول آتش‌های تجمع را در بالای محلات تجمع پرسونل و وسایط دشمن و خاصاً بالای منابع آب و ذخایر آبی آن حاضر کرده و هم چنان آتش‌های سد را در پیشروی خط اصلی و در استقامت‌های احتمالی و خطرناک آور تانک‌ها و زرهپوش‌ها دشمن و هم بمقابل قطارهای رفتار آن بداخل پلان آوردن از آتش دیرکت جهت از بین بردن اهداف دشمن نسبت مساعدت اراضی بصورت اعظمی استفاده باید شد و هم

عدالت

بقیه صفحه ۶۴

بطور مثال اگر يك جامعه در تاسیس شفاخانه ها و توزیع ادویه باندازه میکوشد که مریضان بدون معالجه و تدای نمانده و ضمناً از شیوع امراض جلوگیری و در راه تقلیل امراض مجادله کافی شود و یابه تعدادی مکاتیب افتتاح کند که همه اطفال بدون مکتب نمانند و در هر وقت و در هر جا برای متخاصمین محکمه، قاضی و قانون مورد ضرورت موجود و متخلفین و متجاوزین مجازات و حقوق عامه حمایه و محافظه شود و همه بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و وظایف مساوی داشته باشند و امثال آن ... در این صورت میگوئیم این جامعه عادل و در آنجا عدالت اجتماعی حکم فرماست .

تأمین و تطبیق عدالت فردی و اجتماعی هر دو به تعمیم علم و دانش و رشد و انکشاف اخلاق و تربیه فردی و اجتماعی ضرورت مبرم دارد .

افراد جوامعی که از فیض علم و دانش بهره کافی ندارند البته نمیتوانند از راه داشتن و تطبیق قوانین عادلانه از سعادت عدالت اجتماعی مستفید شوند. وظیفه فردی و وجیبه اجتماعی هر شخص است که چه در مناسبات ذات البینی و چه در امور اجتماعی و ملی تا حد توان و قدرت از موهبت و فضیلت بزرگ عدالت کار گیرند و بالوسيله بمظور تحکیم تأمین و تطبیق عدالت اجتماعی فریضه ملی خود را اداء نمایند .

آزاد پیشه های بزرگان

در هر گوشه و کنار دنیا از خود گذری استحصال مطلوب و خود فراموشی همین خوشبختی است .

(رابرت لونیس)

آنچه کمتر بفهمیم بیشتر به آن ایمان و یقین می ورزیم (مانتین)

خوشبختی در کنار تشویر خودمان نشو و نما میکند نه در باغ مردمان بیگانه .

(دوگلاس جیرالد)

يك آدم عاقل قویست . بلی يك آدم عالم به نیر و توانایی اش می افزاید .

(توریت)

يك شخص بزرگ حاوی اوصافی میباشد که :

- ۱- در برابر حوادث بزرگ ایستادگی کرده بتواند
 - ۲- و یا اینکه قدرت ایجاد وقایع بزرگ را داشته باشد .
- (جیمرسی ارویل)

چنان میتوان سیستم آتش را با موانع انجنیری و طبیعی نیز تقویه کرد . جهت فریب دادن دشمن در حصاره موقعیت حقیقی جز و تام های توپچی به تاسیس مواضع آتش ساختگی پرداخته و از این مواضع وقتاً فوقتاً توسط توپ های منفرد ، بلوک و یا بطریقه آتش اجرا میگردد .

تمامی جز و تام های توپچی جهت مقابله با تانکها بحال آماده باش بوده و باید بمجرد ظهور تانکها و زره پوشهای دشمن برای اجرای آتش حاضر باشند و بر علاوه در استقامت های مهم و در محلات مناسب بر علاوه مواضع آتش اصلی مواضع آتش تبدیلی ، موقتی و ساختگی نیز حاضر گردد . راه تقرب مستور برای انتقال توپها از یک موضع به موضع دیگر مدنظر گرفته شده و تاسیس گردد .

محلات ترصد در جاها نیکه ترصد را بصورت اطمینان بخش تأمین نماید تاسیس شده و هم محلات ترصد پیشرو در استقامت های خطرناک انتخاب شود .

اجرای مانور های سریع توپچی به چنانح واستقامت های مهم دشمن تاسیس یک سیستم منظم کشف و احضار راه های تقرب مستور را ایجاب نموده و لازم است تا استقامت های حرکت ذریعه نقاط تثبیت و یا توسط اجرام سماوی نشانی و معین گردد .

در همه انواع فعالیت های محاربه ای در حصاره خاصه در مدافعه در حصاره مصرف مهمات ، آب و مواد محروق احتیاط و توجه لازمه را مبذول داشته و در محلات مناسبی از آنها نگهداری باید کرد .

(ختم)

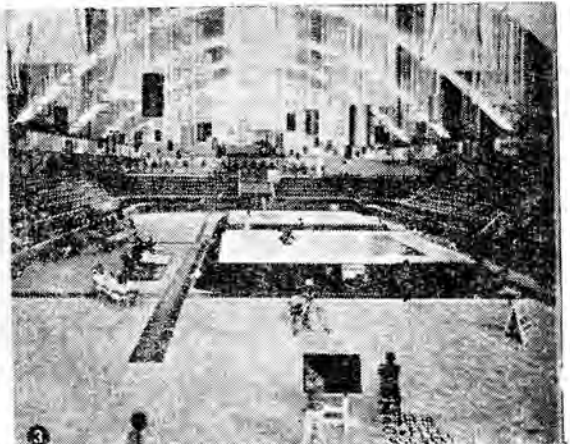
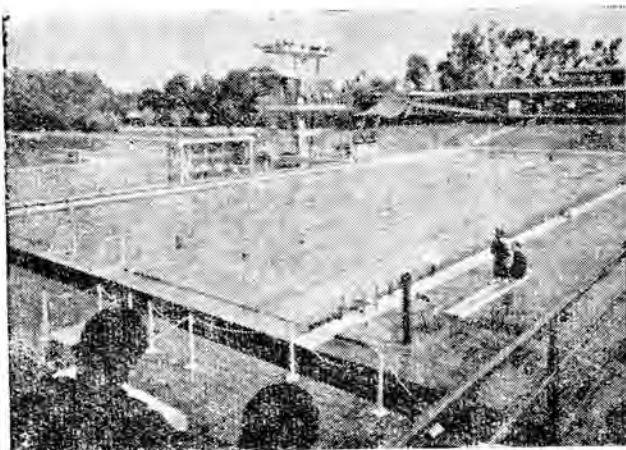
نظری به المپیاهای باستانی



المپیاهای جنگ و خوئریزی در سرتاسر یونان متوقف بوده و هم راهها آزاد شود و مردم در صلح و آراش دعوت گردد این عمل هر چهار سال یکبار صورت میگرفت که با استقبال گرم جوانان رو برو گردیده و این بود که المپیا یک جشن ملی را بخود گرفت و پس از مدتی سر زمین « المپی » از همه مردم که زیر فرماندهی پادشاه یونان میزیستند دعوت کرد تا در مسابقات و جشن ملی شرکت بنارند همه مردم در میدان بزرگ (المپی) گرد آمدند در این مسابقات و جشن ها زیاد تر موفقیت بدست جوانان یونان بود اما به مرور زمان این افتخارات نصیب همه جوانان دنیا گردید .

جنگل مقدس « زئوس » می بریدند و بیکر قهرمانان را از همین اشجار می پوشانیدند و هم میدان های مسابقات را از مجسمه های زیبا و خوش تراش زینت می دادند بسال ۷۶ قبل از میلاد مسیح برای نخستین بار مسابقه های المپیک از تاریکی های افسانوی بیرون آمده و در تاریخ یونان باستان ذکر گردیده است که از آن تاریخ به بعد مدارک وجود دارد که جریان مسابقات المپیک را بصورت پراکنده نشان می دهد و در اثبات آن روشنی می افکند. تاریخ یونان باستان حکایت میکند که در آن زمان « تئیس » پادشاه پادشاهزاد گسان دیگر یونان توافق نمودند که درده ران

صورت بوجود آمدن مسابقات المپیک را در باستانی ترین دوره های یونان کهن می توان جستجو کرد در قرون گذشته یونانیان را چنین عقیده بود که یکی از خدایان ایشان بنام « هراکلس » پسر « زئوس » بانی المپیاهما میباشد اما این را نمیتوان بکلی حقیقی دانست زیرا تا هنوز در هیچ جاه تاریخ بشریت بصورت دقیق این موضوع واضح نگردیده است، نکاتی را که می توان تا حدی نزدیک بحقیقت گفت این است که المپیایک نوع جشن پر شکوه ملی بوده که در جریان آن تاجی از زیتون بشانه صلح و صلح بر فرق قهرمان بروز می نهادند و هم این شاخه های سبز زیتون را از درختانی



« بارون پی پردو کوترین » بدین نظر در سال ۱۸۹۴ کنگره انس جهانی پاریس در بوته تون « گورین » تشکیل داد و کمیته بین المللی المپیک را بنیان نهاد تا بر اساسات جدید بنای یک المپیک عظیم و پرشکو را بوجود بیاورد . این کمیته در نخستین روز پیدایش آزادی و استقلال خود را اعلام کرد از همه کشمکشها دوری جست و پیوسته می کوشید تا روح همکاری و صلح همه امیان ورزشکاران جهان بوجود بیاورد تا افتخارات معنوی نصیب قهرمانان گردد . روی همین اصل بعد از یک سلسله کوششها در سال « ۱۸۹۶ » توانست المپیا را در شهر آتن « Athen » پایتخت یونان و مهد المپهای باستان اجرا بدارد و توانست بعد از ختم مسابقات شور و هیجان مردم را زنده نموده و همه داوطلبانه به دولت کمک بدارند تا استادיום سرسزمین « پیر کسوس » را دوباره آباد نمایند می گویند یک نفر یونانی ثروت مند نام « ژرژ آوردف » که از اهالی شهر اسکندریه بود قسمت اعظم مصارف



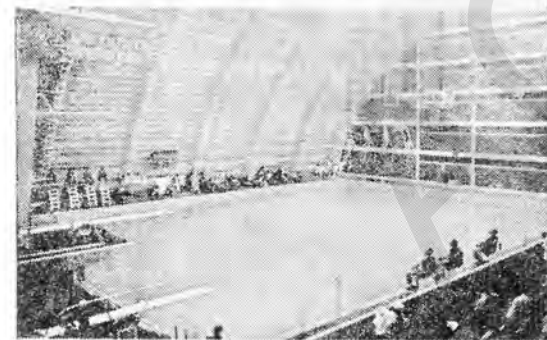
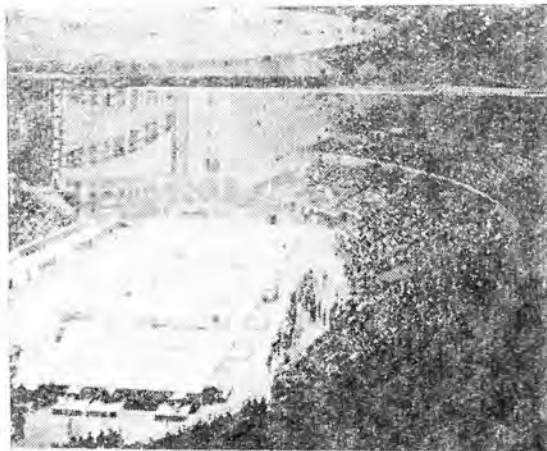
ستد یوم صد هزار نفری مکسیکو

ورزشی و تربیت بدنی مطالعه میکرد و هنگامیکه بسفر انگلستان و امریکا رهسپار بود از نزدیک با همه جوانان ورزش کنار در تماس شد و دوباره روح دوستی و محبت ورزشی را در بین مسابقه کنندگان بوجود آورد و عزم کرد تا المپیک یونان باستان را تکرار زنده کند .

در زمان استیلای رومی ها بازیهای پر رونق المپیک کم کم اهمیت خود را از دست داد تا سر انجام امپراطور « تیودوز » در سال ۳۹۳ قبل از میلاد مسیح فرمان داد تا مسابقات متوقف گردد و همین بود که المپیا و هدف زبیده آن به خواب عمیق فرو رفت . در معبد مقدس « العبی » آنجاییکه مسابقات صورت می گرفت گیاههای هرزه سراز خاک بیرون کشید و ستونهای درخشان استادبوم رو به ویرانی گذاشت اما خوشبختانه این خواب باعث از بین نرفتن المپیا نگردیده بلکه بعد از آن یک بیداری در ایچال در جهان المپیک بوجود آمد . در سال ۱۸۵۲ هنگامیکه دانشمندی باستان شناس ایتالی « گورینو » در کاوشهای خود در ایتالی باقی و استادبوم عظیم و پر جلای روم را که کنون را از زیر خاکیهای جدیدینت ساله بدر آورد اندیشه ای به المپیا در خاطر مردم جای گرفت تا اینکه بعدها « بارون پی پردو کوترین » فرانسوی که همواره در مسایل



ستد یوم ورزشی که بقسم سر بسته اعمار شده است



این استادیوم را بدوش گرفت
 و ساختمان آن در آغاز سال «۱۸۹۵»
 شروع و در اوائل «۱۸۹۶» برای
 اجرای مسابقات حاضر و آماده شد .
 البته نتایج این مسابقات از نظر فنی
 چندان جالب نبوده بیشتر جهت
 بوجود آوردن روح ورزشی در بین
 جوانان صورت گرفت پس از المپیا
 آتن مسابقات المپیک در سال ۱۹۰۰
 در پاریس برگزار شد و این مسابقات
 زیاده تر مسابقات دوستانه و بین المللی
 را تمثیل می کرد بعد در سال ۱۹۰۴
 در سن لوئی *ST. Louis* واقع
 در امریکا اجرا شد مسابقه بعدی
 در لندن پایتخت انگلستان در سال
 ۱۹۰۸ برگزار گردید و در آن
 «۲۰۸۴» قهرمان از «۱۹» کشور
 مختلف شرکت نموده بود المپیا
 «۱۹۱۲» در شهر آستکهولم انجام
 یافت در استادیوم که مسابقات اجرا
 گردید از آجر بنفش ساخته شده بود
 که همه مهندسين و معماران آن عصر
 آثار استایش کرده اند تعداد اشترك
 كندگان به «۳۲۸۳» قهرمان می رسید
 که باهم مسابقه نمودن. در اثر جنگ
 اول جهان که بین سالیان ۱۹۱۴-۱۹۱۸
 دوام داشت المپیا ۱۹۱۶ که باید
 در برلین صورت می گرفت اجرا نشد
 تا اینکه در سال «۱۹۲۰» پس از ختم
 جنگ المپیا هفتم در شهر آر نوس
 برگزار شد . المپیا «۱۹۲۴» بنا
 به تقاضای «بارون بی بردو کو برتن»
 در زادگاه وی در پاریس اجرا شد که
 در آن «۵۰۰۰» قهرمان از (۴۰) کشور
 مختلف شرکت ورزیده بودند المپیا
 نهم در سال ۱۹۲۸ در شهر آستردام
 در يك محیط گرم و پر شور و باشکوه
 انجام پذیرفت و همین المپیا در شهر
 لوس آنجلس در سال «۱۹۳۲» اجرا
 نمودند. افتخاری برگزار یازدهمین
 المپیا در سال ۱۹۲۶ بدولت هلندی

تعرض تولى پياده موتر دار بچوكات وضعيت تكتيكي

مترجم: ضياء مایون لمړی برید من گارد شاهى

موفقیت و دوام تعرض در محاربه مربوط به مشق و تمرین تکتیکی قطعات در اثنای حضر میباشد .
مالحال فعالیت تکتیکی تولى پياده موتر دار را در مدت چهار ساعت در يك مثال تکتیکی صحرائی تحت
مطالعه خویش قرار میدهیم یعنی پیشرفت تعرض تولى پياده موتر دار را در جبهه مدافعه دشمن که توسط
يك بلوك دافع تانك تقويه شده تحت تدقیق قرار میدهیم :

هاچه اجرا آت می کنند وضعاً
فعالیت شان را تعقیب کند ناگفته
نیاید گذاشت که این همه کارها
خارج از منطقه که تطبیقات صورت
می گیرد عملی می گردد .
موضع مدافعه دشمن دارای خندق
ها بوده و هم سیستم آتش را در
پیشروی خط مدافعه خویش ترتیب
داده ، استحکامچی های آن موانع
مختلف در پیشروی خط اصلی مدافعه
فرش نموده .

تولى دشمن پياده موتر دار به کمک
بلوك دافع تانك خیال تعرض به
استقامت تبه راقم ۱۵۳/۳ خلمی
Kholmy دارد و بعداً خیال پیشرفت
را به استقامت سرک داشته و هجوم
را بالای موضع های که در جنگل
کولوضی ، راقم ۱۵۳/۳ و نقطه
بلند ترین تبه را قم ۱۷۱/۸ دوام
میده این تعرض توسط سه بلوك
پياده موتر دار و يك بلوك دافع تانك
۵۷ میلی متر اجرا میگردد .

ماتاچه اندازه از نقطه نظر پرسونل
سلاح و وسایط تجهیز و به چه اندازه
دیگر باید تکمیل گردیم و هم ناگفته
نیاید گذاشت که قوماندان تولى
باید نکات آتی را نیز در وقتیکه
به قوماندان مافوق راپور میدهد
شرح بدهد که :

چند نفر از دشمن را ازین برده
چه ساحه را اشغال کرده و بالای
کدام اهداف میباشد (در منطقه مدافعه
دشمن) در تحت تأثیر خویش از
دشمن چه معلومات را بدست آورده

قوماندان تولى در همان روز
تطبیقات پیش از اینکه به تطبیقات
خویش شروع نماید قوماندانان
جزوتام های مادون خویش راجع
نموده و در جای که خارج از منطقه
تطبیقات باشد برای شان راجع به
موضوع که اجرا خواهد شد شرح
وامر محاروبی خویش را بگوید .
و بعداً برای شان موقع بدهد که آن

بر هر قوماندان لازم است که در
وقت تطبیق مسائل تکتیکی که به
هر موضوع تعلق میگردد می خواهد
آنرا مورد اجرا قرار بدهد باید در
طرح نقشه آن دقت زیاد به خرج
بدهد تا به حقیقت مثال تکتیکی آن
مشابه باشد .

پیشرفت تولى در اثنای هجوم
در بالای اهداف مربوط به مقاومت
دشمن در پیشروی خط اصلی مدافعه
آن میباشد و توسعه محاربه در استقامت
مساعی اصلی و عمقی مدافعه دشمن
نیز مربوط به دفع و طرد تعرض متقابل
دشمن از طرف قوت های دوست
و صورت تعقیب آن می باشد . قوماندان
تولى در وقت تصاحب يك منطقه
تکتیکی در منطقه مدافعه دشمن باید
مطالعه نماید که این منطقه متصرفه
ما کجا است و قوت های در خاک
دشمن چقدر پیشرفت نموده و فعلاً
دشمن به چه وضعیتی می باشد . خود

نظام محاربه‌ی تولى مذکور در اثنای محاربه قرار ذیل میباشد :
 بلوك دوم پیاده موتر دار با بلوك
 دافع تانك ۵۷ مینی متر در وسط
 طرف راست بلوك اول پیاده موتر دار
 و به طرف چپ آن بلوك سوم پیاده
 موتر دار موقعیت داشته میباشد .

بعد از تثبیت موضوعات
 فوق الذکر قوماندان تولى افراد
 را که در محاربه تطبیقی اشتراك
 می کند بنا همراى ضابطان و
 خورد ضابطان آن ها كنترول کرده
 و اهداف تثبیت شده را دوباره برای
 شان یاد آوری و هم برای شان
 گوشزد می نماید که در وقت نزديك
 شدن شما بیان به اهداف هجوم من
 هیأت از جمله مادلان تعیین نموده ام
 که تا غلطی های را که در اثنای
 تطبیق مساله مرتکب می شوید برای
 شما بفرماید .

زمانی که وقت تطبیقات نزدیک
 شد قوماندان به همان اشارات معین
 و مشخص که قبلاً تثبیت شده بود
 اسر حرکت را ابلاغ میدارد ،
 قوماندان تولى پیاده بازه پوش های
 خویش حرکت می کنند قوماندان
 تولى بدین مقصد تا شکل نظام محاربه
 را جزو تام های آن بگیرد حرکات
 را آهسته و زیاده می کند (بواسطه
 مخایره یا بیسیم) آهسته آهسته خالیگاه
 ها بین جزو تام ها زیاد شده میرود
 قوماندان به مقصد كنترول امر
 توقف میدهد . بعد از اینکه یقین
 حاصل نمود که هر شکل نظام
 محاربه بوی را درست گرفته اند دوباره
 به حرکت شان دوام میدهد . قطعات
 را امر میدهد که نظام تعیین شده
 خویش را بگیرند ، قطعات به نظام
 تعیین شده خویش انبساط نمودند .
 هر افراد بدون در نظر گرفتن کدام
 خستگی اجرا آت فوق الذکر را به
 سرعت زیاد بدون سکتگی به امر
 قوماندان خویش اجرا و نظام

محاربه‌ی را گرفتند در وقت که نظام
 فوق الذکر گرفته شد قوماندان امر
 توقف یک بلوك را داد و به آن امر
 داد از جبهه خویش دشمن را تثبیت
 نماید و به آن داخل محاربه شود
 (از حالت مدافعه) به متباقی بلوكها
 امر هجوم را داد بلوكها یک خط

لباس زیر آب



برای تنظیم اثو مایک
 درجه حرارت در هنگام پرواز
 پهلوستان و قضا نور دان
 لا بر اتوار فضا نوردی قسمت
 تحقیقاتی قوای دریایی ایالات
 متحده لباس جدیدی طرح
 کرده اند که در آن آب
 جریان دارد این لباس بطور
 اتوماتیک حرارت پوست بدن
 را خنک خواهد کرد . پهلوستان
 و فضا نوردان این لباس را در
 زیر لباس پرواز خود خواهند
 پوشید و آزمایشات اولیه ای
 که از این لباس تبریر روی بدن
 فضا نوردان بعمل آمده نتایج
 بسیار رضایت بخشی داده است
 در طی این آزمایشات نقش
 تنظیم حرارتی پوست بواسطه
 جریان آب بخوبی انجام شده
 و شخص مورد آزمایش
 احساس راحت فراوانی را
 نموده است .

تعرض میگیرند قوماندان های بلوك
 ها بلوك های خویش را بصورت
 خارق العاده سوق و اداره می کنند
 و هم حرکت خویش را به صورت
 سریع دوام میدهند .

تولی پیاده موتر دار از وسایط خویش
 پایان شده اند و از آن فاصله میگیرند .
 فاصله زیاد شده میرود . در این وقت
 قوماندان تولى میخواهد شکل موجود
 را تغییر دهد . اما به نسبت اینکه
 قوماندانان بلوكها قبلاً از تصمیم
 قوماندان تولى خبر ندا شتند خیال
 نمودند که امر توقف را میدهند .
 بنام همه بلوك های خویش را توقف
 دادند . در این اثنا قوماندان تولى
 مجبور شد که قوماندان بلوكها
 را به نزد خویش بخواهد . باید گفت
 که خطا از همه اشخاص حتی از نابغه ها
 نیز سر میزند . اما برای اینکه تا
 حد اعظمی از اینطور اشتباهات
 جلوگیری گردد بر قوماندان است
 تا هر وضعیت را بیش از بیش به
 همراى قوماندان مادلون خویش حل
 و فصل نماید ورنه باعث عدم سوق و
 اداره شده بعضی به هجوم خواهد
 پرداخت و بعضی توقف خواهند نمود .
 بلوكها شکل نظام محاربه
 خویش را دانستند قوماندان تولى
 میخواهد هجوم به خط اصلی مدافعه
 دشمن را برای شان بداند و هم به
 چه ترتیب از موانع مابین که دشمن
 در پیشروی خط اصلی مدافعه خویش
 فرش نموده بگذرند و بعداً وظیفه
 هر بلوك را برای شان میداند خط
 اصلی مدافعه دشمن از نقطه بلندترین
 تپه های ۱/۱۴۳/۸۱۷۱ و ۱۳۶/۳
 میگردد و ضمناً در پیشروی خط اصلی
 مدافعه دشمن محلات مقاومت که
 از طرف آن خوب تجهیز گردیده
 با موضع های آتش برای سلاحها
 کشف گردیده (مراجعه به شمه)
 قوماندان تولى ششم پیاده موتر دار
 امر تعرض به استقامت موضع اصلی دشمن

نکته های آموزنده

تنگدستی نه تنها برای اندیشه است بلکه هنر نیز آموزگار خوبی است. (رومن رولان)

* * *

معاشرت بردانائی می افزاید ولی تنهائی مکتب نبوغ است. (گیبون)

* * *

دروغ گفتن به ضربه شمشیر ماند اگر جراحت آن درست شده نشان همچنان بماند.

درویشان را دست قدرت بسته است و توانگران را پای ارادت شکسته به نظرم حق شناسی بزرگترین ضعفی است که ممکن است کسی داشته باشد. (ناپلیون)

* * *

زندگی انسان آئینه ای است که می توان در آن درس های سودمندی را منعکس یافت.

موقعیت داشت تولى پنجم پیاده موتوردار دشمن که در تپه ۱۴۳،۴ بود از بین برده و آنرا اشغال نموده است که بدین ترتیب هم جوار چپ تولى ششم تولى پنجم پیاده موتوردار میباشد.

بعد از اینکه برای مشق و تمرین گروه های مختلف تولى پیش میرفتند قوماندانی تولى برای قوماندانان بلوک به نسبت ظهور واقعه جدید امر داد تا به پیشرفت خویش دوام نداده و بلکه آنرا بتأخیر بیاندازند به مقصد ازین هدف جدید به محاکمه وضعیت سیستم آتش جدید و طرق حمایه جزو تام از طرف سلاح های ثقیله لازم است قوماندانان برای قوماندانان بلوک های خویش توسط مخابره راپور ذیل راداد.

داد تولى ششم موفق شد تا فورنیا گراف *Voronya Grove* تپه راقم ۱۷۱/۸، محلات مسکون، خلمی *Kholmy* و لیکوف *Lykove* را اشغال نماید. و بعد تعرض خویش را به استقامت ملینو *Malinino* انکشاف بدهد.

الحال ما فعالیت هر بلوک را که به چه شکل توانستند اهداف خویش را اشغال نمایند یکایک بشما شرح میدهم هر بلوک به ترتیب ذیل به تعرض خویش دوام دادند.

بلوک دوم پیاده موتوردار که باتوپ ۵۷mm ضدتانک تقویه شده بود تعرض خویش را به استقامت تپه راقم ۱۷۱/۸، ۱۵۳/۳ دوام داده دشمن را در شمال صرت های تپه ۱۷۱/۸ از بین برده و موفق شد برای تپه قسمت شرقی اطراف خلمی را اشغال نماید و بعداً بلوک پیشرفت خویش را بدستقامت تپه ۱۸۹/۶ دوام داد.

بلوک اول پیاده موتوردار تعرض خویش را به استقامت ملایا گروف *Malaya Grove* و کوه ۳/۵ دوام داده و دشمن را در شمال غربی

صرت تپه ۱۷۱/۸ از بین برده و منطقه غرب ترین خلمی را که چندان اسم مشهور نداشت اشغال نماید و بعداً بلوک تعرض خویش را بصورت مستقیم به استقامت لک کوما *Lake Koma* دوام داد

بلوک سوم پیاده موتوردار که با ماشیندار تولى تقویه شده تعرض خویش را به استقامت صرت های شرقی تپه راقم ۱۷-۱۸ دوام داده و دشمن مدافعه کننده را از بین برده سرک را که از خلمی الی لوکوف امتداد داشت اشغال نموده و بعداً پیشرفت خویش را به استقامت شمال غربی کسنا ر لوسینا کروف *Losincy arove* دوام داد.

به جناح راست تولى پنجم پیاده موتوردار تولى ششم پیاده موتوردار

در پیشروی تعرض شما در جوار تپه راقم ۱۸۹،۶ چهار هدف دشمن و انمود شد و هم دشمن بصورت فعال جاهای اشغال شده خویش را بحال محلات مقاومت در آورده و خود را برای محاربه حاضر ساخته اند.

بدین مقصد تصمیم گرفتم تا یک بلوک تانک از مقام مافوق به مقصد تقویه یکی از بلوک های شما درخواست نموده و آنرا باشما یکجا به محاربه داخل نمایم تا پیشرفت تان به تأخیر نیافتد ابتدا آتش کثیف توسط تمام سلاح های دست داشته بالای دشمن صورت گرفته و بعداً بلوک ها بالای دشمن مدافعه کننده به هجوم بپردازند و بد ترتیب ذیل بلوک ها بالای دشمن هجوم خواهند کرد.

هر سه بلوک بهمراه بلوک تانک و وظیفه دارد که دشمن مدافعه کننده را محاصره و بعداً به هجوم بالای آن بپردازند بدین ترتیب که بلوک اول جبهه دشمن را تثبیت بلوک دوم و سوم با بلوک تانک که بلوک تانک به تقویه بلوک دوم داده شده از جناح چپ دشمن را احاطه و از بین ببرند.

بعد از این دادن امر قوماندانان تولى امر پیاده شدن افراد را از وسایط شان داده و به هر بلوک گفت تا به جاهای تعیین شده خویش رفته و به تعرضی بالای دشمن شروع نمایند بعد از این امر دشمن مدافعه کننده توسط سه بلوک پیاده و بلوک تانک محاصره شد و بالای دشمن مدافعه برای هجوم حاضر گردید. در وقتی که قوماندانان بلوک ها انتظار امر هجوم رامی کشیدند به مرحله سوم تطبیقات تولى رسیده بود درین وقت قوماندانان تولى قوماندانان بلوک های خویش را جمع نموده و به آن ها خاطر نشان ساخت و حالا تعرض شما بالای نقاط مقاومت دشمن بوده و برای از بین بردن این دشمن غیرت و شهامت افراد تان بکار است باید

هر يك از شما فرد فرد افراد خویش را كنترول نمائيد هجوم شما بايد از خاليگاهای بين دو محل مقاومت دشمن صورت گيرد بدین قسم كه همه بلوكها بايد به يك وقت معين از خاليگاهها بگذرند دشمن را احاطه و از بين ببرند وقتی كه تولى در عمق مدافعه دشمن پيشرفت ميكرد قوماندان تولى صورت آمدن افراد و وسايط تانك را مشاهده ميكرد.

بلوكها توانستند كه اشكال محاربوى خویش را به سرعت بگيرند و خود را به محلات مقاومت دشمن نزديك بسازند قوماندان تولى برای تانكها و وسايط توپچى ضد تانك 57mm وظیفه داد بالای اهداف كه در پيشروى تعرض تولى واقع اند و حر كات جزو تامه بار ايتاخير مى اندازد آتش نمايد مقصد از همه هدايات قوماندان تولى اين بود تا جزو تامهها بتوانند بطور آزادانه بدون اينكه به اشكال محاربوى شان تغيير وارد شود به طرف دشمن نزديك ميشوند بلوكها نتوانستند كه به استقامت خاليگاهای محلات مقاومت خود را برابر سازند بدین مقصد بود كه از طرف قوماندان تولى غلطی های شان گفته شد ايشان خود را به خاليگاهای محلات مقاومت برابر ساختند بعد از اينكه قوماندانان بلوكها غلطی های خویش را رفع كردند قوماندان تولى امر هجوم را داد، قوماندان تولى برای قوماندانان بلوكهای خویش خبر داد كه دشمن عقب نشینی می كند عقب نشینی وی بالای تبه ۱۸۹،۶ یعنی عقب محلات مقاومت آن میباشد.

اجراآت .

۱- بلوك اول پيشرفت خویش را به استقامت مدافعه دشمن به

لك كوما، كورك كروف دوام بدهد .
۲- بلوك دوم وسوم به كنار غربی بوسینا كروف نزديك شوند و دشمن را به صورت تعرض احاطوى از بين ببرند ، بلوكها بعد از مخايره شفرة ۵۵۵ به هجوم پرداختند ده دقیقه بعد از امر هجوم اهداف خویش را اشغال كردند .
بلوكها توانستند كه وظیفه محوله خویش را بعد از دادن امر قوماندان تولى بطور ماهرانه اجرا نمایند هجوم شان به سرعت بالای دشمن مدافعه كنده صورت گرفت افراد بدون نشاندا دن كدام خستگی بطور جسورانه بطرف دشمن پيش رفتند .

افكار چار و دانه

بزرگترین عمل غیر اخلاقی اینست كه انسان انجام شغلی كه در آن وارد نیست بر عهده خود بگیرد
* * *
بهترین وسیله برای زنده كردن خاطرات كار های خوب ، تجدید آنهاست . (فرانسيس بيكن)
* * *
علم بدون تكامل اخلاقی خطرناك و نابود كننده است .
(شامويل جانسن)
* * *
تجربه بهترین درس است ، هر چند كه حق التدریس آن گران باشد .
(كارلايل)

توپچى ضد تانك ۷۵ میلی و تانكها نیز توانستند اهداف خویش را به خوبی تحت تأثیر بگیرند و آنرا محو نمایند .
تمام فعالیت جز و تامها قابل تمجید است .

بعد از بین رفتن دشمن در مناطق فوق الذکر قسمت سوم مسأله ختم و قسمت چهارم آن شروع گردید .
قوماندان بعد از اجرای این وظیفه وظیفه جدید را برای بلوكهای خویش كه تعرض به مالمینو بود داد و ضمناً خاطر نشان ساخت كه قوای حمایه از طرف شمال شرقی كنار مالمینو به شما خواهد رسید و آن عبارت از تولى تانك است، تعرض متقابل دشمن از دالتهی و وت كه قوت آن دو تولى پیاده و تانك وانمود گردید صورت خواهد گرفت .

بزود ترین فرصت قوماندان تولى محاکمه كرده و برای هر بلوك خویش وظایف جداگانه كه عبارت از تعرض بلوكها به كنار راست محلات مسكون مالمینو بود داد، همه جزو تامها موفق بر این شدند تا تعرض متقابل دشمن مدافعه كنده را از بین برده و بعداً توسط هجوم شدید تماماً جزو تامهای دشمن را از بین ببرند قوماندان تولى برای اینكه آتش حمایه جزو تامها قطعات خودش را در موضع های مدافعه دشمن متضرر نسازد امر توقف آنرا داد زیرا مشاهده ميكرد كه جزو تامهای آن به آتش سلاح خودش نزديك می شوند، بعداً توسط بی سیم برای قوماندان خبر داده شد كه دشمن كاملاً از بین رفته، قوماندان امر توقف حر كت ايشان را داد .

بدین ترتیب تطبیقات تكتیكى به پایان رسید .

واحدیات معاصر قسمت چہار دہم

<p>کنوانسیون، کنوانسیونالیسم <u>Conventionalisme - Convention</u> نام مجالس فوق العادہ ایست کہ قدرت مستقلہ حاکمہ بدان دادہ میشود برای ایجاد تغییرات مهم در قانون اساسی، مجلسی کہ بفواصل غیر منظم برای تجدید نظر در قانون اساسی و پیشنہاد آن بہ انتخاب کنندگان تشکیل میشود و تقریباً میتوانیم آن را با اصطلاح ما (لریہ جرگہ) بگوئیم؛</p>	<p>کو دتا <u>Coup-d'etat</u>: تغییر رژیم ناگہانی و سقوط دولتی بوسیلہ عدہ بی برای دست گرفتن حکومت.</p>	<p>کینیک <u>Cognac</u>: نوعی نوشابہ الکلی.</p>
<p>کیک <u>Cake</u> نوعی شیرینی مخصوص کیلو <u>Kilo</u>: ہزار .</p>	<p>کور <u>Choeur</u>: گروہ آوازہ خوازان، ہمسرایان.</p>	<p>کینین <u>Quinine</u>: گنہ گنہ، کینین کوارتز <u>Quartz</u> سنگی باور مانند کہ از شیشہ سخت تر و چون الماس برندہ است .</p>
<p>کیلو گرام <u>Kilogramme</u> ہزار گرام</p>	<p>کوران <u>Courant</u>: ساری، جریان ہوا، جاری .</p>	<p>کو ایتیسیم <u>Quietisme</u>: مسالک بردباری و صبر و تحمل، ترک نفس و درویشی .</p>
<p>کیلومتر <u>Kilometre</u> ہزار متر</p>	<p>کورس <u>Course</u>: مسابقہ، پیشی گرفتن، دویدن .</p>	<p>کوپک <u>Kopeck</u>: پول خرد رایج در روسیہ.</p>
<p>کیوسک <u>Kiosque</u> فرو شگاہ</p>	<p>کوکا <u>Coca</u> درختی است کہ در امریکای جنوبی میروید.</p>	<p>کوپون <u>Coupon</u>: ورقہ بہادارہ یک از قطعہات اوراق بہادار را گویند و مانیز آن را بعین نام (کوپون) یاد می کنند .</p>
<p>و دکان کوچکی کہ در بازار ہا و جادہ ایار ہگذرہای عمومی بسازند</p>	<p>کوکائین <u>Colaine</u> مادہ بی بخدر کہ از برگ درخت (کوکا) گرفتہ میشود .</p>	<p>کوپہ <u>Coupe</u>: ہر اطاقی از قطار مسافر بری، نوعی گادی .</p>
<p>گالوانومتر <u>Galvanometre</u> دستگاهی کہ بوسیلہ آن شدت جریان الکتریسیتہ را اندازہ گیری می کنند</p>	<p>کولتور <u>Culture</u>: فرهنگ .</p>	<p>کودئین <u>Codeine</u>: مادہ بی کہ از تریاک گرفتہ میشود .</p>
<p>گامت <u>Gamete</u> سلول تولید مثل یا سلول تناسلی .</p>	<p>کولکتیویسم <u>Collectivisme</u> شیوہ اقتصادی یا عقیدہ ایست کہ سعی دارد جامعہ را بوسیلہ مساعی گروہی باہمکاری اداره نماید .</p>	
<p>گرافیت <u>Graphite</u> زغال لسی کہ از آن قلم پینسل و مداد جور می کنند .</p>	<p>کورتور <u>Couverture</u> پشتوانہ وثیقہ، سقف و پوش</p>	
<p>گراور <u>Gravure</u> گراور عبارتست از یک تکہ سرب یا پلاستیک کہ بوسیلہ عکاسی و مواد کیمیاوی تصویر یا خطوطی بر روی آن حک شدہ باشد.</p>		
<p>گراور را برای چاپ تصاویر سادہ و رنگی از روی تصاویر مورد نظر میسازند.</p>		

زبان لاتین از حروف اول «سن ژان»
استفاده میشود که همان :
Do-Re-Mi-Fa-Sol-La-Si-Do
باشد.

این ترتیب در فرانسه و سایر
کشورها معمول است لیکن در آلمان
و انگلیس مانند یونان قدیم از حروف
الفبا برای تعیین نت ها استفاده
میکند . گام بردو قسم است گام
بزرگ که (ماژور) خوانده میشود
و گام کوچک که به (مینور)
موسوم است .

گراسه **Grosse** : قرصه ،
دوازده درج ، ۱۴۴ عدد .

گرافومتر **Graphometre** :
زاویه یاب ، آله پیدا کننده زاویه .
گرافیک **Graphique** : نمایش
چیزی بوسیله نوشتن یا خط .

گرامافون **Gramophone** :
دستگاهی که بوسیله آن صدایی را
که قبلاً در صفحه یا ریکات ضبط
شده ، پخش میکند
گرامر **Grammaire** : دستور
زبان .

گرانده **Grand** : بزرگ .
گروپ **Groupe** : دسته گروه .

گریپ **Grippe** بیماری که
بوسیله سرماخوردگی ایجاد میشود ،
زکام . این مرض عفونی و مسریست
و گریب خطرناک موسوم به
آنفلوئنزا است که هر چند وقت
در چند مملکت پیدا میشود .

گریس **Graisse** : روغن چربی .
گریم **Grime** : آرایش کردن
هنر پیشگان سینما و تئاتر برای تغییر
شکل ، آرایش صورت بازیگران به
نحوی که کاملاً به تیپ مورد نظر
در آیند .

گریمور **Grimur** : آرایشگر ،
کسیکه هنر پیشگان سینما یا تئاتر را
بوسیله آرایش تغییر شکل میدهد .

گازولین **Gazoline** : مایعی
قابل احتراق که از نفت گرفته میشود .

گال **Gale** : نوعی بیماری
جادوی ، جرب .

گالری **Galerie** : راهرو ،
سرسرا ، دالان .

گالش **Gmloche** : نوعی
کشف لاستیکی که ما آن را (کلوش)
می گوئیم .

گالن **Gallone** : یا (گیلن)
مقیاس سنجش مایعات معادل به سه
لیتر و اندکی بیش .

گام **Gamme** : هفت صوت
متوالی که بطور طبیعی در فواصل
معین قرار گیرد در موسیقی گام
نامیده میشود هر یک از این اصوات
هفت گانه را با یک نت مشخص
میکند . برای نامگذاری نت ها در

در زمان ما برای چاپ روزنامه
مجله و کتب مصور گراور
و گراور سازی اهمیت فراوان دارد
گرو **Greve** : بمعنی دست از
کار کشیدن و اعتصاب بعنوان
اعتراض است .

گاباردین **Gabardine** :
نوعی پارچه ضخیم لباسی .
گار **Gare** : ایستگاه ، ایستگاه
راه آهن .

گاراژ **Garage** : محل وجای
اتوموبیل عمومی یا خصوصی . توقفگاه
و یا آسیانه اتوموبیل .

گارد **Garde** : نگهبانان ،
محافظین ، عده یی افراد عسکری
که جنبه تشریفاتی دارند . مانند
گاردشاهی و بمعنی اول گارد گمرک .
گاردن پارتی **Garden-party** :

جشن و تفریحی که در باغ بزرگی
دایر کنند ، تفریحات عمومی با
وسایل متنوع که در باغهای بزرگ
و پارکها برپا کنند ، بخت آزمائی ،
قمار ، مسابقات سرگرم کننده
برای کودکان

گارسن **Garcon** : پسر ،
پیشخدمت هتل و مهمانخانه .

گارسه **Garce** : مأخوذ از
کلمه روسی (کاساسا) بمعنای
جمعه بزرگ با خانه های متعدد در
مطابق که در آنها حروف سربی قرار
دارد ، محفظه ی حروف سربی در
چاپخانه ها .

گارمن **Garmon** : مأخوذ از
« گامونیکا » ی روسی ، آلت موسیقی
دستی که با باد کار می کند و شبیه
اکوردئون است .

گاز **Gaz** : نوعی تور ظریف
و نازک .

گاز **Gaze** : بخار ، بخاری
که در حال تبخیر از ماده ای برخیزد .

افکار نغز

سعادت زائیده خلق و
طرز فکر ماست و چون هیچکس
نمیتواند بر خلق و فکر خود
مسلط باشد سعادت کامل
میسر نمیشود .

* * *

آنها تیکه فکر میکنند ،
کم حرف میزنند و آنها تیکه
زیاد حرف میزنند کم فکر
میکند .

* * *

پند و نصیحت ، داروئی
است که اگر بموقع بکار
برده شود اثر معلومی میبخشد .

* * *

آموزگار هوشمند ، باید
بیش از آنچه ب دیگران می آموزد
هر روز بر دانش خود بیفزاید .

گلابول Glaieul: نوعی گل که برگهای بلندی دارد و گل‌های شاخه‌یی آن برنگ سفید و قرمز میباشد، گلابول بوسیله پیاز میروید.

گلوبول Globule: گویچه‌های کوچک و ذره بینی درخون که بر دو قسمند گلوبولهای سفید و گلوبولهای سرخ. این گلوبولها جمعاً چهاردهم حصه خون را شامل میباشند، سلولهای موجود درخون.

گلف Golf: نوعی بازی ورزشی با گوی و چوگان.

گلوکوز Glucose: ماده‌یی قندی که بحالت طبیعی در بعضی از میوه‌ها وجود دارد.

گیتار Guitare: نام ساز نیست که شش سیم دارد و از جمله خوش آهنگ ترین سازهاست گیتار را با مضراب وانگشت می‌نوازند.

گرک Gerek: روسیهای قدیم یونانی‌ها را بواسطه قرب یکی از طوایف آنها بنام گرک، گرک نام نهاده اند و امروز هم اروپائینها بایشان گرک میگویند کشور یونان در انتهای شبه جزیره بالکان قرار دارد. در قدیم بیونان پلاس، میگفته‌اند و مردمان آن سر زمین را هیلن سینامیده‌اند.

گیلد سوسیالیسم

Guild Socialisme: بمعنی سوسیالیسم صنفی است.

در این نوع سوسیالیسم اعتقاد بر اینست که عقیده‌ها و ارزش را بطور مشترک، جامعه تعیین مینماید نه افراد. هر موسسه که دارای

اموال شخصی و مالکیت است باید با میزان سود جوئی و مفید بودن اجتماعی آن سنجیده شده یعنی (اوتیلیته) آن ملاک تعیین ارزش آنست.

گوبی نیسم Gobinisme

ژوزف گوبینو متولد ۱۸۱۶ و متوفی در ۱۷۸۲ عیسوی سیاستمدار، شرق شناس و عالم اجتماعی فرانسوی بود که در کتاب موسوم به «عدم تساوی نژاد انسان» تئوری مخصوصی وضع کرد که به (گوبی نیسم) مشهور شد گوبینو در تئوری خود مدعیست: «آریانهائی که دارای موی خرمائی و پیشانی بلند هستند بر دیگر نژاد های انسانی تفوق دارند».

تئوری گوبینو در وجود آمدن (فاشیسم) موثر بود.

گالیا Gaule

به دو ناحیه گالیانام داده بودند یکی مغرب کوه آلپ و دیگری مشرق آلپ، زیرا بیشتر سکنه این نواحی از نژاد «گل» یا گالی بودند.

گیشه Guichet

گیشه بمعنی باجه یا غرفه، محل فروش بلیط و تکت سینما و تاتر، در بانگها و موسسات تجارتنی و دولتی به محل هائی که چک یا برات یا حواله میسپارند، همچنین اوراق خود را برای تکمیل معیزی و بجزریان انداختن تحویل میدهند و رویه مرفته اتاقی که متصدی مربوطه از یک دریچه کوچک بامتقاضی تماس حاصل میکنند.

گیوتین Gutin: گیوتین که سد نها در اروپا وسیله اعدام محکومین بود در آوان انقلاب کبیر فرانسه بوسیله شخصی بنام گیوتین اختراع شد، اختراع کننده این دستگاه را ابتدا بعنوان یکوسیله قتاله نساخته بود، بلکه اختراع او جنبه تفریحی داشت و دوستانش بدستگاه اختراعی او (ما دمازل گیوتین) سی گفتند بالاخره این دستگاه وسیله از بین بردن مخالفین انقلاب و حتی بیشتر رجال انقلاب کبیر فرانسه شد. با همین دستگاه (ماری انتوانت) را اعدام کردند. ساختمان گیوتین عبارت بود از تیغه ای که عمودی بر یک محور فرود می‌آید و سر محکوم را بلا فاصله از تن جدا میسازد. بکسانیکه با این دستگاه اعدام میشدند در فرانسه (گیوتینه) میگفتند. نکته جالبی که قابل تذکر است اینکه شخص بناغلی گیوتین، مخترع دستگاه بوسیله دستگاه اختراعی خویش بعنوان مخالف انقلاب معدوم گردید.

گلیسرین Glycerine

غلیظ که بحالت ترکیب در بعضی مواد حیوانی و نباتی وجود دارد. گوتر **Goitre**: تیروئید.

گالینگور Galingeure

کاغذ مشعائی بادوامیست که بالوان مختلف درست می کنند و در تجلید کتب از آن استفاده میشود. گیله **Gulleme**: قلاب، علامتی بشکل دو قلاب درهم « که در نوشتن جملات با کلمات مخصوصی را برای مشخص بودن مابین آن قرار میدهند.

افکار یک

دانشمند

بزرگ

بین کسانی که با شوق و حراست میخوانند کتابی را مطالعه کنند، یا کسی که میخواند خستگی خود را با کتاب بر طرف سازد، تفاوت بسیار است. قلبی داشته باش که هرگز سختی سنگ را بخود نگیرد و احساسی داشته باش که هرگز آزار دهنده نباشد. ما با گذشت زمان تغییر میکنیم، زمان وظیفه خود را شرافتمندانه انجام میدهد. (چارلز دیکنز)

فعالیت در پیرا مون زندگی

شاکره عظیمی

دقایق همچو کشتی بی باد بان
روی امواج فنا پذیر و خاموش
اقیانوس زندگی در گذرند می گذرند
و جز خاطره بیاد نمیگذارند، می گذرند
و نقشی آرامی به ساحل رویائی خاطرات
از آن امواج سوب انگیز به جا
می گذارند .

لحظات همانند پرستوی بی بال
ویر در مرز خموشی هاپناه می برد
و در سیر تدریجی خویش برای بشر
صحنه های عجیبی ارمان می آورد .
این زود گذری های زمان این
امواج سبکسرو و پرندگان تیز پرواز
در حقیقت شالوده قرنهای زندگی را
بنیان می گذارند ، زندگی که جز
فعالیت و حقیقت جوئی ذره بکار ندارد
زندگی که همواره تکابوی ، راد
مردان فدا کار و باسنجش را آرزو مند
است و بالاخره حیاتیکه صحنه های
خویشرا آنچنان می آراید که جز
شبهات و از خود گذری در قاموسش
مفهوم دیگر ندارد .

مادر سرای بی پنهانی عالم هستی
مشغول بسر رسانیدن یکدوره حیات
استیم ، دوره ای که هر چه دیدیم
می گذرد و هر چه خواستیم بجامیشود
اما چسان ؟

مسئولیت ما در مقابل اجتماع
، روز و نسل های بعدی باید حقیقت
زندگی را بر ما بر ملا سازد
با وجودیکه آنقدرها مجمل نیست اما
همه در مقابل افراد اجتماع خویش
مسئولیت های احساس می کنیم .

باید وجود خویشرا آنچنان بی آرائیم
که سر نوشت توده های بعدی را میزبان
فعالیت ها و جستجو های ما بتواند
تعین کند .

زندگی را مفهوم ساده نیست که
بتوان بران خود سرانه اتکاء کرد
و بعد از اندک طپیدن از آن روگردانید
و خویشترا کامگار دانست . زندگی
آنزمان تکامل یافته و مفهوم حقیقی
خود را ارائه می کند ، که زندگان
برای تکامل آن جدیت بخرج دهند
و معنی حقیقی آنرا از خلال زحمات
بی شائبه خود آشکارا سازند .

طپیدن ما درین عرصه بی انتها
باید آنچنان باشد تا بتواند خاطری
را آرام سازد .

امروز اگر خاطری رنج می برد
و یا اندیشه دیوانه وار آرامش جسته
وجود آرامی تمنا دارد نباید برآن
ساده و بی توجه نگرست لازم نیست
بی تفکر قلبی را که در ورطه هلاکت
بار نیستی و در سر زمین فقر آلود
نابسامانی بی خودانه می طپد را کنیم
آنچه مشاهده می کنیم باید بدانیم
که نتیجه بی خیالی های شخص
است که رموز حیات را آنچنان که
شایسته بوده درک ننموده و نخواسته
اندکی از آن چشمه سار جاودان که
برای ابد زنده اش میدارد نوش
کند یعنی هرگز خود را به مشکلات
زندگی آشنا ساخته و پیروز ندیده
است .

با وجود آنهم باید پند گرفت و

در حالیکه به پیوند آن شکستگی های
انگیزه چهل می پردا زیم خود لیز
رمزی بیاموزیم و یکوشیم حیات
افتخار آمیز خود را توسط تکابو در
عقب حقایق جاودان ما نیم .

امروز می توان عظیمترین
سدها را توسط کار و زحمت با توده
های پهن خاک یکسان ساخت و جمعیت
های امروز قادر استند با عرق ریزی
های خود به هزاران امر صعب رخنه
از سهولت افکند و تصمیم قطعی خود را
باشجاعت برای دشواری های بیشتر
استحکام بخشند .

توده ها ، امروز با افتخار کامل
حاضر استند ، در زیر اشعه سوزان
آفتاب در لابلای هزاران ناگواری های
طبیعت قلب کهنساران را بشکافند
و مقصود خویشرا از مسخره های
بزرگ بدست آرند در سراسیم خار
آلود و فضای مملو از خاک و گرد
بشر توانسته از فقر آبهابا وجود خطر
هزاران بلا التهاب خویشرا از برای
بدست آوردن مقصود فرو بشنازند
توده های که امروز در اوج افتخارات
شرافتمندانه زندگی دارند ، همه این
مسرت هارامرون حوصله افزائی ما
و زحمات خویشتن می دانند .

درست چشمه سار زلال زندگی
را با وجودیکه فرجام فنا پذیر پیشروی
است ، می توان توسط اندیشه های
پاک ، باطن نیکو و امور خیر خواهانه
رنگی از آسمان جاودان بخشید .

بلی ! ما میتوانیم گوهر راستین
خود را توسط فعالیت در پیرامون
زندگی هویدا سازیم .

اقتصاد تر میلاده د تاریخ په اوز دوکی

دا ښکاره خبره ده چه دلومړی محل دپاره انسان د نړۍ په مخ قدم کښیږدی نو دهغې کړۍ ته اقتصاد او تاریخ ورسره ملگرې وې، ځکه اقتصاد د انساني ژوندوسیلې برابرې او تاریخ د انساني ژوند په هره دوره نخبه او علامه ږدي .

ډیر خلک پدی فکر کښی دی چه اقتصادی مفکوری د ټولنی وظیفه ده او باید د ټولنی له خوا عملی شی خوداسی نه ده کله چه لویې ټولنی منځ ته راغلی نو اساس یې دفر دنه شروع او په ټولنه پای ته ورسید . همدارنگه اقتصاد هم د فرد نه شروع او په ټولنه ختمیږی که چیرته فرد په خپل مفکوره کښی د اقتصاد خیال و نه ساتی او ددی مسئولیت نه بحان بری و گڼی او د اجتماعی گڼی پرغای فردی گڼه ښه و گڼه شی نو هیڅکله په داسی ټولنو کښی اقتصاد منځ ته نشی راتلای او د تل دپاره به وروسته پاتی وې ، پدی مقاله کښی به د اقتصاد مختلفې دوری اود هغی اغیزه گرانولوستونکو ته وړاندی کیری .

اقتصاد ته په اروپائی ژبو کښی (Economie) ایکو نومی وایې چه دا لغت دیونانی ژبی محصول دی

د اقتصاد کلمه چه زمونږ په هیواد کښی مروج ده د عربی ژبی لغت دی چه په پښتو ورته د کور سمبالول (تدبیر منزل) ویل کیری .

د انسان د ژوندانه څپرونکی او تاریخ پوهان اقتصادی دوری په دوو مهمو برخو ویشی چه لومړی دور یې مخکښی له تاریخ نه او دوهمه یې وروسته له تاریخ نه .

۱- مخکښی له تاریخ نه د پوهانو په عقیده احتمالی (۵۰۰ زره کاله) وړاندی یعنی د انسان د پیدائښت نه تر پیدا کیدو د لیک پوری .

۲- تاریخی دوری د لیک د پیدائښت نه تر نن پوری .

مخکی له تاریخ نه : انسان وروستی مخلوق دی چه د مخکی په سر پیدا شو اولومړنی مخلوق دی چه دخپل فکر او مغزوله برکته پر طبیعت غالب شو او خپل د ژوند دوری یې په ډول ډول بریالیو بوڼو سره نخبه کړی ژوند څپرونکی پوهان وایې چه پخوانی و کړی د کوچنی بحان خاوندان وو په گڼو لنډو تیارو څنگلو کښی ژوند کاوه ، د نوویځونه او پانی د مرغیو جگنی او د حیواناتو اوسنی غوښی یې خورلی چه تردی وخته اقتصاد طبعی

شکل درلود ځکه د نوویځونه ، پانی د مرغیو هگنی او نور حیوانات طبعاً په څنگلو کښی پورو ، دانسانانو اړتیاوی یې پوره کولی ، طبعی پښو لکه سره هوا ، واورې او لوړی انسان په فکر کړ او ددی پښونه دخلاصون په هڅه کی شو ، د پوستکی اغوستل او په سمخو کښی کښی نامتل منځ ته راغلل ، او ر چه دهغه وخت انسان ورته وحشی دښمن ویل کشف شو او لومړی یې چه د احترام سر انسان ته ټیټ کړ او د تابعیت غاړه یې کښوده همدا اوروه انسان اورته په ډیر عزت او درناوی کتل ځکه چه سره هوا او واورې سره یې کلکه مچا دله کوله ، له همدی بحایه د انسان مینه او علاقه داور سره پیدا شوه ، څرنگه چه انسانی فکرونو او پوهی نظر پخوا ته پراختیا موندلی وه نو د اقتصاد او زیرمی لومړنی بنسټ کښیږد شو .

ډیرین کالی اولوښی منځ ته راغلل انسان ته خپل بحان نظر نورو مخلوقاتو ته مقتدر ښکاره شو ورو ورو اقتصادی دوری په لاندی ډول شروع شوی .

۱- د ښکار دوره : انسانان په ښکار مشغول شو خو بیا هم پدی ډول

اقتصاد کی انسانانو ونشو کپړای چه یواځی ژوند و کړی دغذا او خوراک دلاس ته راوړو دپاره یو دبل مرستی او کمک ته اړشو او دټولنی لومړی ډبره کښیښودنوه چه دکور او کډول ژوند دکیلان (عشره) په ډول وگړیو چه په دغه دوره کښی دکارویش په جنسی توگه وړاندی نه نارینه ښکار ته تلل او ښځی ددانو په ټولولو او خوراک پخولو بوختی وی .

۲- دښوونوب دوره: ۱۲۰۰زرونه ترشپو زره کاله مخکښی دمیلا دنه انسان په دی بریالی شو چه ژوی کورنی کړی همداهو چه په انسانی ژوند کی نظر دښکار دوری ته یولوی اقتصادی پرمخ تگ منځ ته راغی چه دی کشف له یوی خوانه (Barter) منځ ته راوسته او نه بلی خوانه اجتماعی ژوند دکیلان نه په قبیلوی ژوند بدل شو د حیواناتو د وړیو پوستکو شیدو او غوښو نه په Barter کی کار اخستل کیده اسباب او سامان لکه ډیری دامونه ، اړه کی لندی او غشی منځ ته راغلل او قبایل دنوو محایو دلاس ته راوستو دپاره و خو مجیدل .

۳- کرهنه : دکرهنی په کشف سره دبدمرغی دوری پای ته رسیدل و دکور جوړولو صنعت او تبادلہ زیاته شوه نباتات وروزل شو، غلی دانی ډیری شوی ، درمی ، ککلی ، ورشو غرنجای او مخکی حس پیدا شو چه دی کار لوی جنگونه او جگړی منځ ته راوستی چه په نتیجه کی مریو نه او باداران منځ ته راغلل مریانو او جنگی بند یانو به دقبیلو د مشرانو اوسپن دربو تر نظر لاندی کار کاوه چه پدی وخت لاسی صنایعو پراختیا وموندله ، تولیداتو دثروت دلاسته راوستلو دپاره مرسته کوله مریتوب یواځی دبتدیانو په غاړه

نه بلکه هغه بزگران چه خپل ورینی ونشو ادا کولای نو خپل اولاد یا خپل محان یی په مرئتوب وړ کاو چه دی چارو دفلز په دوره کی نوره هم ترقی وکړه .

۴- دا طبعی ده اقتصادی سیستمونه چه یو پر بل پسې راخی ، نو کله چه لومړنی سیستم دخپل دریزو وروستی لوی لوی پوری ته ونه رسیدی تر هغی بل سیستم منځ ته راخی یعنی وروستی سیستم د لومړنی سیستم څخه زبیری او منځ ته راخی او کله چه دا کار کبیری په سلونو کلونو خپل پراووهی او تیریری همدارنگه کرهنه دی موجب شوه چه دفلز دوره منځ ته راوړی .

۵- فلز : شیرزره کاله وړاندی دمیلا دنه ، لومړنی فلز چه کشف شو او انسان وړخنی اسباب او سامان جوړ کړ مس و ، هغه سپین اسباب او سامان چه دختمیز سویز رلند له

و چیرې دوا

کسانیکه با امکا ر عالی و خوب دمسازند هرگز تنها و بی مونس نیستند .
(فلیب سیدنی)

* * *

بگذارید دیگران هر راهی رامیخواهند پیش بگیرند و اما من ، یا آزادی می خواهم و با مرگ را . (پاتریک ها نری)

* * *

بهترین موقع برای تربیت ایام جوانی است . (لاک)

* * *

ایده ها سرمایه ای هستند که فقط وقتی در دست افراد با قریحه و نبوغ می افتد ، مقید واقع میشوند . (بالزاک)

دریاچه نی کورو څخه دلاس راغلی دی نیته ئی شیرزره کاله دمخه د میلا دنه رسیدی ، په لومړی مرحله کښی غرنجکه چه مس یو پوست فلزوه - نو زره پوری سامان تری نشو جوړید لای خو کله چه قلعی کشف شوه اود مسوسره مخلوط شوه نو وروسته نه هغی تری سامان جوړشو چه په همدی وخت کی سپین اوسره زرهم منځ ته راغلل .

۵- داوسپنی دوره: تقریباً څلور زره کاله مخکښی دمیلا دنه انسانانو پخپل بی ساری کوبښن سره اوسپنه په سولخوونکی اوسره پدډیرتاواو حرارت د ډبری له زړه نه وویستله اود ټولنو په ژوند کښی یو نوی دوره پراختل شوه ، چه دهغی وخت نه تر اوسه پوری داوسپنی اهمیت وړخ په وړخ منځ په ډبرید و دی داوسپنی ویلی کولو متعددی دولتونه دمحکمې په سر جوړل کړل ، ټولنو دنظام دپاره قاعدی او قوانین دود اودستور وضع کړل .

پدی وخت کی مخکی له تاریخه دوری پای ته ورسیدی او تاریخی دوری پیل شوی ، انسان دتمدن او تکامل په لور لومړی گامونه اوچت کړل .

تاریخی دوری:

دلیک دپیدا ایمنت یعنی (۳۳۰۰) کاله مخکی دمیلا دنه تر نن پوری دا دوره نظر په لویو پیښو سره چه اجتماعی تحولات پکښی منځ ته راغلی دی په ډول ډول دورو ویشل کیږی .

۱- لومړنی پیری : دلیک دپیدا ایمنت نه (۳۳۰۰) کاله مخکښی دمیلا دنه ترویش دروم ۲۳۹۵ کال پوری هغه لیک چه پورته ذکر شو (Hiroglief) حیر و گلف یعنی سپیڅلی لیکنه وه چه کاهنا نورونه کار اخسته ، نورنو تصویر ی لیک

چه د لوستونکي په تعبير او تفسير سره ئي تغيير کاوه له منځه تللي وو او يو مرتب ليک چه ۲۴ صوتي حروف ئي درلودل منځ ته راغلي وه، هر وگليف په ۱۸۲۳ کال کي کله چه ناپليون له فرانسې نه مصر ته راغي کشف شو او دهغي په رمز خلك پوه شول، د صوتي ليک کشف د مصريانو لوی او نه هيريدونکي خدمت دی چه دهغي په واسطه ئي خبري او حال راتلونکي نسل ته پرايښ دی، دهمدی ليک برکت دی چه ننني انسان پنځه زره کاله دمخه دانسان د ژوندانه څخه پوره معلومات لري او په سلونو زره کاله دوری دی چه انسان د هغه نه د معلومات کوم سند په لاس کي نه لري مصري انسانانو د کړکي په قلم او سیاهي د پاپيروس په پانو ليکل اویا په یسی د اهرام په ډبرو کښل .

(۳۲۰۰) کاله مخکي دمیلادنه سومیریانو د لیک دایکلو د پاره یوه بله لاره زده کړه، چه په سیخی لیک سره به یسی په خښتولیکل او هغه خښتی وه یی په اور کي بخولي چه ددی لیک مهم تاریخي آثار هغه قانون نامه ده چه د (هامورابی) په لاس (۲۰۰۰) کاله مخکښی دمیلاد نه ټوله اوجمع شوی ده .

اوس به دهیر وگليف خو نمونې چه دهغه عصر د خلکو اخلاقي او معنوی پوهه، ښکاره کوی منلو لوستونکو ته وړاندی کړم .

- ۱- پخپلی پوهی مه غره کیره .
 - ۲- دناپوه سره دومره مشورت کاوه لکه د پوه سره .
 - ۳- محان دتش لاسوداوت نه ساته .
 - ۴- یی نوایانو سره په زیرمه لجه .
 - ۵- یوه لویشت ځمکه چه خدای در کړی ده دهغه ملک نه ډیره ښه ده چه په فریب یی لاس ته راوړی .
- پدی وخت کي مصریان نظر

ژوندانه ته د مرگ په معما ډیر مشغول وو لدی کبله د مصر لوی احرام دهغوی د تمدن نښه ده چه دغه تمدن دری زره کاله پیوسته تاریخ لری دارسطو د تمدن نه چه په اروپا کي اوس هم جاری دی ډیر پراخ او اوږد دی مصریان د مرگ نه بیریدل نو خپل پری یسی مو سیایي کول چه خاوری نشی دلته د لیک د پیدائښت سره، سره خټکری د ښیښه یی لویښو جوړول او دعغی کمیاء صنعت ډیر شو د تیل د سندله پر کته کرهڼه زیاته شوه تجارت وړاندی ولاړ چه د سومیری د مدنیت دوره شروع شوه ددی مدنیت بنسټ د دجلی او فرات په منځ کي ایښود شوی وو هغه کورونه چه د ځمکي د کینلو په واسطه د فرات د سند کښتني برخي (اور) کي دخاورو لاندی ښکاره شوی دی لڼه یزی (قوسی) دروازی او کښدی چتونه لری چه لدی کورونو څخه مسین او د سرو زرو لوی لاس ته راغلی چه د کښل شوی لیکونه لری هغه د سپینو زرو او سرو زرو کانی او د عقیقو لاجوردو ډبري چه لاس

ته راغلی د سومیریانو تمدن ننني انسان نه ښکاره کوی .
 په بهرین کي کرهڼه او صنعت پراخ شو د لومړی لځل د پاره **Barter** سیستم په نقدی بدل شو مسین او سره زر نظر په خپل وزن سره د مبادلی وسیله وگرزیدل .
 دوه زره کاله مخکښی دمیلاد مخنی په بابل کښی مالی معاملاتو جریان درلوده ، کږدت ۲۰٪ کښی سره روان وه سوداگرو صنفونه تشکیل کړی وو د کار ویش پرمخ تللی وه د صنعتگرا نو په گروپ کي ښستو تارونو د او بدلو جولاگان موجود وو ، او په بل گروپ کي داکترانو کار کاوه داکترانو په نړیو پرنجی آلتو سره دسترگو د پردو عملیات اجرا کول کله به چه دناروغ سترگی دداکتر د عملیات لاندی ضرر و سوند د قانون سره سم داکتر ته سترگه په سترگه غاښی په غاښ غوړ په غوړ جزا ور کوله کیده .
 ۱۷۰۰ کاله مخکښی دمیلاد نه (Hammwraleie) ها مورابی

ماشینهای الکترونیکی در خدمت فوتبال

برای اولین بار در تاریخ فوتبال بریتانیا ماشین الکترونیکی بخدمت ورزش فوتبال درآمد. این ماشین الکترونیکی ۹۲ کلوپ فوتبال انگلستان را به چهار گروه تقسیم کرده است و در مدتی کمتر از دو دقیقه میتواند تمام اطلاعات لازم همچنین لست بازی کنندگان تبم فوتبال هر کلوپ را در اختیار علاقمندان قرار بدهد .

هم اکنون ماشین الکترونیکی مزبور در مجمع فوتبال بریتانیا شروع بکار کرده و اثر آن بنحو بسیار مؤثری در امور مربوطه بچشم میخورد .

دبابل دخلكو دژوندانه كړد كليات او جزيات برابر كړل ، په خيټو په مخي ليك ليكل ددوي داد بياتو برجسته نمونه ښكاره كوي .

سامي اسوريان د بابلانو برخلاف وو داوردو جنگونو په واسطه نې دهغوي اقتصاد ضعيف كړ ۲۰۰۰ كاله مخكي دمیلاد نه يهوديان چه شپانه خلك وو د بابل نه وشړل شو مصر ته ولاړل ، هلته نې د مريټوب كارونه اجرا كول وروسته له هغې د حضرت موسي (ع) په مشري فلسطين ته راغلل او خپل لومړي حكومت يې د حضرت داؤد (ع) په مشرتوب (۱۰۰۰) نه تر (۹۰۰) كاله مخكي دمیلاد نه جوړ كړ ، چه اسوريانو ددوي اقتدار ته په (۷۲۲) كال مخكي دمیلاد نه خاتمه وركړه . پدمهدی سلسله (۱۲۰۰) كاله دمیلاد نه دمخه يو كام د فنيكيانو په نامه د نړۍ په اقتصادي وضعيت كې ننوت ، دوي د كرهني غمكه لړه درلوده نو ددي خلكو توجه بهر ته و كړ زیدله (Sidon) د سيدون او (Tyros) تيروس بندرونه يې جوړ كړل ، پدي ښارونو كښي يې غو پوړيز كورونه و دان كړه كوڅي او واټونه يې په تير و فرس كړي وو .

د ښښو جوړولو ، پښ توب (آهنكړي) او بدل او نور صنعت يې پراخ كړي د خزندو دشيري غځه ارغواني رنگ لاس ته را وسته ، د لومړي غل دپاره نې وړين توگران او بدل فنيكيانو لږ بادهيرو كليف او مخي ليك مخخه زده كړل ، د ټوكرانو ، سپينو او سرو زرو تجارت نې دشمالی افریقي نه تر شمالی بحیري پوري رواج و چه د قرطبي او كاوس ښارونه يې ودان كړل .

زر كاله دمخه دمیلاد نه يونانيان چه د آريانا دنژاد غځوو ډير اهميت نې پيدا كړ چه لومړي د حيوانانو په اهلي كولو كښي ډير مهارت درلود

پرمختللي ترين ما ده جهان

چندی قبل مهندسین روسی پر مقاومت ترین ماده جهان را تهیه کردند . این ماده از رشته های ظریف « تنگستن » تهیه شده و هر سانتیمتر مربع آن قدرت تحمل ۲۵۰ تن را دارد .

تابحال پرمقاومت ماده جهان پولادی بوده که مهندسین آلمانی آنرا در سال ۱۶۵۶ ساخته بودند . این پولاد قدرت تحمل ۱۴۳ تن را در يك سانتی متر مربع داشت . از نظر مقابسه باید گفت که مواد ساختمانی پل های راه آهن در هر سانتی متر مربع فقط قدرت تحمل ۴ تن را دارند .

كرهنه، دخوون غوړې (تیل زيتون) غسل ، او شرابو ددوي په اقتصاد كښي مهم رول لوباوه ، دمیلاد نه دمخه په اتمه پېړۍ كې ديونان لښكر كشي او مستعمرې شروع شوي ديو كوچني محيط غځه دمديتراني خواته وخوځيدل او هلته نې مستعمرې پيدا كړي دنيل په دهاني كښي نې

(Naukratis) نو كراتس او ختيزي خواته نې د (Kyrene) د كريني ښارونه جوړ كړل ، د فنيكيانو غځه نې جهاني تجارت ونيو ، ديونان تجارت دانگلستان د جزيري نه شروع اود شمالی افریقي او توري بحیري پوري غځيدلي وو . غرنګه چه د تاجرانو او موروثي خانانو تر منځ شخړه پيدا شوه چه داشخړه ددي موجب شوه چه لوی

سياستمداران او فيلسوفان منځ ته راوړي او لومړي ديعو كراسي منځ ته راغله . سولونګ ديونان لوی سياستمدار ۶۴۰ تر ۵۶۰ پوري دنورو اصلاحاتو په جمله كښي د آزاد وانسانانو مريټوب له منځه يوړ ۳۵۶ نه تر ۳۲۳ دمیلاد دمخه دسكندر اود هغې دفتحو دوره وه وروسته له هغه يونان دهيلني ددور په نامه د عظمت څښتن وه ترڅو روميان پيدا كول .

دوميانو هم دمیلاد نه زر كاله دمخه د ايتاليي په جزيره نما كښي ژوند كاوه ، پدي وخت كښي ددوي اقتصاد كرهني او مالداري تشكيل كړي وه باندي تجارت دپاره نې يوازي مالګه درلوده او بس ، د تبادلې مسټه يې په حيواناتو سره روانه وه چه (Pecunia) پچونيا به نې ورته ويل او اوس پسو ته هم پچونيا وايي .

دمیلاد نه دمخه په ۴ پېړۍ كښي يې مسي سكه او وروسته يې د سپينو زرو سكه ووهله په دريمه او دوهمه دمیلاد نه دمخه پېړۍ كښي نې يونانيان ونيول اود هغوي تجارتي قدرت يې لاس ته راوست ، درو- يانو صنعت پراخ شو (۲۷) كاله مخكښي دمیلاد نه دروم جمهوري پای ته ورسیده او امپراطوري شروع شوه په لومړي غل اقتصاد وړاندي ولاړ دروم مركز اود هغې بندرونو جهاني نوم پيدا كړ ، دوربشمولار چالان شوه چه په دي وخت كښي زمونږ گران هيواد افغانستان هم د وربشمو د لاري په اوږدو كې پروت وه او بومهم اقتصادي هيواد گڼل كیده .

۲۷ كاله دمیلاد نه دمخه تر ۱۸۰ میلادی كال پوري دروم د امپراطوري د صلحي او امن وخت و په (۳۹۵) میلادی كال كښي دغه لويه امپرا طوري په دو برخو لويديز روم او ختيز روم وویشل شو چه په پای كښي دوحشي جرمنيانو تر بريدلاندی راغلل اود منځ نه ولاړل .

څرنگه چې زړه د وجود د حاکمه او حساسو غړو څخه محسو بېری او دده روغتیا او سلامتی ډیر اهمیت لری چه ددی له کبله، کله چه زړه روغ او بدون له کوم عارضی وی د ژوند د بقا او پائیت لمری عامل گڼل کیږی - دانسان د وجود نور غړی هم ډیر مهم او د اهمیت وردی مثلاً لاسونه ، پښی ، سترگی ، خله پزه - غوړونه، غاښونه ، ژبه او داسی نور . . . چه هر یو پخپله حصه کښی ډیر مهم وظیفه اجرا کړی او هر چاته

څرگنده ده ، بحث او تحلیل ته شی ضرورت ښه محسو سیرری یوالخی زمونږ د بحث موضوع زړه او زړه ورتیا ده .

کله چه د زړه فعالیت د ژوند دوام او د زړه سکوت او غیرفعالیتوب د ژوند د فنا سبب کیږی په همدی ترتیب د زړه ورتیا او ډارن او بزدل سپی تر مینځ هم ډیر توپیر موجود وی کوم اشخاص چه زړه وروی او په عین حال کښی مندبر او پوه هم وی دی په ژوندانه کښی تل کامگار ، بریالی اوسر لوړی وی ، داسی اشخاص ټول کارونه په جرأت اجرا کولای شی په مشکلو کارو او حساسو مواقعو کښی ، زړه ورسپری د موضوع ټول اړخونه او عواقب په تیزی و سنجوی او بدون له کوم تردد او خنډ په مؤثر اقدامات لاس پوری کوی .

ډیر په تجرب په رسیدلی دی چه کوم کار ولو که ډیر لوی او مشکل کار وی په متین عزم ، پخه اراده او زړه ورتیا سره شروع شوی وی

په هغه شکل او رنگ خلاصیږی کوم چه سپری خپل قدرت ته (چه خومره انسان د لوړ قدرت خاوند دی) هک پک پاتی شی ، چه حتی مقایسه شی نسبت و خپل دکا ر طاقت او د جسم د نازکی له حیثه ډیر ورته نا ممکن ښکاری .

بری او موفقیت د زړه ورواشخاصو په برخه دی لکه زړه ورتیا دانسان قدرت د وچنده کوی او انسان موقع موندلای شی دنی سر موز « قوت » تر سپوری په هر رنگ - مانعو پاندي غلبه و موسی او اقتضارات او سر لوری و گڼی .

کله چه زړه ورتیا په ژوندانه کښی ډیر د اهمیت وردی اما بیا هم یو سوال مینځ ته راخی چه زړه ورتیا په غوږوله او په کوم شکل اورنگوی چه دلته څو قسمه زړه ورتیا وړاندی کیږی یعنی تر بحث لاندی نیول کیږی .

سپری گټور زړه ورتیا :-

کوم خلک چه د گټور وزره ورتیا و خاوندان وی دوی تل

د ژوندانه په مشکلاتو بری موسی دوی نه یوالخی داچه هر کار ولو که ډیر مشکل او طاقت فرساوی په پخه عزم تر اجرا لاندی نیسی بلکه کوم موانع چه د بلچا لخوا ددوی د ژوند په سنبالیت کښی ایجادشی ډیر زرئی له مینځه وړی مثلاً که بیگانه خلک وغواړی دوی تر خپل ساطی لاندی ونیسی او ددوی د ژوند قبضه په لاس واخلی د زړه ور خلک لخوا د امنفی آرزو گانی د عمل جامه نشی آغوندای لکه زړه ور خلک د خان او د سر پر و اناری د زور او قوت په مقابله په ډیر جرأت او نذاکاری وولخی او هسی نه چه دضعیفو او ډارنو خلکو په حیث د بلچا باداری ته تن ور کړی اولحن غلی ونیسی نه ! بلکه زړه ور خلک لکه حمریان داسی وی او د حمرو په سرحد کښی هیچا د آقائی او باداری پښه نشی ایښودای لکه څرنگه د افغانستان خلک چه هیڅ کله د بیگانه و تجاوز ته موقع نه ده ور کړی او حتی دا آرزو د ډیر دیو په ماغزو کښی وچ کړی دی ، په همدی ټول زړه ور

خلک خپل ژوند په داسې شکل او رنگ پرمخ بیانی چې ټول له افتخاراتو څخه پک وی .

بیا هم په ډیر و پاره په عرض رسولای شو چه دافغانستان زړه ور خلک دبیگانه وو دتجاوز په مقابله داسی زړه ورتیا او جرأت شئی چه دوی طبیعتاً (دینمن ماتو ونکی) پیدا شوی دی او که دافغان له یو

فرد څخه پوښتنه وشی چه هلکه ! که کوم غلیم پیداشی اوخیال دتجاوز ولری دی موجوده ژوند سره مینه شئی او که څنگه ! دی فوراً جواب ورکوی نه ! زه دلوی خدای په

برکت او دخپلی توری په برینس حتماً ددینمن په مقابله ووخم نه مړ شم شهیدیم که مړ کوم غازی یم اوددواړو نتیجه افتخار اوسر لوری ده پس زه څرنگه دکورژوند بهتره وگم ؟؟!

گرانو محترمو لوستونکو ! دا پورتنی خصوصیات او فطری فداکاری دپښتو په هر فرد کښی موجود دی چه تاسی ټولو ته څرگند او حاجت د بیان نشته ، یواخی اساسی وظیفه مو دادی چه دخپل وطن اجتماعی ترقی ته توجه ولرو او اجتماعی او فردی روحیه غښتلی وساتو !

د زړه مضر او منفی زړه ورتیا:
کوم خلک چه اخلاقاً رسیانی

نه وی په مضر و زړه ورتیاو لاس پوری کوی لکه غله کول ، رشوت خوړل ، دشریعی او وضعی قوانینو څخه ډډه کول ، په ناحقه خلک وژل د سلجیا په حقوقو تعرض کول او داسی نور ... دا مضر او منفی زړه ورتیا یواخی او یواخی داخلاقى ضعف او دتربیی دخرابی له لیاری مینځ ته راخی ، او داسی

زړه ورتیا دستاینی وړنه وی بلکه ټول خلک په کرکه ورته گوری او دفرین سره مقابله کیږی .

اجتماعی پسمانی او فردی زبونی د داسی مضر او منفی ورتیاو له مخی وی ، دا ځکه چه دقوانینو مراعات نه کول ، د وجدانی او ایمانی مسئولیت څخه نه پاریدل د لوی خدای (ج) اوامرو ته غاړه نه ایښودل او نه بیریدل او داسی نور .. دا ټول هغه نا رسیدلی مفکوری دی چه یواخی دخپلو شخصی مدعاگانو لپاره هلی ځلی کوی او په ډیر بی شری دغه کسا ذبانه جر اتونو او زړه ورتیاو څخه

وچیزه ها

آنچه مایه تفاخر است علم است و اخلاق اما آنکه باین دو تفاخر کنند نه علم دارد نه اخلاق .

* *

نیکی و مهربانی و کثافت روئی هر زشتی را زیبا میکند .

* *

قناعت و خوشبینی پرشور ترین سرمایه ایست که باید برای فرزندان گذاشت .

* *

آدم کامل آنست که هم عقل دارد و هم عاطفه . آنکه عقل دارد و عاطفه ندارد ، خطر ناک است . آنکه عاطفه دارد اما پای بند عقل نیست . آدم خوبی است اما قابل اعتماد نیست . (محمد حجازی)

* * *

زندگی کوشش است آن لحظه که دست از کوشش برداشتیم مرگ آغاز میشود .

کار اخلی چه نه دلوی مدای (ج) پارور سره وی ، نه د وجدان ، قوانینو لویانو او صادقو خدمت گارانوویره !؟

البته په څرگند ډول ویلای شوچه حداکثر داسی مضر زړه ورتیاوی په کورنی تربیی او باندنی تربیی پوری اړه لری که یووړو کی په خپل کور کښی متدین ، بااخلاق او پوه وروزل شی ، دی لکه دتسیرو نقش تر آخر د عمره په هغه شکل خپل ژوند پرمخ بیانی کوم چه روزل شوی دی .

(سنگ اول گر نه د معمار راست تاثیریا میرو د دیوار راست)

دریم معقول زړه ورتیا څنگه

حاصلیزی ؟

کله چه یو کوچنی په یو کور کښی دهستی په دنیا پښه ږدی لمړی شرط دادی چه دده پلار او مور دپه صحت او پوه خاوندان وی ، په موجودگی ددی شرط دکچنی ژوند سره ډیر نیکبختی جخت شی داځکه چه دداسی پلار او مور څخه باصحته کوچنی مینځ ته راخی او کله چه دپوهی خبره مینځ کښی وی دکوچنی ژوند په هغه شکل گړخول کیږی کوم چه دیو گټور شخص څخه تقاضا کیږی . زړه ورتیا هم په عمدی فرصت به کوچنی کښی تلقین کیږی په دی ترتیب چه لمای پیڅای دی ونه پاروا شی بلکه په مشکلو کارودی نشجیع کړشی او کله کله هغه کیسی ده ته وویل شی کوم چه زمونږ پارونو دافتخاراتو څخه پک تاریخنی کار ناسی ایشی دی اودده مینه دتوری او تو پک سره وروزل شی او ورته تلقین شی چه دژوند افتخارات د وطن خدمت

دلوی خدای (ج) او امر په نحای کول، دقوانینو، مراعات او نور فردی او اجتماعی خدمات دی. دگران وطن په اکثر و محابو کښی داسی معمول دی چه پښتون سړی خپل نحوی ته امر کوی چه په څه یه! نحوی ئی په نحواب کښی وائی چه هان پلاره! (په دیر جدیت سره) پلار امر کوی ته منله واخله هغه لری نحای کښی کښینه زه دی په مردکو وهم او خپل نحان آزمايم چه ښه ښه وهلی شم که یه؟ نحوی ئی چه زړه ور روزل شوی دی دیولری نحای دغندی په سر د خپل پلار هدف ته نحان برابر وی او وائی چه زه له مرگ څخه نه دار یرم او کده ته دآبا نحوی ئی ماووهه او تپی می کړه منده اخلی او په جرات مطلوب نحای ته نحان رسوی او په دیر زړه ورتیا کښینی کله چه پلار ئی توپک را واخلی او په خپل نحوی دزی و کړی «دزیز» نحوی ئی خاندی او ورته وائی گوره پلاره! ماسره توپی او مسخری کوی دتوپک مردکی دی نحمانه چپ کړ اوزه دی تپی نه کړم - ته مامه آزمايه، زه هیڅکله دارن نه یم او نه نحمانیکه دارن و او نه نحمانه پښتتی غیریت ایجا بوی چه زه بز دل واوسیرم .

داسی وی دپښتون قام د کوچنیانو دزړه ورتیا په هکله تربیوی رسم او چونه - په همدی ترتیب زړه ورتیا دنور و لیاړو څخه هم تاسیندای شی لکه علمی رسیدگی او ددی لیاری څخه دژوند حقیقی هدف ته رسیدل دوطن اودنوامیسو صیانت اوساتنه او په حمایوی لیارو کښی فدا کاری د کوچنیانو بدنی روزنه او په مشکلو اوشاقه کارو آموخته کول چه دا ټول دزړه ورتیا عوامل گڼل کیږی خوبیا هم یواخی خبره دلته ده هغه کسان چه دمعتولو کارو په اجرا کولو زړه ورتیا شی که دنور و لخوا مکافات او تکریم شی دی لاهم

داخلاقی جبر آنونو خاوند کیږی او برعکس دهغه که داسی معتوی ښه زړه ورتیا وی دنور و لخوا ښه استقبال نشی په نحای ئی ناسیندی، بآس او حرمان پیدا کیږی او هغه گټور قدرت چه دښه کارو مصدر گرخی له مینځه یی او په نحای ئی بز دلی او کم جرئتی میخ ته راخی .

خلورم عدم زړه ورتیا یعنی دار او بز دلئی :

دارن سړی عموماً په خپل ژوند کی ټکنی او مترددوی هیڅ کار په جرات اجرا کولای نشی او له عواقبو څخه ئی ډاریږی او حتی که هرڅوک دداسی اشخاصو حقوق غصب کړی دوی دخپل حقوق په حمایت اوساتنه نشی وتلای او داخیال کوی چه گوندی محمودی نحانونه هلاک نشی او دژوند دتبعی سبب ونه گرخی. دارن سړی حتی دشپی په تیاره کښی دپاندی نشی و تای او فکر کوی چه مابده لویه اونور نحناور ونه ونه خوری چه په همدی ترتیب دپارانو خلکو څخه هیڅ توقع او امید موجود نه وی - داسی خلک تل مضحل او یریشان وی چه حتی دخپل ژوند اختیارات ددوی په لاس کښی نه وی

دوی یواخی دومره کوبښی کوی چه په هغه لار لارشی کوم چه دوی تل تللی وی او تحول اوبدوان په خپلو موجوده ژوندانه کښی دوی نشی راوستلای، دا لکه دوی یواخی خپل ژوند په ډیر احتیاط سانی او موجوده ژوند ورته غنیمت ښکاری. دپارانو بز دل و خلکو په ژوند کښی ترقی او پیشرفت هیڅکله ممکن کیدلای نشی اونه داسی خلکو له لاسه پوره وی چه دترقی د لیا ری بند شوته له مینځه یوسی .

داؤ د بز دلئی او ډار نواقص او هغه بیاهم دزړه ورو خلکو صنتو نه اود زړه ورتیا اهمیت پدژوندانه کښی. له نیکمرغه زمونږ دگران وطن خلک فوق العاده زړه ور خلک دی یواخی علم اویوهنه چه په مکمل دول سره ددی طبیعی زړه ورتیا سره یو نحای شی ددوی په ژوندانه کښی دیر زیات اغیزه کوی لکه چه دزړه ورتیا سره سره شعور او احساسات هم دیر اهمیت لری چه دوی باید دخپلو ژوندانه نواقص اوبښگنی ښه تشخیص وکولای شی او دترقی د لیاری بند شونه له مینځه یوسی او هغه ښگنی میخ ته را ولی کوم چه دمترقی او متمدنو مللو په برخه شوی دی .

افکار پک دانشمند بزرگ

آنچه مردم را دانشمند میکند مکاتبی که میخوانند نیست بلکه چیزهای است که یاد میگیرند .
در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و فتوری نیست که با تعظیم و تربیة مناسب اصلاح نشود .
اگر میخواهیم بر طبیعت پیروز شویم باید آنرا بشناسیم .
(بیکن)

شهابها

ویا سنگهای آسمانی

در شماره گذشته از سیاره ایکاروس یا دیوانه تا جائیکه مقدر بود و مطالعه اجازه میداد بعرض رسانیدم و نیز در انتهای آن ناسی از شهاب ها و یا سنگهای آسمانی ذکر شده بود . که اینک بحث در اطراف موضوع مذکور را شروع کرده و آنرا دنبال میکنیم .

علم نیز تکامل کرده و بابت آمدن وسایل وسایط مختلف علمی و دانش امروزی ترس و خرافات از ذهن مردم دور شده و واضح گردید اجسام نورانییکه در حال سقوط دیده میشوند عبارت از شهابها یا سنگهای آسمانی میباشد نه از دمای آتشین و امثال آن .

شهابها یعنی چه ؟

عقاید نسبت به شهابها مختلف است اما یکعده کثیر علما به این عقیده اند که سیارات کوچک و پراکنده بازمانده ای کرات آسمانی دیگری هستند که بععل نا معلوم منفجر شده اند . و بصورت سرگردان بین مریخ ، مشتری و آفتاب در گردش اند و وقتی به مدارشان تغییری داده میشود بسوی کرات دیگر از جمله زمین پرتاب میشوند . و گردش این کرات کوچک که دارای حجمهای مختلف میباشد قابل حساب نبوده و تعداد زیاد از آنها تا حال بزمین اصابت کرده است که در متن تشریح داده میشود .

شهابها همیشه بتعداد نامعین در فضای جهان در حال پرواز دیده میشود که بقایای اجسام متلاشی شده

بمقابل آن داخل میدان نبرد و کار زار میشوند و آن از دمای آتشین را با بالهای بزرگ و دم نورانی آن از بین می بردند . اما کسی چنین چیزی را هرگز ندیده در حقیقت ساخته و پرداخته ای خیال مردمان پیرومن بوده که برای اطفال خور و بصورت افسانه و یا قصه نقل کرده اند و استناد داشته بچشم نورانی که دیده شده . ظاهر شدن چنین جسم نورانی در آن وقت مردم را بوحشت انداخته و آنرا بیک فال بد تلقی میکردند .

و نیز مردم در روزگاران بسیار قدیم ستاره گان را چراغ های آویزان آسمان میدانستند و فهم شان در آنوقت درك کرده نمیتوانست که ستارگان هر یک بذات خود جسم متجزی اند که ملیون ها مرتبه از زمین ما بزرگ تر اند .

و نیز گمان میکردند هر شخص از خود ستاره ای دارد که در روز مرگ از وی جدا میشود و زمانی که ستاره ای را بحالت سقوط میدیدند می گفتند روح کسی بجانب خدا (ج) باز گشت .

با سپری شدن تاریخ و جبر زمان

گرچه ساحه این بحث علمی خیلی وسیع و فراخ میباشد و علمای مختلف جهان در صد آن اند تا این بحث را وسعت بیشتر داده و معلومات های زیادی در خصوص عالم کائنات بدست آورند که البته چیز نوشتن در اطراف این موضوع مطالعه ای زیاد و دقت بیشتری را ایجاب میکند . گرچه نوشته ای امروزی تا یک اندازه بروی اساسات فوق استوار میباشد و بصورت مختصر معلوماتها جمع آوری گردیده که امید است طرف قبول واقع گردد .

سنگهای آسمانی که اصطلاحاً آنها را شهابها می نامند یک بحث تازه نبوده و دیر زمانست که طرف توجه واقع گردیده حتی اگر مابه افسانه های قرون گذشته مراجعه کنیم دیده خواهد شد که از شهابها در آن ذکر شده منتها به اسم های دیگری از قبیل مرغ آتشین و یا از دمای آتشین .

در بعضی از افسانهها ذکر است از دمای آتشین با بالهای بزرگ خود به هوا پرواز میکرد و دم نورانی را دارا بوده پهلوانان و جوانان شجاع

ای آسمانی میباشد که برخی از آنها از خط السیر خود انحراف کرده و زیر تاثیر جاذبه ای کدام کره ای دیگر واقع میگردد که به اثر تصادم با جو سیاره ای مذکور مشتعل گردیده و بعضاً به ندرت قطعات کوچک و یا بزرگ آن داخل یک کره ای دیگر میگردد که بنام سنگهای آسمانی یاد میشود. کره مهتاب بعثت آنکه دارای اتموسفیر نیست حفاظت خوب از آن شده نمیتواند و تعداد سنگهای آسمانی در آن زیاد میباشد چنانچه کثرت دهانه های زیاد آتشفشانی در کره مهتاب را دلیل موضوع فوق میدانند. سنگهای آسمانی کره مهتاب غالباً بصورت اجرام سماوی بکرات دیگر پرتاب میشود.

بین کرات مریخ و مشتری نیز ازین سنگهای آسمانی بکثرت وجود دارد که بدور آفتاب گردش کرده و سیاره های کوچکی را تشکیل میدهند.

ممالک مختلف با وجود کوشش های مداوم و شباروزی خود موفق بدریافت اجرام سماوی خیلی بزرگ نشده اند و بزرگترین آن تا یکصد و پنجاه کیلومتر رسیده لیکن تعداد سنگهای آسمانی از میلیاردها تجاوز میکند. وقتی این سنگهای آسمانی از مدار خود خارج گشتند و بجوزمین داخل شد مشتعل میگردد یا با لکل از بین میرود و یا یک عده ای بسیار قلیل آن داخل زمین می افتند که بنام سنگهای آسمانی یاد میشود.

باستناد قوی که تا حال بدست آمده نخستین شخصی که در اطراف شهابها و سنگهای آسمانی تحقیق کرده

میکروسکوپ الکترونیکی

بی گمان یکی از بزرگترین اختراعات زمان ما اختراع میکروسکوپ الکترونیکی است که این میکروسکوپ سبب پیدا شدن هزاران راز ناگشوده گردید. علت اهمیت فوق العاده این وسیله در مطالعات و تحقیقات دانش امروز قدرت بزرگ نمائی فوق العاده زیاد آن میباشد این قدرت میکروسکوپ الکترونیکی را بخوبی نشان میدهد.

این موضوع لنوسیت (نوعی گلبول سفید) است که ۹۴۹۲ بار بزرگتر شده است.

(Palles) پالاس عالم اتحاد جماهیر شوروی میباشد. همین شخص در سال (۱۷۷۲) بسنت پترزبورگ خبر داد که در سیریه یک قطعه آهن بوزن ۶۴۰ کیلو که از آسمان افتاده بدست آمده و نکل نیز در آن موجود میباشد. که بزودترین وقت بسنت پترزبورگ نقل داده شد و بصفت نخستین سنگ آسمانی در آنجا از آن نگهبانی میشود. قطعات از آهن مذکور را برای مطالعه بمالک مختلف جهان فرستادند تا دانشمندان در اطراف آن مطالعه کرده و نظریه بدهند.

از طرف علمای مختلف جهان تأیید شد که جسم مذکور حقیقتاً یک جسم آسمانی میباشد و ثابت گردید که شهابها حقیقتاً از آسمان

به زمین می افتند که از روی تاریخ فوق عمر مطالعه و شناخت شهابها را در زمین تقریباً به دو صدسال ثابت میکنند یعنی گفته میتوانیم که تقریباً قدامت دو صدساله را دارد.

در جوزمین بصورت عموم تعداد زیاد سنگهای آسمانی تصادم کرده که به اثر اصطکاک با هوا ملتهب گشته مانند اجسام نورانی بدرخشیدن شروع میکنند و به ندرت بزمین می افتد بعضاً بصورت یک پارچه و گاهی بصورت ذرات میباشد که ریزش سنگهای مذکور را بنام شخانه یاد میکنند. و تا حال در (۶۰۰) حصه ای از زمین سنگهای آسمانی دیده شده در روز سی ام ژوئن ۱۹۰۸ سقوط جرم آسمانی بزرگی در ناحیه تونکوسکا واقع در سیریه شرقی صورت گرفته. دودی که به اثر سقوط و انفجار آن حاصل شد تا ارتفاع (۲۰) کیلومتری زمین رسیده و از فاصله (۶۵۰) کیلومتری دیده میشد خرابی زیادی را این فاجعه بار آورد و تا فاصله ۲۰۰ کیلومتری آن هیچ یک شیشه در ساختمانی باقی نماند. در ایزو نا امریکای شمالی نیز چنین یک برخوردی صورت گرفته است. در کانادا نیز چنین برخوردی رخ داده که به اثر این اثابت دهانه ای را که قابل رویت هم میباشد به قطر ۳۵ کیلو متر تولید کرده.

و همچنین سنگهای آسمانی معروفی دیگر از قبیل اپولو و هرمنس از طرف زمین بلعیده شده که خسارات زیادی را بار آورده.

شهاب دیگری در ۱۲ فوریه

جریان قلب فضاوردان

چندی قبل دو کتوران اداره تحقیقات فضائی قوای هوائی امریکا پس از بررسی های متعدد باین نتیجه رسیدند که قلب پیلوژان تند تر از سایرین میزند. این دو کتوران میگویند که قلب پیلوژن های طیاره ها تکیه با سرعت مافوق صوت پرواز میکنند در بیشتر موارد ۱۷۰ بار در دقیقه میزند، در حالیکه بندرت قلب یک مرد معمولی بیش از ۱۰۰ ضربه میزند.

این گروه دانشمندان در گزارش خود اضافه میکنند که در کلیه پرواز های فضا نوردان ضربان قلب آنها به ۱۸۷ میرسد.

افزارهای آهنی را که انسانهای اولیه درست کرده اند از آهن های شهابی بدست آمده و بعد طریق استخراج و آب کردن آهن را از سنگ معدنی این فلز آموخته اند. با وجود این امروز علمای جهان بایک پشتکار و کوشش شباروزی برای شناخت و پیدا کردن سنگهای آسمانی با وسایل و ذرایع مختلف در تلاش اند. زیرا معقداند که بوسیله ای این نوع سنگها معلومات های زیادرا حاصل میکنند.

چنانچه استفاده هائیکه تا حال از اثر سقوط این نوع سنگها بدست آمده یکی مساله ای حیات میباشد. ممالک مختلف از چندین سال به اینطرف در کوشش اند که بدانند آیا شرایط حیات در کرات دیگر نیز موجود است و یاخیر؟ چنانچه فرستادن اقمار مصنوعی بکرات دیگر از قبیل مهتاب و غیره نیز به همین مقصد میباشد که تا حال کدام فایده ای از آن به دست نیامده. و اگر بالعکس قطعه سنگی از مهتاب بدست بیاید بواسطه ای متودهای مخصوص و دقیق تجزیه امروزی میتوان معلوم نمود که آیا مولکولهای مختلف ترکیبات حیاتی در آن ها وجود دارد و یاخیر. دانستن این مطلب فایده ای بزرگی را باریاورد. گداختگی و روشنی شهابها در هوا تائیکه اندازه ای زیاد در شناخت تعیین ارتفاع جو زمین کمک میکند. به همین قسم در اطراف سنگهای آسمانی و چگونگی آن مطالعه و تدقیق جریان دارد. شاید با بدست آوردن بیشتر از آنها در شناخت باکرات دیگر استفاده های زیادی حاصل شود.

(ختم)

سال ۱۹۴۷ در ناحیه شرقی سبیر به سقوط کرده که نوران اضافه تر از آفتاب مینمود چنانچه شهاب مذکور ساعت ۱۰ شب نزدیک شهر.

افتاده و بصدای وحشتناکی منفجر شد که دهانه ای آن از هوا بوضاحت دیده میشد چنانچه دولت اتحاد جماهیر شوروی هیئتی به محل واقعه فرستاده و بعد از تجسس و دقت زیاد چند هزار قطعه ای آنرا بدست آوردند که روی هم رفته ۴۰ تن وزن را دارا بود.

لیکن به اثر شدت زیاد سنگ مذکور بعضی زیاد به زمین فرورفته بود که امکان بیرون کشیدن تمام آن مقدور نبود. بزرگ ترین قطعه سنگ مذکور که بدست آمده (۱۷۴۵) کیلوگرام وزن را دارا بود. امروز در تمام موزه های جهان تقریباً (۱۲۰۰) سنگهای آسمانی موجود میباشد که از آنها بصورت درست و صحیح لگاهداری میشود. شهابها روز و شب از آسمان فرو می ریزند اما در روز فقط بزرگترین آنرا میتوان دید. از میلیونها شهاب ممکن پنج عدد آن بدست بیاید زیرا عده ای قلیل آن بزمن می افتد و آنها شاید بیک منطقه ای نامسکون و یا به ایجا تصادف میکنند که ازین سبب است ارزش سنگهای آسمانی نسبت به همه چیز بیشتر بوده و ازان بقسم یک گنج دست نرسیده حفاظت میشود.

ترکیب سنگهای آسمانی عیناً مثل سنگهای دیگر میباشد و تا حال هیچ یک مواد در آن پیدا نشده که شناخته نشود و قابل فهم نباشد. بعضی از مورخین عقیده دارند که

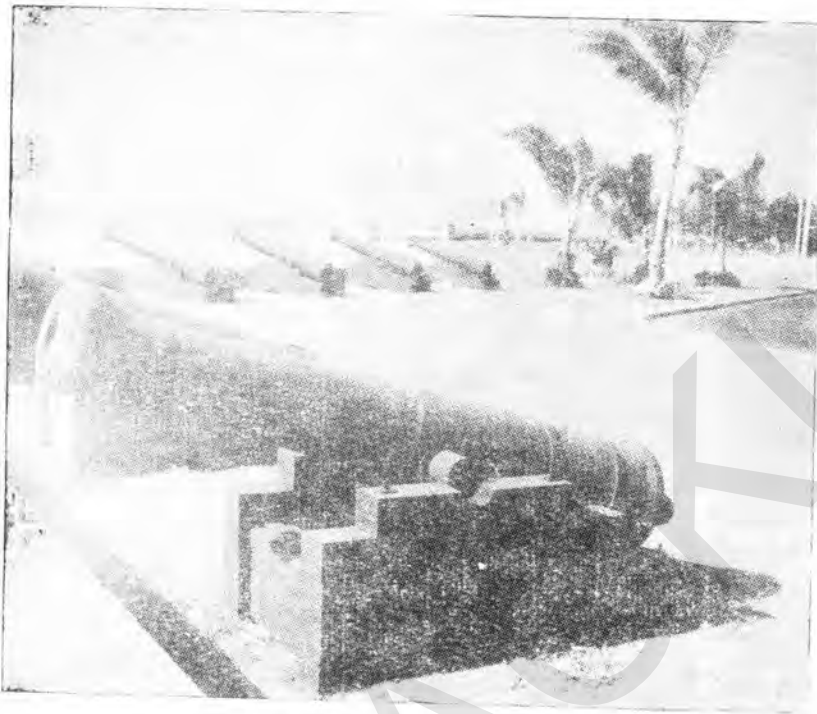
از کار میکشید، تجار سفارزه های خود را می بستند و همه لباس مخصوص عسکری خود را در بر کرده و در محل معینه حاضر و به قطع خود مسلح میشدند و قوی ترین اردو یکه بعد از اردوی ناپلیون در اروپا تشکیل گردید همین اردوی گارد ملی فرانسه بود.

تشکیلات نظامی اردوی پروس:

تشکیلات عسکری پروس پس از جنگ «استخلاص» بموجب قانون ۳ سپتامبر ۱۸۱۴ بترتیب ذیل داده شد. اصولاً هر پروس از سن بیست سالگی مکلف بخدات عسکری گردید



عسکر پروس بون مپلس پپاس زمستانی



مواقع توپ های ساحلی

رفته و دو سال عم بعنوان عساکر ذخیره با اردوی تحت السلاح ارتباط داشتند و ازین به بعد تا سن چهل سالگی وارد دوره لاند و هر *Landweher* یعنی اردوی احتیاط میشدند.

این ترتیب در موقع صلح ۱۳۰/۰۰۰ نفر و در موقع جنگ ۲۱۵/۰۰۰ نفر اردوی صحیح محارب حاضر میساخت و عملاً این اردو بوسیله عساکر احتیاط که تعدادشان مساوی باقوای تحت السلاح بود تقویت میگردد ولی چون جمع آوری و تشکیل عساکر احتیاط وقت طولانی لازم داشت و

اما در عمل از لحاظ احتیاطی و نبودن عده کافی صاحب منصب برای تعلیم و تربیه عساکر در هر سال جز دو ثلث مشمولین را جلب نمیکردند یعنی بجای ۶۰/۰۰۰ نفر چهل هزار نفر جلب می شد اند مدت خدمت تحت السلاح سه ساله بود اما چندی از ۱۸۳۷ تا ۱۸۵۶ دو سال گردید و باز در ۱۸۵۶ «مانتوفیل» وزیر دفاع پروس که کاملاً خاطره تلخ شکست جنگ المونز ویرا متأثر ساخته بود خدمت تحت السلاح را به سه سال ترقی داد، مشمولین پس از انجام خدمت تحت السلاح بولایات خود

بنابراین وزیر دفاع پروس مصمم با صلاحی گردید که بالنتیجه عده عساکر تحت السلاح و ذخیره مضاعف شود، طوریکه ۱۹۰ / ۰۰۰ نفر در زمان صلح و تقریباً ۵۰ / ۰۰۰ نفر در موقع جنگ حاضر باشند. برای نیل باین مقصود ترتیبات و عواملی را که موجب «تاخیر یا فلج شدن» کار میشد از میان برد و مقرر گردید کلیه مشمولین جزو اردو شوند و

مدت خدمت در اردوی ذخیره را از دو سال بچهار سال ترقی داد. جنگ ایتالیا بهانه برای تزئید عده صاحب منصبان بدست اوداد-نوروز بعد از جنگ ماژنتا گیوم سی و دو غنند اردوی احتیاط را تجهیز کرد و اگر چه پس از متارکه ویلا فرانکا عساکر مزبور را مرخص نمود ولی چون یقین داشت که باید «خود را در مقابل حمله فرانسه آماده سازد»

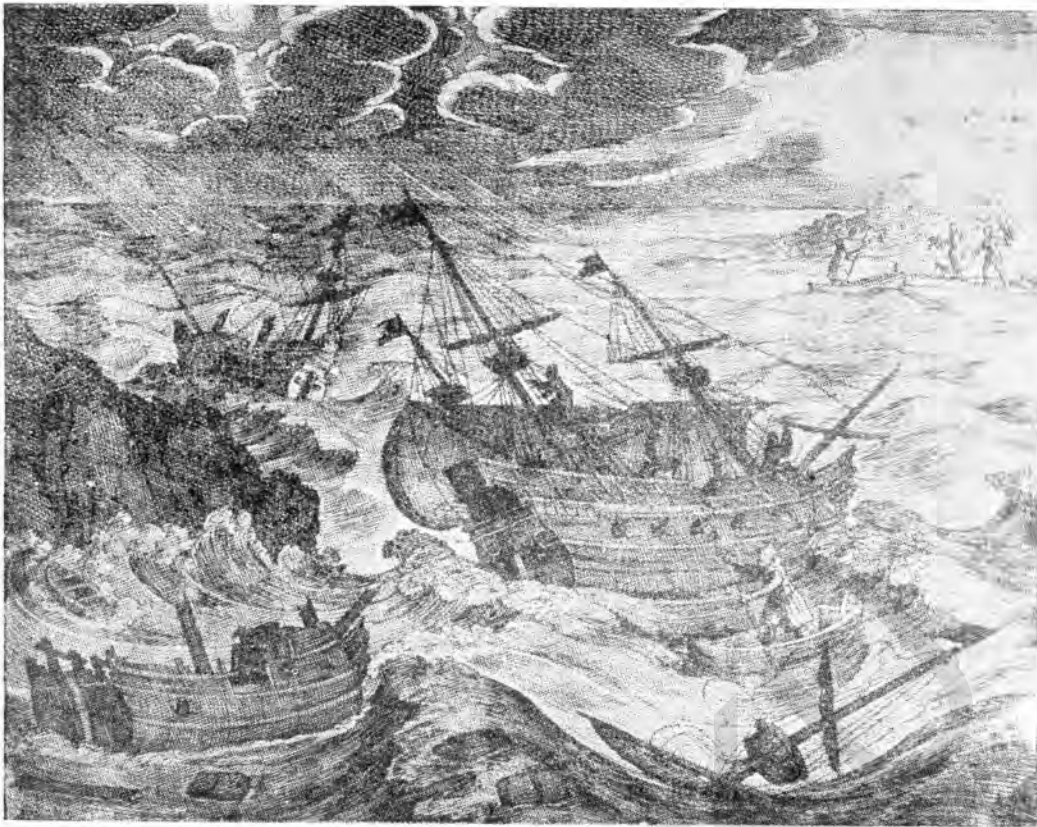


نمونه از لباس عساکر فرانسه در قرن ۱۸
عسکر اوربون ملیس بلیاس زمستانی



عساکر ۱۸۱۵ فرانسه





گوشه ای از محاربات بحری فرانسه .

واز طرفی هم میدانست که سازش فرانسه با اطریش او را هم مثل فردر یک دوم قبل از جنگ شفت ساله « در پروس مثل اینکه در جزیره باشد تنها خواهد گذاشت » باین لحاظ صاحب منصباتی را که به پیمانۀ جنگ ایتالیا احضار شدند مرتخص نکرده و سی و شش غنۀ یکۀ برای جنگ آماده نموده بود عساکر دایمی جدید گردانید . اما طرح این پلان مخالفت شدیدی در « پارلمان » تولید نمود و نمایندگان نه تنها با احضار تمام مشمولین مخالف بودند بلکه میخواستند خدمت تحت السلاح همان دو سال سابق باشد لیکن بسمارک با ابتکار عجیب

خود توانست پلان های عسکری خود را عملی ساخته و مدتی سر زمین پروس را تحت سلطه دیکتاری خود قرار و اردوی پروس را یکی از قوی ترین اردوهای جهان در آورد .

مولتکه و اردوی پروس :

مولتکه تولدش در مکلمبورگ صورت گرفته و در بدایت امر صاحب منصب اردوی دنمارک بود و چون از طرفداران شدید وحدت المان بشمار میرفت و از واقعه ۱۸۴۰ باین طرف اشغال آلتزاس و لرن را آرزو مند بود طبعاً داخل خدمت پادشاه پروس گردیده از سال ۱۸۵۷ رئیس اردو و در عین حال بزرگترین ستراتیژیست عسکری محسوب میشد . اکثری از تکتیک های محار بوی خود

را از پلان های ناپلیون بعد از مطالعه دقیق مورد استفاده قرار داده بود ایامت مخصوصه مولتکه این بود که توانست برای اجرای پلان های تکتیکی ناپلیون از کشفیات و اختراعات جدید تکتیک و پرابام های جدید تکتیک عسکری استفاده نماید، مانند انتقال یک اردو در یک مدت کم (بوقت قیمت دادن) تأسیس پایگاه های نظامی تأمین اعاشه و اکمالات ارده و غیره را در پلان اول خود جای دادند چنانچه تأسیس راه های آهن که حمل و نقل را تسریع و تمرکز فوری توده های عظیمه عساکر را تسهیل میگردد اند و هم تلگراف که در آن واحد فکر و اراده مولتکه را بهمه جا میرساند .



عسکر گارد قرن ۱۸ فرانسه

دحسین تجلی

نېو هیری غلبلی زما په غه
 اوبشکی تل په مخ خوری زما په غه
 بنه می وینی چه دهجر په اورسولم
 هر ساعت غشی وپشتل دی لا په غه
 عاشقان دی بیگناه دی ظلم بس کړه
 بی گناهو قتلول روا په غه

 آخر سر به گریوانه کړه فکر وکړه
 تارا کړی دوفنا وعدی په غه
 که بیزاره له یاری ئی عجب نده
 توری زلفی په سپین مخ ساتی په غه
 یو قدم چه دوفابه لاره نه ویدی
 ما ته لافی دیاری وهی په غه

 په ور بل کبلی گل کرل خوستاعادت و
 په بردو سینو خنجر وهن په غه
 که مطلب دی دیاری ندی جانانه
 دک له نازه دی کاره کدل په غه
 چه دحسین تجلی دی نه پته پیری
 د «سید» له خوا پلو نیول په غه

نخري

توری زلفی دی په سپین مخ راخوری کړی
 دعاشق په زړه دی بیلی سری لمبی کړی
 شنه خالونه دی دستورو پشان بیکاری
 وهلیک زړه ته دی جوړی ننداری کړی
 دغنجی په غیر دی سپینه خوله گویا کړه
 بلبلانو ته دی جوړی ترانی کړی
 دسرو تیک دی دسپین مخ دپاسه سور کا
 د سبا سره دی بلی سری پیوی کړی
 سپین غابونه دی ددر پشان بیکاره شی
 په مسکی خندا چه بیرته شونلوی سری کړی
 خپل پری کړی مرمی ستا په لاس در کړی
 ته وانصاف دی چه پری غرنگه نخری کړی
 په قانون دعشق کبلی داسی غولک نه کاندی
 چه د یاره رقیبا نوته گیللی کړی
 عاقبت به په ارمان نه به می وینی
 که هرغودی په ژړا کبلی سترگی سری کړی

مولتکه در قسمت تشکیلات عسکری
 مخصوصاً نیز بعضی تغییرات فاحشی
 رابار آورد و دو نوع پرنسیب های
 خاصی رابرقرار ساخت و باین ترتیب
 برای اردوی پروس صاحب منصبان
 و مربیانی تهیه کرد که دارای روح
 واحد و معتقد باصول و قواعدی راجع
 به رفتار اردو در موقع جنگ شدند
 که پس از مطالعات علمی و تجربیات
 عملی بسیار تمهیه شده بود از طرف دیگر
 در موقع صلح با فراغت خاطر برای
 ورود بجنگ کلیه مسایل را پیش بینی
 کرده و همه مقدمات را آماده ساخت .

بطوریکه تمام اوامر لازمه ای
 که باید اجرا شود قبلاً به مجریان
 اوامر مزبوره رسیده و اردوی پروس
 مانند یک ماشین متحرک بود که
 سربازان خود را فوق العاده خشن
 و بی اراده تربیه کرده بود .
 بعلاوه اسلحه صنف پیاده پروس
 از بهترین سلاح های آن زمان
 محسوب میشد زیرا قبلاً عساکر
 پروس از تفنگ های دهن پر استفاده
 میکردند اما مولتکه نوع تفنگ و
 سلاح خود را تغییر داده و سرعت آتش
 زیادتر باردوی خود قایل شد .
 در حالیکه اردوهای مجاور دایم از سلاح
 های سابقه استفاده بعمل می آوردند .
 از همین ملحوظ اردوی پروس
 مدت ها در تمام جنگ ها پیر و زی
 بدست می آورد و از همه مهمتر مولتکه
 سربازان خود را طوری تربیه نموده
 و احساسات آنها را برانگیخته بود
 که آنها جز وطن دوستی و دلیری
 کمتر به چیز دیگر متوجه بودند و
 مرگ را در راه وطن بزرگترین
 افتخار خود میدانستند از همین
 رو نیروی اردوی پروس نسبت به
 تمامی نیرو و های اردوی جهان
 قوی تر بود . (باقیدارد)



نگاہ عمومی بسازمان ملل

متحدہ و وضع فہمی جہان



روز ۲۴ اکتوبر مصادف با عقرب یکی از روزهای با عظمت و تاریخی است که سرنوشت افکار و اعمال میلیونها انسان دنیای پهناور بشریت را کنترول مینماید و جای دارد که بافتخار این روز بیشتر صحبت شود و از گذشته، حال و آینده دنیائیکه بسوی پرتگاه میلغزید، دنیائیکه در کنار گودال نابودی میلواد و دنیائیکه صالح و سعادت در آن حکمفرما خواهد شد نکاتی تذکر یابد. اگر اوراق و صحایف گذشته تاریخ جهان را ملاحظه کنیم در هر سطر آن لکه های خشک شده خون قربانیان جنگها و کشتارهای استبدادی مردم از نظر ما میگذرد پس از قرن (۱۸) با آنکه دروازه آزادی بروی ملت‌های رنجکشیده کشوده شد اما بزودی جنگ بین المللی اول در آغاز قرن بیست پرده سیاه و تاریک را بردل‌های صمیمی و صالح طلب بشر

الداخت و میلیونها جوان بیگناه و پیران بی دفاع را بخاک و خون کشانید. وضع رقت بار دنیا در حالت جنگ کتله‌های انسانی را به سختی تکان داد و همینکه آتش حرب و بخاموشی گرائید عده از سران کشورهای بزرگ گرد هم نشستند و در سال ۱۹۱۹ میلادی مجمعی را بنام (جامعه ملل) بوجود آوردند. ولی از آنجا که دست قوی و نیرومند استعمار جویان این مجمع را بوجود آورده بود بنام بازیچه دست زعمای آنروز کشورهای مربوطه گردید و فقط متافع آنها مدنظر گرفته شد. تا آنکه تخلفهای بعضی ملل عضو موجب شد تا مردم ستم دیده که آنرا مرجع امیدهای خود می‌اندیشیدند بالفرت از آن روی گردانند.

دنیا همچنان در وضع اضطراب آمیزی میسوخ تا ضمن کنفرانسهای متوالی در جریان جنگ خانمانسوز

دوم و در ختم آن رهبران کشورهای نیرومند که از معاهده انتلانتیک تاسستان ۱۹۴۱ و کنفرانس کارابلانکاژ مستان ۱۹۴۳ شروع شد و در بهار ۱۹۴۵ بشمول ۵۱ کشور عضو اساسنامه سازمان نوینی طرح گردید و نخستین جلسه خود را در دهم جنوری ۱۹۴۶ در لندن تحت اداره تریگولی آغاز کرد و مجمع ملل بحال نیمه جان در (۱۸) اپریل ۱۹۴۵ همزمان با وجود آمدن سازمان جدید متحل گردید.

جنگ بین المللی دوم وحشت انگیزترین حادثه نیمه اول قرن بیستم بشمار میرود و باز هم میلیونها انسان بیگناه و بی دفاع در میدانهای جنگ جان سپردند و هزاران زن و کودک معصوم در زیر خرابه های بمب های مرگ آور از بین رفتند. سر زمین هیرو شیمیا و ناگازاکی بعنوان اولین قربانی بم اتوم نابود

شش رکن بزرگ میباشند که عبارت است از :

اسامیه عمومی ؛ مجلس امنیت
مجلس اقتصادی و اجتماعی ، مجلس
قیمومیت ، محکمه عدلی و دارالانشاء .
۱-۱-۱-امپله عمومی : که در حقیقت
شورای جهانیست و بر کار و قضایای
بین المللی نظارت مینماید و اعضا
آن به (۱۲۵) رسیده است .

۲- شورای امنیت : دارای (۱۱)
عضو که (۵) آن دائمی و متبانی
انتخابی استند و اعضای دائمی دارای
حق ویتو (اعتراض) میباشدند .

۳- شورای اقتصادی و اجتماعی
که در امور اقتصادی ، اجتماعی
ثقافتی ، تربیتی ، صحتی و همچنین
و همچنین راجع بحقوق بشر و آزادیهای
اساسی مطالعه میکند و گزارش
میدهد .

مؤسسه بین المللی کار (I-L-O)
که در سال ۱۹۱۹ تأسیس گردیده بود
مربوط این مؤسسه میباشد .

۴- مجلس قیمومیت : که زمام
امور اداره ممالکیکه مستحق آزادی
خود استند ولی افراد ورزیده ندارند
مؤقتاً برای وقت معین در اختیار
کشورهای بزرگ گذاشته میشود
اداره مینماید .

۵- محکمه بین المللی عدلی :
که رکن اصلی قضا پای بین المللی
میباشد و مرکز آن در هاگ (لااهه)
مرکز هالیند است و مرکب از
پانزده قاضی ذیصلاح است .

۶- دارالانشاء : که در رأس
آن شخص سرمنشی قرار دارد و
امور اداری آنرا انجام میدهد .
سرمنشی کنونی بناغلی اوتانت از
برما است که پس از مرگ فجیع
همر شیولد فقید تا تاریخ دهم اپریل
۱۹۶۳ بحیث کفیل و تا کنون دو
دوره بحیث سرمنشی انجام وظیفه
مینماید .



مرکز بین المللی استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی

بانکشاف دست بکار شد و در دهم
دسامبر ۱۹۵۸ مطابق ۱۹ قوس
۱۳۲۷ش اعلامیه حقوق بشر در قصر
شایوی پاریس به تصویب رسید
بدین ترتیب سازمان منظم ملل متحد
بحیث سرخج آمال کتبه های بشری
عرض وجود کرد و بد همه انسانها
ابلاغ شد که بشر آزاد خلق شده
و هیچکس نمیتواند او را ازین حق
مشروع باز دارد .

ملل متحد بعنوان پارلمان جهانی همه
کشورها را بحیث عضو یک خانواده
در کنار هم نشانید و بانان اجازه داد
تازمینة همکاری و همزیستی مسالمت
آمیز را بین خود بوجود آورند . در حال
حاضر سازمان ملل متحد دارای

شده و درس عبرتی در تاریخ مبارزات
انسانها ثبت گردید .

نهضت و قیام شرق متعاقب این
جنگ تپناه کن و جهان سو ز پیکر استعمار
و استعمار را بلرزه انداخت و روبران
آنان گرد هم جمع شدند و بد تشکیل
سازمان بین المللی تن در دادند .
درین مجامعات کشور های نیز
پنازی نایل گردیدند و در قطار
ملل آزاد پهلوئی ممالک مستقل
نشستند .

همزمان با این کشاکش و
مؤقتیت های ملل استتلال یافته ، ساحه
پیشرفت علوم و توسعه سازمان تخیلیکی
فرهنگی و اقتصادی هر کدام برای
کمک بکشور های عقب مانده و رو

ارگانهای فعال ملل متحد عبارت است از:

موسسه بین المللی کار (I-L-O)
موسسه غذا و زراعت (F.A.O.) ،
سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو UNESCO) ،
موسسه بین المللی عوانوردی ملکی (ایکاو ICAO) ،
جهان (W.H.O.)، اتحادیه بین المللی مخابرات (I.T.U) و موسسه هوا شناسی جهانی (W.M.O) ، اداره بین المللی نیروی ذروی (I.A.E.A) و مجلس دفتر امداد تخنیکي (T.A.B) که موسسات فوق الذکر را باهم انسجام میدهد .

همچنین چند موسسه تعاونی دیگر بنام صندوق اطفال (یو ایس اف) (UNICEF) ، اتحادیه بین المللی مالی (I.F.C) و صندوق و جهی بین المللی (T.M.F) و بالاخره بانک جهانی (I.B.R.D) نیز که بصورت عضو غیر رسمی ایفای وظیفه مینمایند. هر ساله ملل متحد کمکهای موثری در هر قسمت به کشورهای رو بانکشاف مینماید .

اکنون لازمست بحوادثي که خارج از عمارت ملل متحد در جریان است نظری بیفکنیم .

دنیا ناظر و شاهد حوادث و تحولات عمیقی است که هزارها رهبر و لیبر دارد و هر کدام ازینان سعی میورزند راه این کاروان بزرگ بشریت را از مسیر خودش منحرف سازند .

بشریت پس از جنگ جهانی دوم باینطرف دچار يك تفرقه و اختلاف سیاسی بیسابقه شده است . انقسام دنیا به بلاکها و اتحادیه های نظامی هر لحظه ممکن امت بشریت را به نیستی

بکشاند . با همه جد و جهد ملل متحد هنوز هم خطر نا بودی دنیا از بین نرفته و مسابقه تسلیحاتی بشدت هر چه تمامتر دنیارامضطرب و حتی متوحش ساخته است .

کشت و کشتار ویتنام ، نایجریا و همچنین وضع ناگوار مهاجرین و پناهنگان فلسطین هنوز هم مسأله مهم روز است . دنیا بشدت برای نبرد های هولناک آینده آمادگی میگیرد و ملتهای روبانکشاف حق دارند ازین وضع نا راضی و نگران باشند .

درین میان عده از کشورهای جهان برای توازن سیاست بین المللی بحيث کشور غیرمسلك عرض وجود نموده اند و بشمول افغانستان کنفرانس های درباندونگ ، بانگراد و غیره نقاط دنیا تشکیل داده اند و به تثبیت صلح و مسلم گیتی خدمات مثبتی را تقدیم نمودند و هنوز هم مینمایند .

در بین اینهمه اضطرابها بازهم ساحه علم و تکنالوجی در پیشرفت است و موفقیت های بزرگی برای بشر روی

داده است از آنجمله فرستادن انسان ها متواتر بفضای خارجی ، پائین کردن سفینه در سطح مهتاب ، مجادلات علیه امراض ، همکاری علمی ، تبادل دانشمندان ، کمکهای اقتصادی ، همه درحال جریان است مگر در کنار این همه ، هنوز مسأله نفرت انگیزی بنام تبصیض نژادی (اپار تاید) بحال خود باقی است

و با وصف مخالفت های شدید اکثر کشورهای جهان بازهم در بعضی ممالک منجمله آفریقای جنوبی و رودیشبا وجود دارد و این مایه تأسف شدید ما است .

این بود پاره از مطالب درد تپای کنونی ما ، دنیائیکه چون کشتی بی لنگر هم لحظه بطرفی کج میشود اما مستو و لیتهای ملل متحد و اقدامات آن در راه صلح بین المللی نیز از جمله موضوعات قابل بحث است . بطوریکه گفتیم مسأله ویتنام ، نایجریا ، کشتی پیو بلو ، کشمیر ، مسأله شرق میانه و مهمتر از همه مسأله پهنونستان هنوز هم لاینحل میباشد .

هشت ملیون مردم بیگناه قبایل پهنوتون در چنین عصری از نعمت آزادی محروم اند و حکومت پاکستان بمانند سابق سعی میکند تا صدای آزادی طلبی آنان را فرو نشاند و نگذارد فریاد آنان در تالار شورای ملل متحد طنین اندازد .

این همه تخلفات صریح ، پرا بام های غامضی را پیشروی سازمان ملل متحد میگذارد که هر کدام در تثبیت یا انحلال صلح و سلم گیتی اثری دارد .

گویا امروز میلیونها انسان در جهان بنوعی به سر نوشت خود نگران اند و منتظر فعالیت های ملل متحد و ثمر آن میباشد .

اعلامیه حقوق بشر ، تساوی حقوق زنان و منشور ملل متحد بحيث مقدمه قانون اساسی بشریت بطور قاطع بوضاحت بشر را به صلح و آرامش دعوت مینماید اماحتی امضا کنندگان و طراحان این قوانین و پلاتها هم اطمینان ندارند که صد فیصد مردم جهان در زیر سایه آنها حمایت شوند .

و اما راجع باینده ، روی هم رفته نظری امیدبخشی از طرف اکثریت ابراز میشود و بشریت انتظار بهبودی دارد در حالیکه ازدیاد نفوس ، قلت مواد خوراکی ، مصارف مسابقات تسلیحاتی و هزارها مطلب دیگر

اتوم در چند کلمه ...

— در سال ۱۹۵۱ برای اولین بار اصطلاح انرژی اتمی سر زبانها افتاد و مدتی بعد قرن بیست را (قرن اتمی) نام نهادند .

— اولین نظریه راجع بخوردترین ذره اجسام توسط مردی بنام (موسس نیسنکی) در قرن ۱۲ ق.م از خانواده فینقی ابراز شد .

— بعد از طی یک سلسله نظریات موافق و مخالف بالاخره در قرن ۱۸ عیسوی دانشمند روسی بنام (لومانوسوف) نظریه اتمی اجسام را تشریح کرد .

و سرانجام بعد از یک سلسله فعالیتها توسط دانشمندانی چون دانستون از انگلستان در سال ۱۸۰۲ و مندلیف در سال ۱۸۶۹ از روسیه و رونگن در

۱۸۹۵ از آلمان ، هائری انتوان بکرل در ۱۸۹۶ از فرانسه تجربیات و نظریاتی روی عناصر و خواص اتمی صورت گرفت سرانجام انرژی متشعشع

یورا نیوم در حوالی سال ۱۸۹۷ توسط مادام کیوری کشف گردید .

— در سال ۱۹۰۵ انشتین فزیکدان بزرگ عالم نظریه نسبی را در حصه حرکت ذرات خورد که سرعت آن قابل مقایسه با سرعت نور باشد عرضه کرد و انقلابی در شناخت اتم بوجود آورد .

— در سال ۱۹۱۱ رادرفورد انگلیسی مودل نجومی اتمی را با چرخ مثبت و منفی پیشنهاد نمود .

— سرانجام در سال ۱۹۳۹ در حالی که اتم با ذرات پروتون و نیوترون شناخته شده بود با بوجود آمدن فزیک نیوترون راه استفاده از انرژی اتمی برای انسانها باز شد .

— در سال ۱۹۴۲ علماء و دانشمندان در امریکا اولین کوره اتمی را در شیکاگو امریکا ساختند .

— در ششم اگست ۱۹۴۵ اولین بمب اتمی امریکا در هیروشیما

جاپان و در نهم اگست همان سال بمب دوم اتمی در ناگازاکی جاپان منفلق گردید . خسارات بمب اول قرار ذیل است :

۷۸۱۵۰ نفر مقتول .

۱۳۹۸۲ نفر مقفود و لادرك .

۳۴۲۸ شدیداً مجروح .

۲۷۹۹۷ نفر خفیفاً مجروح .

و عده زیادی هم در اثر تشعشع اتمی دچار عوارض اختلال جسمی و روحی گردیدند .

بعد از ۱۹۴۵ ملل متحد دست با اقدامات زد و کوشید تا انرژی اتمی بخدمت صلح و پیشرفت علمی و اقتصادی در آید . (پایان)

(تبع نظریف)

بعنوان مشکلات عمیق وجود دارد با آنها خوشبینان سعی میکنند ذهن مردم را بسوی آینده درخشان و متشعشع متوجه سازند اگر باز هم نگاهی بدنیای پراز آشوب و کشمکش بیندازیم ، اثر محسوسی از روحیه صلح طلبی و امنیت خواهی می یابیم زیرا هر چه باشد بشر در مقابل قانون طبیعت گزیری جز توافق و تسلیم ندارد و این تنها راهیست که بجاده سعادت و نیک بختی منتهی میشود ما بحیث يك کشور غیر منسلک با محفوظ داشتن حق قضاوت آزاد ، همانطور که زعمای ما بارها توضیح فرموده اند کاملاً از منشور ملل متحد پشتیبانی کرده و مجادله برای صلح و بوجود آمدن فضای صمیمیت و حسن تفاهم بین المللی را تمنا میکنیم و آرزو داریم .

که در راه اقدامات مؤثر دیگر یکه در طریق صلح صورت میگیرد هشت ملیون مردم بهمتو نستان نیز بحق مسلم خود برسد و در قطار انسانهای آزاد در آید ، زیرا هدف و غایبه رسیدن به آرامش و انکشاف و همچنین دست یافتن به کرات آسمانی جز از راه صلح و همزیستی صمیمانه تأمین شده نمیتواند ، امروز همه انسانهای عالم هم آرا احساس کرده اند و ملل متحد نیز برای انجام همین مسؤولیت خطیر میکوشد ، همزیستی مسالمت آمیز امروز لغت آشنای در قاموس دنیای قرن بیستم بشمار می رود و معنی کامل را افاده کرده میتواند .

برای همین است که هر ساله روز ۲۴ اکتوبر بحیث يك روز تاریخی تجلیل میشود زیرا یکی از عالیترین شهکارهای تاریخی بشریت محسوب میگردد .

زنده باد آزادی و پایدار باد صلح (پایان)

در جهان عسکری

«کوسموس - ۱۶۱»

بتاریخ ۲۲ ماه می ۱۹۶۷ در اتحاد شوروی قمر مصنوعی موسوم به «کوسموس - ۱۶۱» بفضا پرتاب گردید. در داخل این قمر مصنوعی دستگاه های علمی برای اجرای تحقیقات فضای لایتنهای نصب میباشد. حکومت اتحاد شوروی نظر به پروگرام فضا نوردی خود که بتاریخ ۱۶ مارچ سال ۱۹۶۲ اعلام نموده بود از نوعی قمر مصنوعی موسوم به «کوسموس» مرتباً به فضا پرتاب می نمایند.

«کوسموس - ۱۶۱» بمدار قرار گرفته و در خلال مدت ۸،۸۹ دقیقه یک مراتبه به اطراف کره زمین گردش می کند. مسافه اعظمی این قمر مصنوعی از سطح زمین ۳۴۳ کیلو متر و مسافه اصغری آن ۲۰۵ کیلو متر است؛ مایلیت مدار گردش آن ۶۵،۷ درجه میباشد.

علاوه بر دستگاه های علمی استیشن فرستنده رادیوئی که به فریکوانسی ۱۹ / ۹۹۵ مگاهو سائیکل کار میکند سیستم رادیوئی برای به منظور اندازه گیری ذرات مواد در مدار، سیستم رادیو نده متریک برای مخابره کردن وضع آلات که به چه نوع کار میدهد و دستگاه های دیگر علمی در داخل این قمر مصنوعی نصب شده است.

شمه وسایل و دستگاه های داخل این قمر مصنوعی تا کنون بطور عادی کار میکنند. دستگاه های زمینی که از قمر مصنوعی مذکور مراقبت دارند اطلاعات مورد ضرورت از آن اخذ کرده و تحت مطالعه قرار میدهند.



دستگاه آخذة الکترونیکی - این دستگاه که در یونیورستی کلیفورنیا نصب است دارای قدرت دو چند آخذة یاملی دیش آنتن با ارتفاع ۲۱ متر بوده و جهت ایفا وظایف حالات جوی به فریکوانستی مخابراتی ضعیف استعمال می شود.

طیاره جدید «توپالیف ۱۰۴»

یک طیاره جدید موسوم به «توپالیف ۱۵۴» اتحاد جماهیر شوروی قرار است که در آینده نزدیکی به خطوط هوایی بین‌المللی بکار انداخته شود. طبق نظر یه متخصصین هوانوردی ملکی اتحاد شوروی طیاره فوق‌الذکر باید به جای طیارات «توپالیف ۱۰۴»، «ایلیوشن - ۱۸» و «انتونوف - ۱۰» بکار افتیده و آنها را عوض نماید. درین طیاره سه عدد انجن های نوع دو کسانتوری توربوجت نصب میگردد که هر سه در قسمت دنباله موقع اخذ می نمایند سرعت هوا پیمای ذکر شده ۹۰۰ کیلومتر در ساعت پیش بینی گردیده و سالون آن به تعداد یکصد و شصت نفر مسافر را می پذیرد. در صورتیکه این طیاره مودل بندی گردد امکانات گنجا یش (دو صد و بیست نفر) را بداخل خود دارد.

نمونه‌ای از یونیفورم
سر بازان پراشوتی



یکتن از عساکر قوای پراشوتی فرانسه با سلاح دست داشته‌اش

طیاره ۲۴ نفری تحت

ساختمان

طیاره «یکاولیف - ۴۰» که ظرفیت بار برداری آن بطور متوسط بیش بینی گردیده در حال حاضر در فابریکه طیاره سازی اتحاد شوروی تحت ساختمان قرار دارد. این طیاره بعد از اینکه دوره آزمایشات خود را طی کند به عوض طیارات «لی - ۲» و «انتونوف ۲» در خطوط محلی شوروی بکار انداخته خواهند شد. این طیاره که از نوع جت میباشد برای پرواز و فرود خود از میدانهای هوایی دارای طول ۷۰۰ متر خط رانوی استفاده صحیحی کرده میتواند.

قابل توجهی بهتر ساخته و در موضوع موادیکه در ترمیمات آن معمولاً مصرف میگردد صرفه جوئی خوبی دارد.

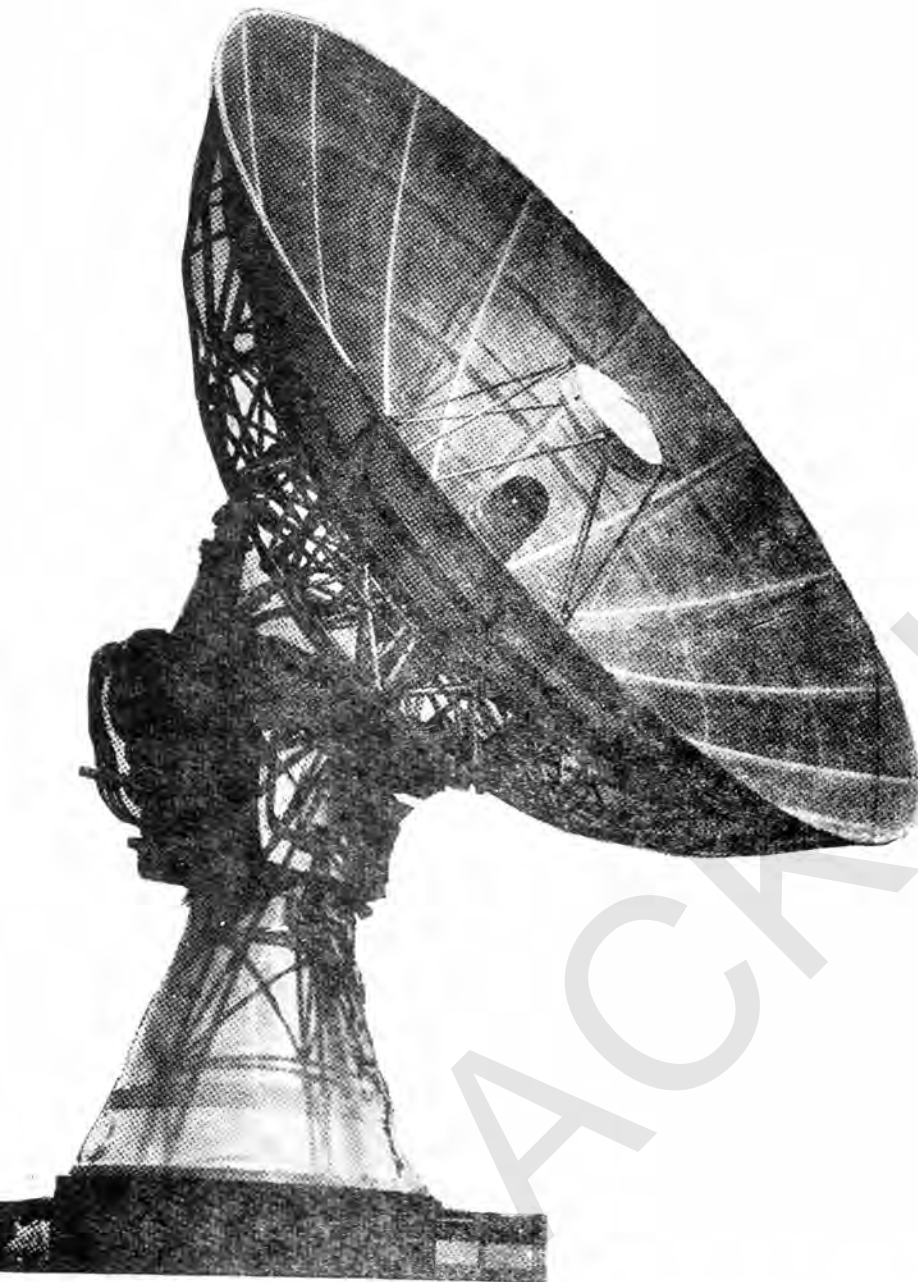


ماشین کوه پیگردار کننده

ویا « شارل » متحرک

امور مربوط به بار کردن سنگها از معدن کوهی و یا جغله در یائی به حیث يك یرابلم خیلی پیچیده و مشکل بشمار می آید . پیش برد این نوع کارها البته توسط (دندان ها) و یا اینکه وسایل بار کننده کوچک که ظرفیت برداشت آن از چند کینو گرام و یا حتی یک تن بیشتر باشد امکان پذیر نیست زیرا که بعضی پارچه های سنگ و غیره مواد معدنی ازده هاتن وزن بیشتر دارند و این کار را تنها ماشین های خیلی نیرومند کوه پیگردار اجرا کرده میتوانند . این ماشین کوه پیگردار در کمپنی موسوم به «لیتورنا» به ایالات متحده امریکا تولید گردیده است . این بارگردار مدل « SL 40 » میتواند در داخل بیلچه خود باری را بوزن هفتاد تن بمسافت چتصد متر انتقال دهد ماشین « SL 40 » با داشتن دو عدد انجن های دیزلی دارای نیروی

مجموعی ۹۵۰ قوه اسپ میباشد . درین ماشین انجن های آن در تفاوت از دیگر ماشین های بار کننده یا ترانسمیشن میخانیکی خود جنراتور برق را بکار انداخته و بعد از آن از برق جنراتور مذکور چهار عدد موتور برقی تغذیه میگیرند که در نزدیکی هپ تایرات قرار دارد . به همین سبب ساختمان ترانسمیشن بسیط گردیده و قابلیت اداره کردن



رادار تعقیب کننده اتوماتیک این رادار هدف خود را بدون کمک انسان ابعاد دو متری را از مسافت ۴۰۰۰ کیلومتر میتواند تعقیب کند .

تخلیه آن در بالای موتر و همچنان حرکت کردن آن باشد اجرا کند . با وجود داشتن وزن خیلی عظیم خود (که به ۷۶ تن میرسد) این ماشین بار کننده سرعت زیادی دارد و تا ۲۴ کیلو متر فاصله راه را در یک ساعت طی کرده میتواند .

ماشین در کوچ گردش های سرک و غیره ازدیاد می یابد . علاوه برین از اثر دستگاه های نیرومند دیزلی که عبارت از انجن ها میباشد این ماشین بار کننده در یک زمان میتواند همه عملیات اساسی را که عبارت از اخذ کردن سنگ و غیره در بیلچه

بتاریخ ۱۹ ماه سپتامبر ۱۹۶۷ مطابق ۲۷ سنبله سال جاری يك قمر مصنوعی فاسقد انسان از نوع «کوسوسوس» موفقانه به فضاپرتاب گردیده است این قمر مصنوعی که نمره مسلسل آن «کوسوسوس ۱۷۸» نشان داده شده در داخل آن وسایل تحقیقاتی علمی نصب گردیده است مقصود از پرتاب این قمر مصنوعی ادامه تحقیقات از فضای لایتنهای میباشد .

«کوسوسوس ۱۷۸» اکنون بمدار زمین در حال گردش بوده مسافت اعظمی آن از سطح زمین ۲۰۵ کیلومتر و فاصله اصغری آن ۱۴۵ کیلومتر میباشد مابلیت مدار گردش آن ۵۰ درجه گفته شده است . «از اخبار ایزویستییا»

جنگ امواج رادیویی

در امریکا

رادیوی ها و انا پایتخت کوبا اخیرا پروگرامی بزبان انگلیسی تهیه و پخش میکند که خطاب برمردم ایالات متحده و همه ساکنان قاره امریکا و اروپا است .

این پروگرام در حقیقت برود کاست مجدد پروگرامهایی است که از ویتنام شمالی بنام (صدای ویتنام) برود کاست میگردد .

تا بحال پروگرام های رادیوی معانوی در ویتنام شمالی که بزبان انگلیسی پخش میشده فقط در آسیای جنوب شرقی قابل شنیدن بود و اینک بکمک آله و تقویت این پروگرام بوسیله رادیوی کوبا، ویتنام شمالی امیدوارست جنگ امواج را بخاک دشمن خود و متحدین آن بکشاند

پولیس زیر دریائی

اولین اداره پولیس زیر دریائی جهان به ساحل مربوطه ممالکت فرانسه به فعالیت خود آغاز نموده است . اجرای این موضوع برای حفظ منابع ماهی بخر مدیترانه از دست غواصان (شکار چیان ماهی) بصورت غیر قانونی از ساحه ممالکت دیگری شکار می کنند) در نظر گرفته شده . مقامات پولیس فرانسه چنین کشف نموده که

غواصان در بسیاری از اوقات قواعد شکار زیر آب را برنهم می زنند و در موقع شکار از مرمی هائی کارسی گیرند که دارای گاز کاربن دای او کساید می باشد .

برای این منظور مامورین پولیس زیر دریائی فرانسه بصورت خاصی

طبق مقررات موضوعه اشخاصیکه در موقع مراقبت وجستجو در زیر آب یادریشی غواصی و اسلحه حاوی گاز کاربن دای او کساید دستگیر شود تحت جرایم نقدی می آیند و حتی در بعضی از موارد به حبس نیز محکوم خواهند شود .

مهتری

مهتری گر بکام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا بومردنت به زم رنگ روبروی

از : حنظله بادغیسی



آمادگی و مدافعه بمقابل استعمال

اٲرومی و کیمیاوی

در حرب عصری و امروزه لازم و ضروری است که تا بمقابل استعمال مواد رادیواکتیوی و مواد زهردار در هر نوع شرائط تمام جزو تمام های اردو آمادگی فوق العاده تدافعی را آموخته باشند .

ممالکی که دارای اردوهای

معصر بوده در در سخا نه ها و میدا نه های هوایی تمام هوا بازان و سائط مدافعه ضد اٲرومی و ضد کیمیاوی را میخوانند و مسائل حربی با استفاده از چنین سائط یاد میگیرند .

در عکس اول صاحب منصبان

اتحاد شوروی در ائنه ای یاد گرفتن و جریان در سهای مدافعه ضد اٲرومی و ضد کیمیاوی یداخل صنف دیده میشوند .

در میدان هوایی در نز دیک

ایستگاه طیارات زنگ خطر استعمال مواد کیمیاوی زده شد که « دشمن مواد زهردار محاروبی را استعمال نموده »



میدهد برای کشف مواد کیمیاوی شروع بفعالیت نموده .

خورد ضابطان کشف کیمیا اساساً بفعالیت و کار خود می افزایند .

و دریافت میدارند که آیا در کدام قسمت ساحه انتشار امواج و رادیاسی سواد اٲرومی و ذرات کیمیاوی زیاد اند و در آنجا یک اعلان « چارج شده » را اویران و نصب میکنند .

در عکس دوم دیده میشوند که عملیه تخنیک طیاره سریعاً طیاره را فعال میسازند و بقایای استعمال مواد زهردار محاروبی دشمن را از بین می برند .

تا اینکه طیاره واپس به وظایف محاروبی آماده شود .



دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز تصدیقنامه های مداومین کورس تکامل را توزیع فرمودند

اخبار



دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز حینیکه تصدیقنامه های فارغ التحصیلان کورس (آ) به یکتن از شاگردان آن توزیع میفرمایند .

ساعت ۴ بعد از ظهر چهار شنبه سوم میزان ۱۳۴۷ محفلی به مناسبت توزیع تصدیقنامه های فارغ التحصیلان کورس تکامل در کورس (آ) ترتیب گردیده بود که در آن جنرالان اردوی شاهانه و یکتعداد از صاحب منصبان عالیرتبه، متخصصین، هیأت تدریسی واداری و مداومین کورس تکامل حضور بهم رسانیده بودند .



عده ای از جنرالان اردوی شاهانه، استادان و فارغ التحصیلان در محفل توزیع تصدیق نامه های کورس (آ) .

در ابتدا دگروال ارکانحرب محمد آصف قوماندان کورس (آ) بیانیه منصل در محضر مدعوین ایراد نموده و منظور از رویکار آمدن این کورس را در راه انکشاف سویه تعلیمی و علمی صاحب منصبان یک امر لازمی شمرده بسوابق و خدمات این کورس در راه تنویر اذهان و انکشاف تعلیم و تربیه منسویین اردوی شاهای افغان روشنی افکندند . و در ضمن از حضور ع، ع، ش دگر جنرال لوی درستیز خواهش نمود تا بدست خویش تصدیقنامه های مداومین را به ایشان توزیع فرمایند . دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز بعد از توزیع تصدیق نامه ها ضمن بیانیه قیمتدار شان فارغ التحصیلان را مخاطب قرار داده فرمودند :

خیلی مسرورم که اینک باردیگر به توفیق خداوند توانا موقع مییابیم نوره دیگر کورس تکامل را موقفانه بیابان رسانیده و بدینوسیله در انکشاف سویه علمی و قابلیت مسلکی صاحب منصبان اردو قدمهای دیگر به پیش برداریم .

بناغلی لوی درستیز ضمن بیانات ایشان، در شرایط کنونی که انکشافات بزرگی در تسلیحات و تجهیزات بعمل آمده است نقش قضاوت و انسیاتیف صاحب منصبان را که مستقیماً به سویه معلومات مسلکی آنها مربوط می باشد توضیح نموده خاطر نشان کردند که خوشبختانه کورسهای مسلکی که از چندین سال به اینطرف در کورس (آ) دایر میگردد تا اندازه زیادی توانسته است در بلند بردن سویه

معلومات تخنیککی، تسکتیککی و اوپراتیفی صاحب منصبان خدمات برجسته ای انجام دهد .

دگر جنرال لوی درستیز بهفاد پروگرامهای تعلیمی کورس تکامل اشاره نموده فرمودند که مطالب پروگرامهای موصوف طوری ترتیب یافته بود تا بوسیله آن صاحب منصبان معلومات اساسی را در موضوعات مختلفه که اجرای وظایف آینده ایشانرا آسانتر ساخته بتواند، فرا گیرند .

ایشان ضمناً اهمیت علاقمندی به وظیفه و ثبات فزیککی و فکری را در انجام مکلفیت های ملی یاد آوری نموده توصیه کردند که هر کس باید بدون توجه به مطالب غرض آلود بکمال صداقت تنها در راه وظیفه فعالیت نماید و مقام خود را بحیث یک فرد صالح مملکت محافظه کند .



دگروال ارکانحرب محمد آصف قوماندان کورس حین ایراد بیانیه در محفل توزیع تصدیق نامه های کورس (آ)

بناغلی لوی درستیز آرزو کردند که فارغ التحصیلان در زمان خدمت خود به اتکا به معلومات جدید خویش بیش از پیش در انجام وظایف خود موفق باشند .

طلاب ممتاز و زحمتکش

قوماندانی محترم حربی بیونخی همه ساله یکنعداد طلاب لایق و زحمت کش خود را که با ابراز لیاقت و شایستگی مقامات اول راحایز می شوند بمقام محترم وزارت دفاع ملی معرفی میدارند ، در حقیقت این فرزندان بالاستعداد وطن از جمله کسانی هستند که باعزیز قریزی ها و موساعی شیا روزی خود توأم با موفقیت در چوکات وظیفه شناسی مراحل اول زندگی خود را می پیمایند یقین است با امتحانیکه امروز میدهند در آینده نیز مصدر خدمات برجسته ای بوطن عزیز خود گردند .

برید جنرال محمد عثمان اسدی قوماندان حربی بیونخی جهت تشویق و ترغیب رشد سویه جسمی و فیکری طلاب سالها با اینطرف مساعی بخرج میدهند فوتوهای طلاب مذکور رایبه مجله اردو فرستادند تا زحمت کشی های شان آشکارا گردد .

مدیریت عمومی نشریات ضمن تشکر از ایشان و اظهار تبریک باین فرزندان صدیق وطن فوتوهای شان را در مجله اردو نشر و موفقیت مزید شانرا از خداوند (ج) همیشه خوانماییم .



عبدالخالق ولد عبدالخالق

فعال سوم نمره عمومی صنف ۱۲ نال
بوده در صنف ۱۰ به درجه سوم و
در صنف ۱۱ به درجه دوم موفق
گردیده است .



نظر محمود ولد غلام نیز فعال دوم نمره
عمومی صنف ۱۲ ج بوده در صنف
۱۱ و ۹ به درجه سوم و در صنف ۱۰
به درجه سوم موفق گردیده است .



اسدالله ولد خیرالدین فعلا

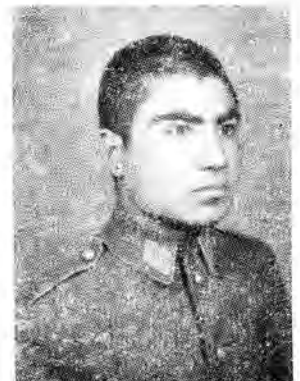
اول نمره عمومی صنف ۱۲ الف بوده
در صنف ۱۱ - ۱۰ - ۹ و ۸ نیز
به درجه اول موفق گردیده است .



بسم الله ولد محمد صابر فعلا
سوم نمره عمومی صنف ۱۱ ب میباشد



محمد اسمعیل ولد غلام جیلانی
فعال دوم نمره عمومی صنف ۱۱ الف
بوده در صنف ۱۰ به درجه دوم
و در صنف ۹ به درجه سوم و در صنف
۸ به درجه اول موفق گردیده است .



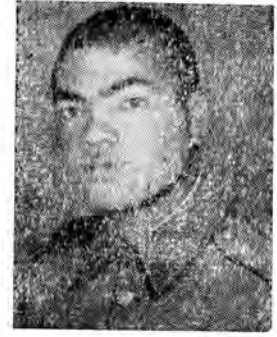
حبیب الرحمن ولد حبیب الله
فعال اول نمره عمومی صنف ۱۱ ب
بوده در صنف ۱۰ و نیز به درجه
اول و در صنف ۸ به درجه دوم
موفق گردیده است .



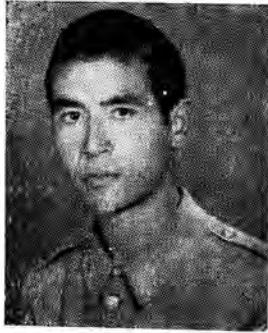
محمد عتیق ولد عبدالشکور فعلا
سوم نمره عمومی صنف ۱۰ ب بوده
در صنف ۹ نیز به درجه سوم موفق
گردیده است .



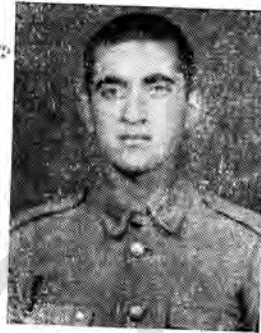
محمد علی ولد عبد العلی
فعلا دوم نمره عمومی صنف ۱۰ الف
بوده در صنف ۹ و ۸ نیز به درجه
دوم موفق گردیده است .



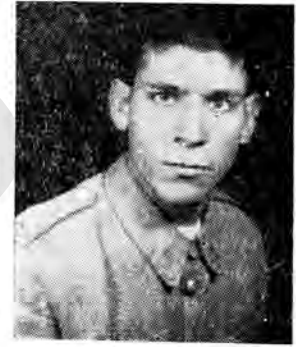
عبد الرحیم ولد احمد گل فعلا
اول نمره عمومی صنف ۱۰ ق بوده
در صنف ۹ و ۸ نیز به درجه اول
موفق گردیده است .



خیرالدین ولد محمد
فعلا سوم نمره عمومی صنف ۹ ب بوده
در صنف ۸ نیز به درجه سوم موفق
گردیده است .



محمد ابراهیم ولد عبد الرحمن
فعلا دوم نمره عمومی صنف ۹ ک
بوده به صنف ۸ نیز به درجه دوم
موفق گردیده است .



محمد نبی ولد نورالدین فعلا
اول نمره عمومی صنف ۹ دال
بوده به صنف هشت نیز به درجه
اول موفق گردیده است .



عبدالسمع ولد احمد گل فعلا
سوم نمره عمومی صنف ۸ دال است .

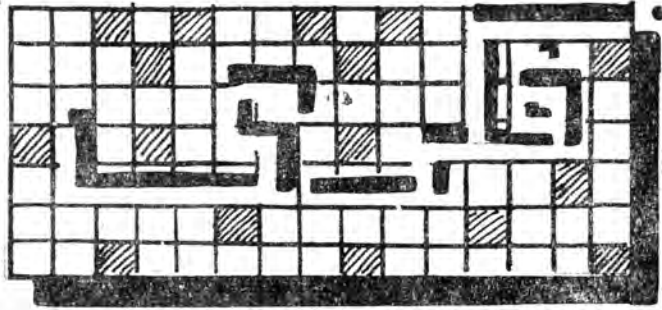


در محمد ولد عبد المحمد فعلا
دوم نمره عمومی صنف ۸ ج است .



محمد سعید ولد محمد رجب فعلا
اول نمره عمومی صنف ۹ ب بوده
در صنف ۸ نیز به درجه سوم موفق
گردیده است .

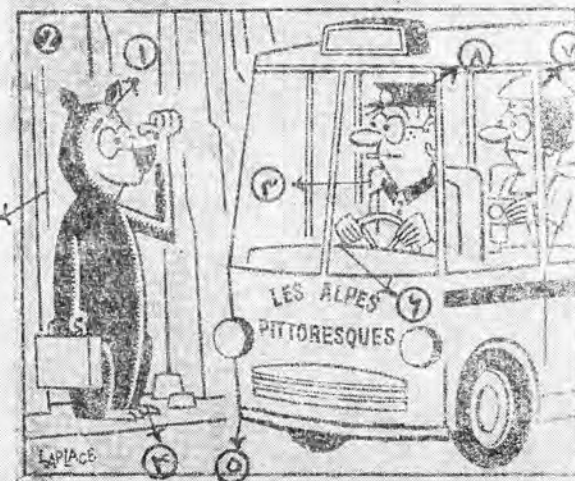
مشغولیتبای



تهیه و ترتیب: نالقانی

حل کنندگان مسابقات مشغولیت های فکری شماره قبلی بدینقرار اند.

چند اختلافی



بناغلی عبدالعزیز



بناغلی محمد موسی «قرباززاده»



بناغلی شاه محمود



بیغله پشتون بناغلی امام الدین امیری بناغلی شهباز خاکسار

و همچنان میرزا محمد ، غلام ربانی ، بیغله شاه پیری ، حسام الدین متعلم صنف ۷ ح ، بن ، بیغله زلیخا از لیسسه شاهدخت یاقیس ، بیغله دما از لیسسه رابعه بلخی ، محمد علی متعلم لیسسه غازی ، عبدالرحمن و جان محمد متعلمین لیسسه نادریه ، بیغله ماری از لیسسه رابعه بلخی ، بیغله توریه ، بیغله نادره از لیسسه عایشه درانی ، دین محمد ، محمد اسام از لیسسه حبیبیه و عقل الدین از حربی شوونگی فخرالدین افراک تقلید خدمت ، عیدالصبور صبوری متعلم صنف ۷ لیسسه حبیبیه و محمد اکبر فیض مند میباشد .

حل هشت اختلاف شماره قبلی اینک درین دو فوتو که ظاهرآ باهم شباهت دارند توسط عدد نشان داده شده است .

تفسیر بیت فردوسی

نشانه نهادند بر اسپ ریس
سیاوش نکرد ایچ با کس مکیس
استاد سعید نفیسی در خصوص
تفسیر این «فرد» مینویسد: کلمه
اسپ ریس يك کلمه فارسی اصیل است
بمعنی «میدان اسپ دوانی» مقصود
از نشانه نهادن گذاشتن نشانه در
میدان اسپ دوانیست که هر سواری
زود تر بآن برسد جایزه را ببرد.
«مکیس» درین جاه بمعنی همان
جایزه و پاداشیست که در اسپ
دوانی هامی دهند و ایچ همان کلمه‌ای
هیچ است و «سیاوش نکرد ایچ با
کس مکیس» یعنی سیاوش بدیگران
که در مسابقه شرکت میکردند مجال
نداد که جایزه و پاداش را بگیرند

ریختن معنی فراوانی را دارد و سینه
ریز یعنی دارای دانه‌ها و مهره‌های
فراوان در روی سینه.

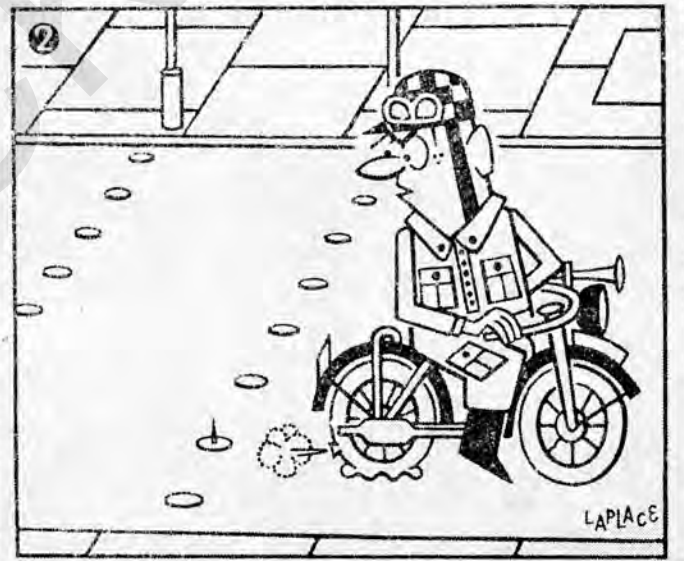
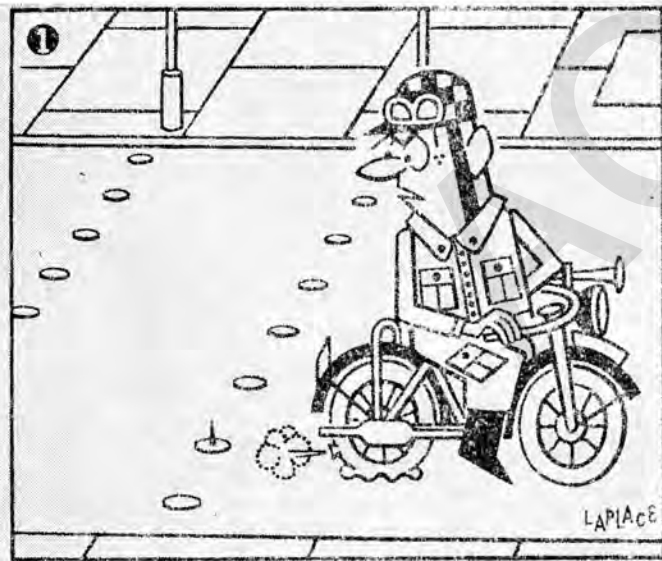
حل معمای (ساختن منزل در
چهار سمت که بطرف جنوب است):
اگر فرض کنیم که امکان داشت
در قطب شمال ساختمان کنند تمام
پنجپرده‌های آن ساختمان روبه جنوب
قرار میگرفتند.

لطفاً این معما را حل کنید

دو مرد قطعه بازی میکردند قرار
ایشان آن بود که هر بازی ده افغانی
برد یا باخت باشد در خاتمه بازی
یکی سه دفعه برنده شد و دیگری ۳۰
افغانی برد آیا میتوانید بگوئید جمعاً
چند دفعه بازی کردند؟

حالا موضوع سر اینست که این کلمه
اسپ ریس از کجا آمده و سپاوند
ریس در آخر آن چه معنی میدهد؟
متأسفانه برخی از فرهنگ نویسان
کلمه‌ی اسپ ریس را «اسپ رس»
هم خوانده اند و آنرا مرکب از
«اسپ» و فعل، رسیدن» تصور
کرده اند و چون این کلمه بشکل
«اسپ ریز» هم آمده پیداست که ریس
اینجا شکل دیگری از کلمه ریز از
فعل ریختن است زیرا که در فارسی
گاهی ز به سین بدل میشود یکی
از معانی فعل ریختن، فراوان بودن
است چنانچه در کلمه‌ای «سینه ریز»
که هنوز در زبان زنها هست به
معنی گردن بند و سینه بندیست که
دانه‌های فراوان داشته باشد پس

چند اختلاف



دوفوتوی فوق در ظاهر با هم بکلی شباهت دارند اما اگر بدقت مطالعه گردد چند اختلاف در آنها
موجود است در صورتیکه موفق شدید لطفاً جواب این اختلاف را با معماً و سرگرمی هایکه ترتیب
میدهد به آمريت مجله اردو به مدیریت عمومی نشریات وزارت دفاع ملی بفرستید.

تصحیح:

در شماره مجله اردو در صفحات جهان عسکری بعوض موثرهای زره پوش کلمه تانک استعمال شده
است از خوانندگان ارجمند خواهش میرود عوض تانک زره پوش بخوانند.



عده ای از سر بازان گارد شاهی افغان بحال صف

وزارت دفاع ملی - ستر درستیز

مدیریت عمومی نشریات - مجلهء اردو

اتمه ۵۸ گنجه - د ۱۳۴۷ کال د لړم د میاشت

د تاسیس کال ۲۱ حمل ۱۲۹۹



AFGHAN ARMY REVIEW

Address: De urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Subscription rate For Foreign Countries: 5 dollars

NOV. 1968

Tel. 24574

د ملی دفاع مطبعه

افغانستان کابل